

RE



WERT
BOOKBINDING
Grantville, Pa.
Mar - Apr 1986
We're Quality Bound

Princeton University Library



32101 077955084

PRINCETON UNIVERSITY LIBRARY

*This book is due on the latest date
stamped below. Please return or renew
by this date.*

JUN 15 2013

انتشارات فرهنگ ایران زمین

۶

جامع النخبرات

وقفنامه سید رکن الدین حسینی یزدی

(قرون هفتم و هشتم هجری)

بکوشش

محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار



تهران - ۱۳۴۱

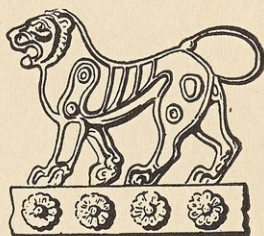
جامع الخیرات

وقفنامه سید رکن الدین حسینی یزدی

(قرون هفتم و هشتم هجری)

بکوشش

محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار



(RECAP)

HV 385

2

R84

این کتاب نخست جزو « فرهنگ ایران زمین » سال نهم
(۱۳۴۰) ودویست نسخه از آن با مقدمه و فهرس اعلام
اشخاص و اماکن بصورت جداگانه در چاپ مسطح شرکت
سهامی افست درفروردین ۱۳۴۱ بطبع رسید .

بها: ۱۵۰ ریال

32101 009548585

فهرست مندرجات

- | | |
|---------|--------------------------------|
| ۴-۳ | ۱ - دیباچه (ایرج افشار) |
| ۶-۵ | ۲ - مقدمه (محمد تقی دانش‌پژوه) |
| ۱-۲۰۹ | ۳ - متن جامع‌الخیرات |
| ۲۱۳-۲۲۱ | ۴ - فهرست اشخاص و اقوام |
| ۲۲۲-۲۳۱ | ۵ - فهرست جغرافیائی |

۱۰۴۵۱۵۷

د بیاجه

هنگامي که به تصحيح و آماده کردن کتاب «تاریخ یزد» تألیف جعفر ابن محمد بن حسن جعفری از متون تاریخی قرن نهم هجری (چاپ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸) و پس از آن جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی از تألیفات قرن یازدهم هجری (چاپ تهران، کتابفروشی اسدی ۱۳۴۰) برای طبع مشغول بودم به نسخه‌ای از سواد وقفنامه سید رکن الدین محمد بن نظام از رجال بزرگ و خیر و صاحب ابنیه و آثار بسیار در شهر یزد برخوردی که آقای سیدعلی محمد وزیری آنرا در اختیارم گذاشتند. در تعلیقات دو کتاب مذکور ذیل بدست دادن ترجمه حال سید رکن الدین به وجود وقفنامه مذکور اشاره کرده‌ام. سید رکن الدین محمد در گذشته ۷۳۲ بشرحی که از تواریخ یزد بر می آید و وقفنامه مفصل و مشروح او نشان می دهد در آبادانی شهر مذکور بسیار کوشید و رقبات کثیری را بوقف از خود باقی گذارده اما اکنون کمتر اثری از آنها باقی است.

چون این وقفنامه یکی از اسناد تاریخی مربوط به شهر یزد و محتوی بر نکات و دقایقی در تاریخ وقف و متضمن فوایدی از جهت جغرافیای تاریخی منطقه مذکور و مشتمل بر اطلاعات اجتماعی و اسامی عده‌ای از رجال از قرون هفتم و هشتم هجری است طبع آن مفید و لازم دانسته شد.

احوال سید رکن الدین و فرزندش سید شمس الدین در تواریخ یزد ضبط است و من در حواشی تاریخ یزد جعفری و جامع مفیدی محمد مفید مستوفی بدان اشاره کرده‌ام و در مقدمه آقای دانش پژوه که پس ازین می آید به مراجع احوال او اشاره شده است.

وقفنامه مذکور که اینک طبع میشود از روی نسخه‌ای است که آقای

وزیری برای خود نویسانده‌اند و شرح پیدا شدن نسخه مسوده قدیمی را (که سواد است نه اصل) بشرح زیر مرقوم داشته‌اند :

«در عز آباد شش فرسخی یزد محل سکونت بسیاری از سادات که اولاد مرحوم سید رکن‌الدین‌اند و بعضی نام فامیلی رکن‌الدینی گرفته‌اند در لای دیواری که بنامی می‌کردند پیدا شده روی يك كوزه سفالی و بالای آن يك دانه تسبیح نهاده بوده و بخط عربی و نیم ورقی که بحمدالله با وسائلی بدست آورده و استنساخ شد.»

در تصحیح متن آن دوست دانشمند آقای محمدتقی دانش پژوه همت مخصوص کرد و خوشوقتیم که توفیق طبع این وقف‌نامه را پیدا کردیم .

پس از اینکه اعلام تاریخی و جغرافیائی متن را مشخص و معلوم کردم آقای محمد ابراهیم زندی که ازدوستان پاکدل و پرکارست به استخراج آنها پرداخت و فهرستی که در انتهای متن طبع شده است حاصل زحمات ایشان است . متن این وقف‌نامه بدون فهارس ابتدا در سال نهم فرهنگ ایران زمین بچاپ رسید و چون متن مهم و تاریخی است دو یست نسخه از آن با فهارس بطور مجزا در سلسله انتشارات جداگانه فرهنگ ایران زمین انتشار یافت .

ایرج افشار

مرتضی اعظم قاضی امیرسید رکن الدین ابوالمکارم محمد بن قوام الدین محمد بن نظام حسینی یزدی وزیر سلطان ابوسعید و در گذشته ۷۳۲ که در یزد میزیسته و از بزرگان آن شهر بوده است و پسرش امیر شمس الدین ابو عبدالله محمد در گذشته در تبریز در ۷۳۳ آثاری از خود در چند شهر بیادگار گذاشته اند. کتابی که اینک در دست داریم متن وقفنامه همین سید رکن الدین یزدی و پسر او است که در عز آباد شش فرسنگی یزد که مسکن بسیاری از سادات نواده او است در لای دیواری روی یک کوزه سفالین که بالای آن دانه ای تسبیح نهاده بوده است پیدا شده و جناب آقای سید محمد علی وزیری دانشمند روحانی بزرگوار یزد در سال ۱۳۶۶ از روی آن نسخه نویسانده اند و آن را در اختیار ما گذارده اند. من بسیار خرسندم که با همکاری دوست دانشمند توانستم در چاپ آن اقدام کنم و این سند مذهبی تاریخی و جغرافیائی را که نکاتی دقیق در بردارد در فرهنگ ایران زمین بگنجانم. با کمال تأسف ما باصل نسخه دست نیافتیم و جز نسخه آقای وزیری نسخه دیگری نداشتیم. بسیاری از کلمات و اعلام آن در بسیاری از جاها بی نقطه بود و ناگزیر در بسیاری از جاها تصحیح قیاسی کردیم و در برخی از جاها کلمات را بی نقطه همانگونه که در نسخه چاپ کردیم.

نام این کتاب چنانکه در ص ۷۹ می بینیم «جامع الخیرات» است و در جامع مفیدی (ص ۶۶۰) از آن بنام «وقف نامچه» یاد گشته است. تاریخ گواهی گواهان آن چنانکه در پایان صورت خط آنها دیده میشود محرم ۷۳۶ و ۳ شعبان ۷۳۵ و ذی حجه ۷۳۹ و ۳۸ رجب ۷۳۳ و محرم ۷۳۶ و نیمه محرم ۷۳۶ و صفر ۷۳۳ و شوال ۷۴۸ یعنی پس از مرگ دو واقف است.

آثار خیر رکن الدین و پسرش گذشته از جامع الخیرات در تاریخ یزد و جامع مفیدی هم شرح داده شده و شایسته است محققان به خود این وقفنامه که مابدست میدهیم و به آن دو کتاب دیگر بدقت بنگرند و دقایق تاریخی و جغرافیایی مربوط را استخراج کنند و روشن سازند که در این وقفها که این دو تن کرده اند چه صلاح اندیشیها و نیکخواهیها نهفته است و وضع زندگی مردم آن روز چگونه بوده است و امروزه آن آثار بیچه طرزی است .

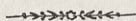
این نکته را هم بگویم که خلیل بن ابی بکر بن خلیل آملی برای همین سید رکن الدین یزدی در سال ۷۲۵ رصدی بسیار شگفت انگیز ساخته است که شرح آن را در تاریخ یزد (ص ۸۱-۸۳) میخوانیم. گویا سرنوشت چنین بود که نگارنده این سطور که از مردم شهر آمل است پسر از ۶۵۵ سال در کار نشر «وقف نامه» آثار خیر او و پسرش که «جامع الخیرات» نامیده میشود شرکت جوید .

برای سرگذشت این دو واقف بنگرید به گاهنامه سال ۱۳۱۱ ص ۱۴۳- تاریخ یزد چاپ ایرج افشار (تهران ۱۳۳۸) ص ۷۴ و ۷۵ و ۸۶ و ۸۱ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۱۰۱ و ۱۱۸ و ۲۰۸- جامع مفیدی چاپ ایرج افشار (تهران ۱۳۴۰) ص ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۴۷۶ و ۵۳۵ و ۵۴۳ و ۵۴۵- ۵۶۰ و ۵۶۳ و ۶۴۳ و ۶۵۰ و ۶۵۲ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۶۰ و ۶۶۱- خود همین جامع الخیرات - تاریخ گزیده چاپ دکتر عبدالحسین نوایی (تهران ۱۳۴۰) ص ۶۲۲- مجمل فصیح خوافی چاپ محمود فرخ (مشهد ۱۳۴۰) ص ۴۳ .

محمد تقی دانش پژوه

جامع الخيرات

(وقف نامه سيدركن الدين)



بتصحیح

محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار

(متن وقف نامه)

الحمد لله الذى وفق لعباده المخلصين لترصين دعائم الحسانات
والهمهم تأسيس معاهد البر و تمهيد قواعد المكرمات ، ابدى على ايد
المؤيدين منهم صنايع الطول والاحسان واجرى بمساعيهم الجميلة اصناف
العوارف والامتنان ، نشر بميامن آثارهم اجنحة الرغد والجود ، و نصر
برشحات مبارهم وجوه اهل الوجود ، حتى استقروا فى ذيل عطيتهم
مترقلين ، فاستراحوا من فرط افاضتهم منعمين ، فهؤلاء هم المختارون
من بين الانام ، المخصوصون بعناية الملك العالم ، اذ اصبحوا مقصورى
الهمم على نجاح الحوائج ، وغادت بمكاتبهم الى نفاق اسواق الاتقان روائج ،
فله الحمد على ما خصصهم بفضلهم ، وافاض عليهم من اللطف اجزله ، وله
الشكر على ان جعلهم وسائل الابلاء ، وصيرهم ذرائع رواء وارواء ، ثم الصلوة
على من شرع مكارم الاخلاق ، وتشعشت من نوره كل ذى ضوء و اشراق ،
هو المبعوث الى جنه وانسه المنعوت بجيازة حبه وانسه ، محمدا المصطفى ،
وعترته اهل التقوى وصحبه نجوم الهدى .

اما بعد فمما سمحت به الادوار ، ومن بذلك الفلك الدور ، تأييد
اثنين لاثالث لهما ، ولا فى الوجود من عاد لهما ، حيث اتى فى حجر ظئر العناية
الازلية اصلا ، ثم فرع من ذلك الاصل سلاله ونسلا ، و الى ذلك جرى
الايما فى قوله تعالى : اصلها ثابت وفرعها فى السماء ، والله در القائل - شعر :

فما اعلاهما اصلا و فرعا تقاصر عن صعودهما الكواكب

فاما الاصل قد جاز الثريا و اما الفرع صانه الهواقب

نعم والاصل للآفاق ركن نعم و الفرع شمس لا يغارب

- وهما الذان افتخر بهما الموان ، واستضاء بانوار آرائهما القمران ،
 قد خصهما الله تعالى بالكمالات القدسية ، والفضائل الانسية ، وايد هما
 بالعنايات الابدية ، وامدهما بالسعادة السرمدية ، واختارهما على جميع
 الناس من غير ريب والتباس ، اعنى المولى العالى الاعظم ولى الله الوالى
 الاكرم ، الذى ارتقى الى غايات العلى ونهايات ذرى المجد والندى و ٥
 اقتدى بطريقة الحميدة ارباب التقن والهدى ، ووضع قواعد الخيرات
 فى العالمين ، ورفع اعلام البر والويرة المبرت المبقية الى انقراض العالم ،
 صلاح امور الدنيا والدين ، سلطان سلاطين القضاة والنقبا فى عهده وزمانه ،
 مؤئل صناديد الحكم فى اوانه ركن الحق والدنيا والدين عون الضعفا
 والمساكين ، اشرف من زار بيت الله رب العالمين ، ابا المكارم محمد بن ١٠
 المولى الاعظم المغفور الواصل الى رحمة الملك الغفور ، زين العابدين
 الثانى ، ولى المكشفات والمعانى قوام الحق والدين محمد بن النظام
 الحسينى ، بوأه الله اعلى عليين ، وخشعه مع النبيين والسديقين و
 الشهداء والصالحين ، و حسن أولئك رفيقا . فانه والله كان بذلك حقيقا
 وابنه الارفع اعلى ومن بالحكم والحكم والايالة والوزارة احق واولى ، ١٥
 المولى الاعظم الاعدل ، صاحب الاعلم الاكمل ، قاضى قضاة ممالك الاسلام ،
 مالك اعنة النقض والابرار ، باسط بساط العدل والانصاف ، كاشط رسوم الجور
 والاعتساف ، مظهر اللطف والرفقة ، مفرع الجمهور ومرجع الكافة ، صاحب
 المناقب والمناسب ، الفايق على من فى المشارق والمغارب ، الواطى باقدام ٢٠
 همته قمم الافلاك ، النافذ امره على المماليك والملاك ، المنتصر للمظلومين
 من الظلمة ، الجارى حكمه فى الغور والنجد والاكمة ، المتجاوز قدره
 عما وراء سبع الطباق ، المتصدى فى مساند الشريعة بالا مستحقاق ، نظام

الممالك منقذ خلق الله من المهالك ، رفيع القدر عظيم الشأن موئل صناديد الزمان ، المشكور سعيه الجميل ، الصارف عمره العزيز في طاعة الملك الجليل ، خلاصة نوع الانسان ، زبدة نتائج الدوران ، شمس الحق والدين والدین ، عون الاسلام ومعين المسلمين ، حجة الجق على الخلق اجمعين ، اشرف ابناء الماء والطين ، ملاذ اولاد سيد المرسلين ، خليفة الله في الارضين ٥
ابو عبدالله محمد اعلى الله شأنه واعز انصاره واعوانه .

فاتقق لهما بعون الله وحسن امداده ما لم يتفق لاحد في الزمان مع امتداده ، اذا سبلا على مناكب الارض اودية عواطفهما ، واصالافى مذاهب الافاق اودية عوارفهما ، حتى ارتضع من افوايق برهما الصغير والكبير ، واحتسى من كؤس انعامهما الحقيق والخطير ، كم من بقاع خير قد شيداها ، ومساكن بر قد مهداها ، وكم من محاويج قد غرقوا في بحار الاضطرار ، واحترقوا بنار الافتراق ، فمن تلك النوائب انتقذاهم ، وازاحعن اعينهم قذاهم ، ثم لم يقنعا بذلك بل ملاء اكمام الاعلام ، واردان الاعيان من زهرات ثمرات الندى والامتنان ، ونفعا نارسادسا (؟) جودهما كل من في جب الافلاك ، واترعا من جنباهما اوانى الامانى والامال ، وتلك محاسن لم يعطها الله غيرهما ، وهذه شمائل لم يتفضل بها الا لهما ، ولقد كفى شاهداً على اعتلاء همتهما وارتقاء رتبهتهما ، و امتيازهما عن كافة البرايا...
المفاخرة والمزايا ، واستجماع رأيهما لكمال الدين والدول ، وامتناع صفاتهما عن الاقتران بالعيب والخلل . وما بقى عنهما من آثار العمران في كثير من القرى والبلدان ، فحقيق ان نزرى بمن سبقهما من ذوى المكارم والمآثر ، وتنسى ذكرهم عن صفحات القرايح وصفائح الخواطر .

هذا وان الغرض من تحرير هذا الفصل امران :

احدهما

تعداد المساجد والبقاع التي انشأها الوالد والوالد في الاقطار والاصقاع من المساجد والجوامع والمدارس ودار السيادة ودار الحديث والخانقاهات والاربطة ودار الشفاء وبيت الادوية ودار الكتب وقد بلغت اعداد تلك البقاع المنسوبة اليهما عند التعداد خمسة واربعين بأمان ٥ ابواب البر ومفاتيح الخير.

اما اللاتي قد انشأها واستحدثها المولى الاعظم الوالد على الله درجته وطيب روضته فهي ثلاث وعشرون بقعة قد وقفها ووقف عليها نفائس الاملاك والحصص وحوالص المزارع والقنى حسبما نطق تذكروها الحج الشرعية والوثائق الدينية: كل منها بتايخ معين. ١٠

اما المساجد فاربعة:

منها المسجد الواقع خارج بلدة يزدا التي هي مسقط رأسه و محل استيناسه بموضع يدعى مصلى عتيق.

ومنها المسجد الواقع داخل البلدة المشتهر بمسجد پای درخت.

ومنها المسجد الواقع ايضاً داخلها في محلة يدعى باغ سراي نو ١٥ في جوار مسجد منسوب الى الشيخ المرحوم المعيدى المغفور تقى الدين شيخ احمد قدس الله روحه.

ومنها المسجد الواقع خارج البلدة قرب درب مهر يجرى في حد المصلى الكبير.

واما المدارس فثلاث:

منها المدرسة الرفيعة المسماة بالسركنية التي بناها داخل البلدة في محلة مدعوة بباب الوسادة بجانب المدرسة المحمود شاهية مع ما يتبعها من الرصد المربوط خداء باب المدرسة والمسجد الساقط في دهليز تلك

المدرسة قد كان منهدماً الى زمانه فعمره تمسكاً بقوله تعالى انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر .

ومنها المدرسة المشتملة على ثلاث بقاع هي: دار الحديث ودار الكتب ودار الادوية، الواقع كلها داخل بلدة اصفهان حميت عن الحدثان ٥ في موضع من السوق يدعى بيازار خواجه (١) محمود .

ومنها المدرسة التي جعلها دار الشفا قد بناها داخل بلدة يزد حرسها الله تعالى بجنب المدرسة الركنية وقد كان اشتهارها اولاً بالمدرسة .

واما الخانقاهات فتسع :

منها الخانقاه التي بناها خارج البلدة المشتهرة بخانقاه سرريگ ١٠ الواقعه في حدّ الخان المدعو بكاروانسرای القاضي وهي من موقوفات البقاع المولوية الاعظمية الشمسية .

ومنها الخانقاه التي انشأها في محلة درب كوشكنو المستغنية بهذا عن التعريف والتحديد .

ومنها الخانقاه التي ابتدعها خارج البلدة في موضع يدعى بدرب ١٥ قطريان المشتهرة بخانقاه هذا الدرب .

ومنها الخانقاه التي اتخذها في قرية ابرنداباد من قرى بلدة يزد حماها الله تعالى .

ومنها الخانقاه الواقعة في قرية مجومرد من قرى البلدة .

ومنها الخانقاه التي استحدثها في قرية تغت ايضاً من قرى البلدة

٢٠ المذكورة وهي اقرب قرى قهستان يزد .

ومنها الخانقاه التي بناها خارج بلدة كاشان حميت عن الحدثان في موضع يدعى دروازه بازار .

ومنها الخانقاه التى انشأها فى محروسة ابرقوه خارج البلدة و هى المسماة بالرّ كنيّة الواقعة بقرب الدرب المنسوب الى قطب الاولياء طوس الحرمين قدس الله روحه .

ومنها الخانقاه الواقعة داخل بلدة نائين فى موضع يدعى باغ سعيد على شارع يزد قرب الدرب المسمى بكورراى .

واما الاربطة فاربعة:

منها الرباط الواقع فى كاشان بجانب الخانقاه المذكوره .

ومنها الرباط المبنى فى قرية ابوزيد اباد التى هى من توابع بلدة كاشان الواقع فى الشارع العام .

ومنها الرباط المبنى فى محروسة اردستان وهى معدودة من جملة ضياع نطنز .

ومنها البقعة الفوقائيّة التى بناها على ساباط واقع خارج بلدة اصفهان فى باب مزار الشيخ الموحد على بن سهل الصوفى الاصفهانى رحمة الله عليه.

ومنها الرباط الواقع فى داخل مدينة نائين فى موضع يدعى باغ سعيد بجانب الخانقاه التى سبق ذكرها.



واما اللّاتى قد امر بينائها و اشار الى انشائها المولى الاعظم الولد قرن له سيادة الاولى بسعادة الابد ولا زال صدر الوزارة يباهى لمكانه ورويته(؟) وادراء(؟) المملكة بيد عناية رايه فى اثنتان وعشرون بقعه وقفها فى ازمّة متفرقة و اوان متنوبة مورخاً كل ذلك بتاريخ معين ثم وقف عليها كما وقف والده المشار اليه طاب ثراه من نفايس الاملاك و شرائف المزارع و الحصص والقنواة ما احاطت بذكره الحجج الشرعية والوثائق المليّة.

اما المساجد فخمسة :

منها المسجد الجامع المبنى في داخل بلدة يزد مضافاً الى الجامع العتيق لواقع في سطا السوق الكبير حذاء الخان المعرف بكاروانسرای ايازى.

ومنهما المسجد الجامع المبنى في داخل بلدة يزد مضافاً في جوار ابواب الخير المنسوبة اليه عزت انصاره التي سيفصل ذكرها .

ومنهما المسجد الفوقانى الواقع بين عرصة الجامع القديم داخل بلدة يزد.

ومنهما ماعمره مضافاً الى ما كان من المسجد الجامع ببلدة ابرقوه ۱۰ الواقع من لصفتين اللتين احديهما وقعت صدر المسجد قدام الجنب الكبير والاخرى قد وقعت في حذاها من الايوان المبنى في مدخل ذلك المسجد الواقع في رأس سوق البلدة.

ومنهما المسجد المبنى في محرسة ابرقوه الواقع بدرب طاوس- الحرمین قدس الله روحه المشتهر بمسجد لوح .

واما المدارس معما يشاكلها من بقاع الخير فخمسة .

منها المدرسة المشتملة على بقعتين آخرتين، احديهما دار الكتب والاخرى بيت الادوية قد وقعت كلها خارج بلدة يزد حرسها الله تعالى في موضع يدعى سر كوجه پيروك و تلك المدرسة هي احدى ابواب الخير المنسوبة اليه.

ومنهما دار السيادة الساقطة في حذاء المدرسة المذكورة التي هي ۲۰ ايضاً احدى ابواب خيره.

ومنهما دار الحديث المبنية في بلدة كازرون حرسها الله تعالى المتصلة

بالمسجد المنسوب الى الشيخ المرشد الواصل ابي اسحق ابراهيم بن شهر يار الكازروني قدس الله سره.

واما الخانقاهات فخمس:

منها الخانقاه التي بناها خارج البلدة بجانب المدرسة المذكورة فيه.

ومنهما الخانقاه المبيّنة في قرية عقدا وهي احدى قريات يزد

حرسه تعالى .

ومنهما الخانقاه الواقعة في قرية خرانق ايضاً من قرى في تلك البلدة.

ومنهما الخانقاه الرفيعة المسماة بالشَّمْسِيَّة التي قد استحدثها في

بلدة ابرقوه حماها الله تعالى متّصلة بمزار الشيخ قطب الاولياء طاوس-

الحرمين قدس الله سرّه .

١٠

ومنهما الخانقاه التي بناها في دار الملك تبريز حميت عن العاهات

قد اوقعها في الربع المبارك الرشيدى قرب موضع منه يدعى دروازه لهجان

(كذا).

واما الا ربطة فسبع :

منها الرباط المبنى في قرية مجومرد.

١٥

ومنهما الرباط الواقع في قرية ابرند اباد ايضاً من قرى البلدة

المذكورة الرباط السّاقط التي في قرية عقدا التي هي من قرى بلدة المشار-

اليها .

ومنهما الرباط الذي انشاء في واد غير ذى ذرع وتلك هي الصحراء

المدعوة بنه گنبد وكان قبل هذا الزمان بيداء مخوفة خالية عن العمارة

٢٠

حالبة (؟) سالبة لما مع المارة لامجال لاحد في العبور عليها فكيف ان يحل

بها وتطمأن اليها والان بدولته تراها مساكن واتصف بمن دخله كان آمناً.

ومنهما رباط واقع في نيستانه من توابع بلدة نائين .

ومنها الرباط المبنى في قرية زبرقند المشتهر عند العوام بجو گند
وهي مي جملة ضياع نظنر الواقع ذلك الرباط في الممر العام.

ومنها الرباط الواقع في البيداء المسماة بميل قم على جادة العراق
المتوسطة بين بلدي قم وآوه. وقد كانت تلك البيداء ايضاً موضعاً مخوفاً
يتعسر في كل زمان عبور القفل ثم اتخذوا لخدم الواقف ايده الله بالحق
في المواقف عمارة يصلح لورود القوافل والركبان عليها ويحسن مكثهم و
نزولهم فيها.

والامر الثاني

الذي هو احد الغرضين الباعثين على تحرير هذا الفصل تقييد جهات
الخيرات المتنوعة التي صدرت من جهاتها وهي عشر جهات الوقف العام.
الوقف على المقيمين في بلدة يزد من السادة العظام،
الوقف على المجتازين منهم،
الوقف على الاولاد،
الوقف على الاقارب،
الوقف على حرم مكة،
والوقف على حرم مدينة زادهما الله تشریفاً وتعظيماً،
والوقف على المشهد الغروي،
والوقف على مشهد مولانا الامام المعصوم الحسين عليه السلام،
والوقف على العتقاء.

ثم اتفق صدور تلك المبررات من المتوالدين المذكور بعض
انسابهما السامية والقابهما العالية ضاعف الله جلال الخلف و بوا مساكن
الصديقين جناب السلف في ازمنة متعاقبة وقد اتيت ذكرهما في حجب متعددة

اقتضى حسن الاراء الصائبة والفكر الشاقبة نظراً الى ضبط الموقوفات وحصر المبرات درجها جميعاً في حجتين آتيتين.

احديهما يشتمل على ذكر البقاع التي هي من مستحدثاتهما و الاوقاف التي وقفها على تلك لبقاع وعلى السادة المقيمين في بلدة يزد، والمجتازين اليها، وعلى ذكر ماوقف على العتقاء، وماوقف على الجهة العامة ٥ مع ذكر الشروط والنصوص الصادره عنهما في تلك الابواب.

والاخرى يشتمل على ماسبق ذكره من البقاع والجهات الاربع، وعلى ذكر ماوقف على حرم مكة شرفها الله تعالى، وماوقف على حرم المدينة زاده الله شرفاً و ماوقف الوالد المشار اليه طاب الله ثراه على المشهد الغروي سلام الله على ساكنه، وماوقف على المشهد المنور الامام المعصوم الحسين بن ١٠ على عليهما السلام، وماوقف على الاقارب وماوقف الولد على الاولاد، و كل واحدة من الحجتين المسماة **بجامع الخيرات**، ويؤخذ منها نسخة متعددة مودعة عند اكابر البلاد من مكة و مدينة شرفها الله تعالى ومشاهد الائمة و كل بلد من بلدان الاسلام حتى اذا احتاج المتولى اليها او طائفة من الموقوف عليهم اخذ نسخة منها، و ترك الاصل محفوظاً مودعاً ١٥ عند الامناء .

ولما كانت لتولية الصادره عن المولى الاعظم المشار اليه ولداً اعز الله انصاره وقد طرا عليها التغيير والتبديل اذعن له بعد طول التجارب وامعان النظر و الفكر ما اقتضى عزل من فوض اليه ذلك الامر، ونصب اخرى بدله، ينبغي ان يعتمد على ما اثبت في **جامع الخيرات** مما ستقر عليه راي المولى ٢٠ الاعظم الواقف المشار اليه زيد قدره في باب التولية ما جرى ذكره في مفاده هذه الحجج، وان يستدل بذلك على ما في تلك الحجج عند مطالعتها. ثم ان

الحجّتين المودعتين لبيان ما ذكرناه قد مست لهما الحاجة الى التفصيل
موضح لمادّنا عليه بالاجمال .

فهذه التي هي احديها قد اشتمل مضمونها على ذكر الشروط والنصوص
المعيّنة للبقاء وموقوفاتها في البلاد والاصقاع ، و على مجموع الجهات
المعدودة من قبل على التركيب السابق في تقديم شروط المولى الاعظم
الواقف الولد ايد دولته برفع الامد .

اما الوالد المولى الاعظم السعيد المرتضى الاكرم سلطان سلاطين
النقبا والقضاة في عهده ركن الحق والدين عون الضعفاء معين المسلمين
اشرف اولاد سيد المرسلين محمد اوصل الله الى روضه المعطرة بركات
مباراه وخيراته وثقل ميزان حسناته فقد وقف المدرسة الركنيّة الواقعة
بدار الملك يزدا المذكورة اماماً ، وهي احد المدارس الثلاث واقعة في محلة
باب وسادة على قرب من المدرسة المحمود شاهية محفوفة بابنية خرى هي
من خيراته من مسجد متصل بهوتها من غير فاصل وحجاب ، وحدّ المسجد
مصنعة هي مغتسل بارد وشراب ، وحدّ المصنعة الرصد المعروف للاوقات
والساعات ، وتحت الرصد نهر محفور على ماء فتاة زارچ .

و المدرسة مشتملة على قبة عالية مبنية صدر الصفا الكبيرة التي
وقفها على ان يكون مدفناً لاولاده واحفاده ومن هو من نسله وعقبه ، اللهم
الامقد راً معيناً من وسط القبة فانه قد استثناه ليكون مرقداله عند حلول
اجله وانقطاع امله ، وعلى حجرات وبيوت وغرفات وصفات احاطت هي
بها اجرى وسط عرصتها نهر آمن اراد الورود على مقتنى المعارف الشرعيّه
طالب علوم الدينّيّه .

و وقف عليهم وعلى المصالح اللاتي ذكرها و بيانها و على

جهات عامة وخاصة انبأ معاطف الكتاب عن بيانها حسبما يكشف القناع عن وجهها ايتا (انما ؟) كتب شرايطها من جميع ما احاطت عليه يده هواحب ممتلكاته و انفس مكتسباته عملا بقوله تعالى : لن تنالوا البر حتى تنفقوا ممّا تحبّون .

- ٥ منها كتب مصنّفة في فنون مختلفة وفرش واثاث و اغانم .
ومنها عقارات و حصص مكتوبة في اعالي جدران بنیان القضاء الواقعة بباب المدرسة وفي ضلعي حيطان الجنب والواقعة صدر الصفة الكبيرة يشتهر الامر (؟) هذه الصدقة واسعاً واعلى تفاصيلها لئلا يندرس امرها وشانها .
اما الكتب و الفرش و الاثاث و الاغانم فهي مفصلة مشروحة في فصل مفرد .

١٠

واما التي [هي] منقوشة على حيطان البقعة فهي هذه .
جميع تسعمائة سهم وخمسة واربعين سهماً من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائة وسبعين سهماً ، هي اصل سهام لكل واحدة من القنوات الخمس المشهورة بتفت ونصيرى .

- ١٥ و جميع ستمائة سهم وسبعة وخمسين سهماً من جملة اثني الف سهم وسبعمائة واربعين سهماً ، هي اصل سهام قناة مُرياباد .
و جميع الف سهم وثلاثمائة سهم واربعة عشر سهماً من جملة قنات بمر و جميع اربعمائة سهم و ثمانية سهم من اصل اربعة عشر الف سهم واربعين سهماً هي اصل قناة يعقوبى .

- ٢٠ وجميع خمسة وثمانين سهماً من اصل ستة عشر الف سهم وتسعمائة وستة وثمانين سهماً ، هي اصل سهام قناة نرسوباد .
و جميع ثلاثمائة و ثلاثين سهماً من ستة عشر الف سهم واربعين

سهماً ، هي اصل سهام قنات نادبر الجديده . (كذا)

وجميع ثلاثمائة سهم وثلاثة اسهم ونصف سهم منجملة ستة عشر
الف سهم وستماته واربعين سهماً ، هي اصل قنات دها بادمع نصيبها من قنات
يزد اباد .

۵ وجميع خمسمائة سهم وتسعة وخمسين سهماً منجملة ستة عشر الف
سهم وستماته واربعين سهماً ، هي اصل سهام قنات ابر .

وجميع خمسة وسبعين سهماً ونصف سهم منجملة ستة عشر الف
سهم وستماته سهم واربعين سهماً ، هي اصل سهام قنات مبار كه وهما قناتان
تجريان معاً .

۱۰ وجميع خمسمائة سهم من جملة اربعة عشر الف سهم واربعين سهماً ،
هي اصل سهام قنات خليلي .

وجميع خمسمائة سهم من جملة اثني عشر الف سهم وسبعمائه و
اربعين سهماً ، هي اصل سهام قنات اميري .

وجميع ثلاثمائة سهم وثلاثين سهماً منجملة ستة عشر الف سهم و
ستماته سهم واربعين سهماً ، هي اصل سهام قنات كثنوية . ۱۵

وجميع خمسمائة سهم من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائه وسبعين
سهماً ، هي اصل سهام قنات سعد اباد بجميع التوابع و اللواحق والمضافات
والمنسوبات والكظائم والجداول والابار والانهار والفسقات ومجارى

المياه وملاقى الطين وغير ذلك . وهذه القنوات كلها فى حومة يزد
مستغنيات عن المبالغة فى الوصف وذكر الحدود ، ويعرف كل سهم منها
باصطلاح اربابها وملاكها بجرّة واحدة ، والجرة عبارة عن مقدار معلوم
لا يختلف ولا يتفاوت . ۲۰

وجميع ثلاثة سهم شايعة في اربعة وعشرين سهماً ، هي الثمن التام الشايع من جملة القناة المدعو بقناة رئيس الديني منبعها صحراء قرية فراشاه ، ويفيض ماؤها على اراضي دسكركه تفت ونصيرى وتجرى خلال ماء قنوات تفت ونصيرى.

[. . . .] الواقع بباب المدرسة الركنية المذكورة المعروف ٥ بحمام قاضى المحدود بالمسجد المدرسة الركنية ، وبحد الدار العالية للمخدوم المطاع المولى الاعظم المقتدى صاحب الاعلى الاعدل الاكرم الاعلم الاحسب الانسب الافضل الاكمل الامجد الافخم شمس الحق والملة والدنيا والدين ركن الاسلام والمسلمين المنظور بنظر العالمين ، اعز الله انصاره ! وبحددار معروفة بخانه محكمه وبحد طريق والمدخل اليه. ١٠

[. . . .] المعروف بخان حلاجان الواقع بباب المدرسة الركنية حدوده منتبهة الى دار مرتضى ، والى الخانقاه المخدومية الرشيدية والى الطريق و اليه الممر.

والحمام الواقع بباب داراتابك حدوده منتبهة الى دار و باغچه للمولى الاعظم الواقف المشار اليه طاب ثراه و الى المسجد معروف ١٥ بمسجد درسراى و الى الطريق واليه المدخل .

الخان الواقع بباب قطريان المعروف بخان سعدا رويه بحد مستراح منسوب الى الامير مبارزالدين محمد ، والطريق وخان لعمر بن اقبال واصطبل وحجرة للسيد شرف الدين الاوجى ودكان للمولى المرتضى الاعظم شرف الدين امير حسين ، لازال معظماً ! والطريق واليه المدخل. ٢٠ الحانوت موضعه بين دري مهريجرد الواقع بموضع معروف بدرجوى محمود الخباز مع الاصطبل والحجرة المبنية على اعاليه

بحد حانوت ابی الحسن الابر قوهی وبالمقبرة وبمستراح اشتهر بالمولی
الاعظم الواقف ، طاب ثراه ! وبالطریق .

الحوانیت الخمس المصطفیة المحدودة بدكان لاسمعیل الیهودی
وبدار للسید عز الدین وعماد الدین ویدار الحاجی العصار وبدكان للمولی
المخدوم الاعظم الاعدل الاحکم قاضی قضاة العرب والعجم مستخدم
ارباب السیف والقلم ناظم امور المؤمنین محیی مراسم جده خاتم النبیین
حجة الله على البریة اجمعین شمس الملة والحق والدنیا والدین المخصوص
بعنایات رب العالمین ، اعز الله انصاره ! وبالطریق .

الحانوت مع الحجرات الثلاث المبنیات على اعاليه المتصل كل
واحدة منها بالآخرى بحد الدكان الموقوف على المسجد الجامع و
المستراح المنسوب الى المولی الاعظم الواقف المشار اليه ، طاب ثراه !
وبحد دكان الخواجه اصیل الدین بن شرف الدین اصیل و بحد دكان
لتاج الدین الحافظ وبالطریق .

الحانوت بباب الجنبذه المحدود بدكان الحاج تاج الدین العصار
ودكان لیحیی بن علی بن احمد وبالطریق .

الحوانیت الخمس المصطفیة الواقعة بسكة السابغین (؟) الممتدة
حدودها الى دكان موقوف على الخانقاه المخدومية الرشیدية و الى دكان
الحاجی بن علی بن قاسم و محمد بن عمر بن کما مروا (؟) و الى دار
لمحمد بن کما مروا (؟) و الى الطریق .

و جميع الحانوت المحدود بسوق القصابین و بمستراح للامیر
محمد بكج وبدكان الخواجه مفتاح الاتابکی وبالطریق .

و جميع الحوانیت الواقعة بسوق القصابین وهی احدى و عشرون

بأباً مع بيت مبني برسم الشوائين (١) حدودها منتبهة الى الدكان الموقوف على مسجد، والى دكان للمولى الاعظم شرف الدين على، دام معظماً! والى خان يورثه جمال الدين الخوارى، والى الرباط والمستراح، و الى الخان الموقوف على المدرسة المحمود شاهية، و الى اصطبل مشتهر بملكية المرتضى الاعظم شرف الدين امير حسين، زيد قدره! والى دار ٥ لحاجى بن محمود ارويه والخواجه جمال الدين، و الى الطريق .

وجميع الحانوتين المتصل احدهما بالآخر الواقعين بباب قطريان خارج الدرب، حدهما منتبهة الى دكان لسعد بن محمد بن محمد بن احمد، والى اصطبل هومن املاك المولى الاعظم الواقف، عز نصره! والى الطريق. وجميع الحوانيت الاربع المصطفة الواقع بباب قطريان انتهت ١٠ حدودها الى الدرب و الى الدكان الموقوف على المدرسة المخدومية الرشيدية، طيب الله تربة بانيتها، و الى الطريق .

وجميع الحانوت الواقع بسوق الصرافين المحدود بالدكان الموقوف على المسجد الجامع و الخان القطبى وبالدكان الموقوف على الخانقاه المخدومية الرشيدية وبالطريق . ١٥

وجميع الحانوت الواقع بباب المدرسة الركنية بموضع معروف بباى منار المحدود بالدكان الموقوف على المسجد و بالمدرسة الركنية و بالطريق .

وجميع الحوانيت العشر الواقعة بالسوق المحاذى المدرسة الركنية بحد المصنعة و بحد الطريق و بحد دار للسيد قطب الدين مرتضى ٢٠ و خان الحلاجين .

وجميع الحوانيت الثلاث المصطفة بباب دار جمال الدولة المحدودة بالمكان الموقوف على الخانقاه، و الى خان رضى، و الى باب دار جمال- الدولة، و الى الطريق، مع ما يتبع ذلك من الحقوق والحدود والمرافق وما يخطر في سلكها من التوابع والمضافات والابنية والاقصبة والجدوع والساحات و مصب الميزاب و مطرح الثلوج والمرابط والادوات والالات ٥ وكافة المنضمت وعامة المتعلقات الداخلة فيها والخارجة عنها، جلّت ام حقرت، قلت او كشرت، اهملت في الحجة ام ذكرت، تعرضت لها ام عنها اعرض .

وجميع ماتى سهم وسبعين سهماً شايعة من جملة عشرة الاف سهم وستمائة وستين سهماً هي اصل سهام قناة مذوير اباد . ١٠

وجميع ستة وتسعين سهماً شايعة منجملة خمسة الاف سهم تسعمائة سهم من اصل قناة قرية اشكذر من السهام المستردايه (٩).

وجميع ستمائة سهم وثمانية عشر سهماً شايعة من جملة تسعة الاف سهم وسبعمائة وخمسين سهماً هي اصل سهام قناة مجومرد المسماة بعتيقه . ١٥

وجميع احد و خمسين سهماً ونصف سهم من جملة عشرة الاف سهم و تسعمائة وعشرين سهماً، هي اصل سهام قناة حرور بر (٩) المشهور بچهارديه .

وجميع مائة سهم من جملة عشرة الاف سهم وسبعمائة سهم وخمسين سهماً هي اصل سهام قناة بُند رآباد . ٢٠

وجميع مائة سهم منجملة عشرة الاف سهم وسبعمائة [ئة] وخمسين سهماً هي اصل سهام قنواة ملك آباد وهما قناتان لقرية بُند رآباد .

و جميع ستين سهماً و نصف سهم منجملة ثمانية الاف سهم و تسعة وخمسين سهماً هي اصل سهام قناة قرية شمس آباد .

و جميع الف سهم منجملة عشرة الاف سهم و خمسمائة سهم و ثلاثين سهماً هي اصل سهام القناة المعروفة بالمحديه (كذا) و هي قناة قرية اسفنجرد .

٥

و جميع اربعمائة سهم و خمسة عشر سهماً منجملة اثني عشر الف سهم و اربعمائة سهم و عشرة اسهم هي اصل سهام قناة قرية ابرند آباد . و هذه القنوات كلها قنوات قرى ناحية رستاق من اعمال يزد ، و يعرف كل سهم منها بجرة واحدة الا سهام قرية ابرند آباد المذكورة آخراً ، فانها معروفة بطشت . و الطشت و البجرة عبارتان عن مقدار معلوم لاربابها لاختلاف فيها .

و جميع سهم واحد من اصل ثمانية اسهم و ذلك الثمن التام الشايع من القرية المسماة بگردفرامرز من قرى ناحية رستاق الواقعة بفرسخين من يزد المستغنية بهذا التعريف عن التحديد و المبالغة في الوصف .

١٥

و جميع الف سهم من جملة ثمانية الاف سهم و ثمانمائة و اربعين سهماً ، هي اصل سهام قناة قرية تفت من اعمال قهستان يزد . و هذه القناة ذات شعبتين واحد منها بوري و الاخرى بكران ، و السهم المذكور ايضاً بالجرة كما مر .

و جميع الحصص المنسوبة في قديم الزمان الى جمال الدولة في قرية فراشاه من اعمال قهستان يزد و هي مشتملة على ثلاثة الاف سهم و سبعمائة سهم و خمسة و اربعين سهماً منجملة ستة الاف سهم و سبعمائة

٢٠

وستین سهماً، هی اصل سهام قنات هذا القرية وعلی البغات والاراضی والدور و البيوت و الحانات و غیر ذلك ممّا يعد من هذه الحصّة من قديم الزمان الى الان .

و جميع مائة سهم شایعة من جملة الاف سهم وستین سهماً و سبعة اقفزة ، هی اصل سهام قنوات قصبة مهريجرد من قصبات بلدة يزد المسماة احدیهن ببغداد اباد و ثانيهن بارزندازان و ثالثهن بمهريادي و رابعهن بمذوير اباد، و كل سهم باصطلاح ارباب هذه القرية عبارة عن جريب واحد شربى . والجريب عبارة عن عشرة اقفزة، والقفيز عبارة عن مقدار معلوم لملاکها .

و جميع مأتی سهم و اربعة و ثلاثین سهماً من اصل خمسة الاف سهم و اربع مائة سهم، هی اصل سهام قنات سریزد، و هی قرية من قرى قصبة مهريجرد . و السهم عبارة عن الطشت ، و الطشت مقدار معلوم .

و جميع مائة سهم وستة و عشرين سهماً من جملة ثمانية الاف سهم و اثنين و سبعین سهماً هی اصل سهام قنات قرية خورميز من قرى قصبة مهريجرد، و السهم فيها عبارة عن جرة واحدة .

و جميع ثلاث مائة سهم و عشرين سهماً من اصل سبعة الاف سهم و ثلاثة و خمسين سهماً ، هی اصل سهام قنوات فهرج من قرى بلدة يزد المسماة احدیهن بسورنجان و ثانيهن بمسکرتان و ثالثهن ببهنام و رابعهن بنخشکباد ، و يعرف كل سهم منها بطشت واحد شربى .

و جميع الطاحونة الواقعة قرية فهرج فى وسط القرية بباب مسجد الجامع المستغنية عن الوصف والحد لغاية الشهرة .

وجميع مائة سهم وثلاثين سهماً من جملة ثمانية الاف سهم وثلاثمائة وعشرين سهماً هي اصل سهام ستقنوات قرية خويديك من اعمال مهر يجرى، ويعرف كل سهم منها بجرة واحدة بجميع التوابع واللواحق وما يتعلق بها اختلاف انواعها وتباين اصنافها.

- وقفاً صحيحاً شرعياً وتصدقاً صريحاً مرعياً مشتملين على الشروط والضوابط كلها بحيث تقررت الاملاك المذكورة المفصلة في الوقفية المشروعة واسمت بسمت التسبل والتصدق، بعدما اخرجها المولى الاعظم الواقف، اعلى الله درجته ؟ بتمامها وحذافيرها ورمتها واسرها عن حيز ملكيته وقيد تصرفه واستحقاقه وتملكه، وعين مصارف محصولاتها وارتفاعاتها وصاب منالها وربوعها ونصب عملة ومرتزقه يقومون بما رسم لهم من مصالح البقعة واعمالها.

- فشرط لمن يكون متولياً ان يبدأ مما يحصل من ارتفاعات الموقوفات بعمارة رقبته على حسب الضرورة والاحتياج بقسط ما يخصه من السهام المشتركة بين الموقوفات وشرائها الملاك، ثم يصرف الى عمارة البقعة المذكورة [ر] الى ما يحتاج اليه في البقعة من الفرش كالزلالى والحصير والبوريا ومن الاوانى والظروف التى يمس الحاجة اليها كالقدور والمراجل والنحاسيات والخوانى والجرار والقصعات والمكاسح والمكانس، حسبما يكون مهما بحيث لا بد منه، ثم عين لوظائف العملة المذكورة من بعد على الترتيب الاتى وبسائر مصالح اخرى سنفصل عقبه لذلك.

- و شرط لمن يكون مدرساً ان يواظبه على افادة المستفيدين و نشر العلوم الدينية والبدنية من الطلبة المشتغلين بها الوافدين اليه لاجلها، و اذ اقام بهذا الامر فله من محصولات الموقوفات كل سنة مبلغ ثلاثمائة دينار وستين ديناراً من العين رايحة الجديدة الجارية، التى كل دينار

منها يعبر عن ستة دراهم سلطانية طلغمية معدودة منقوشة مسكوكة [و] مبلغ الفى من من الغلة حنطة وجاورساً لوزن اربعمائة درهم كما هو الوزن المعهود فى بلدة يزد .

و لمن يكون معيداً ان يوظف اعادة مباحث المدرس ، وتكرما
 ٥ القاء على المستفيدين ارشاداً لهم ، و يفهم ما يصعب عليهم من مشكلات المسائل و معضلاتها . و اذا قام بهذا الامر فله كل ستة مبلغ مائة دينار وعشرين ديناراً من العين الرايجة المنعوتة ومبلغ الف من من الغلة المذكورة بالمنصفة .

و للطلبة و هم عشرة انفس لا يتجاوزون ذلك العدد المعين مبلغ
 ١٠ ستمائة دينار من العين الرايجة المنعوتة ومبلغ ثلاثة الاف من و ستمائة من من الغلة مناصفة ، فلكل نفس كل سنة من النقد ، ومبلغ ستين ديناراً من العين الموصوفة ، ومبلغ ثلاثمائة من وستين من من الغلة المنصفة .

و لمن يكون اماماً فى المدرسة المشار اليها ان يواظب على اقامة
 ١٥ الصلوة الخمس المفروضة تداوم على ادائها و يحافظ او ايل اوقاتها و يرتب النوافل المشهورة كالرغائب والاستفتاح و ليلة البراءة والمباهلة و غير ذلك ، و اذا قام بهذا الامر فله كل سنة مبلغ الف من من الغلة المتصفة .

وللحفاظ المتسمين بصفة الصلاح والعفاف ، و هم اربعة انفس
 يداومون على تلاوة القران المجيد و كلام المبدى المعيد الذى لا ياتيه
 الباطل من بين يديه و من خلفه تنزيل من حكيم حميد ، كل يوم من
 ٢٠ الصبح الى وقت الطلوع و من وقت العصر الى المغرب مبنياً بالمتاوية فى الجنبدة المذكورة السابقة ، و لهم فى كل سنة مبلغ الفى من ومائة وستين من من الغلة المنصفة .

و لمن يكون مذكراً فى كل اسبوع مرتين فى المدرسة يوم الاثنين

و الخميس ، و يعظ الناس و يرشد المسترشدين بالنصائح و الحكمة و الموعظة الحسنة ، و تحترز عن الاقاويل التى فيها مقالة و مخالفة بين ائمة الاسلام ، شيد الله بهم قواعد الاحكام ! و اذ اقام بهذا الامر فله كل سنة مبلغ ستمائة من من المتصفة .

و لمن يكون مؤذناً ان يراعى مراسم التأذين و الاقامة ، و تعلق ٥
باعلام المسلمين عند اوقات الخمس المفروضة على احد المنارتين المؤسسين فى باب المدرسة المشار اليها ، ليبلغ نداؤه الى القريب و البعيد داعياً الى الحق عفيفاً ورعاً متديناً حسن الصوت . و اذ اقام بهذا الامر فله كل سنة مبلغ سبعمائة من و عشرين مناً من الغلة المنصفة .

و لمن يكون خازناً للكتب الموقوفة المضبوطة فى الدار الكتب ١٠
الواقعة داخل المدرسة ان يمنع اخراج تلك الكتب عن البلدة و نواحيها ، مرتهاً عن يستعيرها للمطالعة و الاستنساخ شيئاً يوازي قيمته قيمة المستعار . و اذا قام بهذا الامر فله كل سنة مبلغ خمسمائة من من الغلة المنصفة .
و لمن يكون مرتباً لاطعام الفقراء كما شرط لهم فى كل يوم مقداراً
يأتى ذكره بعد ذلك ان يوصل اليهم ذلك ، ويستوعب عدد رؤس المستطمين ١٥
فى باب المدرسة ، و ان يراعى شرايط الامانة و الديانة ، و يظهر آثار الشفقة على الفقراء ، و عين له كل سنة مبلغ خمسمائة من من الغلة المنصفة .

و لمن يكون بواباً فى المدرسة الرفيعة المذكورة ان يلازم باب المدرسة ليلاً و نهاراً ، و ان يصونها عن دخول من لا يصلح للدخول فيها ،
و يواظب على فتح الابواب و غلقها ، و عين المولى الاعظم الواقف ، طاب ثراه ! ٢٠
هذا الامر لعتيقة الحاج بكتمور ، و عين له ايضاً كل سنة خمسمائة من من الغلة المعينة المتصفة الموصوفة .

و لمن يكون فتراشاً ان ينظف اماكن المدرسة ، و يطهرها عن

القاذورات ، و یبعدها کل يوم بالكسح والكنس ونشر البسط وبسطها و طيها حسب المعتاد والعرف ، وان يحافظها ويصونها عن التنفيذ والاتلاف ، ويراعى شرائط الامانة والديانة ، ويكون سكناه في المدرسة مع عياله ان كان متأهلاً . وعين المولى الاعظم الواقف ، اعلى الله درجته ، هذا الامر لعتيقه ارغون ، وعيّن له كل سنة مبلغ خمسمائة من من الغلة المتصفة . ۵

ولمن يكون طبّاحاً لاطعمة الفقراء في كل يوم ولمن يلتمس من النازلين بها والساكنين عنها ، ان يطبخ له شيئاً ، ان يداوم على هذا الامر من غير فتور وتقصير ، وان يراعى فيه شرائط الامانة والديانة . وعيّن المولى الاعظم ، طاب ثراه ! هذا الامر لعتيقه مغلّتان المذكور ، وعيّن له ايضاً كل سنة مبلغ مائة من و ثمانين منّا من الغلّة الماصفة . ۱۰

وعيّن المولى الاعظم الواقف ، اعلى الله شأنه ! لكل واحد من البوّاب والفرّاش والطبّاح المذكور اسمهم فيه هذه الامور لكل واحد ما يخصه مما ذكر ، وبعد كل واحد منهم لاولاده المذكور ان كانوا مستعدين لهذا الشغل ، صلحاء متورعين مجتنبين عن الكبائر . ثم متى يكون احد من احد من اقارب الواقف او عتقائه متأهلاً للقيام بأخذ هذه المهام او جميعاً ۱۵ راعباً في ذلك بنفسه ، فعلى المتولى ان يعين ذلك القريب والعتيق ، و تقدمهما على الاجانب ليقوما بهذه الامور ، فان لم يوجد احد منهما او وجد ولم يرغب فللمتولى ان يعين من شاء كما يرى المصلحة .

وكذا شرط المولى الاعظم الواقف اسكنه الله اعلى غرف الجنان ۲۰ ان يصرف المتولى في اطعمة الفقراء وملبوساتهم في الصيف والشتاء حيثما عيّن .

اما المصروف في الاطعمة ففي كل يوم دينار واحد من العين الراجعة

الموصوفة وثلاثة عشر متاوتلث من من الغلة المذكورة مناصفة ، فجموع ذلك في كل سنة مبلغ ثلاثمائه دينار وستين ديناراً من العين الراجية الموصوفة ، ومبلغ اربعة آلاف من و ثلاثمائه من من الغلة المذكورة مناصفة .

٥ واما المصروف في ملبوساتهم في كل سنة مبلغ عشرة الاف من من الغلة المذكورة ، اشترى بنصف ذلك الملبوسات الشتوية ، فيعطي كل فقير ثوباً واحداً مخيطاً متخذاً من الصوف والوبر ، ويشترى النصف الباقي الملبوسات الصيفيّة ، ويعطي كل فقير ثوباً واحداً مخيطاً متخذاً من الكرباس بالعالي سلع (كذا) ، كان من اعدادهم حسبما ترى المتولى المصلحة .

١٠ وايضاً شرط ان يصرف المتولى في الليالي المتبركة الواقعة خلال الشهور والاعوام المشهورة فضايها بين الانام ، ماستعين بعده وعقبه .

اما المصروف في ليالي الجمعة ، ففي كل ليلة منها مبلغ ثلاثة دنانير وثلث دينار من العين الراجية الموصوفة ، اشترى بذلك طعام ضيافة حفاظ كلام الله الذين يقرؤون التحميدات من القران العظيم وللحاضرين هنالك في مجلس التلاوة .

١٥

اما المصروف في ليلة الرغائب لثمن الحلاوة لاجل الحاضرين المصلين فيها ، ففي كل سنة مبلغ خمسة عشر دينار من العين الراجية . واما المصروف في ليلة النصف من شعبان ، ففي كل سنة خمسة وثلاثين ديناراً من العين الراجية اشترى بذلك الحلاوة ، وتضي به السرج للحاضرين في تلك الصلوة .

٢٠

واما المصروف في ليالي الرمضانات ، ففي كل سنة مبلغ ثلاثمائة دينار من العين الموصوفة ، ومبلغ ثلاثة الاف من من الغلة المناصفة ،

تهیاً بذلك كل ليلة من لياليها اطعمة للحاضرين في المدرسة من الطلبة وغيرهم ، بشرط ان يؤدوا الصلوات بالجماعة فيها .

واما المصروف في يومى العيد ، ففى كل سنة مبلغ دينار واحد من العين الموصوفة لكل عيد خمسون دينار من العين الموصوفة ، يشتري بذلك الطعام والحلاوة للحاضرين فى المدرسة بعد الرجوع من صلوة العيد . ٥

و اما المصروف فى يوم المولد للتبى المقتدى ، عليه افضل الصلوة وازكاها ! مبلغ مائة دينار من العين الموصوفة فيه يشتري بذلك ويهئ اطعمة للحاضرين فيها تهنية ، وذلك اليوم المبارك واجتماع الناس طلباً للتواجد والمكشفة ، واقتناص انقاس الصلحاء والمتصوفين ، مجتنباً عما يؤل الى اللهو واللعب . ١٠

وكذا شرط المولى الاعظم ، خلد الله تعالى نعمه الاخرية عليه ! ان يصرف المتولى فى كل ليلة الجمعة خارج ما ذكرنا مختصاً بالفقراء والمساكين مأتى عدد وخمسين عدد خبزاً نقياً حنطياً ، وزنها خمسة و عشرون مناً بحيث يكون كل شهر الف عدد يعدان يزداد عليها واحد آخر الشهر ، يعطى كل فقير ما يراه المتولى الشرعى المصلحة ؛ وان يضيف لمصالح الحلاوة المنضمة الى الخير المعين للفقراء فى كل سنة مبلغ مائة دينار واحدة من العين الرايجة الموصوفة وينفق عليهم المتولى كل ليلة الجمعة مقدار من الحلاوة ، كما يرى المصلحة حتى يتم المصروف المائة فى السنة . ٢٠

وايضاً شرط المولى الواقف طاب ثراه ان يصرف المتولى لمصالح الضوء وانارة السرج والشموع والقناديل فى المدرسة جميع الليالى

الواقعة في الشهور والسنين في كل سنة مبلغ مائة دينار واحدة من العين الراجحة الموصوفة .

وكذا شرط ان تصرف المتولى لهذا الامر مصالح الرصد المبني حذاء باب المدرسة للاعلام والاشهار بكيفية الاوقاف والساعات والانات في كل يوم كل سنة مبلغ ثلاثمائة دينار وستين ديناراً من العين الراجحة ٥ الموصوف ، لترم آلاتها وادواتها المحتاج اليها ، و يعطى منه وظيفة من يرتب تدويره وتسويته .

اما المصروف في المزمة فمائة دينار وعشرون ديناراً من النقد الموصوفة .

و اما المصروف الى المرتب فماتادينار و اربعون ديناراً من النقد ١٠ الراجح المنعوتة .

و ايضاً شرط المولى الاعظم الواقف ، طاب ثراه ! ان يصرف المتولى لامر هذه الصدقة في مصالح عملة دارالشفاء التي احداثها الواقف ، بقرب المدرسة المشار اليها ، و في وجه ادويتها من المعاجين والاقراص والمطبوعات والفرش للمرضى والاواني ، مبلغ عشرة آلاف من من الغلة ١٥ معينة مناصفة ، المصروف في وظائف العملة فالف من وثمانمائة من لمن يكون طبيباً ، وهو من ذوى العفة والصلاح والديانة والعفاف ، اذا واطب على الجلوس فيها لمعالجة المرضى ولتداويهم .

و رخص المولى الاعظم الواقف ، طاب ثراه ! للمرضى الاستراحة في دار الشفاء المذكورة والاقتراش والاضجاع . و كل مريض لا يكون مضجعاً فيها ، ويحتاج الى شيء من الادوية والمعاجين وغير ذلك ، انما يعطى ذلك بعد ما يكتب الطبيب مقدار ذلك المحتاج كل سنة ثلاثمائة

من و ستّین متّاً من الغلّة الموصوفة .

و لمن يكون خازناً في دار الشفاء ، و هو الذي يحفظ بيت الادوية و يراعيها و يتكفل بادخالها و ابرازها ، بشرط ان يكون ذا امانة و ديانة مجتنباً عن التخليط و الدنائة ، كل سنة مبلغ ثلاثمائة من و ستّين متّاً من الغلّة الموصوفة .

و لمن يكون بواباً كلّ سنة مبلغ ثلاثمائة من و ستّين متّاً من الغلّة الموصوفة مناصفة .

وامّا الفراش في المدرسة يأمر البقعتين كلتهما مكثفيا بما عيّناله فوق هذا .

اما المصروف في الادوية و الفرش و الاواني للمرضى فمبلغ ثمانية آلاف من و مأتى من من الغلّة الموصوفة .

و هكذا شرط المولى الاعظم ، عطر الله بنسيم الرحمة روضته ! ان يصرف المتولى لتكفين الاموات من المسلمين و المسلمات الذين لم يخلفوا ما بقى بتكفينهم كل سنة مبلغ مأتى دينار من العين الرايجة ، لكلّ ميّت عشر ذراعاً من الكرباس المغسول ، و مقداراً من النقد الرايج ليصرف في تجهيزه من الحفر و اجرت النقل و الغسل و غير ذلك ، و كذلك شرط ان يصرف المتولى في تهية تجهيز العورات المحاويج المستحقا الدوجن (؟) بذلك ، كل سنة مبلغ خمسين ديناراً من العين الرايجة ، لكل واحدة منهن ما يرى المتولى المصلحة .

وايضاً شرط ان يصرف المتولى في مصالح المصنعة كل سنة مبلغ خمسين ديناراً من العين الموصوفة ، و يشتري بذلك بدل كل جرّة ينكسر على ايدي طفل من اطفال المسلمين ، و يعطى اناه ، و ما زاد على هذه

المصلحة يصرف في عمارة تلك المصنعة .

وشرط ان يصرف في عمارة النهر المحفورة تحت الرصد من مرمة الممر وتنقية النهر ، وغير ذلك من اضاء[ة] السرج طرفي الليل ، كل سنة مبلغ عشرين ديناراً من العين الرايجة الموصوفة .

- ٥ وايضاً شرط المولى الاعظم ، طاب ثراه! ان يقرر المتولى عن محصول الموقوفات كل سنة مبلغ عشرة الاف من من الغلة المذكورة مناصفة فيبيعها بسعر الوقت ، و يؤدي ثمنها بعد تكميله ، الف دينار من العين الرايجة الموصوفة ان نقص ذلك الثمن عنه ، فان زاد فمصرف الزايد مصرف ساير وجوه الخيرات المذكورة ، الى شخص امين متوجه من بلدة يزد او ولاياتها الى الحرمين الشريفين: حرم مكة المعظمة وحرم المدينة المطيبة، على ساكنها عليه افضل الصلوات واكمل التحيات ! ليصرف حين وصوله اليهما اثلاثاً على فقراء مكة ، شرفها الله تعالى ! و مساكنها الثلثين من ذلك الاف، وعلى فقراء المدينة ومساكنها الثلث الباقي منه.
- وشرط المولى الاعظم الواقف، طاب ثراه! ان يسلم المتولى لهذا الامر في كل سنة ما كان زايداً على الوظائف والمصارف المنصوصة، الى ١٥ مولانا الصدر الامام المعظم ملك الائمة العلماء المتورعين قدوة الافاض زبدة الحجاج جمال الملة والدين محمود بن المرحوم الحاج السعيد سعد الدين محمد شاه بن محمد النائني ، دامت فضائله ! ليشتري به ملكاً من حومة بلدة يزد و نواحيها بقيمة العدل ، و يجعله وقفاً على البقعة المسماة بالمدرسة الركنية، ويدرجه تحت موقوفاتها، وبعد انقراضه يكون ٢٠ هذا الامر مفوضاً الى ابنه الصدر الامام المعظم صدر الدين محمد، دام فضله! وبعده الى متولى البقعة ومتصرف موقوفاتها بالتولية الشرعية .

قد شرط ان التولية لهذا الصدقة الجارية لنفسه القدسية ، ادام الله تعالى ايام بره ! زمان حيوته المديدة ، واوان عيشه المرضية الحميدة؛ وبعد حلول امر الله الذي لا مرد له ، وقضائه الذي لا معقب عنه، يكون امر هذه الصدقة وتوليتهما ، لابنه المخدم المولى صاحب الاعظم ،

الدستور الاعدل الاعلم ، ناظم امور كافة الامم قاضى قضاة العالم ، نقيب ٥ النقباء فى الممالك ، متخذ خلق الله من ورطات المها لك ، مدبر مصالح كل مملوك ، ومالك الرب بشر(؟) المقربين من الملائك، الصارف عمره العزيز فى اشاعة الخيرات والنصفة ، باسراجنحة المبرات والشفقة ، كفيل مناهج البرية ، المخصوص بالمواهب والعطايا[يا]ء السنية ، ناصب

رايات الشرع والسيف و القلم ، خليفة العرب والعجم ، شمس الحق ١٠ والدين والدين ، مولى اعظم الوزراء، المقسطين، نسيب الانبياء والمرسلين، الموفق بتوفيق رب العالمين ، فى نصب رايات الشرع والعدل ، وتربية الفضلاء فى العالمين ، ابنى عبدالله محمد ، خلد الله تعالى بين المسلمين جلال قدره ، وشيّد الى انقراض ادوار مبانى ايامه وعصره ، ثم لمن سيولد من اولاده الذكور بطناً بعد بطن ، وقرناً بعد قرن ، يقدم منهم ١٥ الاسن الارشد، وان لم يوجد بحياته ولد بالشروط المذكورة فالتولية لاربعة انفس من اربع طائف : واحد من السادة العلويين المنتسبين الى قبيلة الواقف ، بعد اتصافه بالعفة والورع والكفاية والديانة ؛ و واحد من صلحاء البلدة المذكورة؛ و واحد من علمائها؛ و واحد من ارباب الكفاية والكياسة والخبرة ، بعد ان يفوز اليهم المخدم المولى

الاعظم الاعدل المتولى نائباً، ضاعف الله تعالى بين العالمين جلاله! وان وجد له الولد الموصوف بطناً بعد بطن، فلهم ذلك مدة حيوتهم. فان انقرضوا،

٢٠

والعباد بالله ، و انقرض انفس الاربعة فالتولية لاربعة انفس من الطوائف المذكورة ، جسماً ذكر قبل ذلك ، بان يعين اولئك الجماعة حاكم الشريعة [فى] بلدة يزد ، حماها الله تعالى .

- وقد فوض المولى الاعظم الواقف اعلى الله درجته ، امر الاشراف الى مولانا المعظم المقتدى الاعظم الافضل ، مولى ملوك القضاء والاحكام ، ٥ ذى المناصب العلية والمناقب السيئة ، اعدل ولاه الخليفة ، شرف الملة والدين على بن المولى صاحب المقتدى الاعظم ، ملك الوزراء فى العجم ، انسب اعظم الامم ، المرتقى الى ذروة الصدارة ، الاحسب ضياء الملة والدين الحسين بن المولى صاحب المغفور ، ملك الحكماء فى زمانه ، شرف الملة والدين على بن رضى ، مد الله تعالى ظلالهما ! وبعده ١٠ الى اولاده الذكور ، ثم اولاد اولاده الذكور ، بطناً بعد بطن ، وهو ان يكون مشرفاً على المتولى فى صرف محصولات الموقوفات ، وضبط ريعها ، وتحصيل منافعها ، بحيث لا يخفى عليه امر شىء من ذلك ، ولا يستند المتولى فى شىء من لك بدونه ، ولا ينقرده عنه ، و على المشرف ان يضبط اموال الوقف المشروح ، وينتقح محاسباته فى كل سنة مرتين ١٥ وعين لهما بعده ، و اذن لهما ، ان يأخذا كل سنة مبلغ اربعة الاف من وخمسائة من من الغلة المنصفة يقسمان بينهما اثلاثاً : للمتولى ثلثاه ، وللمشرف ثلثه ، فهذه نهاية الوقفيه .



- و وقف ايضاً جميع القناة التى انشاها ، وامر باستحداثها ، المولى ٢٠ الاعظم الواقف المذكور اسمه ، طاب ثراه ! وسماها بوقفاباد ، منبعها صحراء قرية فراشاه من قرى قهستان يزد ، من الاراضى البيضاء المنقلة

الى المولى الاعظم الواقف اعلى الله مكانه ، من الصاحب السعيد رئيس الدين ابى العلا بن ابى نصر العقيل ، رأس مظهرها فى صحراء دسكرة تفت ونصيرى ، مع التوابع والواحق على كافة المسلمين ، و جعلها سبيلاً للخلايق اجمعين لينتفعوا بها ، ويشربوا من مائها ، ويستقوا فيها ٥ دوابهم وانعامهم .

واماممرها ومجريها و كنيّة صرف ما يحصل منها ، بحسب تعيين المولى الاعظم الواقف، وتهيّئته عن تنقيده ، فعلى هذه الاسلوب و ذلك يجرى ماؤها على الانهار التى انحذب المنبع الى المظهر مجارى ذلك الماء الى ان يصل بلدة يزد ، فى باب يسمى درب مهريجرد ، من ابواب تلك البلدة ، فيدخل فى دارالشفاء الصاحبية ، ومنها يجرى فى طريق السوق الكبير ، لينتفع به اهل السوق خبزاً وطبخاً ونحوهما ، الى ان يرد المسجد الجامع الجديد والجامع العتيق ، ومنه الى المدرسة المذكورة الركنية ، والعمارة المحفوظة بها من الدور والبقاع . ومنها يجرى فى طريق يدعى راه سراى اتابكى ، الى الدار المعروفة بسراى جمال الدولة ، التى هى من متصرفات المولى الاعظم الواقف طيب الله تربته ، ليستدير به الطاحونة المستحدثة فى تلك الدار ، ومنها ينصب فى قناة مدوير اباد ، من قرى البلدة ، ليظهر فى صحراء القرية ، و يزرع فيها به ، و كل ما يحصل من ذلك منضماً الى محصول موقوفات المدرسة الركنية بيزد ، مصروفاً فى مصارفها ، بعد ان يصرف اولاً فى عمارة رقبته ، قدر ما يحتاج اليه . ٢٠

وقد اذن المولى الاعظم زيدت درجته ، و رخص لمتولى المدرسة الركنية ان ينصب مما فى هذه القناة ، حيثما نقص و يصعب جريانها ، بحيث لايفصل شىء عما يعبر فى المواضع المذكورة ، ولا يمكن الزرع

به على الحصة المنسوبة الى الواقف المندرجة فى موقوفات المدرسة ،
من ماء القناة المسماة برئيس الدينى ، وهى سهم من ثمانية اسهم ، هـ
اصل سهام تلك القناة ، ليس له ارتقاء رسمه الواقف ، من اجر هذا الخير .
وفوض توليتها ، الى من هو المتولى الشرعى للمدرسة الركنية بمدينة
يزد ، وفقاً صحيحاً شرعياً .

۵



و وقف ايضاً المولى الاعظم ، ايده الله بالانوار القدسية ، على : المسجد
الجامع الذى اسس بنيانه ، ومهد اركانه ، فى صحراء بلدة يزد ، بموضع
يدعى بالمصلى العتيق ، وليجتمع فيه المسلمون لاداء الفرائض المنسوبات
والنوافل واقامة الجمععات والاعياد .

۱۰

جميع خمسين سهماً من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائه وسبعين
سهماً ، هـ اصل القنوات الخمس المشهورات بتفت ونصيرى ، ويعرف
كل سهم منها بجرّة واحدة .



و وقف على المسجد الذى بناه فى داخل بلدة يزد بموضع يدعى
باغ سراى نو ، بجانب مسجد معروف الى الشيخ الا[ما]م الربانى تقى الملة
والدين احمد ، رحمه رحمة عليه (؟) رحمة واسعة ، وذلك مشهور بمسجد خضر :
جميع ثلاثين سهماً شايعاً من جملة السهام القنوات الخمس
المشهورات بتفت ونصيرى .

۲۰



ووقف على المسجد الذى بناه فى بلدة يزد بين درى مهرى مجرد
محدودات الى حالى (كذا) ، بموضع يدعى پاى درخت :
جميع ثلاثة حوانيت متلاصقات واقعات بين درى مهرى مجرد ،

محدودات الى حانوت النجيب الفيروزآبادى ، والى خانقاه المولى
الامام المغفور شرف الدين خضر والى المسجد المشار اليه والى الطريق
منه المدخل .

جميع الحانوت الواقع فى هذا الموضع محدوداً الى مسجد بذك
٥ و الى موضع مدعو بتهكبنه (كذا) مظفر ، و الى الطريق الى الجانبين ،
ومن احدهما المدخل اليه .

وجميع الحجرة الواقعة فى ذلك الموضع المحدودة الى مسجد
پاى درخت ، والى دار للحسين الفخار ، والى الطريق من الجانبين ، و
من احدهما المدخل اليها .



١٠ ووقف على المسجد المتصل بالسور :

جميع الحانوت الواقع بباب المصلّى المحدود الى المسجد ،
والى السور من ثلاث جوانب .



وايضاً وقف المولى الاعظم الواقف المشار اليه ، اعلى الله درجته ،
على الخانقاه التى امر بانسابها ، و وقعت خارج البلدة فى محلة رأس
١٥ الرمل ، بقرب درب مهريجرد ، وقد بناها ليكون محطّ رحال المسافرين
والمجتازين ، من اهل العفة والصلاح ، وعلى ساير العملة والمرتقة :
جميع الحمامين المتلاصقين الواقعين بقربها : احدهما للرجال
والاخر للنساء ، كلاهما من مستحدثات المولى الاعظم ، عطر الله تربته!
جميع الباغية الواقعة خلف الخانقاه ، وهى مشجرة كلّها ،

٢٠ وجميع الخان الواقع بتلك المحلة ، بقرب الخانقاه والحمامين
وذلك من منشأه ايضاً ،

وجميع الباغ المشجر، والبراح (؟) الواقع فى صحراء البلدة فى دسكرة دهوك ، المشهور بباغ الفخارين بحد

- وجميع الباغ الواقع ايضاً فى صحرائها فى الدسكرة المذكورة، المعروف بسرابستان ، مع القصر والبناء الدّاخلين فيها بحد
 ٥ وجميع ستة حوانيت متلاصقات واقعات بقرب الخانقاه من بابها محدودات الى المدرسة المنسوبة الى شمس الدين الدامغانى والى السوق والخان المنسوب الى المولى الاعظم ، رفع الله قدره ؟ ومن موقاته ، والى الحمام والى الطريق ، واليه المدخل .



ووقف ايضاً على الخانقاه التى بناها داخل البلدة ، بمحلة كوشك-

- نو ، وعلى ساير العلما والمرتزة فيها :
 ١٠ جميع الحمام الواقع بجنبها ، وهى ايضاً من مستحدثات المولى الاعظم ، اعلى الله درجته ،

جميع الباغية الواقعة خلفها ، كلها مشجر ،

وجميع الخان الواقع خارج البلدة بقرب درب كوشك نو ، وهو

- ايضاً من مستحدثاته المسمى بخان الجديد ،
 ١٥

وجميع ثلاثة عشر حانوتاً : منها احدى عشر واقعات بقرب الخانقاه

بياب كوشك نو ، و واحد منها واقعة فى دسكرة باغ علا ، و واحدة فى

باب ريحانية ، وهى مفردة ، ومجموعها من مستحدثات المولى الاعظم

الواقف ، اعلى الله درجته !



- ووقف ايضاً المولى الاعظم الواقف طاب ثراه على الخانقاه التى
 ٢٠

وقعت فى قرية ابرندآباد من قرى البلدة فى طريق رستاق :

جميع الباغ الواقع بجانبها وهو القراح ، وذلك ايضاً من مستحدثات المولى الاعظم الواقف ،

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القرية گرد فرامرز ، المشهور بباغ دستوك ، وهو ايضاً من مستحدثات المولى الاعظم الواقف ،
وجميع الباغية الواقعة الخانقاه .



ووقف ايضاً على الخانقاه التى بناها خارج قرية مجومرد ، من من قرى البلدة ، وسبلها على المسلمين العابرين من الفقراء والمساكين وعلى العلة والمرتزة فيها :

جميع الباغية المشجرة الواقعة خلفها ، وهى ايضاً من مستحدثاته ، ١٠

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القرية على طريق رستاق بجانب الاراضى الموقوفة على الرباط الحطرى ، معروف بباغ نو بسطه



ووقف ايضاً على الخانقاه التى بناها فى قرية تفت ، خارج القرية من قرى البلد المشار اليها ، فى رأس طريق ابرقوه ، وسبلها على المسلمين العابرين من الفقراء والمساكين ، وعلى العلة والمرتزة فيها :
جميع الطاحونة الواقعة الخارج القرية المعروفة بالطاحونة الجديدة ، وهى ايضاً من مستحدثاته ، ١٥

وجميع الخان الواقع فى صحراء القرية المذكورة ، من طريق بلدة ابرقوه من مستحدثات الواقف المولى ، الاعظم طاب ثراه ! ٢٠

وجميع الباغ المشجر الواقع فى صحراء القرية المذكورة

بقرب الكشتخوان المدعو

وجميع الباغجة المشجرة ، المتصلة بالخانقاه الواقعة خلفها ،
وجميع الخان الواقع خارج القرية المتصل بالباغ المذكور
وهو ايضاً من مستحدثات المولى الاعظم الواقف طاب ثراه ، وفقاً صحيحاً
شرعياً مشتملاً على جميع الشرايط والاركان .

وشرط ان يبداء المتولّى من ارتفاع الموقوفات بعمارة رقبة تلك
الموقوفات بحسب المصلحة والاحتياج ، ثم بعمارة البقاع ، فما زاد على
ذلك تصرفه على المرتزقة والمصالح .

وامّا ما يصرفه الى مصالح المساجد المفصلة المتعددة اعلاه فمنوطة

- ١٠ كيفة وكميته برأى المتولّى الشرعى للمدرسة الركنية نايبا ، وهو
ولده المخدوم المطاع المولى الاعظم صاحب العدل الاعلى الاعلم الاكمل
الحاسب الانسب الافخم ، المفترض الطاعة على كافة الامم خليفة العرب
والعجم ، سلطان الثقباء والوزراء ، المؤيد من السماء ، المظفر على
الاعداء ، ناظم امور المسلمين ، سليل امير المؤمنين ، وسبط رسول
رب العالمين ، محيي مراسم آباءه من الائمة المعصومين ، غياث الورى
١٥ وغوث المسلمين ، اشرف ابناء الماء والطين ، شمس الحق والدينيا
والدين ، ركن الاسلام والمسلمين ، المخصوص بعنايات رب العالمين
وارث الانبياء والمرسلين ملجاء الضعفاء والمساكين ، ابو عبدالله محمد ،
اعز الله انصاره ، وضاعف اقتداره !

- ٢٠ واما ما يصرف في مصالح البقاع الاخر فكيفة وكميته على هذا
الاسلوب ، وذلك ان تصرف المتولى في الخانقاه المذكورة اولاً ، وهى
الخانقاه الواقعة بخارج البلدة فى محلة رأس الرمل ، بقرب درب
مهر يجرى ، كل يوم مبلغ دينارين اثنين من العين الرايجة الجديدة

- الرایجة كل دينار منها يعتبر ستة دراهم السلطانية طلمعية ، فى اطعام الفقراء والمساكين من المقيمين والمجتازين ، بان يهئى صبحية يوم طعاماً لعموم الفقراء والمستطعمين بباب الخانقاه حسبما يرى المصلحة، ثم يصرف المقدار الزايد منه على كل مسافر من المسلمين بحسب رأيه .
- ۵ والمعطى من متصدى للامامة والاذان فيها مبلغ سبعمائة من و عشرين مناً من الغلة حنطة وجاورساً ، بالمناصفة كل سنة بوزن اربعمائة درهم ، كما هو المعهود فى البلدة ؛ ولمن يكون مراتباً لمصالح الطبخ وقيماً على الفقراء والصادر والوارد ، واتصال الاطعمة اليهم على حسب رأى متوليها كل سنة مبلغ مأتى من من الغلة الموصوفة ؛ ولمن يكون فراشاً ويكون ايضاً بواباً مأتى من الغلة الموصوفة المذكورة .
- ۱۰ وان يصرف المتولى فى الخانقاه المذكور ثانياً الواقعة داخل بلدة فى محلة كوشك نو كل يوم مبلغ دينارين اثنتين من العين الرايجة الجديدة ، فى طعام الفقراء والمساكين من المقيمين والمجتازين على الوجه السابق ذكره فمازاد يصرف الى المسافرين حسبها يرى المصلحة .
- ۱۵ و يعطى لمن يتصدى الامام و التاذين معاً كل سنة مبلغ سبعمائة وعشرين مناً من الغلة الموصوفة ، وللذى يكون فراشاً وبواباً مبلغ مأتى من من الغلة ، ولمن يكون مرتباً وقيماً كذلك مبلغ مأتى من من الغلة الموصوفة .
- وان تصرف المتولى للخانقاه المذكورة ثالثاً ، وهى الخانقاه الواقعة بقرية ابرنداباد ، كل يوم مبلغ دينارين اثنتين من العين الرايجة الموصوفة فى اطعام الفقراء والمساكين على النمط المشروح .
- ۲۰ ويعطى لمن يكون اماماً موزناً كل سنة مبلغ سبعمائة وعشرين مناً من الغلة المنصفة ، ولمن يكون فراشاً وبواباً كل سنة مبلغ مأتى من

من الغلة المذكورة ، ولمن يكون مرتباً وقيماً كذلك في كل سنة مأتى من من الغلة المنصفة المذكورة .

وان يصرف المتولى في الخاتناه المذكورة رابعاً و هي الخاتناه الواقع الخارج قرية مجومرد كل يوم مبلغ دينار واحد من العين الراجحة الموصوفة في الاطعام ، ووظايف عملة ، حسبما يرى المتولى ٥ المصلحة .

وان يصرف المتولى في الخاتناه المذكورة خامساً الواقعة خارج قرية تفت ، كل يوم مبلغ دينار واحد ، من العين الراجحة المنعوتة في ساير المصالح في الاطعام ووظايف العملة ، كما يرى .

وقد شرط المولى الاعظم الواقف المتصدق ، زاد الله ثواب حسناته! ١٠ ان لا يوجر كل واحد من المتوليين متصرفاته الموقوفة اكثر من ثلاث سنين ، لافى عقد واحد ولا فى عقود متعددة ، وان لا يوجرها من المتغلبين وذوى الشوكة .

وقد شرط المولى الاعظم الواقف المتصدق طاب ثراه ! تولية هذالبقاع المتعددة والموقوفات المفصلة من يكون المتولى لامور ١٥ المدرسة الركنية ، عمرها الله تعالى وموقوفاتها حسبما نطق ، تذكر ذلك الكتاب الوقفية المشتملة على مصالح المدرسة المذكورة وقد صدر الاشهاد العادى عن الواقف بما نسب الى نفسه الشريف .



ووقف ايضاً على المدرسة المشتملة على ثلاث البقاع : دار الحديث ، ٢٠ وبيت الادوية ، ودار الكتب التى بناها داخل فى بلدة اصفهان فى محلة السوق ، بموضع يدعى بر بارحه هذالمدرسة العصمية : جميع السوق الحديد الذى هو ذوصفين متحاذيين بجانب المدرسة ،

کل صف منهما مشتمل على حوانيت مصطفة ودكاكين واقعة امامها موضع بالمحلة المذكورة .

وجميع الحمام المبنى برسم الرجال المتصل بهذا السوق، وحدود احد صفى السوق والحمام على التوصل منتهية الى سوق منسوب الى خواجه محمود، و مصنعة مبنية برسم الفخارين، وسكة مشهورة بابى سعيد القصاب، وباغچه ودار الورثة سعد بوددار (كذا)، والمستراحات والسقاية المتعلقة بالمسجد المنسوب الى الشيخ الامام المعظم العزيز الملة والدين محمود شفروه، وحدود صف آخر منتهية الى دار و خز[ا]نة للاسفهلار فخر الدين مبارز من محلة دار الحديث والممر والمدخل .

وجميع الحانوتين المتصلين بدار الحديث، الذين احدهما مبنى برسم الصباغين، والاخر برسم الخبازين، والدكاكين الواقعة امامها بمحلة والموضع المذكورين فيه، بحدود منتهية على التلاصق الى السوق الجديد المحدود فيه، والى دار الحديث من الطعين، والى الشارع العام والممر والمدخل .

وجميع الحوانيت الثلاثة الجديدة والمتلاصقة واقعة فى المحلة والموضع وحدودها على الاتصال، منتهية الى طريق مسجد منسوب الى محمد بن سعيد الصباغ، وبالمسجد وسوق خواجه محمود والشارع العام والممر .

وجميع الخان الجديد الذى هو ذوسققين، وقد بناها المولى الاعظم المقتدى الاعلم الواقف المتصدق، طاب ثراه ! فى بلدة اصفهان فى سوق العسكر، بحدود منتهية [الى] الحانوتين اللذين سيدكر حدهما فيه، موقوفين عليها، والمسجد المشهور بالانماطى، وسوق منسوب الى الامير السعيد نالاق (كذا)، رحمه الله تعالى، ومسجد منسوب

بالسدید ، و حانوت مبنی بر رسم للطباخين ، و مسجد فيه ، والشارع العام والممر والمدخل .

وجميع الحانوت برسم الطباخين الذى هو دو ثلاث طبقات المتصل بالخان المحدود فيه الواقع فى المحلة وسوق العسكر المذكورين منتهية الى الخان الجديد المذكور فيه من الجانبين ، و حانوت برسم البقالين ، والشارع العام والممر والمدخل .

وجميع الحانوتين المتصلين بهذا الخان المحدود فيه ، المبنى احدهما برسم البقالين والاخر برسم الخبازين ، بالمحلة والسوق المذكورين المنتهية حدودهما على الاتصال الى حانوت الوقف والسقاية والخان المذكور فيه ، من الضلعين والشارع العام الذى عليه وجههما ، والممر والمدخل .

و جميع الحانوت الجديد الذى هو ذو سقطين ، المبنى برسم الحلوائيين فى السوق المذكور ، مقابل حانوت البقالين والخبازين المحدودين فيه بحدود منتهية الى حانوت موقوف على الحرمين الشريفين مكه ومدينه ، شرفهما الله تعالى ! وخان للامير المرحوم بقيمور ، (كذا) من الضلعين والشارع العام والممر والمدخل ، مع ساير الحدود والحقوق كلها .

وجميع القصر المورح الواقع فى سوق العسكر المذكور فيه ، وهو مستغن عن الحد والوصف :

وقفاً صحيحاً شرعياً . و شرط ان يكون دار الحديث و البيوت التى فيها مسكناً ومنزلاً وماوى و ميسا (؟) لعشرة انفس ، من الفقهاء المتفقهة من اصحاب الحديث ، و يؤدى المتولى اليهم كل سنة مبلغ

ستماته دینار وثمانية دنانير و ثلث دينار من العين الرايجة الجديدة المنعوتة ، كل يوم ديناراً واحداً وثلثي دينار .

وينصب فيها للتدريس وتعليم طلبة العلم والمتفقهة : مدرس عالم متبحر متفنن مجتهد و فنانون في علم الحديث والفقه ، فيواظب بكرة كل يوم بعد ختم القران والخطبة والدعاء للواقف بالقاء الدرس ، و يدفع اليه كل سنة مبلغ مائة دينار واثنين وثمانين دينار او نصف دينار من العين الرايجة الموصوفة كل يوم نصف دينار .

وينصب فيها معيد عالم نحري يعيد عليهم الدرس ويدفع اليه كل سنة مبلغ احد وتسعين ديناراً وربع دينار ، من العين الموصوفة كل يوم ربع دينار .

وينصب فيها امام عالم باركان الصلوة وشروطها ، يواظب على اقامة الجماعة في الصلوة الخمس ، ويوقر اليه كل سنة مبلغ ستين ديناراً و نصف وثلث دينار من العين الموصوفة كل يوم سدس دينار . وينصب فيها مؤذن ورع متدين .

وينصب فيها اربعة اشخاص متورعون متدينون حافظون يواظبون على تلاوة القران في الايام والليالي المتبركة ، والحافظون المذكورون يداومون كل ليلة الجمعة على قراءة السور الخمس المدعو ببنج الحمد ، ويدفع الى الاشخاص الاربعة المذكورين فيه مبلغ مائة دينار واحد و اثنين و ثمانين ديناراً و نصف دينار ، من العين الرايجة كل يوم نصف دينار ، ويدفع الى المؤذن مبلغ ستين ديناراً و نصف وثلث دينار من العين الرايجة الموصوفة كل يوم سدس دينار .

و يقام فيها مرتب متميز متدين متعارف الى الناس يقوم بنقابة

الجماعة على الرسم، وتعلمهم آداب النفيس (؟) بين الاصحاب، ويسعى في معظمت امورهم و مصالحهم ، و يدفع اليه كل سنة مبلغ ستين دينار اونصف وثلث دينار من العين الرايجة كل يوم سدس دينار .

وينصب فيها يكون بواباً وفراشاً يقوم باغلاق الابواب وفتحها و تنظيم المدرسة و كنسها ، و يدفع اليه كل سنة مبلغ ستين ديناراً ونصف ٥ وثلث دينار من العين الموصوفة كل يوم سدس دينار .

ويصرف المتولى الى المصارف والمصاب مياومة على التواتر والتوالى فى كل سنة مبلغ مائى دينار وثلاثة واربعين ديناراً وثلث دينار من العين الموصوفة .

ويصرف اولاً كل يوم مبلغ ثلثى دينار من النقد الرايج الى وجه ١٠ عمارة الموقوفات استبقاءً لاصلها واستنماءً لدخلها، و عمارة دارالحديث و بيت الادوية و توابعها و وجه الفرش اللائق بها ، و يجمع المتولى ذلك القديريوماً فيوماً .

ثم يصرف المتولى ايضاً كل سنة مبلغ ستين ديناراً ونصف و ثلث دينار من العين الموصوفة الى مصالح نفسه ومهمات . ١٥

ويدفع المتولى من المحصولات مبلغ ثلاثين دينار واربع وسدس دينار من العين الموصوفة كل يوم نصف سدس دينار الى المشرف والناظر بامور هذه الوقفية .

ويصرف كل سنة الى وجه الطعام والادام والمائدة ، لاجل قراء

للسور الخمس كل ليلة من لياالى الجمعات ثلثة دنانير و ثلث دينار فضى ٢٠ رايج .

ويصرف كل ليلة الرغائب ثلثة وثلث دينار رايج .

و یصرف فی یوم العید و یوم مولد النبی علیه الصلوة والسلام مبلغ ثلاثین دیناراً من العین الموصوفة فی کل یوم عشرة دنانیر رایجاً .
و یصرف کل لیلۃ من لیالی النصف من شعبان ، ستة دنانیر وثلثی دینار من العین الموصوف الی وجه المأكول .

۵ و یصرف فی لیالی الرضان مبلغ عشرة دنانیر رایجاً الی وجه التمر ، لیفطر الصوام به صیامهم کل لیلۃ مبلغ ثلث دینار فضی .
و یصرف الی وجه سفرة المسافرین و المجتازین النازلین فیها کل سنة مبلغ ستین دیناراً و نصف و ثلث دینار من العین رایجة .
و یصرف کل سنة الی مصالح بیت الادویۃ من الاشربة و الادویۃ المفردة و المرکبة ، مبلغ ماتی دینار و ثلاثة و اربعین دیناراً من العین رایجة کل یوم ثلث دینار فضی ، و یصرف الی تکفین الموتی و تجهیزهم کل ستة مائة دیناراً و احد و عشرين دیناراً ، و ثلث دینار من العین الموصوفة .

۱۵ فما فصل من ذلك بعد استظهار لعمارة المدرسة ان احتاجت الیها یوماً من الايام ، فان انهدمت ، و العیاذ بالله ! و امكنت الاعادة من محصولات الموقوفات لسنة اوسنین یعاد و یوضع الخرابات ، و ان لم یمكن الاعادة ، یصرف ما یحصل من الارتفاعات الی الفقراء و المساکین حیث كانوا و این كانوا .



۲۰ و وقف ایضاً علی الخانقاه الی انشأها خارج بلدة ابرقوه ، و هی مسماه بالركنۃ ، واقعه بقرب الدرب المنسوب الی قطب الاولیاء طاوس الحرمین ، قدس الله سره ! و علی العملة و المرتزقة فیها :

جميع سبعة وعشرين جرّاً وطسوج جرّاً من اصل الف جرومائي وستة وتسعين جرّاً، هي اصل قناة نبادان، من قنوات حومة ابرقوه، من الاجر الملكية بجميع المضافات، واللواحق والضمايم وكل ما يعدّ من جملتها و توابعها ، و هي مشهورة معلوم المجرى والمنبع والمظهر والمصب .

- و جميع تسعة جر من اصل الف جر ، وثلاثمائة واربعة و اربعين ٥ جرّاً، هي اصل قناة سدجان وفتحاباد ومكرم آباد ولومكين ، من قنوات البلدة المذكورة الجارية مياها في نهر واحد مسمى بنهر سدجان ، المشهور المستغنى عن التعريف .

وجميع الباغ المشجر، والمبراح (؟) الواقع في صحراء نبادان ،

- و حشرين صحارى بلدة ابرقوه ، بحد بستان لورثة امير مجد الدين ١٠ عثمان ، و بحد بستان لشهاب الدين اخي ، و بحد بستان المحسن بن محمد بن ابي بكر الغوري ، و بحد الشارع والمدخل اليه .

وجميع بستان يحاط عليه الواقع في صحراء نبادان ، بسطه خمسة

اقفزة ، بحد بستان احمد بالو ، و بحد بستان عز الدين ابي طاهر بن

- محمد بابايه ، و بحد بستان محمد بن اسمعيل ، و بحد بستان لورثة ١٥ محمد بن الحسن المعروف بخوجوه ، و مدخله بجنب احمد بالو .

وجميع سهم واحد من اصل ثمانية و عشرين سهماً، هي اصل سهام

قنات ، و مزرعه فخر آباد ، وسول الواقعة بين قريتي مهر آباد وتاجاباد

من قرى بلدة ابرقوه مع التوابع واللواحق والاراضي والحصص ، و

- جميع ما يتعلق بهما ويعد من جملتها، وهما مستغنيان عن الحد والوصف. ٢٠

وجميع الحانوت المبنى برسم الخبازين الواقع بمحروسة

ابرقوه ، بمحلة يدعى سرسنگ ، و بحد دارالاحمد بن محمد بابا ، و

بحد حانوت لورثة احمد العلوى ، و بحد حجرة الاحمد المعروف
بشربان ، مع ساير التوابع والمضافات .

وجميع الحانوت الواقع بمحلة المذكورة المحدود بدارالمحمود
بابوك ، و بدارالحسين لنك ، و بزقاق و شارع .

٥ وفقاً صحيحاً شرعياً ، وتصديقاً صريحاً سمعياً ، مستجمعاً للاركان
والشرايط ، مستغنياً للمحققات والضوابط ، حاليا بالصحة والسداد ،
خاليا عن المبطلات والفساد ، مقروناً بالحكم والقضاء ، من قبل ولاية
التنفيذ والامضاء ، لازماً لا يوهب الموقوفات ، ولا يورث ولا يباع ، ولا
يتملك بوجه من الوجوه والاسباب ، ولا يتصرف فيها مغايراً لما ياتى فى
١٠ هذا الكتاب ، ولا يوجر اكثر من ثلاث سنين ، لا فى عقد ولا فى عقود ،
و من فعله ففعله مردود ، ولا يقدم على ايجارها قبل انصراف المدة
السابقة ، وان اقدم وجب الحكم ببطلان اللاحقة .

والمتولى لامر هذين الامرين: الوقف، وصرف ارتفاعات موقوفاته،
وتعاطيه ، هو المولى المخدم الاعظم الحاكم الاعدل الاكرم ، و هو
١٥ المتولى للمدرسة الركنية . شيد الله بيمين دولته اركان الدين والملك ،
وسلم اعادته الى ابد النوى والملك (؟) ، فجنابه هو المستقل فى تدبير اموره ،
والمستند بتقرير حقوقه ، فله الحكم والامضاء والابرار والنقص والنقض
والاحكام .

ووقف ايضاً المولى الاعظم السعيد المرتضى الاكرم الشهيد ،
٢٠ اعلى الله درجته ، على الخانقاه الواقعة ببلدة نائين المحدودة قبل .

جميع اربعين سهماً ، ونصف سهم شايع فى مائة سهم ، وسبعة و
عشرين سهماً ، هى كلها عبارة عن شبانروز : واحد من اصل سبعة و

ثلاثين شبانروز ، هي كلها جميع الشبانروزات ، التي انقسم عليها جميع قناة ورزخان ، من قنى المدينة المذكورة ، وهي قناة معروفة مستغنية عن الحد والوصف ، لشهرتها [فى] محلها

وجميع ستة اسهم شايع فى مائة واحدة وسبعة وعشرين سهما ، هي عبارة عن شبانروز واحد من اصل ثمانية وعشرين شبانروز ، كلها ٥ شبانروزات ، انقسم عليها جميع حنقش (?) من قنى المدينة المذكورة ، و هي مستغنية عن الوصف والحد ، لاشتها رها عند اربابها . والسهم من هذين الجميعين عبارة عن سرقة واحدة . والسرقه مقدار معلوم عند ملاك تلك الناحية ، لايتفاوت اصلا . وقد دخل فيه جميع التوابع واللواحق والمضافات والمنسوبات و عامة ما يتعلق بها ذكر و شرح او ترك ١٠ وطرح .

وجميع سهمين اثنين معروفين سرقين شايعين فى مائة وسبعة و عشرين سهماً ، هي شبانروز واحد شايع فى سبعة وثلاثين شبانروز ، هي كلها جميع انقسم عليها جميع ماعقناة خرنذر ، من قنى المدينة المذكورة ، وهي مستغنية عن الحد والوصف ، مشهورة عند اربابها ، متميزة عما ١٥ عداها بهذا الاسم ، لاختصاصها به فى تلك البقعة .

والمتولى لهذه الصدقة واجراء الاحكام و تصدى ابرامها والاحكام واثبات العملة والمرزقة ومحوهم ، هو متولى المدرسة الركنية ، لازال ركن دولته مشيداً عالياً ، وجمال الملك والملة من رويته حالياً ! ثم اولاده ثم اولاد اولاده ، بشرط الانتماء الى جنبه بمحض الذكور . و صرف ٢٠ محصولاتها وريوعها و زروعها ، هو كما سياى مشروحاً من بعد .

و شرط المولى الاعظم طاب ثراه ، ان لا يوجر اكثر من ذلك

سین ، سواء كان في عقد او عقود ، على مامر في غيره ، وان لا يوجر من اصحاب الجاه والشوكة وارباب الحكم والغلبة مطلقا ، كيلا يقضى الى استيلائهم عليها ، ولا يتطرق بصرفهم ووقوفهم اليها .

- ووقف المولى الاعظم المغفور والمرضى الاكرم المبرور ،
 ٥ سلطان النقباء والقضاة والحكام في زمانه ، آية الله في كمال تقواه وعلو شأنه ، منشئ الخيرات ومهدمباني المبرات ، الفائز بالسعادات الدينية والدنيوية ، ذوالرتب العلية والدرجات العلوية ، الواقف المشار اليه رفع الله درجته ، وثقل ميزان حسناته وخيراته ! على ابنه الحاكم الموفق المخدم المطلق ، صاحب الاعظم والمولى المرتضى الاعدل الاكمل الاكرم ،
 ١٠ والى ولايات الملك والشرع والسيف والقلم اكرم كرام العالم عالم العلم والحكم ، خليفة الله في العرب والعجم ، المفوض الطاعة على كافة الامم ، عامر ولايات الفضل والجود ، اشرف من دخل فضاء الوجود ، سلطان النقباء والقضاة والوزراء ، مرجع ملوك الورى ، شمس الحق والشرعية والدنيا والدين ، غوث الاسلام ومغيث المسلمين ، المخصوص بعناية الله العالمين ، حامى المملكة ، المنجى من المهلكة ، كل من مشى
 ١٥ على البسط اودايرة الكون به محيطه ، ابي عبدالله محمد ، شيد الله تعالى دعايم جلاله ، وايد على العالمين عميم ظلاله وفضاله ! و على اختيه المولاتين المعظمتين المخدرتين المفخمتين ، عصمة الدين صفوة الاسلام ، فاطمه خاتون ، ورفيعة الدين رضىة الاسلام ، ساسان خاتون ، زيدت رفعتهما !
 ٢٠ ثم على ذكور اولادهم ، ثم على اولاد اولادهم ، ماتوا لدوا وتناسلوا ، بطنا بعد بطن ونسلا بعد نسل وعقبا بعد عقب ، الى ان يرث الله ومن عليها ، وعلى الجهة التى يأتى شرحها وبيانها :

جميع الباغ الواقع بظاهر بلدة يزد، حماه الله تعالى! بدسكرة تفت و نصیری ، بموضع يدعى رأس سكة هروك و اهرستان ، المشهور بباغ محمد ابی سعید ، المنتهية حدوده الى الطريق الشارع ، والى باغ شرف الدينی ، والى دار السيادة والى ساباط . . . ، ممّا يتعلق به من الدور والبيوت والحجرات المبنیات فيها ، وآلاتها وموادها الخشبيّة والحجرية واللبنية وساير التوابع واللواحق ، وجميع ما يحصى من جملتها ، ويحضر في زمرتها .

و جميع ثلاثة طسوج شايعة من اربعة وعشرين طسوجاً ، هي اصل ماء قنات مشهورة بقناة رئيس الدينی ، منبعها صحراء قرية فراشاه ، و مفتحها و مجراها خلال قنوات تفت و نصیری ، و مصبها الدسكرة ١٠ المذكورة ، وهذا القناة مستغنية عن الحدّ والوصف والرسم ، لاشتغالها في تلك البقعة باسمها المذكورة .

و جميع الباغ الواقع بظاهر قرية تفت من قرى قهستان يزد ، المشهور بالباغ الشجاعی ، مع الدار والاصطبل والدرب ، وغير ذلك ممّا يتعلق به من المضافات والتوابع واللواحق ، المنتهية حدوده الى باغ ١٥ مشهور بباغ ، والى . . . ، والى . . . ، والى . . . ،

واما الجهة التي وعدنا شرحها ، ان يقر المتولى المولى المخدوم ، الذى هو المتولى للمدرسه الركنية ، مد الله عصره و عز نصره ! من محصولات هذه الموقوفات الثلاثة ، كل يوم الجمعة من الجماعات الواقعات في السنة ، بعد عمارة اصل الرقبة الموقوفة الضرورية ، ديناراً ٢٠ واحداً ، ونصف دينار ، من النقد الموصوفة ، فيشتري به ما يهيم^٤ طبخ للواردين الى العمارة المبنية على الساباط التابع لباغ ابی سعید ، والنازلين

بذلك الساباط من الفقراء والمساكين وغيرهم من المسلمين على ما يراه المتولى المصلحة .

ثم يصرف الباقي من المحصولات والارتقاعات، الى الولد المخدوم المولى الاعظم و اختيه الموقوف عليهم ، بسط الله ظله ! ثم الى اولادهم ٥
ثم الى اولاد اولادهم ما توالدوا وتناسلوا بطنا بعد بطن.

ووقف ايضاً المولى الاعظم السعيد ولى الله الاكرم الشهيد، الواقف المشار اليه ، بواه الله اعلى عرف الجنان ! على اخيه الاعيانى ، المولى المرتضى الاعظم ازهد سادات العجم، زين العابدين الثانى، بحر المعالى والمعانى ، قطب الملة والدين على ، ثم على اولاده ، ذكوراً كانوا ١٠
او اناثاً ، بالسويّة من غير تفضيل و مزية ، ثم على اولاد اولاده ، ابداً ما توالدوا و تناسلوا :

جميع النصف التام الشايع من المزرعة التى هى فى قهستان يزد ، فى ناحية مدعوة بدرجاز ، وهذه المزرعة مدعوة بدر رز ، مع ما يتعلق به من التوابع ، وقفا صحيحاً لايبيع ولا يوهب ولا يورث .

وشرط ان لا يوجر مدة يكون اكثر من ثلاث سنين، لابعقد ولا يعقود ١٥
متفرقة ، وجعل طاب ثراه تولية هذه الوقفية الى اخيه الموقوف عليه، ثم الى ابنه المولى الاعظم ، صاحب العالى الا على الاعدل الاكرم ، المتولى للمدرسة الركنية ، خلد الله جلاله ! بشركة من يكون ارشد واتقى واصلح واعلم واعقل ، من ذكور اولاد الاخ الموقوف عليه. فان لم يوجد فى اولاده ذكر ، فالتولية ح ، يختص با بنه المولى الاعظم ، ٢٠
الصاحب الاعدل الاكرم ، سلطان الوزراء فى العالم خليفة العرب والعجم، مالك رقاب اصحاب السيف والقلم، ملجأ طوائف الامم، المتولى للمدرسة

الر كنية، ابدالله دولته! ثم ان وجد من ذكور اولاد اولاد الموقوف عليه ، من يتصف بالصفات المذكور؛ كان هوشريكا فى التولية مع المولى الاعظم المتولى للمدرسة الر كنية المذكورة ، اعز الله انصاره !

هذا بيان ما وقف وتصدق وحبس وسبل المولى الاعظم المتصدق

- المشار اليه ، عطر الله بنسيم الرحمة روضته ! بعدان وضع بين يدى قضاة المسلمين ، وصح عنده ولادة المؤمنين ، مالكى ازمة الاحكام ، وحاكمى شرايع الاسلام ، باساليب شرعية ، و مناهج دينية ، جميع الموقوفات المفصلة قبل ، كان حين وقف حقاً صدقاً من حقوقه ، وملكاً طلقاً من املاكه ، حسبما بين تملكه من الملاك المحقين ، والارباب المستحقين
- ١٠ . وما تحت تصرفه وملكيته مستقراً فى ربة حقيقة حاله (؟) ايراد هذا الوقف عليه ، ويترك هذا المحبس اليه ، كفاء ما دلت عليه مضامين الحجج المسجلة بسجلاتهم ، وشهد بصحته متون الوثائق الموشحة بتنفيذاتهم .
- وقفها وحبسها وقصد بها ابتغاء لمرضاته واقتناء لجزيل حسناته ، وطلباً لثوابه يوم عرضه وحسابه ، يوم يفر المرء ، يوم تجد كل نفس ما عملت من خير ، اذهو احسن ما عملوا من عمل . و الصدقة الجارية ممّا لا ينقطع عنها الامل ، وحث عليها الواضع ، وندب اليها الشارع ، عليه من الصلوات افضلها ، و من التحيات اكملها ! حيث قال فى جواب امير المؤمنين على عليه السلام : « حبس الاصل وسبل الثمرة » .

- و قفاصحيحاً شرعياً ، و عن النواقص و المفسدات عرياً ، حاوياً لشرائطه الشرعية ، شاملاً لاركانه الدينية ، حاوياً عما يقتضى اخلاقى
- ٢٠ قواعد المرضية ، و يوجب انحلالاً فى مقاعده المالية .

وتحبسها حالياً بعامة مصححاته ، خالياً عن كافة مخلاته ، احكمت

مبانیه بالمؤیدات من الدین الامیر(?) القویم، ووشینت حواشیه بمشیدات من الشرع الاعزّ المستقیم .

وتسیلا شواهد صحته یترا کم فوجا فوجا، ودلائل شرعیه یتلاطم موجاً موجاً ، لایندرس معالمه بتکرر الشهور والاعوام ، ولا ینظمس مراسمہ بتکدر الدهور والایام. وکیف تغفورسوم فسحها جنوب وشمال، او یخفی شیء لم یخل عن ذکره مقول . کلابل لایغادره الزمن ، ولا یخونه ، فانّ لهذا الخیر ربایصونه .

وصدقة ثابتة لازمة دائمة بته سله نافذة جاریة جازمة ، مصونة عن التنکیف والنقص ، مصونه عن التغبیر والرّبص ، لم یجد بتصادم الایام الا تأکیداً وتشییداً ، ولم یزد بتصرم الاعوام الا تمهیداً و تاییداً . والوقف حر لم یزل متجددا اثاره بتجدد الایام .

ثم ان الشرع الشارق، والفقہ الفارق ، اعتبر امورا اناط بها صحة الوقف واجرائه، وهی علیها بتنقیذه وامضائه، وهی تاییده وتنجزه والزامه، وتبیین ماهو مصرفه واعلامه. وقد اشتملت هذه الصدقة علی جملة، و احاطت باربعتها ، فهی متصفة بالتأبید ، اذ لا انقطاع فی حد من حدودها، ولا انقراض یقتضی فترة فی آیات وجودها، متسمة بالالزام، اذ لم یتطرق الیهما خیار یحدث فیها ، ومما و(?) لم یحم حولها شرط فاسد یسببها سبباً .

نص، بیض الله غرته! علی ان المتولی الذی بیده زمامها والی رایه ینتهی و یستند احکامها ، علیه ان یبذل فی تقریر ربوع الموقوفات جده وجهده ، ویسعی فی تکثیر زروعها دیله ، و لجمع فوائد ها و تحصیل عوایدها ، وقد کتب بذکر کل واحد حجة شرعية محتویة علی بیان الموقوفات ومستحقّیها ، وشروط و نصوص یجب مراعاتها فیها . و

- استخرجنا من تلك الحجج والكتب انموزجاً ليسهل ضبطها .
- والشرط العام في تلك الاوقاف ان يكون التولية في جميع ذلك لنفسه النفيسة زمان حيوته، وبعده لفرعه الذي فرع اهل المراسم والمراتب، وفرع قمم كل ماجربت للمحتدى غيما يارفا واسنى للمهتدى نجما شارقا،
- عال ادراك في المعالي الرتب العوالى ، وشمزت اذيالها في قاعة الايام ۵ والليالى ، مالك الملاك الملكية ، مؤيد من السماء بتاثيرات القواهر الفلكية ، سرى همت همته هامة الفلك المحيط ، عيب اراح العيب عن بساط البسيط ، كريم زلال احسانه عدت منابع شرابه ، ارتجى تب الهواك (?) قبل السئوال ديدنه ودابه ، جواد تمت عواطفه وعمت اياديه ،
- كامل اقر بفضلہ جميع اعاديه ، در توسط به عقد الامامة، مرکز احاطت ۱۰ به دائرة الكرامة ، صح رفع برافع الحرمان عن حاجات نوع الانسان ، ومحين بالسنة الاقلام عن وجه الايام ، آثار الطغيان (۱)، درى توقد من شجرة الرسالة ، لابل شمس طلعت من افق العلى والبسالة ، وزير تأزر بازار الوزارة ، قرم ارتدى برداء الصدارة ، مولى خضعت رقاب العظام له ، وذلت صيد الانام لاطه ، ناظم شمل الشرع وسلطانه ، حجة الله على ۱۵ خلقه وبرهانه ، المتمسك بجبل الله المتين ، رافع اعلام الحق المبين ، قاعد قديم البدعة و هواء على وجه الارضين ، المتجلى بسير الملائكة المقربين ، شمس الحق والدنيا والدين محمد ،
- الفرع مثل الاصل في اوصافه والاصل فرد في عجائب شانه
- كل بكل لم يزل سميعا رغم العدى مخدوم اهل زمانه ۲۰ ثم الاصلح الارشد من ذكور اولاده المنتجبين ، محض الذكورة اليه ، بطناً بعد بطن .

ثم لاربعة انفس من طوائف اربع من اهل بلده ، يختارهم المولى الاعظم الابن المشروط له التولية، اعز الله انصاره ، ومد اعصاره ! ويفوض اليهم ، وهم من السادة العلويين المنتسبين الى قبيلة المولى الاعظم الواقف ، طاب ثراه ! و واحد امين دين كاف ورع من صلحاء البلدة ثان مثله، ومن عملاتها ثالث مثله، وآخر من اهل الخيرة والكياسة ، و باب الديانة والكفاية يقومون مجتمعين بامر التولية .

فان انقرض الاربعة المفوض اليهم التولية؛ يقوم بها اربعة آخرون فآخرون من الطوائف الاربعة المذكورين، ثم آخرون منهم بتعيين من كان حاكما لشرايع الاحكام ، متعاطيا للنقص والابرار .

ثم الحاكم هذا رتب مراتب امر التولية ، ببصيرته الصائبة ، وبين مناهجها بفكرته الثاقبة ، فاولا اعطى القوس باريها ، وثانيا انزل الدار بانيتها، ومهد فوائدها تمهيداً مامونا من النسخ ، وعقد معاهد عقودها على نمط مصون من الفسخ، نظم الذى لم يات به بندير ، وكان علم الغيب امداده، وان يكون الاشراف لابن بنته وهو المولى المعظم المقتدى الاعظم، مولى ملوك القضاة والحكام مبين الشرايع والاحكام ، شرف الملة والدين ١٥ على المذكور اسمه، وبعده الى اولاده المذكور ثم الى اولاد اولاده المذكور بطنا بعد بطن .

ومن شرايطه ان لا يوجر الموقوفات اكثر من ثلاث سنين ، لا فى عقد ولا فى عقود مختلفة ، فان المنع راساً حرج والترخص فى الزيادة ممح ، ولا من متغلب ذى شوكة ولا ناقل من المدة ، لئلا يصير غرضه للاستملاك ، ولا تمتد اليها يد العدوان والاستهلاك .

على انه متى خربت البقعة الموقوف عليها اعيدت فى موضعها

مرة بعد اخرى وثانية تلواً [للا] ولي، وتجرى عليها بعد الاعادة احكامها، وينتقد ماعين من مصالحها بتمامها . وان تعذرت الاعادة يصرف مايتعلق به. ومصالحها [على] فقراء المسلمين ومساكينهم . وكذا الحكم فى غيرها من الابنية المنصوص على صرف شى فى مصالحها حسب المذكور اماما .

- ثم المولى الاعظم الواقف ، لازالت اعمار حسناته على
وجنات الدهر طالعة، وانوار خيراته على صفحات العصر ساطعة ! اخرج
هذه الموقوفات من يده ، وسلمها الى امين تسلط عليها ، وتمكن منها ،
ويصرف فيها ، تكميلاً لامر الوقف يرفع اليد السابقة عنها ، ويجدد
اليدهم اللاحقة من جهة الوقف عليها ، ثم عزله، واستردها منه ، واعادها
الى ربة سلطنته ، وتصرفه بحكم التولية التى شرطها .

- ولما اراد احكام هذه الصدقة ورم ابرام هذه المبرة ، رفع امرها
الى قاض من قضاة المسلمين ، وعرض على وال من ولاية الدين ، وانهى
اليه تفاصيل اقسامها ، واعلم بجزويات احكامها . وبعد التداعى الشرعى
والترافع المعتبر المرعى بين جابرى الدعوى والجواب على شاكلة الحق
والصواب، حكم بصحة الوقف حكماً جزماً ، وقضى مفاده قضاء حتماً ،
واحكم قواعدها بالتنفيذ والامضاء ، وساوها بتهيأ الحكم والقضاء . و
بعد ثبوت ساير مقدماتها و نتائجها حسب المبين فى معاطف الحجج و
مدارجها، اشهد به شهوداً ثقاتاً وعدولاً كفاً وبيانا اثباتاً ، هذا .

- ولما اسبغ الله على المولى الاعظم، السعيد الاعلى الاقدم، القدوة
فى التقى وما يقتضيه ، والاسوة فى الدين وما يجب فيه ، سلطان زمانه،
المنفرد بكمال العلم والتقوى فى اوانه ، باني مبانى الخير على الايام ،
رافع اعلام الاسلام ، الواقف المتصدق المذكور القابيه العالية درجته

الى المقامات المتعالية ، و وقفه لانشاء الخيرات ، و اجراء المبرات ،
 قدوردت حدودها وعددت قدودها ، وحصنت اطرافها ، وعطرت اردانها
 واعطافها ، وفضله على كثير من اقرانه و اترابه تفضيلا ، و نزل عليه
 سرايات الخير تنزيلا ، فكرع من الطاقه مشارع يعرر ولايترد(؟) و رفل
 من طوله فى ملابس بطول ولا تقصير(؟) ، حتى بذل المجهود فى تأسيس
 مباني الخير ، و صرف عنان الهة فى اختراع جهات البر ، التى تطلع صباحها
 مستنيرا ، و طست شعاعها مستطيرا ، من بقاع انشائها بعامة البلاد ، من
 المدرسة الركنية التى بناها داخل مدينة يزد ، حميت عن العاهات ! بباب
 الوسادة بقرب المدرسة المحمود شاهية . ووقف عليها وعلى ساير البقاع
 ابواب الخير المذكورة المفصلة بعد ، الاملاك المشروحة المبينة
 مواضعها .

وقد اشترى ما فى زمان حيوته الشريفة حصصا و املاكا ، شصقها(؟)
 على نية وقفها و عزيمة صرفها الى تلك المصارف . ولم يبق له ذلك ،
 فبقيت تلك الحصص والاملاك تحت ملكيته ، كما نطقت به حجج دالة
 عليها ، الى ان باداه الله قلتاه(؟) ، وفارق دنياه ، واختار النقل من دارالبوار
 الى دارالقرار ، فى جوار آبائه الاطهار ، وانحصرت ورثته فى اولاده ،
 وهم المولى الاعظم ، المرتضى الاعدل الافخم ، ذوالاصل الراسخ ،
 والفرع الشامخ ، والمجد الباذخ ، والحسب السادح ، المختار من اكرم
 المناسب ، المنتخب من اشرف المحاتد ، المرتضى من اعلى القبائل ،
 المؤثر من اعظم العشائر ، المنتظم بهسلى للمحد المخيم عليه(؟) ، و قد
 الفضل المتوغل فى هضبات الكرم ، المترقى الى درجات العلوم والحكم ،
 سلطان القضاة والوزراء والنقباء ، خليفة الله فى الورى ، شمس الحق

والشريعة والدنيا والدين ، ركن الاسلام وكفيل مصالح المسلمين ،
ابوعبدالله محمد ، اطال الله مدته ، وجعل الشكر في البقي مادته ، و وفا
في اعزته ونفسه ، وجعل مسيره عدها جنة مساه امسه (؟).

و ورث عمرين تقدمه(؟) ، و غفر لمن اختار له جواره ، و استقدمه

- و احياء ، المولاتان المعظمتان والستان العقيقتان المخدرتان المعصومتان ،
سليلتا الشرف والكرامة ، نبيجتا النبوة والامامة ، عصمة الدين ، صفوة
الاسلام ، فاطمة خواتون ، ورفيعة الدين ، سيدة الاسلام ، ياسان خواتون ، لازال
مكانهما معا بالنعم مامونة عن الزوال ، معصومة عن التغير والانتقال ، لاوارث
غير هؤلاء الاشراف ، ولا تخلف لبركاته سوى اولئك الاولاد والا والاطهار ،
وانتقلت تلك الاملاك والحصص اليهم بالارث الشرعي والملك القهري ،
ثم انتقل نصيب الاختين المذكورتين من جميع مخلفات والدهم المرتضى
الاعظم ، السعيد المغفور والمجتبى البار المبرور ، طيب الله مهجعه ! من
الاملاك والعقارات والضياع والممتلكات على اختلاف انواعها واجناسها ،
الى اختيها الاكبر قدرة و سناء ، الاعظم ابهة و بهاء الملوك الاعظم (؟)
المذكورة ، اعز الله نصره ، و انفذ في العالمين نهيه و امره ، و اقر بها اقراراً
شرعياً طائعين راغبين ، بان لاحق لهما ولا لواحد من قبلهما في تركات
ابنيهما المولى الاعظم ، السعيد المغفور المذكور ، بل كل ذلك بجميعها
حق وملك لاختيها ، وموليها ومولى المسلمين ، قدوة اعظم الموحدين
سلطان صناديد قضاة العرب والعجم ، خليفة الله بين كافة الامم ،
الامامة مهبط الفضل والكرامة ، شمس الحق والشريعة والدين ، السابق
القابه العالية ، لازال سابقاً في مضمار الفضل مقرونة للسلام (؟) بالنصفة
والعدل.

- فلما دخلت فی ملکیتہ ، واستقر تصرفہ ، وتصرف بوابہ وو کلائہ
 فیہا ، وراى برأیہ الصایب ، لازالت امور العالمین منتظمة به ، ان بعض
 البقاع المنسوبة الى انشاء والده المرتضى الاعظم ، طاب ثراه ؟ خالية
 عن المواقات(؟) عارية عما يحصل منه شىء ، وان الوالد المذکور، طیب الله
 مرقده ، قد کان یدور فی خلدہ ان ینعم ویقف علی سادات بلده ، وعلی
 عتقائه من غلمانہ وامائه ، ولم یتفق صدور ذلك منه ، اقتضى رایہ العالی
 و همته السنية و رويته الحسنة ان یتفق بما اتاه الله به واعطاه ، تیمن
 بقوته تعالی واتبغ فیما آتاک الله الدار الآخرة ولا تنس نصيبا من الدنيا
 واحسن كما احسن الله اليك ! یحذو حذوا بیہ فی مبار افعاله ، ومحاسن
 مساعیہ تتمیماً لخیرات الوالد، جزیه الله یوم لا یقبل منه طریف ولا تالذ !
 ۱۰ لاعذر للشجر الذی طابت له اعراقه ان لا یطیب جناہ
 ویزید علیہ زیادة تحم عموم المطر، و تفضل علیہ بافراد النفع
 دون الضرر، وتتابع ینابیع القطر علی البلد القفر، وترادف ترادف الغنی
 الی ذوی العاقبة والفقر .
 ۱۵ وهو خلد الله ايامه وادام علیہ شهوره واعوامه ، بحمد الله تعالی
 وجسیم مننہ، لم یزل یسعی فی اشادة مبانى خیرات یدل علی همته، التی
 یعرك السماك الاعزل سموا، ویجر ذیلها علی المجرة علوا. فکم من بقاع
 خیر ابدعها وابداعها ، ومن جهات براخترعها و احياها . ووقف علیہا و
 علی مصالحها اکثر نقایس املاکہ ، واعظم شرایف اعلاقہ ، یقبلہ الله
 ۲۰ منه بقبول حسن ، و صرف عن حوبائہ الاسواء والسحقن ! فله من
 فتوالدین شریفین لهما مہمة بین الحجر مجریہا ، وفی البحار مجریہا ومرسیہا .
 امامان قاما تاتینا (؟) معالم عوال اعرن الخلد فضل جمالہا

اركان(؟) بالخيرات خير موفق واين لحالي(؟) السحب عند انهمالها
من العبر الوضاع عز وجودهم واهل العلى والمكرمات والها
من آل جميع الخير بعض صفاتهم وكل المعالى خله من خلالها
الاهو ركن لم يخلخل رصينه الا هو شمس اومنت من زوالها

- فكان ابناء هذا البيت الكريم، وارباب هذا المجد العظيم، تدخلوا
على شرف منجم وكرم فحم، وما آتيهم المحاسن عن كلاله، ولا ظفروا
بالهدى عن ضلالة، بل تناولوا المجد ركابها، و اخذوا الفخر بين اسوة
ومنابر .

- اولئك قوم ان بنوا احسنوا البنا وان عاهدوا اوفوا وان عقدوا اسدوا
وان كانت النعماء فيهم حرواتها(؟) وان انعموا لا كدروها ولا كسدوا ۱۰
فاحسن و اضاف اعنى الابن المولى المرتضى العالى والساحب
المتعالى، ابقاه الله للدنيا والدين، وما برح احدا و انه المجد(؟) فالتمس
الى خيرات والده، طاب ثراه! من انفس ماورثه منه، وانتقل اليه من الاختين
المذكورتين، دامت عصمتها من الحصص التى سنينها، بعد ذلك ليبدل
على ان الله قد افاض عليه شعاب البر و مسائله، وجمع له شعوب الخير ۱۵
وقبائله، ووقفه على اياد قد جعلها وفقا على نحور الانام، وخلاعا على
انصار اولى النهى والاحلام، و ضرب او استعار الدهر لساناً، واتخذ
الريح ترجمانا، واراد ان تشيعاذ كرها حق الاشاعة، فقصرت بها يد الاطاعة
والاستطاعة .

- لله درك ان وصفك معجز يامعجز الاشياء والنظراء ۲۰
ووقف على مصالح المدرسه الركنية السابق ذكرها، وعلى
الخانقاه التى انشاها الوالد، بخارج بلدة يزد، بدرج قطريان، بموضع

یدعی سرپول ، وعلى مصالح الجامع الذى یدعی بمصلی عتیق ایضا ،
 من منشاته خارج البلدة ، والمسجد المسمى بباغ سراى نو ، والمسجد
 المسمى بمسجد سور . وهذه المساجد ایضاً من منشاته ، وعلى مصالح
 دارالضيافة التى استحدثها الوالد على رأس قبر والده المرتضى السعيد ،
 والمجتبى الزكى ، قوام الملة والدين ، قدس الله سره روحه ! بصحراء
 البلدة ، وعلى السادة الفاطمية الساكنين بلدة یزد ، ونواحيها من الذكور
 والاناث ، وعلى اولاد عمیه السادة والاشراف من الذكور والاناث ، وعلى
 عتقاء والده من الغلمان والجوارى ، وعلى مصالح البقاع التى انشاها
 الوالد ببلاد ابرقوه ، وكاشان ، وعلى سكان تلك الاصقاع ، وقطان هذه
 البقاع ، و عملها على الوجه الذى سيفصلها من بعد حسب الشروط
 الآتیه . ۱۰

اما وقفه على مصالح المدرسة الركنية ، وخانقاه درب قطریان ،
 ودارالضيافة النظامية ، والمساجد ، وعلى السادة المذكورين ، وعلى
 اولاد عمیه :

جميع مائة سهم وثمانية عشر سهماً و نصف سهم ، من اصل اثنى
 عشر الف سهم وسبع مائة سهم واربعين سهماً ، هى اصل سهام قناة مریاباد
 الواقعة حومة بلدة یزد . ۱۵

و جميع مائة سهم وخمسة وتسعين سهماً وثلثی سهم ، من اصل
 اربعة عشر الف واربعين سهماً ، هى اصل سهام قناة یعقوبی ، الواقعة ایضاً
 بحومة البلدة المذكورة . ۲۰

و جميع خمسة وعشرين سهماً و ثلاث و طسوج سهم ، من اصل اربعة
 عشر الف سهم واربعين سهماً ، هى اصل سهام قناة جلیلی الواقعة بحومة

البلدة ايضاً .

وجميع مائة سهم وتسعين سهماً من اصل ستة عشر الف سهم وستمائة سهم واربعين سهماً ، هي اصل سهام قناة كثنويه الواقعة ايضاً بحومة البلدة المذكورة .

وجميع مائتي سهم واحد وخمسين سهماً ونصف سهم ، من اصل سهام ٥ قناة دها باد ، مع النصف المعين من قناة يزدا باد واقعتين [في] البلاد المذكورة .
وجميع اربعمائة سهم وستة وخمسين سهماً ونصف وسدس سهم من اصل ستة عشر الف سهم وتسعمائة وستة وثمانين سهماً وثلاثي سهم ، هي اصل سهام قناة نرسوباد الواقعة بحومة البلدة ايضاً .

وجميع اربعمائة سهم واربعة وستين سهماً ونصف وربع سهم من اصل ١٠ ستة عشر الف سهم وستمائة و اربعين سهماً ، هي اصل سهام كل واحدة من قناتي ابر ومباركه الواقعتين بالبلدة المذكورة .

وجميع احدى وسبعين سهماً من اصل ستة عشر الف سهم وستمائة سهم واربعين سهماً ، هي اصل سهام قناة دهوك الواقعة بالبلدة مع النصيب المعين من قناه يزدا باد .

١٥

وجميع مائة سهم واحد واحد و اربعين سهماً من اصل عشرة الاف سهم وستمائة سهم وستين سهماً ، هي اصل سهام قناة قرية مدوير اباد من قرى البلدة المذكورة .

وجميع مائة طشت واربعين طشتا وثلاثي طشت من اصل اثني عشر ٢٠ الف طشت ، هي طشتات قرية ابر ندا باد من قرى البلدة المذكورة .

وجميع سبعين سهماً هي اصل سهام قناة قرية اشكذر من قرى البلدة المذكورة من السهام المستزاد .

و جميع ثلثمائة سهم وتسعين سهماً وطسوج واحد من سهم واحد ،
من اصل تسعة الاف سهم وسبعمائة سهم وخمسين سهماً ، هي اصل سهام قناة
مجمو مرد من قرى البلدة المذكورة .

و جميع مائة سهم من اصل عشرة الاف عشرة الاف سهم و خمسمائة
سهم [و] ثلثين سهماً ، هي اصل سهام قناة قرية اسفنجرد من قرى البلدة
المذكورة .

و جميع تسعة عشر سهماً وربع و سدس سهم مستزاد به من اصل ...
هي اصل السهام المستزاد به من قناة قرية بندر اباد من قرى البلدة .
و جميع مائة سهم من اصل عشرة الاف سهم وتسعمائة سهم وعشرين
سهماً ، هي اصل قناة قرية چهارديه من قرى البلدة المذكورة .

و جميع مائة طشت و اربعة و خمسين طشتا و خمسة اسداس طشت
واحد ، من اصل سبعة الاف طشت شربى . . . ، هي اصل طشتات قنوات
فهرج من قرى البلدة المذكورة .

و جميع ثمانية اجربة و ثلثة اقفزة و ثلثة كف من اصل الف جريب
و ثمانية وستين جريباً و سبعة اقفزة ، هي اصل قنوات قصبه مهريجرد من
من قصبات البلدة المذكورة ، والجريب عبارة من عشرة اقفزة شربية .
و جميع اربعة اسهم من اصل ثمانية الاف سهم وسبعمائة سهم واثنين
وسبعين سهماً ، هي اصل قناة قرية خورميز من ناحية مهريجرد من قرى
البلدة المذكورة ايضاً .

و جميع اثنين و خمسين سهماً و نصف سهم ، هي من اصل ثمانية الاف
سهم و ثمانية و اربعين سهماً ، هي اصل سهام قرية تغت من ناحية قهستان
من اعمال البلدة المذكورة .

وجميع شبانروز واحد و نصف شبانروز، و هي مشتملة على مائتي سهم وعشرة اسهم، من اصل ثمانية الاف سهم وثمانمائة و ستة و خمسين سهماً، هي اصل شبانروزات وسهام قناة فرافتر من قرى البلدة المذكورة .
وجميع عشرين سهماً من اصل اربعة الاف سهم ومائة سهم واربعين سهماً، هي اصل سهام قناة عزاباد من قرى البلدة .

ونلك السهام كانت من متصرفات والده المولى الاعظم السعيد والمرضى الاكرم الشهيد، سلطان القضاة و النقباء في زمانه و اوانه، باني مبرات الخير، رافع اعلام الاسلام، الواصل الى جناب الملك العلام، ركن الحق والملة والدين، قوام الاسلام ونظام امور المسلمين، محمد، تغمد الله بغفرانه و اسكنه اعلى غرفات جنانه ! و اشتراها لنصفها الى ١٠ الاوقاف، ولم تثبت ذلك، ولم يظهر حجة يجوز التمسك بها. فلما مضى الى سبيله، وقضى نحبه، وصار مخلفاته ومتصرفاته ملكا لابنه المخدم الاعظم، المرضى صاحب الاعلى الاعل العلم، سلطان القضاة والنقباء والوزراء، خليفة الله في العرب والعجم بين كافة الامم، ناظم امور المسلمين، مولى موالى العالمين، اشرف ابناء الماء والطين، المنظور لنظر خير ١٥ الناظرين، المؤيد بتأييد رب العالمين، شمس الحق والدين والدين، ركن الاسلام والمسلمين، ملجأ وملاد الضعفاء والمساكين، ابو عبد الله محمد، اعز الله انصاره، وضاعف كل يوم جلاله و اقتداره، و [مد] على العالمين ظلاله وافضاله ! وانتقل اليه بالوراثة الشرعية و اقرار باقى الورثة ؛

اضاف هور عاية ليمسه (؟) ما كان فى ضمير والده المولى الاعظم، ٢٠ السعيد والمرضى الاكرم الشهيد المبرور، سلطان سلاطين القضاة والحكام، موئل صناديد الزمان، المخصوص بعنايات الرحمن، ركن

الحق والملة والدين، الواصل الى جوار قدس رب العالمين، محمد، طاب ثراه وجعل الجنة ماواه !

وكذلك وقف على البقاع الست ، وعلى الجهتين المذكورتين :
جميع اربعة وعشرين سهما ونصف سهم من اصل سهام قنات مرياباد،
وجميع ماتي سهم وستة وتسعين سهما وثلاث سهم من سهام قنات يعقوبى .
وجميع اربعمائة سهم واربعة وعشرين سهما ونصف وثمن سهم من
قنات خليلي .

وجميع ثمانين سهم من سهام قنات كثنويه .

وجميع ماتي سهم وتسعة وسبعين سهما ونصف وربع سهم من سهام
قنات البادين الجديدة . ۱۰

وجميع ثلاثمائة سهم وخمسة واربعين سهما من سهام قناهدها باد
مع النصف من قناه يزد آباد .

وجميع ماتي سهم وثمانية وخمسين سهما وثلاثي وربع سهم من
سهام قناه نرسوباد. وتلك السهام من قنوات بلدة حومة يزد قدمر ذكرها
ويعرف كل سهم بجرة واحدة . والجرة عبارة عن مقدار معلوم . ۱۵

وجميع ثمانية اسهم ونصف سهم من اصل سهام قناه قرية چهارديه.
وجميع ستة واربعين سهما وثلاثي سهم ، من اصل سهام قنات سريزد
من قني قصبة مهريجرد من قصبات البلدة ، ويعرف كل سهم بطشت واحد.
والطشت عبارة عن مقدار معين .

وجميع تسعين سهما من جملة سهام قرية خور ميزالتي مرّ
ذكرها . ۲۰

وجميع ماتي سهم وخمسة وثلاثين سهما ، من اصل سهام قنات

قرية فراشاه من قرى قهستان بلدة يزد ، و يعرف كل سهم بجرة واحدة .

وجميع سهم واحد معروف بثمان واحد وستة اقفة وثلاثة اكف من سهام قنوات قصبة مهر يجرى ، من اصل الف سهم وثمانية وستين سهماً شربيا وسبعة اقفة شربية .

۵

وجميع الباغ الواقع فى داخل بلدة يزد بموضع باب مدرسة اتاخانية ، المشهور بباغ جمال الدولة ، ومع الدار والحجرات والمضافات والمنسوبات وغيرها . وهذا الباغ كان من الزمان دار عالية مشهورة بسرأى جمال الدولة . وهذا الباغ محاذ ومقابل بمدرسة اسمها اتاخان . وبسطه جريب واحد وثلاثة اقفة بمساحة بلدة يزد .

۱۰

وجميع الباغ الواقع فى صحراء قصبة مهر يجرى فى موضع سرميان المشهور بباغ رضى ، بحد باغ المولى المخدوم الاعظم الواقف المتصدق الاكرم ، مد الله تعالى ظلال جلاله ! وباغ بيد مقدم بن على ، و بحد باغ بيد الحوبن (؟) الحسين ، وباغ هميونى . وبحد ارض معدودة من الاملاك المخدومية الرشيدية ، و باغات متعددة ، و بحد باغ على بن محمد الفهرجى ، وباغ بيد على بن اسفنديار . وبسطه اربعة اجربة و كفان اثنان ونصف كف بالمساحة المذكورة .

۱۵

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القصبة المذكورة بالموضع المشهور بباغ زرگران ، بحد باغ موقوف ، و ارض للسيد المعظم فخر الدين على بن السيد غياث الدين محمد ، وباغ بيد الشيخ عبد الباقي محمد ، و ارض بيد محمود بن محمد الفهرجى ، وباغ بيد امين الدين محمد بن محفوظ ، وبحد باغ بيد امين الدين محمد المذكور ، وباغ على بن محمود ،

۲۰

وباغ بيد على بن ابى بكر ، وبحد الطريق . وبسطه جريبان اثنان وستة
اقفزة وخمسة اكف بالمساحة المذكورة .

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القصبة المذكورة المشهور بباغ
فروند خاكسترى ، بحد الطريق ، وباغ بيد الحاج يوسف ، وبحد الطريق
والنهر وباغ موقوف ، وبحد باغ بيد المولى المعظم فخر الدين ابى
سعد بن المولى السعيد مجد الدين المتطبب والنهر ، وبحد باغ بيد الحسن
بن احمد ، وباغ بيد فخر الدين يحيى بن الشيخ امين الدين . وبسطه
اربعة اجربة بالمساحة المذكورة .

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القصبة المذكورة المشهور بباغ
انتهيت حدوده الى باغ بيد صاحب المعظم فخر الدين يعقوب بن الحكيم ،
وبباغ بيد الصدر الامام المعظم جمال الدين على ، والى باغ السيد جمال
الدين شرف شاه بن عرب شاه ، وبباغ للصاحب المعظم فخر الدين يعقوب
المذكور ، وبباغ المولى الاعظم الواقف المتصدق الاكرم ، اعز الله انصاره ،
ومدظله واقتداره ! والى قناة باغ دهوك ، والى طريق يقضى الى مدينة
كرمان . وبسطه اثنا عشر جريباً .

وجميع الباغ الواقع فى صحراء القصبة المذكورة المشهور
بباغ اميرى ، مع الباغ الاخر المتصل به المعروف بباغ سنقرى . و
حدودهما انتهت الى باغ بيد صاحب المعظم كمال الدين ابى المعالى ،
وباغ بيد المولى المعظم جمال الدين على بن المولى المعظم جمال الدين
حيدر بن القاضى محمود ، والى الطريق من ثلثة جوانب ، وبسطه جريبان
اثنان وسبعة وثلاثه اكف .

وجميع السوق الواقع بباب درب قطريان خارج البلدة المشتملة

على ثلاثة عشر حانوتا المشهور بانشاء والده المذكور ايضاً .

وجميع ثمان حوانيت خارج البلدة ببا [ب] خانقاه درب قطريان
ايضاً ، من منشآت الوالد المولى الاعظم المرتضى الاكرم السعيد
طاب ثراه .

- فوقف هذه الاملاك والقنوت ومجاريها الواقعات بحومة بلدة ٥
يزد ، ونواحيها المذكورات المفصلات على المدرسة الركنية ، وعلى
مكانها ، وعلى الخانقاه الواقعة بدرب قطريان ، وعلى المساجد المدعوة
بمضى عتيق ، وباغ سراى نور ، ومسجد سور ، ودارالضيافة النظامية ،
وعلى السادة الفاطمية ببلدة يزد ونواحيها ، واولاد عميه الموليين
المعظمين ، قطب الدين على وعزالدين شرفشاه ، وعلى السادة الفاطميين ١٠
الساكنين ببلدة يزد [و] ولاياتها ، من الرجال والنسوان ، بالشروط التى
ستفصلها من بعد .

وفقا صحيحاً شرعياً ، وتصدق عليهم صدقة جارية لازمة جازمة
متصلة الابتداء والوسط والانتهاى ، وشرط شروطا منقلة بانشاء الواقف
مفصلة مشروحة .

١٥

اما شرطه فى المدرسه الركنية ، فان يصرف المتولى كل سنة من
محصولات هذه الموقوفات الى السادة الفاطميين ببلدة يزد ونواحيها
من الذكور والاناث ، عشرة الاف من الغلة الحنطة والجاورس بالمناصفة ،
ويقسم على ذكرهم و اناثهم بحسب عدد رؤسهم بالمزية للذكر
على الاثنى .

٢٠

ويصرف ايضاً على اولاد عميه المرتضى الاعظم زين العابدين
الثانى ، القدوة فى التقى ، الاسوة فى الشرف والعلى ، ولى الله الوالى

المرتضى العالى ، قطب الملة والدين على ، اسبغ الله ظلال جلاله !
والمرتضى السعيد المغفور عز الدين شرفشاه ، رحمه الله ! من الذكور
والاناث و على اولادهم ماتوا الدوا وتناسلوا ، كل سنة خمسة الاف من
الغلة الموصوفة ويقسم عليهم بالسوية بلامزية للذكر على الانثى .

و شرط الواقف ، اعز الله نصره ! ان يجتمع هؤلاء الاشراف السادة
الفاطمية من اولاد عميه ، ومن غيرهم من السادة البلديين والقرويين ، كل
سنة فى المدرسة الركنية المذكورة مرتين : مرة عند حلول الشمس برج
الاسد ، ومرة عند حلولها برج العقرب . ويستغفروا للوالد المولى الاعظم
السعيد بانى المدرسة ، ولو له الواقف المسعود المنظور بانظار الرب
المعبود ، اجزل الله حظهم من السعادة ورزقة الحسنى والزيادة ! ويدعو
لهم ما يريجى اجابته ، ثم يعطيهم حظوظهم المنصوصة عليها ، فى المحليين
المذكورين ، قسوط استحقاقهم لهذين المقدارين باجتماعهم فى المدرسة
المذكورة ، وقيامهم بالامور المذكورة . فمن غاب منهم خاب ولا يستحق
نصيبه ، فيضاف نصيبه الى سائر الانصار .

واما شرطه فى الخانقاه الواقع بدرب قطريان خارج البلدة فوق ،
فان يصرف المتولى كل سنة من محصولات الموقوفات المسرودة الى
امام يوم ، فى الصلوة الخمس فى الخانقاه ، ويؤذن فيها بالاقوات ، سبعمائة
وعشرين منا ، من الغلة الموصوفة بالمناصفة ، والى بواب يلزم الخانقاه
ويرتب السفرة ، ثلثمائة من وستين منا ، والى مصالح السفرة كل يوم
دينارين اثنين من النقد الرايج . فيكون كل سنة سبعمائة دينار وثلثين
دينارا من النقد المذكورة .

واما شرطه فى المساجد فهذا التفصيل :

اما في مسجد مصلى عتيق ، فيصرف كل سنة الى الخطيب الذي يخطب في الجمعات الف من من الغلة الموصوفة ، والى بواب يلازم باب المسجد ، ويقوم بوظيفة الفراشين ايضاً ، ثلثمائة من وستين من الغلة .

والى امام يؤذن في الاوقات ، ويؤم في الصلوة الخمس سبعمائة و
عشرين من الغلة .

والى حفاظ يجتمعون في يوم الجمعة قبيل الصلوة ، ويتلون كلام الله تعالى كل سنة ، خمسين دينارا رايجاً ،
ويصرف في وجه لثمن البرز لاضاعة السرج ، كل سنة عشرين دينارا
رايجاً .

١٠

ويصرف في وجه عمارة المسجد من قطبين (؟) السطح ورم المسترم
وفي وجه فرشها ، كل سنة مائة دينارا رايجاً .

ويصرف في وجه الليالى المتبركة عشرة دنانير رايجا .

واما في مسجد باغ سراى نو ، فيصرف في وجه الفرش والعمارة

كل سنة خمسين دينارا رايجاً في وجه ثمن البرز ، كل سنة عشرة دنانير
رايجا .

واما في مسجد صور فيصرف الى امام يؤذن في الاوقات ويؤم فيها ،

كل سنة ثلثمائة من وستين من الغلة الموصوفة ، في وجه عمارته ، و ثمن
الفرش ، كل سنة ثلثين دينارا رايجا ، وفي ثمن البرز كل سنة عشرة
دنانير رايجاً .

٢٠

واما في دار الضيافة النظامية الموصوفة من قبل ، فان يصرف المتولى

كل سنة في وجه طعام المساكين ، ثلاثة الاف من وستمائة وخمسين من

من الغلة الموصوفة من الحنطة والجاورس بالمناصفة كل يوم عشر مننا .

وشرط ان تكون التولية في تلك الموقوفات باسرها والجهات

باجمعها ، اللواتى سردناها ، منوطة بعالى رايه ، مادامت الدنيا منورة بحسن

روايه ، ليس لاحد معه فيها شركة ومساهمة ، ثم لابنائهم و [ابناء] ابنائهم

ماتوا الدوا وتناسلوا بطنا بعد بطن . وان لم يوجد له ابن كثر الله نسله ! فالتولية

مفوضة الى بنته المولاة المعظم الست المخدرة زبدة العفائف العلويات ،

خلاصة المخدرات الفاطميات ، نتيجة الشرف والامامة ، عصمة الدين صفوة

الاسلام ، ارسلان نسب خاتون بنت ، المولى الواقف ، لازالت محروسة

في كنف مولاه ، ومولى المسلمين ! وبناته اللواتى توجدن ، ثم بعدهن لابن

بنته المذكورة : المولى المرتضى الاعظم ، خلف صناديد القضاة والنفباء

سلالة الاشراف ، زبد[ة] آل عبد مناف ، وقوام الملة والدين ، امير اشرف ابن

المولى المرتضى الاعظم قدوة العترة الطاهرة ذى المناقب المتكاثرة ،

شرف الملة والدين امير حسين الحسينى ، انبى الله نباتاً حسناً . ثم لمن

يكون متولياً فى المدرسة الركنية بشرط منشيها وبانيها : المولى المرتضى

الاعظم السعيد ، طيب الله مثواه !

وفرض الاشراف فى تلك الموقوفات وهذه الجهات ، لابن اخته :

المولى الاعظم اضى القضاة والحكام افضل ولاية الاسلام ، جامع محاسن

السيم ومكارم الاخلاق ، مطهر الاعراق ، شرف الملة والحق والدين ، ضياء

الاسلام والمسلمين ، على بن المولى صاحب الاعظم ، ملك الملوك [و] الوزراء

قدوة ارباب الجود والعلى ، ضياء الحق والدين الحسين بن الرضى

الميزدى ، ادام الله معاليها ! ليس لاحد ان تشاركه فى منصب الاشراف .

واماماً وقفه على عتقاء والده ، قدس الله روحه ! من الرجال والنسوان

وعلى عفيفة مبار كشاه فخر الدين، وهم من الغلمان المغول والترك وغيرهما،
الامير ملك الخواص غلتاي، وسيف الدين منكلي، وبايجر، وزير كشاه،
وسنجر، وايلبوقا، وارغون، وساس، وقتلغشاه، ويوسف، وازبك،
ابنا مبار كشاه، وبايدو، وبكتمون، وينكتكين، وسودي، ومن الخصيان
الخوادم ابنان: خواجه مثقال وكافور، ومن النسوان المغوليات والتر كيات ٥
بيبي، منكوحه زير كشاه، وايجو منكوحه ارغون، وتركان منكوحه
بايدو، واولجاي منكوحه ملك الخواص سيف الدين منكلي المذكور
و.... منكوحه مبار كشاه، واولجاي وتكين بنت مبار كشاه، وطايشي
منكوحه ميمون، وشاهان منكوحه سودي، ومن الغلمان السود فرخ
المطبخي، وخلاصة المطبخي، وفيروز، وميمون . ١٠

فوقف المولى الواقف اعز الله انصاره وابقى على صفحات الايام
محاسنه وآثاره، على هؤلاء العتقاء المذكورين .

اما ماوقفه على سيف الدين منكلي وعلى اولاده وعلى اولاد اولاده
ماتوالدوا وتناسلوا، فجميع خمسمائة سهم، من اصل ستة عشر الف سهم
وسبعمائة سهم وسبعين سهماً، هي اصل قناه سعد آباد من قنواة بلدة يزد ١٥
بتوابعها ومجاريها .

واما ماوقفه عليه وعلى غيره من العتقاء المذكورين والخصيان
والنسوان ثم على اولادهم ماتوالدوا وتناسلوا، فجميع الف سهم وخمسمائة
سهم من اصل ستة عشر سهم وسبعمائة وستين سهماً، هي اصل سهام قناة
سعد آباد المذكورة قبل هذا . ٢٠

وجميع الباغ المدعو بباغ تخته، وباغ اسحاقى، و كان
فى الاصل باغين اثنين فصارا باغا واحداً، لرفع الجدار بينهما، بتوابعه

ولواحقه . من السباط المعقود ببابه ، وغير ذلك الواقعة بصحراء دسكرة
تقت ونصیری ، بقرب درب كوشك نو ، بتوابعه ومتملكاته .

واضاف الى هذا الموقوفات على العتقاء المذكورين ، جميع
الف دينار رايجاً ، ادرارا يجرى باسم والده المعتق ، المولى المرتضى
الاعظم السعيد ركن الحق والدين محمد ، تغمده الله بغفرانه ! على الاموال
الديوانية ببلدة يزرد والمتوجهات ... بها ، وكان هذا الادرار بعضها منتقلا الى
المولى المرتضى السعيد من آبائه واجداده ، وبعضها من السادات والائمة
اليزديين ، فصار محولا الى اسمه في الدفاتر والدساتير .

فوقف الاسهم الموصوفة من قناة سعداباد ، والباغ الموصوف والادرار
المعين ، على هؤلاء العتقاء والغلمان والنخسيان والنساء وعلى اولادهم
و اولاد اولادهم ، وقف التشريك ، على ان من لم يلد لواحد منهم
ولد ، يكون مساهمه سهيما لهم في الحظ للذكر مثل حظ الانثيين .
وان مات واحد منهم وله ولد ، فنصيبه له . ومن لم يكن له ولد ، فيضاف
نصيبه الى موقوفات المدرسة الركنية ، وليس لشرائه فيه نصيب وحظ .
وان انقرض نسل الموقوف عليهم وانقطع ذريتهم ، فيكون تلك الموقوفات
من سهام قنات سعداباد والباغ المذكور والادرار الموصوف ، وقفا على
المدرسة الركنية ببلدة يزرد ، بالشرط المنصوصة من جهة بانيه ومنشئه ،
الوالد المولى الواقف طيب الله مضجعه ! وبعد خرابها والياس عن اعادتها ،
فعلى السادة الفاطمية المنتسبين الى المولى الواقف بوجه انتساب ما ، ثم
على السادة الفاطمية ببلدة يزرد ، ثم على الفقراء والمساكين ، الى ان يرث الله
الارض ومن عليها ، وهو خير الوارثين .

و شرط في تلك الجهة و اوجب على الموقوف عليهم و من العتقاء

المذكورين اموراً :

منها ان يلازم رجالهم المدرسة الركنية بحسب مقدورهم ،
و ان يجتمعوا كل ليلة جمعة من ليالى الجمععات الايام على رأس
تربة المعتق ، بانى المدرسة ، طاب ثراه ! وان يلازموا يوم الجمعة
باب القبة الشريف ، وفى الايام والليالى المتبركات كيومى العيدين ٥
وليلتهما ، ليلة النصف من شعبان وليلة الرغائب وليلة القدر وغيرها .
ومنها ان يقيموا ويسكنوا فى بلدة بجنب المدرسة الركنية ، ان
كان لهم منزل بجنبها ، والا ففى اى موضع قريب من المدرسة ، القرى
فالقرى . ولا يسافر رجالهم بلا ضرورة ودون مهم لا بدعنه . فان سافروا
لضرورة وقضاء حاجة ، فلا يقيموا فى البلدة المسافر اليها ، ولا يصمموا ١٠
العزم منهم على الاقامة فيها ، ولا يسافروا انهم مطلقا . وان سافروا لا يستحقن
شيئاً .

و منها ان يحتنبوا كبائر ما ينهون عنه من جهة الشريعة من
المسكرات وغيرها . فمن تناول مسكراً . فلاحق له فى تلك الموقوفات
ولا اولاده ان كانوا اطفالا دون منكوحته . ومن شرب المسكر مرة وتاب ، ١٥
فلا يعطى نصيبه الا بعد مضى ستة اشهر من نوبته ، ليظهر صلاحه . ويكون
نصيبه فى تلك المدة المصروفة للاصلاح من الموقوف عليهم .

و شرط ان يكون التولية فى تلك الجهة المخصوصة بالعتقاء لنفسه
النقيسة مادامت باقية ، لازالت باقية ، والى مدارج العزراقية ! وبعده لابنائهم
ثم لابناء [ابنائهم] ماتوا الدوا . وان لم يوجد له ابن ، فالتولية مفوضة الى اختيه ٢٠
المولاتين المعظمتين ، والسيتين المخدرتين ، سليمتى الامجاد الاطهار ،
عصمة الدين ، صفوة الاسلام ، فاطمة خاتون ؛ ورفيعة الدين ، سيدة الاسلام ،

ساسان (۹) خاتون، بنتی المولی المرتضی السعید والمجتبی الشہید المعتقد،
 طیب اللہ مرقدہ ! ولبت الواقف المولاة المفخمة زبدة المخدرات، نتیجة
 السادات ! عصمة الدين رفيعة الاسلام، ارسالان نسب خاتون بنت المولى
 الواقف، متع الله كل واحد منهما ببقاء الآخر ! ويكون فى تلك الحالة
 مغلتای والامير سيف الدين منكلى، المذکورين، وفخر الدين مبار كشاه
 عتيق المولى الواقف، عز الله نصره ! مشرفين عليهن. وبعد هن، فالتولية
 لمغلتای، ولسيف الدين منكلى، وفخر الدين مبار كشاه المذکورين. وان
 مات احدهم، الباقي يكون متولياً بالاستقبال والاستبداد. وان ماتا،
 فالتولية لارشد اولاد المتولى الواقف الوالد طاب ثراه واحفاده، والذكر
 مقدم على الانثى. وفى تلك الحالة يكون الاشراف لاسن رجل من الموقوف
 عليهم العتقاء المذکورين، ثم بعد انقراضهم يكون التولية للاسبق الارشد
 الاصلح من الرجال الموقوف عليهم، فلا تداخل فيها القضاة والحكام
 بوجه من وجوه المداخلات، اللهم الا ان كان القاضى من اولاد الواقف،
 اعز نصره ! او من اولاد والده طاب ثراه !

۱۵ واما ما وقفه على الخانقاه التى انشاها المولى المرتضى السعید
 والمجتبی الحمید، طیب اللہ ثراه ! ببلدة ابرقوه، المستغنية عن التحديد
 بشهرتها، بانشاءه، وازاد الى موقوفاتها :

جميع سهم واحد من اصل اثني وعشرين سهما، هي اصل سهام قناة
 سفا، وهي من قنواة بلدة ابرقوه .

۲۰ وجميع سهم واحد من جملة اثني عشر سهما، هي اصل سهام مزرعة
 سعداباد طريق يزد، الواقعة بفرسخ واحد من بلدة ابرقوه على طريق يزد.
 وازاد الى موقوفات الخانقاه المذكورة، مبلغ ثلثمائة دينار

وستين ديناراً من الادرار المجرى باسم الواقف، عز نصره ! على اموال ابرقوه .

وشرط فيها ان يصرف المتولى كل سنة من محصول موقوفاتها ، الى امام يؤم الحاضرين فى الاوقات الخمس ، ستين دينارا رايجا ، والى مؤذن يؤذن فى الاوقات خمسة و اربعين دينارا رايجا ، والى فراش يقوم بترتيب السفرة ، و يخدم المسافرين ، ستين دينارا رايجا ، والى فراش يقوم بوظائف الفراشين والبوابين ويلازم الباب ، ايضا ستين دينارا رايجا ، والى وجه الوجهه (؟) الحطب عشرين دينارا رايجا ، و فى وجه الدهن كل سنة عشرة دنانير رايجا .

و يصرف فى وجه السفرة اربعمائة ديناراً ، وفى وجه لياالى الجمعات ١٠ كل ليلة دينار ونصف دينار يكون اثنين وسبعين دينارا رايجا .

واما ماوقف على الخانقاه التى انشأها الوالد المولى المرتضى السعيد طاب ثراه ، ببلدة كاشان ، المستغينة عن التوصيف لشهرتها بافنائها ومصالحه ، فجميع ثلثة اسهم ونصف و ثمن سهم واحد من جملة ثمانية وعشرين سهما ، هى اصل سهام القرية المفردة المدعوة حراق من اعمال ١٥ كاشان ، وهذه الحصة مشتملة على مياه وبساتين و اراضى وطاحونة .

اما المياه فاحد و عشرون سهما و ثمن سهم ، من جملة مائة سهم و ثمانية و ستين سهما ، هى اصل سهام القرية ، و يعرف كل سهم بدانق .

واما البساتين فثمانية بسط [و] اربعة وعشرون جريبا ، و ثمانية اقفزة ٢٠ و اربعة اكف ونصف كف ، منها بستان بودستان مع الزربية فققيزان ونصف . واما النهر المتصل بالباغ فاربعة اقفزة ، ومنها بستان مجدالدينى ،

وهو كرومى مع الثلثين من المصنعة الدباسه والزربية ، بحد بستان للسيد صدرالدين هارون ، وبحد بستان لعلی الخياط ، وبحد بستان لمحمد خواجه ، وبحد بستان علاءالدين طبيب . وبسط المجموع اربعة اجربة وسبعة اققرة ونصف قفيز . اما البستان مع الثلثين من المصنعة ، فاربعة اجربة وقفيزان ونصف قفيز . واما الزربية فخمسة اققرة . ۵

ومنها بستان المعرى ، وبعضه مشجرا باشجار الفرساد والرمان . وبعضه املس مع الزربية ، بحد بستان محمد شاهى ، وبحد بستان علاء الدين طبيب الدرعى ، وبحد الشارع . وبسطهما اربعة اجربة وثمانية اققرة ونصف وربع قفيز ، اما البستان فاربعة اجربة وقفيزان ونصف قفيز ، واما الزربية فستة اققرة وربع قفيز . ۱۰

ومنها حصه بستان جديد معروف بمحمد شاه جوينى ، بحد ارض موقوفة على السادات ، وبحد ارض لاجين ، وبحد اعلی بستان بلعرى ، وبحد بستان علاءالدين طبيب الدرعى . وبسط هذه الحصه جريب وخمسة اققره من جريبين اثنين وقفيزين هى بسط جميع البستان الجديد الموصوف . ۱۵

ومنها حصه بستان حسن الحسينى ملسا بحد بستان مهدى جراقى ، وبحد بستان كوشك ، وبحد بستان على بن يوسف ، وبحد الصحرأء ، بسطها جريب وقفيز .

ومنها حصه بستان كوشك بحد بستان فلعملكى ، وبحد بودسان باب الرمى ، وبحد الشارع ، وبحد بستان لعلی بن يوسف ، وحسن حسينى . ۲۰

وبسط هذه الحصه جريبان اثنان من اثني عشر جريبا هى بسط هى جميع .

ومنها بستان فلعملكى ، بحد بستان لجمال الدين ابن الفضل ،

وبعد بستان للمرتضى صاحب المعظم تاج الملة والدين ، وبعد بستان لاجين ، وبعد الشارع ، وبسطها ستة اقفة .

ومنها حصة بستان جمال محمد شاهي ، بعد بستان بلعري ، و بعد بستان للمرتضى الاعظم المذكور ، وبعد بستان حسن حسيني ، و بعد الشارع ، وبسط هذه الحصاة ثلاثة اجربة ونصف قفيز ، هي مشتملة ٥ على قطعتين : احديهما جريان وقفيزان ونصف قفيز ، والاخرى ثمانية اقفة .

واما الاراضي فجريب الشاه ستة وتسعون جريبا وقفيز واحد ، منها قطعة احمد آباد وهي ستة عشر جريبا وخمسة اقفة ، وقطعة بجنب طريق قه قد بسطها اثنان وعشرون جريبا ، وقطعة بموضع درب آسيا ١٠ خمسة اجربة ، وقطعة في جنب باغ حسن بن علي بن كافي جريب واحد ، وقطعة طريق نصرت آباد اربعة اجربة ، وقطعة معروفة بدر اعلى ستة اجربة ، وقطعة معروفة سر كز ثلاثة اجربة ، وقطعة بالاحصار القديم ستة اجربة ، وقطعة مقابل باغ حاجي ميره ثلاثة اجربة ، وقطعة بجنب القرية وباب المسجد جريب وثلاثة اقفة ، وقطعة معروفة ... جريان ١٥ وثلاثة اقفة ، وقطعة بعد ارض سادات ، وارض خواجه شهاب الدين علي ، وارض الرئيس بهاء الدين احمد ، وارض جعفر خمسة جربة .

هذا بيان ما كان من الاراضي بجريب الشاه .

واما ماهو من المقصات فثلثمائة ذراع و اثنان وخمسون ذراعا ، المشتملة على خمس قطاع : ٢٠

منها قطعة واقعة باعلى رحى لسيد تاج الدين عبدالعزيز ثمانون ذراعا .

وقطعة باسفل الرحى المذكورة اربعون ذراعا .

وقطعة فى كله جوسقان اربعة وعشرون ذراعا .

وقطعة بباب باغ علاءالدين طيب مائة ذراع وثمانية اذرع .

وقطعة باعلى مسجد مائة ذراع .

۵ واما الرحى فهى واقعة داخل القرية المذكورة مشهورة بطاحونة

ردين، وحدها الاعلى منته الى رحى للسيد تاج الدين، وحدها الاسفل

الى البساتين والباغات ، وهى بجميعها داخله فى الحصه المذكورة.

وجميع الباغية الواقعة خلف الخانقاه المذكورة المستغنية عن

التحديد والتوصيف والوصف .

۱۰ وجميع الحمام الواقع خارج البلدة بجنب الخانقاه الموقوف

عليها المستغنى عن التحديد والتوصيف .

وجميع الخان بانشاء الواقف المولى المرتضى الاعظم السعيد

طاب ثراه ، الواقع على طريق همدان .

وجميع الباغ الواقع خلف الخان بقرب الخانقاه المذكورة المنتهية

۱۵ حدوده الى الخانقاه المذكورة، والباغية المذكورة والى الخان المذكور

من الطرفين ، والى

واضاف الى موقوفات هذه الخانقاه جميع خمسمائة دينار رايجا،

المجرى باسمه الشريف على الاموال الديوانية ببلدة كاشان ، الممضى

فى الدفاتر والدساتير ، وقران حق استيفاء هذه الادرار لجماعة الساكنين

۲۰ فيها ، والواردين اليها ، والصادرين عنها .

وشرط ايده الله تعالى فيه فيها ان يصرف المتولى من محصولات

الموقوفات المذكورة والادرار المعين كل سنة :

الى شيخ صالح متدين متورع ملازم على سدى (؟) المشايخ السلف،
ويواظب على مصالح الخانقاه ، ويحضر كل يوم فيها ، ويستفيد المتصوفة
والحاضرون من حضوره مبلغ مائتي دينار رايج ، والف من وماتى من
الغلة بوزن كاشان .

والى خادم يخدم المتصوفة المسافرين ويرتب الاطعمة والاغذية ،
مبلغ ستين دينار رايجا ،

والى مؤذن يوزن فى الاوقات الخمسة مبلغ ثلثمائة من من الغلة ،
ومبلغ ستين دينارا رايجا ،

والى فراش يقوم بوظائفه ويكون بوابا ايضا ، يلزم باب الخانقاه
مبلغ ستين دينارا .

١٠

ويصرف فى وجه مصالح السفرة كل سنة مائة دينار وعشرين دينارا
رايجا ، وخمسة الاف من واربعمائة من من الغلة ، وفى لياالى الجمععات
مائة دينار وخمسة وعشرين دينارا رايجا ، كل ليلة جمعة دينارين و
نصف دينار، وفى وجه ثمن الدبس والخل كل سنة مائة دينار رايج .

١٥

وفى وجه ثمن الحطب ستين دينارا رايجا
يصرف المتولى هذه المقادير فى تلك الوجوه وقفها صحيحاً
شرعياً ، وصدقة جارية مؤبدة لايباع ولا يوهب ولا يورث .

والتولية والاشراف فى الموقوفات المنسوبة الى الخانقاهين
المذكورتين : خانقاه ابرقوه وكاشان ، كما شرحناها وبيناهما فى فضل
المدرسة الركنية هذا بلا زيادة و نقصان .

٢٠

واما ما وقفه على الخانقاه التى انشاها الوالد المولى الاعظم
السعيد ، تغمده الله بغفرانه! ببلدة نائين بخارج درب كودر زاد ، بجانب

السوق والخنق :

فجميع النصف التام الشایع من المزرعة المدعوة بمزرعة خوردان
سفل من مزارع نائین بقرب قرية نیستانه .

وجميع شرقة واحدة وربع شرقه من اصل قناة حدس .

و اضاف الى موقوفات تلك البقعة مبلغ ثلثمائة دينار وستين دينارا
جديدا، من الادرار المثبت باسمه الشريف، المجرى في الديوان الاعلى، من
متوجهاً مدينة نائین .

ولما فوض المتولى الوالد المنشى للخانقاه المذكورة المرتضى
العالى ، ولى الله الوالى ، قدوة الخلف و بقية السلف ، الموفق لاصناف
الخيرات و انواع المبرات ، ركن الحق والشریعة والنقوى والدين ،
السابق القابه الشريف ، احله الله محال جنانه ، واسكنه مساكن رضوانه!
تعيّن مصارف محصولات موقوفات تلك الجهة الى عال بذاته ، ولده
و قره عينه و عیون الائمة الطاهرين ، مدبر مصالح جمهور المسلمين ،
خليفة الله بين المؤمنين ، سلطان القضاة والوزراء العادلين ، شمس الحق
والدنیا والدين ، ركن الاسلام وقوام المسلمين ، ابى عبد الله محمد ، لازال
متمما لكمالات ابائه الطيبين ، مقتدياً باثار اسلافه الطاهرين ! وجعله
متولياً مطلقاً فى امور الموقوفات الصادرة عنه ، يقبلها الله منه .

فشرط المولى المفوض اليه الواقف المرتضى الاعظم ، خليفة الله
فى العرب والعجم ، ابقاء الله فى عيشة راضية! يبتدى المتولى لهذا الجهة
فى صرف محصولات موقوفات هذه الخانقاه بعمارة رقباتها ، حسبما
مست الحاجة اليها ، ثم بعمارة الموقوفات عليها ، فما فضل عنها يصرف
الى امام يؤم الناس بالخانقاه فى الاوقات الخمسة ، ويؤذن فيها كل سنة

۵

۱۰

۱۵

۲۰

ثلثمائة من وستين منا من الحنطة والجاورس بالوزن المعهود بالبلدة .
ويصرف الى مرتب يقوم بخدمة الصادرين والواردين ، ويهيئ لهم
الطعام حسب المصالح ، ويطبخه كل سنة ماتي من وخمسين منا من الغلة
الحنطة والنقية .

ويصرف الى اطعمة الواردين اليها ، والمسافرين والمقيمين بشرط ٥
صلاحهم وسدادهم ، كل سنة مبلغ خمسة الاف من واربعمائة من وخمسة
وستين منا من الحنطة ، ومبلغ مائة دينار وعشرين دينارا رايجا ، ولكل يوم
خمسة عشر منا من الحنطة وثلث دينار رايج ، ليصرف في وجه الادام .
ويصرف الى فراش يقوم بوظائف الفراشين ، ويحفظ الفرش
والبسط ، ويواظب على وضيفة البوابين ايضا ، كل سنة ماتي من وخمسين ١٠
منا من الحنطة .

وفقاً صحيحاً شرعياً لايباع ولايوهب ولايرهن ولايوجراكثر من
ثلاث سنين ، لا في عقد واحد ولا في عقود متعددة ، ولايجدد عليها عقداجارة
قبل انقضاء العقد الاول ، ولايوجر من ارباب التغلب والجاه ، ولايباع ارتفاع
الموقوفات على اختلافها قبل اوان ادراكه . ١٥

وشرط المولى الاعظم الواقف ، اعزالله انصاره ، ان يكون التولية
في خانقاه نائين السابق ذكرها ، ومن موقوفاتها ، والنظر في امورها ،
للالامام المعظم الصدرالهام المكرم ، ملك الائمة والعلماء ، جامع الفضائل
والماثر ، قدوة الفضلاء المتشرعين ، جمال الملة والدين ، محمود بن الصدر
السعيد كهف الجاح والحرمين ، شمس الملة والدين ، محمد شاه بن محمد ٢٠
الاردستاني المعروف بالنائيني ، زيدت فضائله ! ثم بعده لابنه من صلبه
الصدر الامام المعظم ، خلف الائمة ، صدر الملة والدين ، محمد ، ثم

لارشده ابنائه ، ثم لارشده ابناء ابنائه ، بشرط صلاحهم ورشدهم الى اسباب المعاشرة و ابواب الهداية ، ما توالدوا و تناسلوا ، ثم بعد انقراضهم ، فالتولية مفوضة الى من يكون ح متوليا شرعيا للمدرسة الركنية ، التي هي من منشآت والده المولى الاعظم السعيد طاب ثراه ! بمدينة يزد .

وقف هذه الاملاك والعقارات والحصص التي بيناها وفصلناها على الجهات التي سردناها .

اما واقفه على مصالح المدرسة والخانقاه الواقعة بدرب قطريان ، وعلى دارالضيافة النظامية ، وعلى المساجد ، فبعد انهدام تلك المواضع ، والياس عن اعادتها ، يكون تلك الاملاك الموقوفة على هذه الجهات موقوفة على المدرسة الركنية الواقعة ببلدة يزد المذكورة صدر الكتاب .

و بعد انهدام تلك المدرسة ، نعوذ بالله ، والياس عن اعادتها ، فعلى الجامع الذي بناه الواقف خارج بلدة يزد بموضع يدعى رأس سكة بهروك و اهرستان ، المشتهرة اشتها الشمس ، ثم على الفقراء والمساكين .

وما وقفه على السادة المذكورين ، فبعد انقراضهم يكون موقوفة على الفقراء .

وما وقفه على اولاد عميه المذكورين بشروطه ، فبعد انقراضهم يكون موقوفة على السادة الفاطميين ببلدة يزد و ولاياتها ، ثم على الفقراء والمساكين .

وما وقفه على الخانقاهين المبنيين ببلدة كاشان ونائين ، اللتين سبق ذكرهما ، فبعد انهدامهما يكون موقوفا على المدرسة الركنية بيزد التي مر ذكرها ، ثم على الجامع الذي بناه في يزد ، ثم على ابواب الخير التي بناها بظاهر يزد برأس سكة بهروك ، ثم على الفقراء

والمساكين .

- وحرّم على حكم الاوقاف مداخلتهم فى تلك الموقوفات بطلب المجاسة (؟) والعشور والتوريعات (؟) وغيرها . واخرج المولى الواقف ، عز نصره ! تلك الموقوفات باسرها من يده تملكه وتصرفه ، الى ايدى المتولين المنسوين من قبله ، ليتصرفوا فيها على حسب شروطه ، بعد ما اراد ان يرجع من الوقفية الصادرة عنه ، و رفع الامر الى قاض من قضاة الاسلام ، فحكم هو بصدقه الوقفية هذه ، ولزومها و ابرامها ، وقبل ذلك منه من له حق القبول شرعاً ، فلا ينبغي لاحد يؤمن بالله واليوم الآخر ، من سلطان و ملك و وال وقاض و وزير و امير ، وساير الناس عامهم و خاصهم سفلهم و ساميهم طرا و قاطبة ، ان يغيروا اشرايطها و اركانها ، ويبدلوا حر فامان ٥ حروفها ، او كلمة من كلماتها ، فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم ، ويحىء يوم القيمة مكبوا [على] عينيه آيسا من رحمة الله . واجر الواقفين على الله ، ان الله لا يضيع اجر المحسنين .
- ولما آتينا على بيان الموقوفات على البقاع التى استحدثها المولى الاعظم ، طيب الله ثراه ! وعلى الجهات المفصلة ، مما صدر عن ١٥ المستحدث زمان حيوته ، وما صدر عن المولى الاعظم صاحب الاعلى الاعد [ل] الاعلم الاكرم ، خلد الله جلاله ، وابد على العالمين ظلاله ! مضافاً الى مستحدثات والده ، استبقاء لما استحدثه وابداه و تتميماً لما اضره ونواه ، كان ماوقفه المولى المخدوم الاعلم صاحب الاعلم الاكرم ، خليفة الله فى العرب والعجم ، عون طوائف الامم ، اعز الله انصاره ، وضاعف ٢٠ اقتداره و جلاله ! صنفين :

صنف وقفها على البقاع ، المولى الاعظم الوالد طاب ثراه ، وصنف

وقفها [الولد] على بقاع استحدثها فى الاصقاع باعوانه ورجاله .
وقد ذكرنا الصنف فجازلنا ان يذكر القسم الثانى .

فتقول: اماما وقفه الولد المولى المخدوم الاعظم ، صاحب الاعلى
الاعدل الاعدل الاكرم ، الماجد الافضل الاكمل الافخم ، مولى وزراء
العرب والعجم ، مالك رقاب ارباب الحكم بالفضل والكرم ، واصحاب
السيف والقلم ، بالعدل الاوفر والاصوب من الراى الاحكم ، ممد اساس
الدين والملك بحيث [يكون] آمناً عن الضعف والهلك ، مشيد قواعد
الشرع والوزارة على الاستقلال ، دون الاستعانة بالاستشارة ، الكامل الذى
اذعن لسؤده الانام ، واعترف باستحقاقه تصدى امور الملك والشرع
الخاص والعام ، وافر بفضل الاولياء والاعداء ، وقضى لسعده سكان الارض
والسماء ، العالم الذى اصبح كل العلوم من فضله سطورا ، الكريم الذى
عد الجود من وفور بذله شطرا ، البحر الذى يعد البحار عند صدره قطراً ،
العدل الذى اصبح العدل رايا من آرائه ، فلهذا توفرت القلوب والهمم
على مصالح دعائه ، المدبر الذى اضحى نور القمرين عكس ارائه ،
فلهذا تفضل ارض الله على سمائه ، وعلى الاجمال كل ما يتصوره العقول
من الكمالات والفضائل او يحيط به الافهام من دقايقها والجلال ، واشق
به الالسنه والبيان ، اوتحرى بتحريره الاقلام والبنان ، او يمكن ان يتصف
به نفس ، او يتصور ان يتصور بصورته نفس من اسباب المجد والعلى ، و
موجبات الفضل والتقوى ، ومقتضيات صدارة الدين والدنيا ؛ فهو نموذج
من جلال ذاته وقليل من كمال صفاته .

و ليس لله بمستنكر
ان يجمع العالم فى واحد
فلا يمكن ان يعرف عنها لسان القلم ، ولو اقبل عليه اقوام سبقوا

فيه جملة الامم، ولا ان ياتوا باظهاره تحريرا، ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا، خليفة الله في العرب والعجم، سلطان النقباء والقضاة والوزراء في العالمين، شمس الحق والشریعة والتقوى والدنيا والدين، غوث الاسلام وعون المسلمين، اشرف ابناء الماء والطین، المنظور بنظر رب العالمين، المنصور بنصرة خير الناصرين، المخصوص بعناية رب العالمين ۵ ابو عبد الله محمد، اعز الله انصاره، و ضاعف بخفى لطفه على العالمين اقتداره، ومد ظله، وافاض على الخلائق وبل جوده وظله، على البقاع التي استحدثها وغيرها، وهذا تفصيل:

فقد وقف على المدرسة و الخانقاه و بيت الادوية و دار الكتب المتصل بعض ذلك بالبعض، في ظاهر مدينة يزد، حماها الله تعالى، في موضع ۱۰ يقال: له راس سكة بهروك واهرستان:

جميع المزرعة المدعوة بحارين، احدى مزارع قرية فيروز آباد من قرى مدينة ميبذ، من نواحى بلدة يزد، وهى محدودة من الجانبين باراضى قرية فيروز آباد، وباراضى قريه بارجين، وباراضى مزرعة دستجردوك، معما لهذه المزرعة من الحدود والحقوق والشرب والمشارب ۱۵ والجداول والانهار والاراضى والقنوات، و عامة ما يعد منها ويحصر من جملتها، والمضافات والمتعلقات الداخلة فيها والخارجة عنها العامرة. وجميع سهم واحد من اصل اثنى عشر سهما هى سهام قناة واقعة فى حومة البلدة معروفة بقناة رئيس الدينى، منبعا صحراء قرية فراشا، ومفتحها قرية تقنت ونصيرى، ومصب مائها اراضى قرية تقنت ونصيرى، ۲۰ معما يتبع هذا السهم مع توابع القناة المذكور بما يعد من حرائمها وجداولها ومجارىها وآبارها، وساير ما يلحق بها من الحقوق.

وجميع مائة سهم من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائة وسبعين سهماً ، هي اصل سهام كل واحدة من خمس قنوات يقال لهن بالعرف العام: تفت ونصیری ، ويعرف كل سهم منهم بجرة واحدها ميبد (؟) والجرة عبارة عن مقدار معلوم عند الملاك والارباب لا يختلف ولا يتفاوت .

۵ وجميع الربع التام الشایع فی اصل قناة تاج آباد فراشا . وهذه القناة منبعها قرية فراشا ، فيصب مائها صحراء تفت ونصیری .

وجميع مائة سهم من جملة ستة عشر الف سهم وتسعمائة سهم وستة وثمانين سهماً ، هي اصل سهام قرية نرسوآباد ، وهي ايضاً من قنوات حومة البلدة .

۱۰ وجميع الاملاك المنسوبة الى المولى المخدم الواقف ، عز نصره ، فی قرية توران پشت من قرى البلدة ، منها سبعة قناتين وثمانية اقفزة ، وكف واحد من الاراضي الواقعة على قطعات متفرقة .

قطعة واقعة خلف الباغ المعروف بباغ ... بحد باغ لورثة قوام الدين مسعود بن شابور ، وبحد الطريق من الجانبين ، وبحد ارض لورثة عبدالرحمن بن الحسين السهري ، وبحد لمحمود بن محمد بن القاسم ، بسطها فقيران اثنان .

۱۵ وقطعة واقعة ايضاً فی هذا الموضع خلف الباغ بحد ارض موقوفة على المسجد المشهور بمسجد قاضي ، وبحد ارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبحد ارض مشهورة باينجوالجلالي ، وبحد ... بسطها كفان ،

۲۰ وقطعه واقعة ايضاً خلف الباغ ، بسطها قفيز وكف ، بحد ارض لمحمد بن الحسين الكرمانی وبحد ارض موقوفة على المشهد ، وبحد ارض لورثة قوام الدين مسعود بن شابور من الجانبين .

وقطعة ايضاً خلف الباغ بسطها ثلاثة اكف ، محدودة بارض موقوفة على مسجد معروف بمسجد سراى زير ، و بارض لبهاء الدين ابى بكر بن شابور ، وبالجدول والطريق .

و قطعة واقعة ايضاً خلف الباغ بسطها اربعة اكف ، محدودة بالجدول والطريق من الجانبين ، وبارض للحاج محمد بن القاسم ، و ٥ بارض لرضى الدين ابى الرضا .

وقطعة وقعت خلف الباغ ، محدودة بارض لاسعد بن محمد بن اسعد ، وبارض لسعد الدين بن سعد بن محمود بن عبيد ، وبالجدول والطريق من الجانبين ، وبارض لمحمد بن عبدالرحمن الشيخ ، بسطها اربعة اكف ، محدودة بارض للملك غياثا الدين حاجيشاه ، رحمه الله ! ١٠ من الجانبين وبارض لمحمد بن عبدالرحمن الشيخ ، وبارض لمحمد بن الحسن الكرمانى ، بسطها قفيزان وكف .

وقطعتان اتصلت احديهما على الاخرى ، واقعتان بجنب الباغ ايضاً ، بسطها اربعة اقفره ، محدودتان بارض لمحمد بن محمود بن ابراهيم [بن] منصور وتعلقت بالانيجوا الجلالى ، وبالطريق والجدول من الجانبين ، وبارض ١٥ موقوفة على مسجد سراى زير

وقطعة ايضاً واقعة بجنب الباغ محدودة بارض الحسين بن محمد بن الحسن الخوزى ، وبارض لابي بكر بن على بن شادى ، وبارض الواقف ، زيد قدره ! بسطها قفيز واحد .

و قطعة واقعة ايضاً بجنب الباغ ، بسطها كفان محدودة بارض ٢٠ يتصرف فيها اصحاب الانيجوا الجلالى ، وبارض لورثة فضل الله بن محمد بن ابى نصر ، وبالجدول والطريق من الجانبين .

وقطعة واقعة ايضاً بخلف الباغ ، بسطها كفان ، محدودة بارض

لسعد الدين بن شمس الدين ، وبارض لاسكندر بن دارا ، وبالجداول والطريق من الجانبين .

وقطعة ايضاً بجنب الباغ ، بسطها قفين واحدو كفان ، محدودة بارض لسعد الدين بن شمس الدين ، و بالجداول والطريق ، و بارض تعلقت بالانيحوالجلالي ، وبارض لمحمد بن عبدالرحمن بن اسرائيل ، بسطها مذکور . ۵

وقطعة ايضاً واقع بجنب الباغ بحد الصحراء من الجانبين ، و بحد ارض موقوفه على مسجد زبرجان ، و بحد ارض لمحمد بن القاسم بسطها خمسة اكف .

وقطعة عن كفين ايضاً واقعة بجنب الباغ بحد الصحراء من الجانبين ، و بحد ارض لمحمد بن احمد بن الحسين الخوزي . ۱۰

وقطعة ايضاً واقعه بجنب الباغ بحد ارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبارض الحاج محمد بن القاسم ، و بحد الجدول والصحراء من الجانبين ، بسطها خمسة اكف .

وقطعة واقعة ايضاً بجنب الباغ بحد ارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، و بالجداول والصحراء من الجانبين ، بسطها اربعة اكف . ۱۵

وقطعة واقعه بجنب الباغ ، محدودة بارض الحاج محمد بن القاسم ، وبارض لورثة قوام الدين مسعود بن شاپور ، و بارض لمحمد بن احمد بن حاجي ، و بسطها خمسة اكف .

وقطعة ايضاً واقعه تحت الباغ محدودة ، بارض موقوفة على سقاية طريق ، وبارض لابراهيم بن محمد بن الحسين الاصفهاني ، وبارض الخواجه اسكندر دارا ، وبالصحراء من الجانبين . ۲۰

وقطعة واقعة تحت الباغ، محدودة بارض حاجي محمد بن القاسم،
و بارض ورثة قوام الدين مسعود بن شابور ، و بارض محمد بن احمد بن
حاجي ، بسطها خمسة اكف .

وقطعة واقعة بموضع ومرام، محدودة بارض لمحمد بن ابراهيم
بن ابي الحسن، وبالصحراء من الجانبين ، و بارض لمحمد بن ابراهيم بن ۵
منصور ، وبسطها خمسة اكف .

وقطعة واقعة بهذا الموضع ايضاً ، لورثه ظهير الدين ابي جعفر،
وبالصحراء من الجانبين ، ومحدودة بارض قوام الدين مسعود بن شابور .
وقطعة واقعة ايضاً بالموضع المذكور ، بحد ارض موقوفة على
ابناء السبيل ، وبحد الجدول، وبارض لحسين بن مهاكان وبارض لعلي بن ۱۰
محمد بن علي ، بسطها اربعة اكف .

وقطعة واقعة ايضاً بالموضع محدودة ، بارض الحاج محمد بن
القاسم ، وبالصحراء من الجانبين ، وبارض في تصرف اصحاب الاينجو
الجلالي ، بسطها اربعة اكف .

و قطعة وقعت بالموضع بسطها قفيز واربعة اكف، بحد ارض ۱۵
لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبحد الصحراء ، بحد ارض للمولى
الواقف، عز نصره !

وقطعة بالموضع المذكور، بحد ارض الحاج محمد بن القاسم، و
بحد الصحراء من الجانبين، بسطها خمسة اكف.

۲۰ وقطعة وقعت بالموضع المذكور، بسطها ثلاثة اكف.

وقطعة وقعت ايضاً ايضاً بالموضع المذكور ، بسطها ثلاثة اكف،
محدودة بارض لورثه القاضي ظهير الدين جعفر، وبارض لابي بكر بن الحسن

- الخوزی ، وبالجداول من الجانبین . بسطها معلومة .
 وقطعة وقعت بالموضع ايضاً ، بسطها اربعة اكف ، محدودة بارض
 الموقوفة على ابناء السبيل .
- ۵ وقطعة وقعت ايضاً بالموضع المذكورة ، محدودة بالصحراء من
 جانبها الثلث والطريق ، وارض لورثة عبدالرحمن بن ابي الحسن من
 الجانب الاخر ، بسطها ثلاثة اكف .
- وقطعة واقعة ايضاً بالموضع المذكور ، بحد ارض لورثة قوام الدين
 مسعود بن شابور ، وبحد ارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبحد الصحراء
 من الجانبين ، بسطها كفان .
- ۱۰ وقطعة بالموضع المذكور محدودة بارض لابي بكر بن محمد كسك ،
 وبارض لمحمد بن احمد بن الحسن ، وبارض لمحمد بن الحسين الكرمانی ،
 وبالصحراء ، بسطها اربعة الف . وقطعة وقعت ايضاً بالموضع المذكور
 محدودة بارض الحسين بن محمد بن الحسن من الجانبين ، وبالطريق
 والجداول من الجانبين ، بسطها قفيز و كف .
- ۱۵ وقطعة واقعة بالموضع المذكور ، محدودة بارض لعلي بن محمد
 الكرمانی من الجانبين ، وبالصحراء والطريق من الجانبين الاخرين ،
 بسطها كفان اثنان .
- وقطعة واقعة بموضع مدعوبسوبوك ، محدودة بارض للملك السعيد
 غياثا الدين حاجيشاه ، طاب ثراه ! وبالجداول والصحراء من الجانبين ، و
 بارض لورثه خضر بن ضياء الدين شيرزاد ، بسطها قفيزان و كفان .
- ۲۰ وقطعة واقعة بالموضع ايضاً بسطها اربعة اكف ، محدودة بارض
 لمحمد بن ابراهيم بن ابي الحسن ، وبارض حسن بن نورالدين محمد بن

شابور، وبارض لسعدالدين سعدبن محمود بن عبيد، وبالصحراء .
و قطعان ايضاً واقعتان بالموضع المذكور تصلت احديهما
بالاخرى، وبسطهما ثلثة اقفزة واربعه كف .

وهذه القطعات من الاراضى المحدودات مرتقية على ماسبق من
بيان بسط كل واحدة منها الى ثلثة فيامين وستة اقفزه ، ولهذه القطعات ٥
شرب مرتب لها ماء معين معلوم ، معدودة من جملتها محصورة من عداد
مضافاتها و متعلقاتها ، هى الى تمام الفيامين السبعة والاقفزة الثمانية
والاكف المذكورة، قبل اربعة فيامين وقفيزان و كف . وهى ايضاً مشتملة
على قطعات متفرقة ارضا لاءلها .

وقطعة وقعت بموضع مدعوبكمغان محدودة بارض لابرهم بن ١٠
الحسن الهفترى ، و بارض موقوفة على ابناء السبيل و بالصحراء من
الجانيين ، بسطها قفيز واربعه كف .

وقطعة بموضع يسمى مكر ، محدودة بارض لمنصور بن الحسن
السكوك ، وبارض لورثة محمد بن الحسن بن منصور ، و بالصحراء من
من الجانيين ، بسطها ثلثة كف . ١٥

وقطعة واقعة بموضع مدعو بكمغان ، محدودة بالصحراء من
الجانيين ، وبارض لابرهم بن محمد الاصفهاني من الجانيين ، بسطها
ثلثة اكف .

وقطعة واقعة بكور سرخ محدودة بالصحراء من الجوانب الثلاثة،
و بارض المولى الواقف، زيد قدره! من الجانب الاخر، بسطها اربعة كف . ٢٠
[و] قطعة اربعة اكف وقعت بكمغان، محدودة بارض لسابق الدين
الياس بن ضياء الدين شيرزاد ، وبارض لمحمد بن عبدالرحمن الشيخ ،

وبارض للملك غياثا الدين حاجيشاه، عليه الرحمة! وبارض للمولى الواقف، عز نصره! بسطها قفيزان .

وقطعة واقعة بكور سرخ ايضاً بحدارض للمولى الواقف، زيد قدره! من الجانبين، و بارض لابرهم، و بالجدول و الطريق، بسطها خمسة اكف . ٥

وقطعة واقعة بكور سرخ ايضاً، محدودة بارض لورثة ابراهيم بن ابي الحسن، وبارض اتابكية، وبارض للمولى الواقف، مد ظله! بسطها قفيزان .

وقطعة واقعة بكور سرخ ايضاً، بحد الجداول من الجانبين، و بحد ارض للمولى الواقف، زيد قدره! من الجانبين، بسطها كفان . ١٠

وقطعة واقعة بكور سرخ ايضاً، محدودة بارض المولى الواقف، مد عصره! و بارض الاتابكية، و بالصحراء و الطريق، بسطها خمسة اكف .

وقطعة واقعة ايضاً بكور سرخ، محدودة بارض قوام الدين مسعود بن شاپور، وبارض للمولى الواقف، زيد قدره! من الجانبين، و بالطريق والصحراء، بسطها قفيز واربعة اكف . ١٥

وقطعة وقعت ايضاً بكور سرخ محدودة بارض قوام الدين مسعود بن شاپور، وبارض للمولى الواقف، زيد قدره! من الجانبين، و بالطريق والصحراء، بسطها قفيز واربعة اكف .

وقطعة وقعت ايضاً بكور سرخ، محدودة بارض قوام الدين مسعود ابن شاپور، وبارض للمولى الواقف، مد ظله! من الجانبين، وبارض موقوفة على المسجد الجامع، و بارض لمولانا سيف الدين محمد بيرام، بسطها ٢٠

قفيز ونصف قفيز .

وقطعة واقعة ايضاً بكورسرخ ، محدودة بارض مولانا سيف الدين بيرام ، وبارض للحسين بن محمد ، وبارض للحسين النجار من الجانبين ، خمسة اكف .

وقطعة واقعه ايضاً بكورسرخ ، [محدودة] بارض موقوفة على ٥ ابناء السبيل وبالصحراء ، و بارض لابي بكر الخوزي ، وبارض لعلي بن اسمعيل ، بسطها خمسة اكف .

وقطعة واقعه ايضاً بكورسرخ ، محدودة بارض للشيخ عبدالرحمن ، وبارض لمحمد بن الحسين على ، وبارض لمحمد بن علي الخوزي ، بسطها قفيز واربعة اكف .

١٠

وقطعة واقعه بعرجمار(؟) ، محدودة بارض للمولى الواقف ، زيد قدره ! وبارض موقوفة على المسجد الجامع ، بسطها كفان .

وقطعة واقعه ايضاً بكورسرخ ، محدودة بارض للمولى الواقف ، زيد قدره ! وبارض موقوفة على المسجد الجامع ، وبارض لعلي الكرمانى ، وبارض لمحمد بن اسعد ، بسطها قفيز وكف .

١٥

وقطعة واقعة بالموضع ، محدودة بارض لورثة مسوك ، وبارض لعلي الكرمانى ، وبارض لمحمد بن ابي الحسن من الجانبين ، بسطها اربعة اكف .

وقطعة وقعت بالموضع ايضاً ، محدودة بالصحراء والطريق من الجانبين ، وبارض لورثة ابراهيم بن حجير ، وبارض لعلي الكرمانى ، وبارض لمحمد بن ابي الحسن من الجانبين ، بسطها خمسة اكف .

٢٠

وقطعة بموضع مدعو بعراجمر ، محدودة بالطريق وبالصحراء

من الجانبين، وبارض لمولانا سيف الدين بيرام، وبارض موقوفة على المسجد الجامع من الجانبين، بسطها قفيز وكتف.

وقطعة واقعة ايضاً بالموضع المحدودة بالصحراء والطريق، وبارض للمولى الواقف، مد عصره! وبارض لمولانا سيف الدين بيرام من الجانبين، بسطها قفيز وكفان.

وقطعة واقعه بالموضع، محدودة بارض لمحمد بن احمد الحاجي، وبارض . . . ، وبالصحراء من الجانبين، بسطها قفيز.

وقطعة واقعة بموضع كدسانه، محدودة بارض لمحمد بن محمود بن منصور، وبارض لعلى بن محمد بن عبدالرحمن، وبالصحراء من الجانبين، بسطها اربعة اكف.

وقطعة بموضع نهر احمر محدودة [بارض] لمولانا سيف الدين بيرام، وبارض الحسين بن شبنكاره من الجانبين، وبالصحراء والطريق من الجانبين، بسطها خمسة اكف،

وقطعة واقعة ايضاً نهر احمر، محدودة بارض لعبدالرحمن بن محمد بسر كي، وبالصحراء من الجانبين، وبارض لمحمد بن عبدالرحمن الشيخ، بسطها قفيز واربعة اكف.

وقطعة بموضع يدعى ظهر كاريز سرباغ(?)، محدودة بالصحراء، وبارض للمولى الواقف، مد عصره! وبالطريق بسطها قفيز ونصف قفيز.

وقطعة وقعت ايضاً بالموضع، محدودة بارض لابي بكر بن محمد سكماتان، وبالصحراء والطريق، وقناه راس الباغ من الجانبين بسطها خمسة اكف.

وقطعة وقعت ايضاً بالموضع، محدودة بارض لمحمد بن

- عبدالرحمن الشيخ ، وبارض لاحمدبن محمد بردو ، وبارض لمولانا
سيف الدين بيرام ، وبالصحراء ، بسطها قفيزان .
- وقطعة واقعة بالموضع ايضاً ، محدودة بباغ مزرعة سرباغ ، و
بارض لمحمدبن احمدبن اسعد ، وبالصحراء من الجانبين ، وبالطريق ،
بسطها اربعة اكف . ٥
- وقطعة واقعة بكور سرخ ، محدودة بارض للمولى الواقف ، زيد
قدره ! من الجانبين ، وبارض لعبدالرحمن بن الحسن كولول ، وبالصحراء ،
بسطها قفيز و كف .
- وقطعة واقعة ايضاً بكور سرخ ، محدودة بارض المولى الواقف .
عز نصره ، من الجانبين ، وبارض لورثة قوام الدين مسعود بن شابور ، و ١٠
بالصحراء المدعوي پنج دست ، بسطها ثلاثة اكف .
- وقطعة واقعه ايضاً بكور سرخ محدودة بارض المولى الواقف ، مد
عصره ! من الجانبين ، وبارض لمحمدبن ابراهيم بن ابي الحسن ، وبالصحراء ،
بسطها ثلاثة اكف .
- وقطعة واقعة ايضاً بهذا الموضع . محدودة بارض للمولى الواقف ١٥
زيد قدره ! من الجانبين ، وبارض لورثة قوام الدين مسعود بن شابور
بسطها خمسة اكف .
- وقطعتان متصله احديهما بالآخرى ، واقعتان بموضع نهر احمر ،
محدودتان بارض المولى الواقف ، مدظله ! وبارض لعبدالرحمن الشيخ ،
و بارض موقوفة على ابناء السبيل والطريق ، بسطها قفيزان وخمسة اكف ٢٠
- هذا آخر ذكر الاراضى والقيامين السبعة والاقفزة الثمانية
والكف وحدودها المفصلة المميزة :

منها سهم واحد من جملة ستة وعشرين سهماً ، هي سهام المياه المستراديه من قرية تورانپشت من قرى قهستان المذكورة مراراً .

منها الاراضى الواقعة بمزرعة مدعوة بمبيد ، وتلك ايضاً مشتملة على قطعات متفرقات مشتملات بحدودها المخصوصات بها .

٥ وقطعة واقعة بپشتراه ، محدودة بالصحراء من الجانبين ، وبحدارض لورثة موفق بن قوام الدين مسعود بن شابور ، وبارض لرضى الدين ابى الرضا ، بسطها قفيزان .

١٠ وقطعة واقعة بوسط كشخوان ، محدودة بارض ورثة موفق بن قوام الدين مسعود بن شابور ، وبارض سابق الدين الياس بن ضياء الدين شيرزاد ، وبارض لرضى الدين ابى الرضا ، وبارض على بن قوام ، بسطها قفيز واحد واربعة اكف .

وقطعة واقعة ايضاً بوسط كشخوان ، محدودة بارض على بن قوام ، وباغ لسابق الدين بن شيرزاد من الجانبين ، بسطها خمسة اكف .

١٥ وقطعتان متصلتان احديهما بالاخري ، واقعة ايضاً بوسط كشخوان ، محدودة بارض لرضى الدين ابى الرضا ، وبارض لورثة قوام الدين مسعود بن شابور ، وبارض لورثة فضل الله بن محمد بن ابى نصر ، و بالجدول والى الطريق ، بسطها قفيز ونصف قفيز .

٢٠ وقطعة واقعة بموضع يقال له باغ جمال ، محدودة بارض لعلى بن قوام ، وبارض لرضى الدين ابى الرضا ، وبارض الحاج محمد بن القاسم ، وبالصحراء ، بسطها قفيزان وكفان .

وقطعة واقعة بموضع يقال له ميان دواطرخ ، محدودة بارض لعلى بن قوام الدين ، وبالجدول والصحراء ، بسطها خمسة اكف .

وقطعتان متصله احديهما بالآخرى ، واقعتان بموضع يدعى
بوزير كهان ، محدودة بارض بهاء الدين قوام وبارض موقوفة على المسجد
الجامع ، وبالجدول ، وبارض لسابق الدين شيرزاد ، وبالطريق ، قفين
ونصف قفين .

و قطعة واقعة ايضاً بهذا الموضع ، محدودة بارض سابق الدين ه
شيرزاد ، وبالطريق والجدول والصحراء ، بسطها خمسة اكف ،
وقطعة واقعة ايضاً بهذا الموضع ، محدودة بارض لورثة فضل الله بن
محمد بن ابي النجم ، و بارض لسابق الدين شيرزاد ، وبالجدول والطريق
من الجانبين ، بسطها اربعة اكف .

وقطعة واقعه ايضاً بهذا الموضع ، محدودة بارض لمنصور بن ١٠
محمود بن عبيد ، وبارض لسابق الدين بن ضياء الدين شيرزاد ، و
بارض لعلى بن ابي بكر الابرقوهي ، وبالجدول والصحراء ، بسطها قفين
واحد وكف .

وهذه القطعات الواقعات بهذه المزرعة ، بسطها جميعاً فيمان و

١٥ ثلثة اقفة و كفان .

منها فيمان وستة اقفة وخمسة اكف ارضا من اراضى مزرعة
مدعو سسان ، وهى ايضاً من قطعات متفرقات ، بما احاط كل واحد منها
بحدودها المختصة بها .

وقطعة وقعت بموضع معروف برودول محدود بارض موقوفة على

٢٠ بناء السبيل ، وبارض على الخانقاه المنسوبة الى قوام الدين مسعود بن
شاور ، وبارض لورثة ابي بكر بن مهاكان ، وبالصحراء والجدول والطريق ،
سطها ثلثة اكف .

و قطعه واقعه ايضاً بالموضع المذكور، محدودة بارض لابی بكر بن عمر بن داود، و بارض لعبد الرحمن بن زكى، و الجدول والطريق، بسطها خمسة اقفزة.

و قطعه بالموضع محدودة بارض لاحمد بن قوام الدين، و بارض لابی بكر بن الحسن الخوزى، و بارض لعبد الرحمن الشيخ، و بارض لابی بكر بن الحسين الخوزى، و بالطريق، بسطها خمسة اكف.

و قطعه واقعه بپشت كوهك محدودة بارض يتصرف فيها اصحاب الانيجو الجلالى، و بارض لاحمد بن محمد الخوزى، و بارض للقاضى زين الدين سعد بن يحيى، و بالطريق، بسطها قفيز و كف.

و قطعتان اتصلت احديهما بالآخرى، واقعتان ايضاً بپشت كوهك، محدودتان بارض لمحمد بن احمد بن الحاجى، و بارض لاحمد الاصفهانى، و ارض الحاج محمد بن القاسم، و بارض لمحمد بن محمود الكاشى، بسطها قفيز و اربعة اكف.

و قطعه واقعه ايضاً بهذه الموضع محدودة، بارض لمحمد بن الحسن الكرمانى، و بارض لاحمد بن الاصفهانى، و بارض لمحمد بن احمد دادا بارض لورثة محمد بن الحسن المعروف بكر، و بارض لاحمد بن محمد بن عبدالله من الجانبين، بسطها قفيز و كف.

و قطعتان اتصلت احديهما بالآخرى واقعتان ايضاً بالموضع، محدودتان بارض لابی بكر بن عمر بن دادا، و بارض لورثة محمد المعروف بكسك، و بالصحراء من الجانبين، بسطها اربعة اقفزة.

و قطعه واقعه بموضع مسمى بدر كوشك، محدودة بارض لعلی بن محمد بن عبد الرحمن من الجانبين، و بارض موقوفة على الرباط المدعو

برباط نيستان ، وبالصحراء ، بسطها قفيزان .

وقطعة واقعة بالموضع ايضا ، محدودة بارض لورثة محمود بن ابي بكر بن يوسف ، وبارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبارض لاحمد بن عبدالله ، بسطها اربعة اكف .

٥ وقطعة واقعة بالموضع المذكور ، محدودة بارض موقوفة على مسجد سراي زير ، وبارض لاحمد بن عبدالله ، وبارض لرضي الدين ابي سعد بن يحيى ، وبالصحراء ، بسطها ثلاثة اكف .

وقطعة واقعة بالموضع محدودة بارض موقوفة على رباط نيستان ، وبالصحراء من الجانبين ، وبارض المولى الواقف ، مد عصره ! بسطها كفان .

١٠ وقطعة واقعة بالموضع المذكور ، محدودة بارض لابي بكر بن الحسين الخوزي ، وبارض لاحمد بن عبدالله ، وبارض لعلی بن محمد بن عبدالرحمن ، وبالجداول والصحراء ، بسطها قفيز واحد واربعة اكف .

وقطعة واقعة ايضا بالموضع ، محدودة بارض موقوفة على خانقاه منسوبة الى قوام الدين مسعود بن شاپور .

١٥ وجميع الربع التام الشايع في قناة مجد آباد ، وهي من قنوات نواحي مهريجرد ، فهي قصبة من قصبات هذه البلدة .

وجميع الخان الواقع ظاهر البلدة ، بموضع تدعى سرريك ، المعروف بخان القاضي ، وذلك من مستحدثات المولى الواقف زيد قدره ! بما هو من توابع الخان ولواحقه من الحدود والحقوق .

٢٠ وجميع الحانوت الواقع داخل بلدة وسط السوق الكبير ، وموضع باب الحسد في راس سكة عقبلان المشهور بنانوا خانه عليشاه الخباز ،

وهو محدود الى حانوت ووقعه المولى الواقف ، مدالله ظلال جلاله !
على المسجد الجامع ، والى حانوت بيدالحاج ابراهيم بن ابى الخير
الكاذرونى العصار ، وبحدى الطريق والشارع والمدخل اليها .

وجميع الاملاك المنسوبة الى المولى الواقف ، مدالله ظله ! بقرية
خورمیز من قرى ناحية مهریجر ، بحصة دودانك جمال خوارى ،
وهى مشتملة على الفسهم ومائة وخمسة وستين سهماً وثلاثي سهم من جملة
ثمانية آلاف سهم وسبع مائة سهم واثنين سهماً ، هى اصل قناة قرية خورمیز
مع الحصص الجارية معها والاراضى المتعلقة بها ، وهى مشتملة على
قطعات متفرقات فى صحراء تلك القرية .

۱۰ وقطعة واقعة فيها مشهورة بباب خان ، بسطها جریبان اثنان
و خمسة اقفزة .

وقطعة مدعوة بمحمد مرزبانى ، بسطها ثلاثة اقفزة .
وقطعة مشهورة بسالارى وابويجى ، بسطها جریبان اثنان .
وقطعة واقعة فيها مدعوة بسرائون ، بسطها عشرة اجربة وخمسة
اقفزة . ۱۵

وقطعة واقعة فى موضع كفر ، بسطها خمسة اكف .
وقطعة واقعة فيها مشهورة بباغ نو بسطها قفيز واحد .
وقطعة اخرى واقعة فى تلك الصحراء معروفة بارض جمال بسطها ،
خمسة اقفزة .

۲۰ وقطعة مسماه بكسان نوبندى ، بسطها ستة اقفزة .
وقطعة اخرى واقعة منها بارض كيل ، بسطها خمسة اقفزة و
ثلاثة اكف .

وقطعة واقعة بقرية ركناباد ، بسطها ثلاثة اقفرزة .

وقطعة بارض واقعة فيها مدعوة ايضاً بر كنباباد، بسطها قفيز واحد وخمسة اكف .

وقطعة اخرى واقعة في صحراء القرية المذكورة مدعوه بمسجد، بسطها قفيزان اثنان وخمسة اكف .

٥

وقطعة ايضاً فيها مشهورة بميان راه (.....) وقطعة واقعة ايضاً مشهورة بر كنباد ، ثلاثة اجربة وقطعة واقعة فيها مشهورة ، بموتك جوى ، بسطها ثمانية اجوبة .

وقطعة واقعة فيها مشهورة بطرف رودخانه ، بسطها جريب واحد.

١٠

وقطعة مسماة بكدوك ، بسطها خمسة اجربة .

وقطعة واقعة فيها مشهورة بپشت كارين گيلان، بسطها عشرة اجربة.

وقطعة ارض واقعة فيها مدعوة بخلف باغ سلطان بسطها عشرة اجربة .

وقطعة ارض مدعوة ببند خاصة بسطها ثلاثة اجربة .

١٥

وقطعة واقعة برسك مد و اوسطها ثلاثة اجربة .

وقطعة مدعوة بكفر ما بسطها ستة اجربة .

وقطعة معروفة بارض گلو گاه بسطها خمسة اجربة .

وقطعة معروفة بكناروار بجنب كارينز مدوير اباد بسطها خمسة

اجربة ، باجمع مضافاتها مع سهام القنوات والحصص العامرة والغامرة والباغات والبساتين والاشجار والدور وغير ذلك .

٢٠

وجميع الحوانيت المتلاصقة الواقعة بباب الخانقاه

الموقوفة عليها الحوانيت المتعددة اربابا من مسجد المولى

المخدوم الاعظم الواقف، مد ظله؛ وجميع مأتى سهم عقدن من المآت من جملة ستة عشر الف سهم وستمائة واربعين سهماً، هى سهام قناة كشنوية من قنوات البلدة ومأوها فايض على البلدة المذكور ... فيها.

وجميع مأتى سهم عقدن من المآت من ... عشر الف سهم و سبعمائة واربعين سهماً هى اصل قناة مرياباد معما يجرى من قناة وهو مثله مقدار اوها تان القناتان ايضا من قنوات حومة البلدة .

وجميع مائة سهم و ... من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائة و سبعين سهماً هى اصل سهام قناة دها باد ، معما يجرى من قناة يزداباد ، وهو خمسون سهماً من جملة السهام المصابة سهام القناة المسماة بدها باد المذكور ، من قبل مقدار وهما قناتان من قنوات البلدة ايضا .

وجميع خمسة وثلثين سهماً معروفة بخمسة وثلثين طسوجا من جملة الف طسوج واربعة واربعين طسوجا وستة وعشر طشتا وربع وسدس طشت هى اصل سهام قناة كشنويه ، من قنوات قصبة ميبد ، من نواحى البلدة هذه. والطسوج عبارة عن اربعة وعشرين طشتا، والطشت عبارة عن مقدار معلوم بين الملاك والارباب .

وجميع مائة سهم واحد من جملة سبعة آلاف سهم و خمسمائة و ثلثة وعشرين سهماً ، هى اصل سهام القنوات الاربع الفايضة مياهن على اراضى قرية فهرج ، من قرى البلدة، وسميت واحدة منهن بسور بختان وثانيهن بمسكوتان ، وثالثهن بحسكان ، ورابعهن ببهنام ، ويعرف كل سهم من هذه السهام المذكورة طشت واحد شربى ؛ و جميع الباغچه المتصلة بهذه الخانقاه، بسطها اربعة اقفزة وثلثة اكف وخمسة واربعون شبرا ارضا بالمساحة القديمة، موقوفة على الخانقاه المسماة ماساوحدا.

و جميع الباغجة المتصلة بالمدرسة العالية المومى اليها ، المحاذى لها ، وبسطها خمسة ا كف ارضا بالمساحة المذكورة ، وهى موقوفة عليها وحدها وهاتان الباغجتان لتعين موضعهما و ذكر الاتصاف ، مستغنيان عن بيان الحدود والاصاف .

و جميع الزرب الواقع بباب الخانقاه المذكورة ، ذلك من ٥ مستحدثات المولى الاعظم الواقف ، عز نصره ! وبذلك الاسم قد استغنى عن التحديد والتوصيف .

و جميع الحمام الواقع فى جنب العمارات الخمس المتصلات الموسومات بابواب الخير .

و جميع النصف التام الشايح فى جماعة الطاحونة الواقعة خارج ١٠ بلدة يزدنى موضع يدعى بسر اسيا ، المدعوة خير آباد ، الدائرة على ماء قنوات مسميات مجموعها بتفت ونصيرى .

و جميع الف سهم من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمئة و سبعين سهماً ، هى اصل سهام قناة سعد آباد ، من قنوات البلدة . والسهم فيها عبارة بين ملاكها عن جرّة واحده ، والجرة عبارة عن مقدار معلوم معين ١٥ بحيث لا يختلف ولا يتفاوت .

و جميع ثلاثة طسا سيج وستة عشر طشتا شايعتين فى جملة الف سهم واربعه واربعين سهماً وستة عشر طشتا ، هى اصل سهام قناة مدعوة بكشتويه من قنوات ناحية ميبد ، والطسوج عبارة عن ثمن شبانروز واحد .

و جميع ثمانية عشر طسوجا واثنى عشر طشتا من جملة الف طسوج ٢٠ و مائة و خمسين طسوجا ، هى اصل قناة امذه ، من قرى قصبة ميبد المذكورة .

وجميع عشرة طساسيج وثمانية عشر طشتا من جملة تسعمائة طسوج وستة وخمسين طسوجاً وستين طشتا ، هي اصل سهام قناة قرية مدعوة بمهر جرد من قرى بلدة يزد.

وجميع ثمانية وعشرين طسوجاً شايعاً واثنين وعشرين طشتا ، وسد(؟) طشت من اصل تسعمائة طسوج وسبعمائة واربعين طسوجاً وسبعة عشر طشتا هي اصل طساسيج ، وطشتات قناة مدعوة بفيروز آباد محمودى من قنواة حومة ميبد .

وجميع عشرة اجربة وخمسة اقفزة شايعين فى الف جريب وثلاثة وستين جريباً وسبعة اقفزة ، هي اصل سهام قناة قصبة مهري جرد من قصبات البلدة ، وهي ذات اربع شعب اولها مدعوة ببغداد آباد ، وثانيها مسماة مهربادين ، وثالثها مشهورة بارزندازان ، ورابعها معروفة بمذوير آباد. والجريب عن عشرة اقفزه شريية .

وجميع ماتى طشت وثلاثة عشر طشتا من جملة خمسة الاف طشت واربعمائة واثنى عشر طشتاً ، هي اصل طشتات قرية مهريزد ، وهي ذات سبعين احديهما مدعوة بفرخان ، وثانيهما مسماة برسحان ، وتلك القرية من قرى قصبة مهري جرد .

وجميع ماتى طشت وتسعة وثمانين طشتا شايعا فى ثمانية آلاف طشت وثمانمائة وستة وخمسين طشتا ، هي اصل طشتات قناه قرية فراقت من اعمال مهري جرد المذكور فيه .

وجميع النصف التام الشايح من القناه التى استنبطها الواقف المولى المعز ، من خالص ماله ، باعوانه ورجاله ، فى رستاق يزد بجنب قرية حسرو برسر ، يقال لها چهار ديه المستغنية عن التوصيف .

وجميع القرية التي عمرها وانشاها و امر ببناءها الواقف المشار اليه ،
لازال مشارا اليه بالنصفة والاحسان بين نوع الانسان ! في هذا الموضع ، وعين
مأوها في نصف تلك القناة ، واشترى اراضي ، وجعلها بساتينا محوطة
وغير محوطة ، وهي فيها حصار اودورا ومساكن ، واحبي ارضاميتة ،
ليكون هي له بتوابعها ومضافاتها ، سوى الباغات اللواتي بناها الواقف ،
عز نصره ! لعتقائه المعلومين في تلك القرية وملكهم فيها .

وجميع الخان الذي بناء في جوارها . وذلك مستغن عن ذكر التحديد
والتوصيف ، لانسابه اليه لازال منسوباً اكرم ارومة واشرف جرثومة !
وجميع مائة سهم وخمسة وعشرين سهماً من اصل سهام قنوات
فهرج الموصوفة وجه الكتاب ، هذا الناطق بالصواب ، ويعرف كل سهم منها ١٠
بطشنة واحد شربي ،

وجميع مائة سهم واحد و اربعين سهماً و ثلثي سهم من اصل قناة
كنويه الواقعة بحومة البلدة ، ويعرف بجرة واحدة .

و جميع مائة سهم من جملة سهام قنوات تفت و نصيري ، حسب
المشروح اعلاه ، ويعرف كل سهم بجرة واحدة ، ويقال لها ها ميذ . ١٥

وجميع الباغ المعروف بباغ سعيد ابي بكر الواقع بجنب ابواب
الخير المنسوبة اليه المحدود بالخان السابق ذكره .
وجميع الدار المشهور بخانه حاجي فيمازا ، الواقعة بجنب المدرسة
المنسوبة .

وجميع الربع التام الكامل من القناة المدعوة بمجد اباد مهر يجر دمن ٢٠
قنوات نصينها (؟) . وهذا الربع موقوف على المدرسة والخانقاها المذكورتين
المخصوص بهادون اخواتهما بتوابعهما ولواحقهما .

وجميع الدار المعروفة بخانة محمد شاه الخياط، الواقعة بجانب دارالسيادة المنسوبة اليه ، لازال معمورا ببقاء صاحبها و بانيها! باجمع ما يضاف به الجمل المذكورة من الاراضي والمياه والمزارع وساير التوابع والمضافات و اللواحق و المنسوبات ، مما ذكر في هذه الحجة او لم يذكر .

واضاف الى الموقوفات واقر واعترف ان مبلغ تسعمائة دينار وعشرين دينارا من النقد الراجح الذي هو مقرر على سبيل الادرار باسمه، وهي مثبتة في الدفاتر الديوانية مجرأة ممضاة كل سنة ببلد يزد. ومبلغ اربعمائة دينار وخمسة وعشرين دينارا ونصف وثلث دينار من العين الراجحة الذي هو مقرر على سبيل المعيشة باسمه المبارك في دارالسلح بيزد ، ١٠ حق لمن يستحق هذه الموقوفات و منافعها على مايجيء تفصيلها ، ثم يصر فيها الى المصارف مراعيا للشروط الاتية بعد ذلك ، ليشغل السدي بيده امر هذه الصدقة، مما يمكنه من وجوه الاستغلال عثراته(٤). ولا يساقى ولا يزارع اصلا من المتغلبين واصحاب الشوكة ابدا ، ولا من غيرهم اكثر من سنة واحد ، لا في عقد واحد ولا في عقود مختلفة . فمتى اتفق عقد على خلاف هذا الشرط فذلك عقد باطل. فما حصل منها فائدة ومنفعة يبداء ١٥ اولا بما هو سبب لحفظ الاصول ، مما لا يتأتى الانتفاع بالموقوفات الا به، ومما هو موجب لاستقرار منافعها واستكثار فوائدها، مما يصل من ذلك، مصروف الى عمارة البقاع بحسب الحاجة ، ثم يصرف بمصالحها .

٢٠ اما في مصالح المدرسة التي سبق ذكرها اولا ، فشرط المولى الواقف ، مد الله تعالى بين المسلمين ظلاله! ان ينصب :
مدرساً متشرعاً متصفاً بمذهب الامام الاعظم الشافعي المطلبى ،

رضى الله عنه! مواظبا على وظائف التدريس والتعليم من التفسير والفقهيات والاحاديث و الادبيات و الفضليات ، و ساير العلوم الدينيّة و البدنية ، ويدفع اليه من منافع الموقوفات ومحاصلها في كل سنة مبلغ مائة دينار واحد من العين الرايجة التي كل دينار منها يعبر عن ستة دراهم سلطانية

- ٥ طلغمية معدودة معلومة الوزن والعيار ، ومبلغ ثلاثة الف من من الغلة بالمناصفة حنطة و جاورسا بوزن يزد ، وهو اربعمائة درهم ، و هذا الشغل مخصوص بالمولى المعظم المرتضى الافضل الا علم ملك الملوك السادة والعلماء المتبحرين اكمل التقباء جمال الملة والدين ، الحسن بن المولى السعيد المرتضى الاعظم الشهيد علامة علماء عصره ناصر الملة والدين على البخارى محتدا واليزدى مولدا ، مد الله معاليه !

- ١٠ ومعيدا فطنا خيرا مواظبا على مراسم الاعادة والارشاد ، ويدفع اليه من منافعها في كل سنة مبلغ الف من من الغلة: الحنطة والجاورس . وطلبة للعلوم الدينية والبدنية المشتغلين بالتحصيل والتكرار ، المواظبين على الفكر والتذكر ، المتصفين بصفة الصلاحية والعفاف ، عشرة انقر في كل سنة ، مبلغ خمسة الاف من من الغلة بالمناصفة لكل ١٥ نفر خمسمائة من من الغلة .

- واماماورعاً عارفا بفرايض الصلوة و سننها ، فقيها في هذا الباب ، يداوم في البقعة على الصلوات الخمس و يومى العيدين ، من المقيمين بالبقعة والواردين عليها ، ويدفع اليه كل سنة مبلغ الف من من النوعين المذكورين . وهذا الشغل الان مفوض الى القاضى الامام الهمام ملك الائمة ٢٠ والقضاة و الخطباء قوام الملة والدين مسعود بن الامام المرحوم عفيف الدين محمود القاضى بچهارديه ، دام فضله !

ومؤذناً أميناً يواظب على الاذان عند الصلوة الخمس و الاقامة، عارفاً باوقاتها ، فيدفع اليه كل سنة سبعمائة و عشرين مناً من الغلة بالمناصفة .

واربعة نفر من حفاظ كلام الله يلازمون على تلاوة القرآن المجيد ،
 ٥ فيقرا اثنان منهم في موضع عيّنه من المدرسة المشار اليها ، لمدفنه المنور المطهر ، اطال الله تعالى بقاء ايامه ، المخرج عن قيد الوقفية بالاستثناء الشرعى ، وهى مقام معين معلوم، من وقت الصبح الى وقت الظهر، واثنان آخران من العصر الى المغرب ، و هم يحضرون فيها جميعاً فى ليالى الجمعات من العشاء الاخر الى اوان طلوع الصبح ، و يقرؤن فيه كلام الله تعالى فى اول الوقت الى ثمانية ساعات فى المداومة غير مقصرين. وعلى ١٠ المتولى ان يدفع الى كل واحد منهم فى كل سنة مبلغ خمسمائة منّ، وهى خمسة عقود من المأت من نوع الغلة ، و ايضاً يدفع اليهم فى كل ليلة فى ليالى الجمعات ديناراً واحداً من العين الموصوفة ، و ذلك ان يكون لهم اذا حضر و افيه قارئين لكلام الملك الحميد. وهذه الحفاظ الاربعة فليكونوا متصفين بالعفة والتقوى . ١٥

وبواباً أميناً يلازم باب المدرسة ، و يقوم بغلقه وفتحها ، و يدفع اليه كل سنة مبلغ ثلثمائة من وستين مناً من الغلة بالمناصفة .

و فراشاً اميناً يقوم بالكسح والكنس والطى والنشر ، و ماهو من ٢٠ توابع شغله ، و يدفع اليه من ذلك كل سنة مبلغ خمسمائة منّ من النوعين المذكورين فيه .

واما فى مصالح دار الكتب الداخلة فى المدرسة المذكورة ثالثاً ، فشرط المولى الاعظم ، شيد الله قواعد المعدلة بوجوده! ان ينصب المتولى

لهذا الامر :

خازناً في دار الكتب المومى اليها ، اميناً متديناً لحفظ الكتب
الموضوعة فيها، ويواظب على المدخل والمخرج عند الحاجة اليها، فتدفع
اليه كل سنة مبلغ سبعمائة وعشرين من الغلة بالمناصفة .

وقد فوض المولى الاعظم الواقف ، مد الله ظلاله ! هذا الشغل الى
عتيقه الامير فخر الدين مبار كشاه ، وبعده الى ذكور اولاده و اولاد
اولاده الموصوفين بالامانة ، ماتوا الدوا وتناسلوا ، نسلا بعد نسل .
وشرط ايضاً ان يصرف في مرمة الكتب وتجليدها كل سنة مبلغ
خمسين دينار من العين الموصوفة .

واما في مصالح الخائفة الذي تقدم ذكره رابعاً ، فشرط المولى
الاعظم الواقف خلد الله ايام معدلته ! ان ينصب المتصدى لهذا الامر فيها :
شيخاً متبعداً صالحاً يرشد الطالبين بمسالك الايقان ، والمسترشدين
الى مناهج العرفان ويبيدهم عن الحواجس النفسانية ، ويقربهم الى مراتب
الانسانية ، فيدفع اليه كل سنة مبلغ الف من من الغلة حنطة وجاورسا .
ولم يتفق تعيين هذا الشيخ الى زمان تحرير هذا ، وتعيينه مفوض الى
راى المتولى ، فان له ولاية العزل والنصب .

وخادماً اميناً متديناً يواظب على خدمة المسافرين النازلين فيها
ومراعاتهم، فيدفع اليه كل سنة الف من من الغلة بالمناصفة، وهذا الشغل
مخصوص بامير سيف الدين مغلتاي بن عبدالله عتيق ، والد المخدم
المولى الاعظم الواقف ، مد عصره ! وبعده بذكور اولاده واولاد اولاده
المنعوتين بالامانة والديانة .

ومطبخياً اميناً متديناً يرتب الطبخيات للمسافرين فيدفع لهم

قی کل سنة مبلغ ثلاثمائة من وستين مئاً من النوعين المذكورين .

وشرط ان يصرف المتولى كل يوم من ذلك فى طبخة المسافرين
الواردين اليها والصادرين عنها ، دينارين اثنين من النقد الرايج ، وثلثين
منا من النوعين المذكورين ، يطعم كل مسافر نزل الى ثلاثة ايام الذى
هى مدته جوازا ، يسكنون فيها وغايتها . لايرخص المتعاطى الامر هذه
الصدقه ان [يكون] توقفه فيه اكثر من المدة ، الا لمرض فانه ح من
صدره (?) . وان يزيد فى كل ليلة من لياالى الرمضانات للمسافرين خمسة
دنانير من النقد الرايج الموصوف على ماسبق تعيينه لهم من قبل .

ويصرف هذا الزايد مع المزيد عليه فى اطعمتهم ، وان يصرف
فى اثمان الشمع والبرزليستصبح ، بالمدرسة والخانقاه فى الليالى المتبركة ،
كل ليله مدى الشهور والسنين ، فى الممار والبيوت والغرف التى هى
مسكن النازلين بها ، والاطراف والزوايا المحتاجة الى السرج ، حسب
المعهود كل سنة مبلغ خمسين دينارا من العين الرايجة الموصوفة .
وايضاً شرط ان يصرف المتولى لهذا الامر فى كل جمعة من الجمععات
الواردة فى السنين لاطعام الحاضرين والمقيمين والمجتازين من العلمة
والحفظة والطلبة وسفرتهم ، مبلغ عشرة دنانير من العين الرايجة بحيث
يكون المجموع فى السنة خمسمائة دنانير واربعين دينارا من العين
الرايجة . وبعد الفراغ يشتغلون بطلب استغفار المولى المتصدق الواقف ،
مدالله ظلاله وضاعف اقتداره وجلاله من حضرت رب العباد ! ملحين
فى الدعاء .

وايضاً ان يصرف كل ليلة جمعة عشرة دنانير من النقد الرايج
فى وجه طعام المحفاظ الذين يتلون من كتاب الله السور الخمس : الفاتحة

والانعام والكهف والسبأ والفاطر ، وهى سورة مصدورة بحمد الله والثناء عليه ، ليكون دالة على ان الواقف المسعود طول الله عمره ! اقام بوظائف حمده وشكره ، مدة بقاءه ، وما نصر فى استاده (؟) بناء الخير وانشائه ، فيجتمعون كل ليلة جمعة فى القبة التى عينها لمدفنه بعد طول حيوته ،

بلغه الله غاية الاعداد ! ويشغلون بوظيفة التلاوة والمامورة بها ، ويشغلون له بعد القراء [ة الاستغفار] من غفار الذنوب والخطايا . فيكون المبلغ فى السنة خمسمائة دينار واربعين دينارا من العين الرايجة الموصوفة .

واما ما وقفه على مصالح البقعة المسماة بدار السيادة وعلى العلويين عموماً الساكنين فى مدينة يزد ، وعلى الموجودين عند صدور هذا الوقف وعلى من سيولد منهم ، سواء كانوا فقراء او اغنيا . ذكورا او اناثا ماتوا الدوا ، وعلى السادة الفاطميين خصوصا من الغرباء المجتازين فيها :

فجميع سبعمائة سهم وستة وخمسين سهماً وثلاثة اسهم من جملة ستة عشر الف سهم وسبعمائة وسبعين سهماً ، هى اصل كل واحد من القنوات الخمس الجاريات الواقعات فى حومة بلدة يزد المشهورات بتفت ونصيرى اللواتى مر ذكرها .

۱۵

وجميع الباغ مع القصر المبنى حلالى (؟) المعروف بباغ وكوشك ظهير شاهى ، الواقعين خارج البلدة المذكورة ، اعنى بلدة يزد ، بقربها فى الموضع المذكور المشهور بتفت ونصيرى ، بمكان يدعى كوچه آسيا ، ومن حدود الباغ مع استغنائه عن التحديد والتوصيف لغاية الاشتهار ونهاية الامتياز ، الباغ الاتى ذكرها المعروف بباغ دولاب .

۲۰

وجميع الباغ الموسوم بباغ دولاب المنسوب الى جمال الدين

حسین کائن خارج المدينة ايضاً في الموضع المشتهر بدسكرة دھوك،
ومن حدود هذا الباغ الاول المذكور باغ ظهير شاهي .

وجميع الباغ المفرز عن الباغ المسمى عزّ آباد الواقع خارج
المدينة ايضاً بالموضع المذكور عند ذكر الباغ الاول المعروف بدسكرة
تفت ونصيرى ، ومن حدود هذا الباغ المفرز المدعو عزّ آباد المذكور .
وجميع نصف وسدس كامل وثلاث شعيرات على الاشاعة في جماعة
قناة مدعوة برئيس الديني المذكورة من قبل .

وجميع مائة سهم شايعة في جماعة سبعة آلاف سهم وخمسمائة و
ثلاثة وعشرين سهماً هي سهام القرية المدعوة بفهرج التي مر ذكرها .

وجميع النصف التام الشايع من قرية فراشا ومن العين ... منبعها
صحراء قرية فراشا ، المذكور مجراها خلال قنوات تفت ونصيرى .

وجميع مائتي سهم وثمانية وخمسين سهماً وثمان سهم من جملة
عشرة آلاف سهم وستمائة وستين سهماً ، هي اصل سهام قناة مدوير اباد
من قرى رستاق يزد .

وجميع خمسة اسهم وثلاث سهم من اصل ثلثين سهماً هي سهام
القناة مدعوة باردكان ، الواقعة بالقرية المذكورة المعروفة بالحصة
الصاحبية ، معما يتبعها من سهام القنوات والباغات والاراضي والاشجار
والحصص المنسوبة اليها عامرة وغامرة .

وجميع النصف الكامل الشايع في جميع الرحي المعروفة
بمرسابي الدائرة على ماء قنوات تفت ونصيرى ، الواقعة خارج البلدة
المذكورة في الموضع المشتهر باهرستان .

وجميع النصف الكامل في جملة الرحي الواقعة ايضاً خارج البلدة

المذكورة ، في الموضع المشتهر باهرستان الدائرة على ماء القنوات المذكورة ، وهي من قديم الايام معروفة بآسيای نو .

وجميع سهمين اثنين مفروزين من جملة تسعة اسهم ، هي جماعة القرية المدعوة بنصر آباد من ناحية قهستان ، وهي احدى نواحي المدينة المذكورة ، والسهمان المفروزان المذكوران المشتملين على ٥ تسع قطع :

الاولى قطعة ارض بيضاء ساذجة معينة مشهورة بكراسان ، بسطها قفيزان ودستان ونصف بالمساحة المعينة .

الثانية قطعة ارض معروفة بحصة درك ، بسطها قفيزان واحد .

والثالثة قطعة ارض معروفة بدر ، بسطها قفيز واحد و اربع دستون ١٠

والرابع قطعة ارض مسماة بپشت باغ ، بسطها ثلاثة ودستان .

والخامسة قطعة ارض واقعة في صحرائها ايضاً مشهورة بپشت باغ ، بسطها اربع دستون .

والسادسة قطعة ارض واقعة في صحراء القرية المذكورة مشهورة

بسر كوى ، بسطها ثلاثة اقفزة . ١٥

والسابعة قطعة معروفة بنهر باغ ، بسطها ثلاثة اقفزة .

والثامنة قطعة ارض يسمى ارض ويعرف بباغ ملين ، بسطها قفيزان

اثنان .

والتاسعة وهي اخرها قطعة مشهورة بشوبوك بازاسان ، بسطها

قفيزان وخمسة دستون ، باجمع التوابع واللواحق والمراسم والمرافق ٢٠

من مجارى مياه الباغات وحيطانها وجدرائها وكرومها واشجارها المثمرة والعامرة ، والاراضى العامرة والغامرة ، وحق شرب مياهها من ماء القنوات

المنسوبة اليها، من ابنية الرحيات وهويها (؟) وآلاتها الحجرية والخشبية والحديدية .

وشرط في تلك الجهة ان يبتدى المتولى بعمارة رقبة الموقوفات المذكورات بحسب مايتوقف كمال الاستمتاع والاستغلال عليه ، بعمارة البقعة الشريفة المسماة بدارالسّيادة الشمسيّة ، ثمّ يصرف الباقي من محصولات الموقوفات على هذا التفصيل :

اما عموما على العلويين والساكنين ببلدة يزد ولاياتها :

فيصرف اليهم ويقسم على عدد رؤسهم ذكورا واناثا اغنياء وفقراء بلغاء و دونهم ، كل سنة مبلغ الف دينار و ماتى دينار واحد عشر دينارا من العين الرايجة المنعوتة ، منها ثمانمائة دينار من الادرار، والباقي من حاصل الاملاك ، ومبلغ خمسة الاف منّ من الغلة المذكورة بالمناصفة. ۱۰

فيصرف منها الى [من] ينتسب الى الواقف... سلطان السادة والنقباء في زمانه قوام الملة والدين محمد بن مولى المعظم المغفور المرتضى الاعظم المبرور ملك ملوك النقباء والقضاة في زمانه ركن الملة والدين محمد بن المولى السعيد المرتضى الشهيد قوام الملة والدين المهسي (؟) الحسينى ، تغمدهم الله بغفرانه! انتساب البنوة سهمين اثنين، لامزية في افرادهم، والى من ينتسب الى غيرهما من العلويين منهما واحدا ، هكذا يقسم عليهم ابدا دايما مخلدا .

واما خصوصا على السادة الفاطميين من الغرباء والمجتازين النازلين فيها ، وعلى الواردين السى محروسة يزد من الفاطميين المذكورين :

فيصرف الى كل من ينزل منهم بالبقعة الشريفة الشمسية ثلاثة

دنایر عیناً رایجة. وهذا حظ المرتحل يوم ترونه .

فمن اراد الاقامة ثلاثة ايام بموجب شرط الواقف، فيصرف اليه ثلاثة دنایر اخرى ، والفقير والغنى منهم متساويان في الاستحقاق ، ولا يزيد الاقامة على الايام الثلاثة . ويصرف الى النازل منهم ببلدة يزورون البقعة الشريفة ثلاثة دنایر بشرط فقره واستحقاقه .

واما في وجه الضيافة في يوم ميلاد النبي ، صلوات الله عليه ! ويوم عاشورا مقتل مولانا الامام المعصوم الشهيد الزكي الحسين بن علي ، عليهما السلام والتحية ! فيصرف في وجه سفره يوم الميلاد، ومصالحة مابلغ خمسة وسبعين ديناراً من النقد الرايج .

واما في وجه وظيفة الواعظ المتورّع المجتنب عن التعصب والغلو ، الذي يعظ في هذين اليومين في البقعة الشريفة الشمسية المذكورة، فمبلغ ثلاثين دينارا من العين الرايجة .

واما في وجه مصالح الفرش من الزلالي والحصير والبوريا وغيرها في تلك البقعة فيصرف كل سنة مائة دينار رايج .

واما في وجه مصالح السرج والقناديل وادهانها وسائر مصالحها ، فيصرف كل سنة خمسين دينار رايجاً

واما في وجه وظيفة البواب والخادم والفراش، فيصرف الى البواب الامين المتدين المتعفف الملازم على باب دار السيادة الشريفة ليلا ونهارا، كل سنة مبلغ ثلثمائة منّ وستين منّا من الغلة بالمنافسة ، والى

الحادم الملازم وهو الاعز سيف الدين مغلتاي بن عبدالله عتيق والد الواقف ، طاب ثراه ! وبعده لابنائه ولابناء ابنائه المتصفين بالعفة والصلاح والتقوى كل سنة سبعمائة منّ وعشرين منّا من الغلة الموصوفة . والى الفراش

المشتغل بوظائف الفرائشین و مراسمهم کل سنة سبعمائة من وعشرين
منا من الغلة الموصوفة المنعوتة.

و اما فی وجه تجهیز خمسة افقر من البنات العلویات الفقیرات
الخالیات عن البعول والازواج، کل سنة فمبلغ ثلثمائة دینار و خمسة و
سبعین دینارا من النقد الراجح، لكل واحدة خمسة و سبعین دینارا من
العين الراجحة .

و اما فی وجه اولاد عمیه المولى المرتضى الاعظم المعصوم
زین العابدین الثانی قطب الحق والدين علی، والمولى السيد المرتضى الشهيد
المغفور عز الملة والدين شرفشاه، دام ظلہ الباقی، و بر دمضجعه! ذکورهم
واناثهم بطنا بعد بطن کل سنة: فمبلغ خمسمائة دینارا من النقد الراجح، و
مبلغ ثلاثة آلاف من الغلة الموصوفة یقسم بينهم بالسوية بلا مزیة
من الذکور والاناث، ویدفع اليهم ماتوا الدوا و تناسلوا . وان انقطع نسل
احدهما فنصيب النسل المتقطع یكون مصروفاً علی مصالح دارالسیادة
الشمسية المذكورة .

و شرط المولى الواقف، حرسه الله بعینه التی لاینام فی جمیع
الاحوال، و صرف عن ساحته الشریفه عين الکمال ! ان یصرف فی وجه
الملبوسات للفقراء العلویین و مساکنهم، و غیرهم من المستحقین بالبلدة
المذكورة، کل مبلغ سنة ستمائة دینارا من النقد الراجح، منها فی الشتاء
اربعمائة دینار، یرتب کل واحد منهم ثوبا واحد امن الصوف او الوبر علی
حسب اعدادهم ورؤسهم بالغه ما بلغ، و منها فی الصيف ماتی دینارا من
النقد الراجح، یرتب لكل واحد منهم قمیصا و سرا و الامن الکرباس النقی
حسب اعداد الرؤس، و یدفع هذه الملبوسات صیفا و شتاء افی البقعة

الشريفة المذكورة ولا يعطيم خارجها ابدا .

وقد اضاف المولى الاعظم الواقف خلد الله ايامه و قرن بالصلاح
شهوده واعوامه! الى موقوفات دارالسيادة الشمسية المذكورة، والعلويين
والفاطميين وغيرهم، مبلغ الفى دينار و ثمانية عشر دينارا و ثلث و ربع
دينارا من النقد الرايغ المجرى باسمه المبارك على سبيل المعيشة فى ٥
دارالبيع بمدينة يزد ، و اقران جميع المبلغين، و هو ثلاثة الاف دينار و
ثمانية عشر دينارا و ثلث و ربع دينار من النقد الرايغ المجرى باسمه
الشريف. وقف على مصالح دارالسيادة وعلى العلويين والسادة الفاطميين
وغيرهم ولهم حق الاستيفاء فى ذلك كل سنة لا تبطله الايام ولا يغيره
العملة والحكام .

١٠

و شرط ان يصرف الادار المذكور فيه الى عتقائه المذكورين فى
كتاب براسه من الاتراك والمغوليين على اختلاف اصنافهم . وعلى اولادهم
الموجودين وعلى من سيولد منهم المذكور والاث ، ماتوا و و تناسلوا
نسلاً بعد نسل ، كل سنة مبلغ ثلثمائة دينار من العين الرايجة ، ويشترى
المتولى من هذه الادرار فى كل سنة مبلغ ثلاثة الاف من الغلة باى ١٥
قيمة بلغت ، و يضاف الى المبلغ المذكور فيه ، ويعطيهم كل سنة مرتين
شرطاً مؤكداً بالتوكيدات المعتبرات .

و شرط ايضاً لازالت او امره مقرونة بالطاعة، وجنايه ملجأ لاهل
السنة والجماعة ! ان يحضر المتولى والناظر والمشرف المعينون لتلك
الجهة كل سنة مرتين ، و ينقمون مشفقين عن محصولات الموقوفات ٢٠
والادارات ، و يتحققونها و يقسمونها على المصارف المنصوصة، و يكتبون
البروات على حسب الحاجات و يعلمونها بالعلامات ، ولا يختلون على

جهاتها ، قبل ادراك المحصولات ، لانه لارخصة لهم في ذلك اصلا . وان
انهدمت البقعة المباركة ، لازالت معمورة عوداً بالله تعالى ! بحيث لا
يقبل العمارة ، مما هو وقف على السادة الفاطميين الواردين اليها و على
مصالح الضيافيين والواعظ والخدام والفراش والبواب ، يكون مصروفافي
مصالح المواضع التي انشاها الواقف ، عز نصره ! في جوارها من المدرسة
والخانقاه و ساير البقاع المبررات الواقعات ببلدة يزد ، و الى مصالح
سائر بقاعه التي انشاها بعامه البلاد ، يقدم بقاع بلدة يزد على غيرها ،
ثم الرباط المسمى بنهنگند ، ثم غير هما من بقاع خيراته ، وح يكون
مصالح تلك البقاع مقدمة على غير هما ، ثم العلويون المتوطنون بالبلدة
المذكورة ، ثم الفقراء والمساكين ببلدة يزد . ثم فقراء و مساكين
المسلمين ، وح يكون نصيب الاشراف العلويين الساكنين بمدينة يزد و
ولاياتها باقية ، وقفا عليهم لا ينقطع ، لعدم انقطاعهم من الدهور كثر الله
شريف نفسهم و زين الاسلام والمسلمين باجتماعهم !

و قد عين المولى الواقف مد عصره في كتاب الوقفيات الصادرات
عن حضرته لازالت عليه قبل هذا التاريخ من موقوفات الخانقاه المنسوبة
الى انشائه لاولاد عميه السادة والاشراف و عتقائه ، المبلغ المنصوص
عليه من النقد والغلة ، واقتضى رايه العالي ان يحول حظ اولاد عميه ،
من الخانقاه الى دار السيادة هذه وضعا للمشيء موضوعه ، ويبدل نصيب العتقاء
الغير المشروط في متن الوقفية الى ههنا ايضاً شفقة عليهم .

واما ما وقفه على الجامع الذي بناه بجنب الجامع العتيق الواقع
داخل بلدة يزد في وسط سوق الكبير ، وانشاء مقابل الخان المشهود
بكاروانسرای ايازى ، الذي اشتهر به اشتها الشمس ، وعلى مصالحه ومصارف

عمارته و معاش عملته حسبما فصلناها من بعده :

فجميع الباغ التام الكامل المعروف بباغ زاهدى و اسفهلارى
الواقع بد سكرة ماء قناة شور ، من حومة البلدة يزى ، وكان هذا الباغ
قديماً باغين اثنين ، والان صار باغا واحدا واقعاً بصحراء بلدة يزى بقرب
الدرب الجديد محدود ابسور البلدة وبالطريق من الجانبين .

و جميع الباغ الواقع بد سكرة تفت و نصيرى ، بصحراء البلدة
المذكورة بقرب الخان المعروف بخان سكة مشهور بباغ بدر الدينى
محدود بباغ سد كبر الكرو البديع والطريق من الجانبين .
و جميع السدس التام الشايح من الرحى المعروف بآسيامباركة
بقرب باغ امير سام ، وهى دائرة على ماء قناة تفت و نصيرى بموضع ١٠
اهرستان ، مستغنية عن التحديد .

و جميع الثمن التام الشايح من جميع الرحى الواقعة بباغ امير
سامى ، بجانب الرحى المدعو باستاشاشاذ ، الدائرة على ماء قناة تفت و
نصيرى ، ايضاً مستغنية عن التحديد والتوصيف .

و جميع ثلثمائة جرة من اصل سبعة عشر الف سهم وستمائة و ١٥
اربعين سهماً ، هى اصل سهام و جرات قناة دهوك ، الواقعة بحومة بلدة
مع نصيبها من يزدا باد ، هى مستغنية عن التحديد .

و جميع النصف التام الشايح من العين المشهور بطامهر .
و جميع القناة المدعوه بقناة عضد آباد ، التى منبعها صحراء قرية
تفت الجارية خلال قنوات تفت و نصيرى .

٢٠

و جميع مائة جرة و ثلثين جرة من اصل ٠٠٠ هى اصل جرات
قنا ، ابر و مباركة ، الواقعة بحومة البلدة المستغنية عن التحديد .

واضاف الى تلك الموقوفات مبلغ مائتي ديناراً رايحاً ادراراً مجرى باسمه المبارك، على الاموال الديوانية ببلدة يزد، المثبت في الموامرات والدااتير الديوانية .

و شرط ان يصرف المتولى من محصولات تلك الموقوفات كل سنة الى مصالح هذا المسجد الشريف بهذا التفصيل:

اما الى امام قام بالاوقات الخمس في الصلوة، سبعمائة من وعشرين منّا من الغلة مناصفة بوزن يزد ،

والى خطيب يخطب في الجمعات وقام الناس بها، الف من الغلة والى فراش يقوم بوظائف الفراشين سبعمائة من وعشرين منّا من الغلة والى بواب يلزم بابه سبعمائة من وعشرين منّا من الغلة .

والى عشرين نفر امن الحفاظ الذين يجتمعون يوم الجمعة قبل الصلوة و يقومون بوظيفة التلاوة الى ان صعد الخطيب المنبر ، مائة دينار وستين ديناراً رايحاً، الى كل واحد ثمانية دنانير .

والى واعظ يعظ الناس على مقتضى تفسير كلام الله و احاديث رسول [الله] ، صلوات الله عليه؛ سبعمائة من وعشرين منّا من الغلة ،

والى مؤذن يؤذن في الاوقات الخمس في الجامع و يواظب على التاذين سبعمائة من وعشرين منّا من الغلة ،

والى مقرى يقوم بوظائف المقرين قدام الواعظ ثلاثمائة من وستين منّا من الغلة .

واما الى ثمن الفرش والبوريا والحصير، فكل سنة مائة دينار رايح،

والى عمارة المسجد التي يحتاج المسجد اليها من تطيين كل سنة السطح و رم المسترم ، مائة دينار رايح ، والى وجه اطعام الحاضرين في ليلة

البراة النصف من شعبان خمسين دينارا رايجا، و في ليلة الرغائب ثلثين دينارا رايجا مذكورا ،

والى وجه ثمن البزر والشمع خمسين دينارا .

والى وجه ثمن الحلاوة فى لىالى الرمضانات و ليلة القدر ستين

دينارا رايجا .

۵

و يصرف المتولى كل سنة هذه المبالغ فى المصارف المذكورة

بلا تعلل و تأخير و مطل و تسويق .

وقف هذه الاملاك والادار على المسجد المذكور وقفاً صحيحاً،

شرعياً وبعد خرابها والياس عن اعادة عمارتها على ابواب الخير التى بناها

وانشأها بظاهر بلدة يزد ، و براس سكة هروك و اهرستان. ثم على ساير

بقاع خيراته ، ثم على الفقراء والمساكين ببلدة يزد ، و على الفقراء

والمساكين من المسلمين الى ان يرث الله الارض و من عليها و هو خير

الوارثين .

و شرط ان يكون المتولى لامور هذه الجهة والامام والخطيب بها

الامام المعظم، الحبر الهمام المكرم، ملك الائمة والفضلاء، حاوى الكمالات

۱۵

والفضائل، عفيف الملة والدين، محمد بن الشيخ الامام الربانى المتقى

الصمدانى، اوحد زمانه و نادرة اوانه، تقى الملة والدين محمد بن ابى بكر بن

يعقوب، ادام الله ميامن ايامه الشريفة! وبعده ذكورا واولاده المستعدين لهذا

المناصب المذكورة المشروعة، ثم ذكورا واولاد اولاده، ماتوا الدوا و تناسلوا

نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب . ولا يتعرض احد من المشرف والناظر

۲۰

و غيرهم من العمال عليه مدة حيوته . و يتصرف هو فى تلك الموقوفات

المذكورات ، و يصرف محصولاتها بموجب الشروط المنصوصة عليه . و

اذا انتهى استحقاق التولية والخطابة والامامة الى ذكور اولاده ، فيكون
الاشراف في تلك الجهة لابناء الواقف ، المولى الاعظم المخدوم الاعدل ،
اعلى الله شأنه ، واعز انصاره واعوانه ، وكثر نسله ! ثم لبنيها الخاتون المعظمة
المبجلة المكرمة ، نتيجة السعادات فاتحة الخيرات ، سلسة الزهراء قرّة
عين المصطفى والمرضى ، زبدة مخدرات الانام . خلاصة الشهور والاعوام ،
عصمة الدين صفوة الاسلام الارسلان نسب خاتون ، خلدها الله في خدر
العصمة والجلالة ، و زينها بشرف النبوة والرسالة ! ثم لذكور ابنائها ما
توالدوا . ثم بعد انقراضهم ، والعياذ بالله ! لمن يكون متوليا في ابواب
الخير المشتملة على البقاع الخمس الواقعة بظاهر بلدة يرد ، حماها الله
تعالى ! براس سكة بهروك واهرستان هذا حوت (؟) انتهت التولية والخطابة
والامامة الى ذكور اولاد هذا الامام المكرم والحبر الهمام المفخم ، ادام الله
فضائله ! فان لم يكن له ابناء ولا ابناء ابناء ، او يكونوا ولم تستحقوا
لهذه المناصب الشريفة ، لعدم استعدادهم ، فيكون هذه المناصب في تلك
الجهة ، لمتولى ابواب الخير التي بناها و انشأها المولى الواقف المخدوم
الاعظم الاعلم الاعدل ، اعز الله انصاره وضاعف اقتداره ! المشتملة على البقاع
الواقعة بظاهر بلدة يزد براس سكة بهروك واهرستان المذكورة مرارا ،
والاشراف والنظارة امن كان له هذين النصيبين فيها ، حسب ما تقردها
في فضل التولية والاشراف والنظارة بدون الزيادة والنقصان .

واما ما وقفه على المسجد الواقع محاذى ابواب الخير ، الذى اشار
الى المولى الاعظم المخدوم الاعدل الواقف المتصدق ، ضاعف الله جلاله ! الى
تجديد عمارته و ترسيس مرمرته من خالص ماله و رهطه و رجاله :

فجميع مائة سهم و ثلاثة و اربعين سهما من جملة سبعة عشر سهما

و ستمائة سهم و ثلثة و اربعين سهما ، هي اصل سهام قنائة مدعوة بدهوك من من قنى البلدة مع نصيبها من قنائة يزدا باد .

و جميع ستة و اربعين سهما ، من جملة عشر الف سهم و اربعين سهما ، هي اصل سهام قنائة خليلي و هي من قنى الحومة فى البلدة .

- و قد شرط المولى الواقف الاعظم ، مدالله تعالى ظلال جلاله ! ان ٥ يرتب المتولى لهذا الامر من محصولات هذه الموقوفات اماماً متورعاً مواظباً على الصلوة الخمس المفروضة والنوافل المندوبة فى المسجد المشار اليه ، و يدفع اليه كل سنة احد عشر دينارا و نصف دينار من العين الرايجة و سبعين مثمن الغلة بالمناصفة ، و يصرف فى مصالح السرج فى الليالى ، مبلغ عشرة دنانير عيناً رايجة ، و من جملة موقوفات هذا المسجد جميع عشرة ١٠ اسهم و سدس سهم من جملة عشرة الف سهم و تسعمائة وستة و ثمانين سهما ، هي اصل سهام قنائة نرسوباد .

- واما ما وقفه على الغرفة التى جعلها لوجه الله مسجداً ، و استحدثها فى داخل المسجد الجامع بمدينة يزدا ، حماها الله تعالى : حذاء الصفة العالية المتصلة بالمقصورة ، التى يخطب فيها الخطيب ايام الجمععات ، و ١٥ يقيم فيها الصلوات :

فجميع الحانوت الواقعة فى السوق الكبير بيزدا ، محدود الى حانوت للصاحب الاعلى جلال الوزراء ، كهف الحاج والحرمين ، كمال الدولة والدين ، ابي المعالى ، دام معظما ! والى دار لجنب النعال ، بحذاء المسجد و بحذاء لطريق .

و جميع الحانوتين المتصلين واحد بالآخر الواقعين فى موضع يدعى بباب درب مهر يجرد ، بحد حانوت بيد بهاء الدين محمد المبارز ،

و بحد رباط المنسوب بالقاضی بNDAR ، و بحد الشارع والمدخل منه .
و جمیع حق العمارة المستحدثة عن عمارة الحانوت الذی موضعه
فی السوق المشار الیه ، حد الحانوت المحدود بحد حانوت یتعلق بالمدرسة
الشمسية والخانقاه .

۵ و شرط المولی الواقف ، زید قدره ! ان یرف المتولی ما یرحصل
من الموقوفات الثلاثة الی الحفاظ الذین یتلون کتاب الله ، فی الغرفة
المذكورة المشار الیه ، ايام الجمعات من ضحوتها الی اوان الخطبة و
زمان الصلوة ، و بعد الخاتمة یدکرونه بالفاتحة لدوام عمره و دولته .
فالقسمة بین الحفاظ منوطة برای المتولی ، و هو المتصدی لهذا الامر كما
یرى المصلحة . ۱۰

واماما وقفه علی الرباط الواقع فی قرية مجومرد ، الذی استحدثه
المولی الاعظم ، خلد الله ظلاله ، و شید قواعد معدلته و جلاله ، و زاد فی
معارج الکمال درجاته :

فجمیع خمسة و عشرين سهما من سهام قناة مدعوة باسفنجر من
۱۵ الاصل المذكور من قبل ذلك المسطور المحرر .

و جمیع قطعة ارض واقعة فی القرية المذكورة بموضع فرربه ،
بسطها قفیزان و کفان و نصف .

و جمیع خمسة و اربعین سهما و خمسة اسداس سهم و نصف و
سدس سهم ، الذی تعبر عن کل سهم بجرة واحدة ، من اصل سهام و
۲۰ جرات قنات القرية المذكورة المدعوة مجومرد ، من قرى بلدة یزد ،
حماها الله تعالی ! بجمیع توابعها ولو احقها .

و قد شرط المولی الاعظم الواقف المتصدق ، یتم الله تعالی میا من

ايامه الشريفة ! ان يبتدى المتولى لهذا الامر مما يحصل من موقوفاتها و محصولاتها: اولا ما يحتاج اليه من العمارة والمرمة التي يؤول الى ابقائها و محافظة فوائدها ، ثم ما فضل منها يدفع الى شخص امين متعفف صالح ساع في محافظة ابوابها وانفتاحها و انغلاقها والسقى والكنس والكسح و غير ذلك مما هو في وظيفة البوابين. والله الموفق والمعين .

و اما ما وقفه على الرباط الواقع فى قرية عقدا ، الذى هو من منشاته للصادرين والواردين والمسافرين والمجتازين ، فشرط المولى الاعظم الواقف المتصدق المشار اليه ، تقبل الله من حسناته ! ان يكون عمارتها مثال ما هو موقوف على الخانقاه ، التى بناها و انشاها المولى الاعظم الواقف ، زيد قدره ! فى تلك القرية المذكورة ، حسب المسطور ١٠ والمشروح والمذكور فى كتاب الوقفية ، بوجه مشروع ، جعلها الله تعالى سبباً لدوام دولته ! والله الموفق والمستعان .

و اما ما وقفه على الرباط الواقع فى نه گنبد و على رباط نيستانه والاملاك والاشقاص المفصلة بعده ، قد امر المخدم المولى الاعظم الواقف زاد الله قدره ! ببناء هذين الرباطين و انشائهما من خالص ماله ، ويخص ١٥ ذات يده على ايدى الزعماء من رجاله ورهطه ، فالاول واقع فى مفازة كانت خالية عن عمارات وعلامات الانشآت ، والان صارت معمورة بيمين دولة المولى المخدم الاعظم الواقف ، ضاعف الله جلاله ! و اشتهرت تلك المفازة ببيا بان نه گنبد الواقعة فيما بين بلدتى يزد وكاشان . ثم لما لم يوجد فى تلك الصحراء ما بعدت (؟) للسائرين من الماء ، تصدى لاشتراء مزرعة ٢٠ مسماة باهر كان مع قنواتها . و هى من مزارع قصبة نائين واقعة فوق الرباط المذكور بمقدار فرسخين . و احدث فيها بينهما نهر ، فاجرى الماء

فيه لسال احرا بطران(?)، ينتفع ببعض ذلك الماء الصادر والوارد من الانام،
و ينتفع سكانها في تلك المرعة شرباً لزراعاتهم ، و سقيا لخراباتهم .
والاخرى واقع في صحراء نيسطانه من صحارى مدينة نائين .

و وقف المولى الاعظم الواقف المتصدق ، خلد الله دولته ! هذين
٥ الرباطين المذكورين الموصوفين على كل صادر و وارد ، و على كل
مارٍ و عابر ، الى ان يرث الله الارض و من عليها ، و هو خير الوارثين .
و وقف على الرباطين المذكورين :

جميع المزرعة المذكورة المسماة اركان مع قنواتها و ما يتعلق
بها من الابار والانهار والسواقي والجداول و غير ذلك .

١٠ و جميع الف سهم و اربعة و عشرين سهماً و نصف و سدس سهم
من جملة اثني عشر الف سهم و سبعمائة و اربعين سهماً ، فى اصل سهام
قناه مدعوة باميرى ، الواقعة فى حومة يزد ، منبعها صحراء مهر يجرد ،
كل سهم معروف بجرة واحدة .

و جميع مائة سهم من اصل سهام قناه معروف ببيعقوبى . و هذه
١٥ القناة من حومة البلدة المذكورة، مشتملة على اربعة عشر الف سهم و
اربعين سهماً .

و جميع مائة سهم من اصل سهام مدعوة ببادين الجديدة، و ذامشتمل
على ستة عشر الف سهم و خمسمائة و عشرة اسهم ، و هى واقعة فى حومة
البلدة المذكورة ،

٢٠ و جمع ثلثين سهماً شايعاً فى جملة اربعة الاف و ستمائة سهم و تسعة
و تسعين سهماً ، هى اصل سهام قناة مدعو بوررحان ، فى قنواة مدينة نائين ،
كل سهم معروف بسرقة واحدة ، والسرقة عبارة مقدار معلوم عند

الارباب والملاك .

و جميع نصف تام شايع في جماعة القرية المسماة بشمس اباد
وهي من مستحدثات المولى الاعظم المخدوم الاعدل الواقف ، اعلى الله
شانه ، و اعز انصاره و اعوانه ! الواقعة بقرب الرباط مع مضافاتها و
توابعها و لواحقها .

٥

و اشهد المولى الاعظم المخدوم الاعدل الواقف ، ضاعف الله جلاله!
واقرو واعترف بان ثلثمائة دينار و ستين دينارا ، من العين الرايجة
الجديدة الجارية المنعوتة قبل ذلك مراراً ، الذى يقرر على سبيل الادرار
باسمه الشريف المبارك ، من متوجهاً بلدة يزد ، حماها الله تعالى ! و
مبلغ خمسمائة دينار ، من جملة الادرار الذى قد اثبت فى ديوان نائين
ايضا باسمه الشريف ؛ حق لمن يستحق هذه الموقوفات و من منافعها ،
و هما مختصان بارباب الاستحقاق ، كما يشرحه بعد ذلك .

و شرط المولى الاعظم الاعدل الواقف المتصدق ، مد الله تعالى
بين المسلمين ظلاله ! ان :

- ١٥ يصرف المتولى لهذا الامر اولاما يحصل من الموقوفات الى عمارات
رقباتها، ثم الى عمارة الرباطين . فان احتياج كلاهما الى المرممة والعمارة،
و لم يكف المحصول الا باحديهما؛ قدم الرباط المسمى بصحراء نه گنبد،
ثم الرباع الاخر . و ان خربت الاول ، لازالت معمورة ! فيعاد، الا اذا لم
يمكن اعادته لمانع من الموانع؛ فحينئذ، يصرف الى ما سذكروه فى
مصالح هذا الرباط من السنقره (؟) ، وغيرها فى الرباط المبنى بنيستانه .

٢٠

و يصرف فى الرباط المبنى بصحراء نه گنبد كل يوم خمسة عشر
مئاً من الغلة الحاصلة [من] الموقوفات من الحنطة والجاورس، وستة دراهم

سلطانية طلغمية للادام ، و ما يحتاج اليه المسافرين والمحتاجون ،
 ويعطى لمن . يرتب هذا الامر كل سنة سبعمائة من وعشرين مئان الغلة
 المتصفة (؟) ويواظب على خدمة المسافرين والصادرين والواردين ، ويعطى
 الادرار المثبت فى ديوان مدينة يزد ، و مبلغه ثلثمائة دينار وستون ديناراً
 من العين الراجحة المنعوتة ، لعشرة انفس مقيمين فى رباط نه گنبد ، راصدين
 للطريق ، و محافظين لذوى العبور فى تلك المفازة المذكورة المعروفة
 ۵ بنه گنبد .

و اما ما وقفه على الرباط الواقع فى قرية ابرند آباد ،
 و هى الرباط الواقع فى ظاهر قرية ابرند آباد المذكور ، فى موضع چاه
 ۱۰ كرك ، وكانت من مستحدثات الصدر السعيد تاج الدين محمود بن الكمال ،
 و بعد استقرارها فى حومة ملكية المولى المخدم الاعظم الواقف ،
 مد الله عصره ! بالمبايعة والمعاقدة الدينية ، وقفها و وقف الاملاك الاتية
 على عماراتها :

فجميع خمسة و ثلثين سهماً شايعاً ، فى جملة اثنى عشر الف سهم
 ۱۵ و ثلثمائة و عشرين سهماً ، هى اصل سهام قرية راح من قرياتها ، والسهام
 المذكورة فى كلها عبارة عن جرات ؛

و جميع خمسين سهماً شايعاً ، فى جماعة عشرة آلاف سهم وتسعمائة
 سهم و عشرين سهماً ، هى اصل سهام قناة جاره من قرى البلدة المذكورة ؛
 وجميع احد و عشرين سهماً ، هى اصل سهام قناة قرية چهارديه ،
 ۲۰ من قرى البلدة المذكورة ؛

و جميع الباغ الواقع فى قرية مدوير آباد ، من قرياتها ، و ذلك
 مشهور بباغ بحه الشحور ، و بذلك الاسم مستغنية عن التحديد والتوصيف

لغاية الشهرة و نهاية المعرفة .

و شرط المولى الاعظم الواقف ، مد الله تعالى ظلاله ! ان يبتدى المتولى لهذا الامر من الموقوفات ، بعمارته و مصالحها من ابقاء الرقبة و موقوفاتها و استبقائها ، ثم ما فضل منها يدفع الى رجل صالح يواظب على محافظة ابوابها و انفتاحها انغلاقها و على السقى و الكسح و الكنى ،
و غير ذلك مما هو وظيفته . والله الموفق .

و اما ما وقفه على الخانقاه الواقعة فى قرية خرانق و هى قرية من قرى بلدة يزد ، حماها الله تعالى ! واقعة على طريق خراسان مستغنية عن التحديد :

- ١٠ فجميع ثمانية اسهم مفرزه معينة ، من جملة ثمانين سهما ، هى اصل سهام قرية خرانق المذكورة ، الواقعة فيها الخانقاة الموقوف عليها احدى قرى بلدة يزد ، ثلثة اسهم منها معروفة بكمال الدينى ، و اربعة اسهم و نصف سهم معروفة بحصة ظهير شاهى ، و نصف سهم الباقي الى تمام السهام الثمانية المعروفة بحصة ابى جعفر بهران . و هذه الاسهم قد استغنت بما ذكرنا من النسب عن التعريفات و التوضيحات ، مع ما يتبع السهام الثمانية
١٥ من الاراضى و الباغات ، و يضاف اليها من البساتين و الاشجار و الاغراس الثابتة فى الاراضى و الاطراف و حافات الانهار ، و ما ينسب اليها من المساكن و الاماكن و الاصاب ، و من جملة توابع هذه السهام الثمانية ، ثمانية اسهم من جملة ثمانين سهما ، هى اصل سهام قنات و ددران الفائض ماؤها على اراضى هذه القرية المذكورة . و ذلك انما هو عبارة عن روز شبان واحد من اصل
١٠ عشرة روز شبانات ينقسم عليه مياه اصل هذه القناة ، لينظر الناظر فى امرها ، و يستغل المتولى لها المعاطى بمصالحها ، بما يمكنه من وجوه

الاستغلال ، فيبدأ اولاً بعمارة اصل هذه الحصة الموقوفة ، ويحرسها عن ان يسقط عن حد الانتفاع ، ثم يصرف من فوائدها ومنافعها ، لا طعام المسافرين النازلين فيها ، الصادرين والواردين اليها ، كل سنة مبلغ الف من واربعمائة من وستين مثلاً من الغلة حنطة وجاورسا بالمناصفة .

و يصرف بمصالح السرج والقناديل المشتعلة في الليالي ، كل سنة مائتي من من الغلة المذكورة ، و . . . مثابوزن چهارصد .

و عين خادماً أميناً يواظب على ايصال الاطعمة الى الفقراء والمساكين المجتازين . و اذا اقام بهذا الامر ، فله من محصولاتها كل سنة مبلغ ثلثمائة من وستين [مثلاً] من النوعين المذكورين ، حنطة وجاورسا بالمناصفة . لا يزال ذلك كذلك ، ما دامت الخانقاه معمورة . فان خربت ، يعيدها المتولى لهذا الامر على ما كانت ، والمصارف المذكورة بحالها . و ان لم يمكن اعادتها ؛ كانت منافعها وفايدها مصروفة الى مصالح ابواب الخير ، التي بناها المولى المخدم الاعظم الواقف المتصدق الاعلى الا عدل الاعلام ، اعلى الله شأنه ! في بلدة يزد . و عند خرابها في الفقرا والمساكين و محاييج المسلمين .

و اما ما وقف على الخانقاه الواقعة في قرية عقدا ، و هي قرية معروفة مشهورة مستغنية عن التحديد والتوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة :

فجميع مائة سهم من اصل اثني عشر الف سهم و اربعمائة سهم و خمسة عشر سهماً ، هي جماعة القناة المعروفة بابر نداداد ، الواقعة في ناحية رستاق من نواحي البلدة المذكورة يزد ، و كل سهم من هذه السهام في مصطلح القوم معروف بطشت .

و جميع مائتى سهم و خمسين سهماً من اصل تسعة الاف سهم و سبعمائة و خمسين سهماً ، هى سهام القناة المعروفة بقناة قرية مجومرد ، من قرى الناحية . و هذه القناة المعروفة بكنهه .

و جميع ثلثمائة سهم من اصل عشرة الاف سهم ، و خمسمائة و ثلثين سهماً ، هى سهام قرية اسفنجرد ، المعروفة بالمحدثه فى قديم العهد ٥ و جميع مائة سهم و اربعة و خمسين سهماً ، و خمسة اسداس من سهام قناة حوررن اشكذر ، من قرى الناحية المذكورة ، ستون سهماً و نصف سهامنه و الباقي مستزادته .

و جميع مائة سهم و اربعة عشر سهماً من اصل عشرة الاف سهم و تسعمائة و خمسين سهماً . هى سهام القناة المعروفة بقناة قرية چهارديه . ١٠ و جميع خمسين سهماً من اصل عشرة الاف سهم ، و سبعمائة و تسعين سهماً ، هى اصل سهام قناة معروفه بملك اباد .

و جميع خميس سهماً من اصل عشرة الاف سهم و سبعمائه و تسعين سهماً ، هى اصل سهام قناة بندرآباد ، و كلتا القناتان الواقعتان بقرية بندرآباد من ناحية الرستاق . ١٥

و جميع احد و خمسين سهماً و نصف سهم من اصل الفى سهم و مائة سهم و اربعة و ثمانين سهماً ، هى سهام مياه قناة عز اباد . و هذه القناة من قنوات القرية .

و جميع اثنين و ثلثين سهماً و نصف سهم من اصل ثمانية آلاف و مائة سهم و اثنين و خمسين سهماً ، هى اصل سهام قناة شمس اباد ، من ٢٠ الناحية المذكورة . و كل سهم من هذه السهام يعرف فى مصطلح اهالى البلدة بسبو .

و جميع عشرين سهماً من اصل الف سهم واربعة و اربعين سهماً،
هى سهام قناة معروفة بكنشوية ، من قنوات ناحية ميبد ، من نواحي البلدة.
و كل سهم من هذه السهام يعرف بطسوج واحد .

و جميع ستة و ثلثين سهماً من اصل ثمانية الاف سهم و خمسمائة
سهم ، هى سهام قناة افرد باقى. و كل سهم منها معروف بطشت . ٥

و جميع عشرة اسهم من اصل الف سهم وتسعة اسهم و ثلث سهم ،
هى سهام قناة حارحا من ناحية ميبد . و كل سهم منها معروف بطسوج
و جميع ثمانية عشر سهماً من اصل اربعمائة و ثمانين سهماً ، هى
اصل سهام قناة قرية بدراباد من قرى ناحية ميبد .

و جميع الحصص المعلومه المعروفة بالمولى الواقف ، مدالله ظلاله!
حديثاً و قديماً ، منسوبة بالشيخ المولى السعيد تقى الدين دادا ، رحمه الله
عليه ! فى قرية اردكان من قرى ناحية ميبد ، هذه الحصص مشتملة على
ما يأتى ذكره بعد . ١٠

و جميع الباغ الواقع فى موضع مدعو بر ملوك ، من صحارى
اردكان و بسطه جريب و قمين بالمساحة القديمة ، و هو محدود بباغ ١٥
متسوب الى الامام السعيد نظام الدين على رئيسان ، و بباغ بيدالحاج ابي
بكر بن محمد الاردكاني ، و بباغ بيدالحاج عبدالصمد بن محمد بن احمد
و بالنهر و الطريق .

و جميع الخان الواقع فى صحراء اردكان ، و كان ايضاً فى طريق
قناة شيرين مع ما يتبعه من الاصطبل وغيره ، المحدود بارض فى تصرف ٢٠
يوسف بن محمد بن ابي القاسم ، و بارض فى تصرف احمد بن يوسف بن
ابى بكر ، و بارض موقوفة على الشارع .

و جميع قطعات اراض واقعات فى هذه القرية :

احديها : قطعة فى موضع يقال له بدروك ، بسطها سبعة اقفزة .

و ثانيها قطعة بموضع يقال له رسون ، بسطها ثمانية اقفزة .

و ثالثها قطعة فى موضع يدعى برئيسى ، بسطها اربعة اجربة .

و رابعها قطعة فى موضع معروف ، هو حردك ، بسطها اربعة

اقفزة

و خامستها قطعة فى موضع مدعو بسعوك ، بسطها ثلاثة اقفزة ،

و سادستها قطعة فى موضع مسمى برئيسى زير ، بسطها اربعة

اقفزة ،

و سابعها قطعة فى موضع معروف بسلم ، وكان قديماً مشتهدا ١٠

باراضى قناة شيرين ، بسطها اثنا عشر قفيزا .

و ثامنها قطعة بموضع تعرف بور بلوفر بسطها ثلاثة اقفزة .

و تاسعها بموضع اشتهر بسر آب قناة شيرين ، بسطها خمسة اقفزة .

و عاشرتها قطعة بمقبرة قناة شيرين ، وبسطها قفيزان ونصف قفيز ،

والحادية عشر قطعة فى موضع راه بسوانه ، مع البيت والاصطبل ١٥

المتصلين معها ، و بسطها ثلاثة اقفزة ،

والثانية عشر قطعة بموضع مهر روى ، بسطها خمسة اقفزة ،

والثالثة عشر قطعة فى موضع مقبرة قناة شيرين ، بسطها قفيزان

ونصف قفيز .

و جميع الاصطبل الواقع فى هذه القرية فى موضع يدعى وزديرك ٢٠

[و] جميع سهم واحد وربع سهم من اصل ثلثين سهما هى السهام القديمة

من املاك هذه القرية ، والسهم والرابع مشتملان على تسعين سهما من

قناتی القرية المسماة احديهما بملك آباد ، والاخرى بارحوك . و اصل
سهام كل واحدة من هاتين القناتين تسعة الاف سهم واثنان وسبعون سهماً
وجميع الباغ الواقع بصحراء اردكان المذكورة فى موضع طريق
ميميد ، بسطه ثلاثة اقفره ، وهو محدود بباغ تصرف فيه الحاج عبدالصمد
المذكور ، و بباغ الصدر فخر الدين احمد ، والطريق . ٥

و جميع الباغ الواقع فى موضع مدعو بيسوك من صحراء القرية
و هو محدود بباغ يوسف بن محمد بن القاسم ، و باغ فى تصرف محمود بن
يوسف ، و بالنهر و بالطريق .

و جميع قطعة ارض وقعت بمقبرة قناة شيرين ، بسطها اربعة اقفره
و جميع قطعة ارض واقعة فى هذه الصحراء بموضع يقال له ممدى
بسطها قفيزان . ١٠

و جميع قطعة ارض واقعة فى هذه الصحراء بطريق سورونه ،
بسطها ثلاثة اقفره .

و جميع قطعة ارض واقعة فى هذه الصحراء فى طريق افرد نامى ،
بسطها قفيز واحد . ١٥

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء بموضع رئيسى ، بسطها
قفيزان .

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء فى موضع ملكى ، بسطها
قفيزان اثنان .

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء واقعة بطريق كوه ، بسطها
ثلثة اقفره . ٢٠

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء فى مو عبد اللهى ، بسطها

ثلثة اقفرة .

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء فى موضع مدعو بسر آب
قناة شيرين . بسطها اربعة اقفرة .

و جميع قطعة من هذه الصحراء واقعة بموضع كوراروك، بسطها
قفير واحد .

و جميع قطعة ارض من هذه الصحراء واقعة فى موضع مدعو
بسوسوين ، بسطها خمسة اقفرة .

و جميع مائة سهم و خمسة اسهم و ثلثى سهم مستزادية من اصل
سهم مياه القناتين فى القرية المذكورة ، مع ما يتبعها من الحدود والحقوق
والمرافق والمسائل والمجارى والتوابع واللواحق والمضافات والابار ١٠
والانهار .

و اضاف الى الموقوفات المولى الاعظم الواقف ، زاد الله قدره !
مبلغ ثلثمائة دينار و دينار واحد و ثلثى دينار من النقد الرايج المنعوت،
الذى يقرر باسمه الشريف فى ديوان الاينجو الصاحبى بمدينة يزد، فى
مقابلة الحصص المختصة بالخواجه بهاء الدين صاحب الديوان ، فى قرية ١٥
عقدا ، فمائة دينار واحد و ستة و ستون ديناراً . و اما المقرر فى قرية
هفتادر فمائة دينار و خمسة و ثلثون دينارا ، من النقد المذكور . فمصرف
ذلك مصرف سائر الموقوفات ليقوم من اليه امر هذه الصدقه توليته ، و
يستغل من هذه الموقوفات بما يمكن له من وجوه الاستغلال المأذون فيها،
فيبدأ من حاصلها : اولاً بما فيه حفظ اصول الموقوفات ، و مما يوقف ٢٠
الارتفاع من ذلك عليه ، و ما يقرر به منافعها ويكثر بواسطته فوايدها .
ثم بعمارة رقبة البقعتين هاتين ، و اعادة ما انهدم منهما ، و تعويض ما

انكسر من حدود ههما. الى غير ذلك من امثاله.

وشرطان ينصب اماماً متورعا ديناً يؤم الناس في الخانقاه في الصلوات الخمس المفروضة والنوافل المندوبة ، و يوزن في الاوقات الخمسة . و يدفع اليه كل عام سبعمائة منّ و عشرين منّا من الغلة مناصفة حنطة و جاورسا .

و خادما متدينا يواظب على خدمة المسافرين النازلين بها، فيدفع اليه كل سنة خمسمائة منّ من الغلة مناصفة بالوزن المذكور حنطة و جاورسا .

و بواباً اميناً يفتح باب الخانقاه و يغلقه حسب المعهود، و يرتب التطبيقات للمسافرين النازلين فيها ، فيدفع اليه كل سنة سبعمائة منّ و عشرين منّا من الغلة حنطة و جاورسا .

وسقاء ايداوم على املاء الخاوية في باب الخانقاه ، ليشرب منها المجتازون الخانقاه المذكورة .

و يصرف كل يوم ديناراً و نصف دينار من النقدا الرايح مرارا ، و اثني عشر منّا من الغلة بالمناصفة ، الى اطعمة المسافرين النازلين في الخانقاه ، بشرط ان لا يزيد مدت اقامة المسافر النازل على ثلاثة ايام . فان زادت عليها، فعلى المتولى اخراجه ، الا ان يكون مريضاً، فحينئذ ينتظر برؤه .

و يصرف الى اثمان مايستضاء به في الخانقاه من دهن البزرو الشمع، و الى اثمان الحطب الذي يطبخ للمسافرين كل سنة مبلغ ستين ديناراً . و يصرف في كل ليلة من ليالي رمضان مبلغ خمسة دنانير رايحاً سوى المبلغ المعين قبل ، الى اطعمة المسافرين ، يضم الى ذلك و

يصرفها عليهم باطعامهم . فيكون المجموع في كل سنة مائة دينار و خمسين ديناراً عيناً رايجة .

و يصرف في العيدين لترتيب الحلاوة والاطعمة و غيرها، للنازلين في الخانقاة المذكورة ، كل سنة مبلغ خمسين ديناراً عيناً رايجة .

- و يصرف في ليلة الرغائب والبراة في اطعمة المجتعون في الخانقاه
٥ للصوتين ، ما يراه المصلحة و يسمح به الوقت ، و هو ثلثون ديناراً من العين الرايجة .

و شرط المولى الاعظم الواقف ، مدالله تعالى ظلاله ! ان يدفع المتولى لهذا الامر الى عتقائه و احراره الموجودين من الاتراك والمغول وغير ذلك، و بعدهم الى اولادهم، ثم الى اولاد اولادهم، ما توالدوا و تناسلوا نسلابعد
١٠ نسل و عقباً بعد عقب، ذكورا و اناثاً ، كما شرح في كتاب وقفيتهم، مبلغ ثلاثة الاف من من الغلة بالمنصفة من الحنطة والجاورس بوزن بلدة يزد، و بحسب الحصص والانصاء .

و يصرف الى عمارة الحمام الذى امر بنيانه المولى الاعظم الواقف في القرية المذكورة ، ما يحتاج اليه و يصير به معموراً محفوظاً عن الخراب .
١٥ لم يزل ذلك كذلك مادامت النقصان عامر بيان (؟) ، بحيث يختلف الناس . و ان خربنا في وقت من الاوقات ، اعيدنا . و ان لم يمكن عمارتها يقدم الرباط على الخانقاه . و ان لم يمكن الاعادة بحال، يكون ذلك مضافاً الى ما هو وقف على الابواب التى بناها فى ظاهر بلدة يزد، فى موضع يدعى بسر كوچه بهروك، و كوچه اهرستان . و مصرف ذلك مصرف ساير موقوفاتها حسبما
٢٠ عين واقفها ، تقبل الله عنه ! و ان انهدمت ابواب الخير، والعياذ بالله ! كان ذلك مصرفاً الى ابناء السبيل .

و اما ما وقفه على الرباط الواقع بقرية مسماه بزبرقند ، الذى بناه فى ظاهر القرية المذكورة ، من خالص ماله و رهطه و رجاله ، و وقفها على كل مارو عابرو و وارد و صادر ، متصف بصفة الصلاحية و العفاف ، تجنبت عن الفسق و الفجور و المناهى ، و قد حرم على غيرهم حق السكنى و النزول و الاخذ و الطالبة باى شىء كان ولو بحجة :

فجميع النصف و الثلث التام الشايع فى جماعة القرية المسماة بخوقند ، المستغنية بهذا الاسم عن التحديد و التوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة ، باجمع التوابع و اللواحق و المضافات و العيون و البساتين و الاشجار و الاغراس و الاراضى الغامرة و العامرة و البيوت و الحصون و الاصاب و المزابل و الطواحين ، و غير ذلك من الملحقات و المتممات .

و شرط ان يبتدى المتولى لهذا الامر : اولا بعمارة الرقبة و مصالحها و ثانياً بعمارة الرباط المذكور ، ثم ما فضل منها يصرف الى اطعام المسافرين النازلين بها الموصوفين بصفة الصلاح و السداد . و سفرتهم كل سنة ثلثة الاف من و ستمائة و ستين منّا من النوعين المذكورين فى كل يوم عشرة منّا ، و مبلغ ثلثمائة دينار و ستين ديناراً من العين الموصوفة مراراً فى كل يوم ديناراً واحداً ، و مقدار الفى منّ من العنب الملون بالتفريق ، كما يرى المتولى المصلحة . و يدفع الى مرتب يواظب على خدمة المسافرين النازلين بها الموصوفين بهذه الاوصاف ، التى سبق ذكرها كل سنة مبلغ سبعمائة منّ و عشرين منّا من النوعين الموصوفين المذكورين .

و قد اشهد المولى الاعظم الاعدل الواقف ، مد الله ظلاله ! ان مبلغ ستة و تسعين ديناراً و ثلثى دينار من العين الرايجة المنعوتة ، الذى هو مقرر باسمه الشريف عن متوجهات الاملاك البهائية فى ضياع نظنن و ذلك

مفاضة بثلث قرية زبرقند نطنز .

و مبلغ خمسة و ستين دينارا من العين لرايجة الذى هو مثبت باسمه المبارك من متوجهات ضياع نطنز فى قرية جوشقان ، حق لمن يستحق هذا الصدقة ، و مصرفه كمصارف الموقوفات .

و شرط المولى الاعظم الواقف المتصدق ، اعلى الله تعالى فى الدارين ٥
شانه ! ايضاً انه اذا انهدم الرباط الموقوف عليه بحيث لا يمكن الاعادة ، فيصرف المبالغ والمصارف فى مصالح الرباط الذى بناه المولى الاعظم ، مد الله ظلاله ! فى نه گنبد .

و ان خرب ، والعياذ بالله ! تلك الرباط ايضاً ، و حصل الياس عن

اعادته؛ فيضاف المنافع والمحصلات والمصارف الى وجه السفرة المخصوصة ١٠
بعد خراب رباط نه گنبد بالرباط الذى استحدثه ايضاً المولى الاعظم الواقف المتصدق ، شيد الله قواعد الاسلام بوجوده الشريف ! فى قرية نيستانه من قرى مدينة نائين . و ان انهدم الرباط ايضاً ، فيلحق ما عين للرباط الموقوف عليه بمصالح ابواب الخير ، التى بناها المولى الاعظم الواقف ، زاد الله تعالى قدره ! بظاهر بلدة يزد ، بموضع يدعى بسر كوى ١٥
بهر و ك .

وان خربت والعياذ بالله ! ابواب الخير المذكورة ! بحيث لا يمكن

الاعادة ، بل يصير قواعدها ومبانيها منطمسة البنيان مختلفة الاركان ، فيصرف ما يحصل من فوايدها و منافعها و موقوفاتها الى من هوا قرب الى المولى الاعظم الاعدل الواقف المتصدق الاكرم ، خلد الله تعالى جلاله معدلته !

من اقاربه ذكرا كان او انثى . و بعد انقراضهم ، والعياذ بالله ! فالى الفقراء ٢٠
والمساكين المقيمين فى بلدة يزد وغيرها ، الى ان يرث الله الارض ومن عليها و هو خير الوارثين .

و اما ما وقفه على الخانقاه الواقعة فى مدينة ابرقوه بجنب مزار الشيخ الكبير والولى الفقير قدوة الاتقياء طاوس الحرمين ، قدس الله روحه العزيز ! و هى مسماة بالشمسية ، المستغنية عن التحديد والتوصيف :

فجميع النصف التام الشايح فى جماعة المزرعة والقناة الواقعتين ٥ بقرب قرية سم من قرى البلدة المذكورة الكائنين بجنب المزرعة المدعوة بنصرت اباد سادات ، وتلك المزرعة قديما مسماة بحال وجديدا بسعدا باد ، مع قناتها ، و بذلك الاسم يستغنيان عن نهايات الحدود و غايات الاوصاف و جميع القناة والمزرعة الواقعتين فى صحراء قرية فوائد (؟) من قرى البلدة المذكورة ، المسماتين بحال كر ، المستغنيتين عن التحديد والتوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة . ١٠

و جميع نصف و ثلث سهم ملكى شائعين فى جملة اثنى عشر سهما كاملا ، هى اصل سهام قناة سادور من قنى حومة البلدة مع حصصها . و جميع ثلثين سهما شايحا ملكيا فى جملة تسعمائة و ستة و ثلثين سهما ، هى اصل سهام قناة ومزرعة مدومه من مزارع الحومة .

و جميع السدس التام الشايح فى جميع القناة والمزرعة الواقعتين ١٥ فى صحراء بلدة ابرقوه ، المسماتين بسعدا باد الواقعتين فى طريق يزد ، بقرب المزرعة المدعوة بحامدا باد ، وبجنب مزرعة رئيسا باد و كريم اباد ، و بذلك الاسم مستغنيتين عن التحديد والتوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة

واضاف المولى الاعظم الواقف ، مد الله ظلاله ! الى الموقوفات مبلغ ٢٠ ثمانمائة دينار و ستة و ثلثين دينارا و نصف دينار عينا رايجا ، الذى هو مقرر باسمه المبارك فى الديوان الاعلى ، اعلاه الله تعالى ! على سبيل الادرار من المال والمتوجهات بابرقوه ، و اشهد على ان يصرفه كمصارفها .

و جميع الاجزاء الثلاثين المشتملة على تمام الكلام المجيد مع صندوقها ، والساتر عليها فوق الصندوق ، وهو الخرقة المنسوبه الى شيخ المشارق القطب المدار عليه ، قدس الله سره العالى ! و هي منتقلة بالمولى الواقف بالوجه الشرعى والطريق المرعى ، مستقرة فى تملكه ، ليقرا منها كل مسلم صالح آناء الليل و اطراف النهار ، و بشرط ان لا يخرج من بيت الخرقة الداخلة فى الخانقاه ، الا فى ليلة العشرين من شهر رمضان التى هى وفاة الشيخ الكبير ، قدس الله سره و رسمه ! و فى تلك الليلة يبرز الى صفة الخانقاه ، ليقرا منها الحاضرون فيها ، الطالبون لزيارة تلك الاجزاء ، والخرقة المتبركة تيمنا بهما ، باجمع ما يضاف و ينسب الى الجمل المذكورة من الابار والانهار والعشتقات والجرائم والكظائم والقنوت والعيون والاراضى العامره والغامرة .

وعين و شرط ان يشرع المتولى للموقوفات والمتصدى لامورها :
اولا مما يحصل من الاملاك الموقوفة المعينة بعمارة رقة على حسب الضرورة ومرمتها و تهية مالا بدمنه ، ثم يصرف الى الامام المتصف بصفة العلم والورع والمواظبة على الصلوات الخمس واقامتها بالجماعة والنوافل المنذوبة فى الليالى والايام الماثورة بين الشهور والاعوام ، من محصول الموقوفات كل سنة مبلغ مائة دينار واحد و عشرين دينارا من العين الرايجة المنعوتة .

و هذا الشغل مفوض بالامام الهمام العالم ملك الائمة والعلماء تاج الملة والدين محمد بن ابراهيم بن محمد المحتسب بابر قوه ، دامت فضائله ! بامر العالى ، و بعده الى ذكر اولاده الموصوفين بالصفات المذكورة .

و یصرف الی الشیخ الذی هو من اهل العفة والصلاح ، و زمرة ارباب العلم والورع والفلاح موسوم بسمه التقوی . و وظیفته ان یکون ملازماً للخانقاه فی اکثر الاوقات ، و مرتباً للطعمه المعینه المعروفة علی الفقراء والمساکین المقیمین والمجتازین ، كما یتأتی شرحه ، مجتهداً فی ایصالها الیهم . و اذا اقام بهذا الامر فله من محصولات الموقوفات کل سنة مبلغ مائة دینار من العین الراجیة .

و قد فوض المولی الاعظم الواقف اعلی الله شأنه ! هذا الشغل الی الشیخ الامام المعظم قدوة الافاضل شمس الملة والیدین محمد بن الشیخ السعید المغفور شیخ الشیوخ سعد الملة والیدین ابی سعد الطاوسی ، و بعده الی ذکور اولاده الموصوفین بالعلم والورع .

و یصرف الی المرتب المتدین الصالح المواظب علی خدمة المسافرين النازلین فی البقعة الشریفة والصادرین بها والواردین علیها ، و یرتب السفرة و یوصل الیهم والطعمه و یهئها ، کل سنة مبلغ ستین دیناراً راجیاً .

و یصرف الی السراجی ، و وظیفته ان یکون مداوماً علی انارة القندیل والسرج فی الخانقاه المذكورة لاجل المسافرين المجتازین والغرباء ، کل سنة مبلغ ثلاثین دیناراً راجیاً .

و یصرف الی المطبخی المواظب علی الطبخ لطعمه الفقراء فی کل یوم ، و لمن یتلمس من النازلین بها والساکنین فیها من غیر فتور و تقصیر ، مبلغ اربعین دیناراً راجیاً .

و یصرف الی البواب المواظب علی الفتح للابواب ، و غلقها ، و تنظيف الخانقاه ، و تطهیرها بالكسح والکنس ، و محافظه الالات والادوات

وصونها من الاتلاف والقوات ، مبلغ ستين دينارا رايجا .

و يصرف المتولى لهذا الامر من محصولات الموقوفات و ارتفاعاتها ،
كل سنة مبلغ ثلثمائة دينار وخمسين دينارا رايجا لمصالح عشرة اطفال
فقراء مشغولين في الخانقاه المومى اليها بتعلم القرآن المجيد ، لمعلمهم
الذى يداوم على تعليمهم .

اما المصروف الى الاطفال فكل سنة ثلثمائة دينار ، و لكل نفر
ثلثون دينارا من النقد الموصوف فيه .

و اما المصروف الى المعلم فخمسون دينارا .

وايضاً شرط المولى الواقف عز نصره ! ان يصرف المتولى لهذا الامر

من محصولاتها الطعام الفقراء المقيمين والمجتازين والصادرين والواردين
الى البقعة ، وايضاً لها و استيفائها الى الزمرة المشار اليها كل سنة مبلغ
خمسائة دينار وسبعة واربعين دينارا ونصف من العين الرايجة الموصوفة ،
و مبلغ خمسة الاف من واربعمائة من و خمسة و سبعين من الخبز
الحنطى ، فكل يوم دينار من العين الرايجة ، و خمسة عشر من الخبز
المذكورة

و شرط ايضاً الواقف المولى الاعظم لازال جنبه مرجعاً للخلايق !

ان يصرف المتولى محصولاتها في الايام والليالى المتبركة الواقعة في
اثناء الشهور ، كل سنة مبلغ خمسة و ثمانين دينارا رايجا بهذا الترتيب :

اما المصروف في يومى العيد بن للحاضرين في الخانقاه كل سنة ،

فمبلغ خمسين دينارا عيناً رايجة ، لكل واحد خمسة و عشرين ، يشتري
بذلك الطعام والحلاوة .

اما المصروف في ليلة البراة نصف من شعبان في كل سنة ، فمبلغ

عشرين دينارا رائجاً ، يشتري به الحلاوة ، ويستضىء به السرج للحاضرين

فى تلك الصلوة .

و اما المصروف فى ليلة الرغائب لثمن الحلاوة لاجل الحاضرين المصلين فيها فى كل سنة ، فبمبلغ خمسة عشر دينارا .

و كذا شرط المولى الواقف زاد الله قدره ! ان يصرف المتولى من محصولات الموقوفات ، مصالح الضوء و انارة السرج و الشموع و القناديل فى الخانقاه ، جميع الليالى الواقعة فى الشهور و السنين ، كل سنة مبلغ ثلثين دينارا رايجا .

شرط المولى الواقف عز نصره ! ان يصرف فى ليلة العشرين من رمضان التى كانت فيها وفات الشيخ المشار اليه قدس الله سره العزيز ! مبلغ مائة دينار رايجا ، فيشتري بها الاطعمة و الحلاوة ، حسبما يرى المصلحة فى الخانقاه ، و زياده الخرقه .

ايضاً شرط المولى الواقف ، مدعصره ! ان يعطى متولى الموقوفات مبلغ خمسين دينارا رايجا ليرتب اللبانات التى يسوى بها قبور المسلمين و احدهم ، جزاء الله عن المسلمين خير الجزاء ! لصرفه بكشف الغطاء (؟) يوم العرض و اللقاء !

وقد وقف على الغرفة التى جعلها لوجه الله مسجداً ، وهى مسماة مسجد لوح فى داخل بلده ابرقوه ، حماها الله تعالى ! بين الدربين المنسوبين الى الشيخ الكبير قطب الاولياء قدوة الاتقياء طاوس الحرمين ، قدس الله سره على سطح الجنبد الواقع فى الدرب الاول :

جميع الحانوت الواقع اسفل المسجد حد السقاية المسبلة للمولى الواقف ، لازال جليل القدر عظيم الشأن ! و تلك كذلك من مستحدثاته محدود الى حانوت لورثة محمد بن الحاج على ، والى خان لضياء الدين

منصور بن محمد بن الحسن ، و الى الطريق والمدخل منه .

و جميع سهمين شايعين في الف سهم و ماتي وستة و تسعين سهما ،
هي اصل سهام قناة نبادان من قني حومة البلدة ، باجمع ما يضاف و ما
ينسب اليها من العلو والسفل والمجاز والابواب .

و اضاف الى الموقوفات مبلغ خمسين دينارا رايجا ، الذي هو
مجرى في الدفاتر الديوانية ، باسم امام مسجد اللوح ، من متوجهات ابرقوه ،
و هو داخل في تلك الصدقة ، و تابع لها ابدا دائما .

فيدفع المتولى لهذا الامر مما يحصل الى الامام المواظب على التاذين
والاقامة والامامة في اوقات الصلوات الخمس المفروضة والنوافل
المشهورة ، و ما فضل منها الى العمارة والفرش الباريا ، كما يرى المصلحة ،
وذلك مخصوص باصدر الامام العالم تاج الملة والدين محمد بن ابراهيم
المحتسب بابرقوه ، دام فضله ! و بعده با صلح ذكور اولاده بعد ظهور
الصلاح .

و قد وقف على العمارة التي بناها في المسجد الجامع بابرقوه ، و ،
هي مشتملة على صفة و ايوان و توابعهما و مضافاتهما ولو احقهما :

مبلغ ثلثمائة دينار و ستين دينارا رايجا المجري باسمه الشريف
على الاموال الديوانية ببلدة ابرقوه ، فاضافه الى ساير موقوفاتها ، ليحصله
المتولى ، و يصرفه على مصالح العمارة المذكورة ، فيبدأ اولاً من هذا
المبلغ بعمارة رتبة العمارة المذكورة ، فما فضل عن ذلك يصرف كل
سنة لوظايف المرتزقة والمصالح بهذا التفصيل :

فيصرف الى امام يؤم في الجمععات ، ويخطب فيها ، مبلغ خمسين
دينارا رايجا .

والی مؤذن يؤذن فی الاوقات الخمسة، مبلغ خمسين دينارا رايجا،
و الى ثمن الشمع والبرز و غيره مبلغ خمسين دينارا .
و الى امام راتب يؤم فی الصلوات الخمس مبلغ ستين دينارا من
النقد الرايچ المذكور .

هذا ما وقفه و عينه على النهج المسطور والنمط المزبور .
و قد وقف على بقعة بناها في مدينة كازرون بجنب الروضة المرشدية
و هي بقعة شريفة مسماة بدار الحديث ، واقعة بجنب المسجد الجامع ،
الذي فيه المدفن المروح للشيخ المرشد الى الحق والصواب ، قطب الاقطاب ،
ولي الله الوالي ، خلاصة صنع الله المتعالی ، ابي اسحق ابراهيم بن اسحق
الكازروني قدس الله سره !

و قد عين بان يكون مبلغه خمسمائة دينارا وعشرين دينارا من
العين الرايجة ، التي كل دينار منها معبر عن ستة دراهم سلطانية طلغمية
معلومة الوزن والعيار ، المجري باسمه على سبيل الادار في الديوان
الاعلى ، من المال والمتوجهات بكازرون ، مقرر للصرف في مصالح البقعة .
و اجاز للمتصدى لامور التولية و حلومها (؟) ، ان يصرف المبلغ
المومي اليه في كل سنة في تلك المصالح ، و عين مصارفها و مصاب
مالها و ربوعها من المحصولات .

ثم نصب العملة والمرتزة المامورين بمهام البقعة ، واعمالها المعينة ،
و عين وظائفهم بالشروح الاتية بعد ذلك مفصلة .
و شرط ان يبداء المتولى من ربع المبلغ المعين اولا بعمارة البقعة
و ما يحتاج اليه بحسب الضرورة .

و ايضا شرط للمدرس المواظب على افادة المستفدين و نشر علم

الحديث النبوى عليه افضل الصلوات ! مبلغ مائة ديناراً رايجاً .

و لعشرة انفس من الطلبة المشتغلة بعلم الحديث الوافدين اليه

لاجله ، مبلغ ثلثمائة ديناراً رايجاً ، لكل نفس ثلاثون ديناراً

وللفراش والبواب المداومين على تنظيف البقعة وتطهيرها بالكسح

والكنس و صيانة اثاثها ، و نشر الفرش وطيبها ، كل سنة مبلغ ثلثين

ديناراً من العين الرايجة .

و شرط المولى الواقف عز نصره ! ان يصرف الى ثمن الفرش

المتنوعة من الحصر والباريا والزلالى والبزر والشموع ، كل سنة مبلغ

اربعين ديناراً من النقد المشار اليه . والله الموفق والمعين !

وقد وقف على الخانقاه الواقعة بالربع الرشيدى بظاهر غزنى تبريز ١٠

بعض املاكه و متصرفاته بمدينة تبريز ، و كما عينها فى كتاب وقفيتها

براسه . و اضاف اليها مبلغ سبعمائة ديناراً و عشرين ديناراً رايجاً ، الذى

[هو] مجرى باسمه الشريف على سبيل الادار على الاموال الديوانية

بمدينة تبريز ، ويدل عليه دفاتر و مؤامرات ديوانية .

١٥ و اقر المولى الاعظم اعز الله انصاره اقراراً شرعياً ان مستحق استيفاء

المبلغ المذكور ، جماعة المشايخ والصوفية والفراش والبواب الساكنين

بالخانقاه المذكورة ، و لهم اخذ المبلغ و استيفاءه و صرفه فى مصالح

معاشهم و فراغ بالهم .

و قد وقف على الرباط الواقع بميل قمر ، الذى هو من منشاته ، و

٢٠ هو رباط ربط قلوب العابدين ، وما قدر على انشائه الى الان همم العابر بن ،

بموضع يدعى ميل قم ، و هى جادة بين بلدتى قم و آوه ، بواد غير ذى زرع ،

فوقه الله تعالى لاتمامه ، كما وقفه لآخوانه ، و صار معموراً بيمن دولته

و ، وقفه على المارة والمتطرفة :

جميع قرية فرينه بالرباط ، وقناة انبسطها واخذ فيها في تلك المفازة .
فوقفها على الرباط المذكور و على مصالحه ، ليصرف محصولات القرية
والقنات المذكورتين اللتين هما من منشآت المولى الاعظم الواقف ، عز نصره !
على عمارة الرباط ، و رم المسترم ، واصلاح الفاسد .

و اضاف اليهما مبلغ خمسمائة ديناراً من النقد الرايج ، المجرى
باسمه الشريف على سبيل الادرار على الاموال الديوانية ببلدة قم ، على
المثبتة في الدفاتر والدساتير ، ليحصله المتولى ، و يصرفه الى وجوه مصالحه
و مصرف عمارته ، وقفاً شرعياً .

ثم بعد خراب الرباط والياس عن عمارته ، وقفه على ابناؤه و ابناء
ابنائهم ، ثم على بقاع الخير اللواتى انشاها بساير البلدة المنتسبة على
انشاء (؟) ، ثم على الفقراء والمساكين ، الى ان يرث الله الارض و من عليها ،
و هو خير الوارثين .

فقد وقف على العتقاء الاتراك والهنديين والحبشيين والزنجيين ،
الاملاك الاتية بعد ذلك مفصلة . والحال ان المولى الاعظم الواقف المتصدق
الاكرم ، اعلى الله شأنه ! اعتق حسبة لله تعالى ! و طلباً لمرضاته من خالص
ماله ست و خمسين نفراً من الغلمان الاتراك والجوارى والمغوليات
والخوارزم والهنديين والحبشيين والزنجيين والفحوك ، وخلصهم من قيد
الرقية ، وادرجهم في سلك الحرية ، اعتاقا شرعياً وتحريراً دينياً ، المشتغلين
على جميع الاركان المصححة ، الخالين عن الفوائد والنواقض المدحضة ،
لا يتغيران بتغير الزمان ، ولا يتطرق اليهما طوارق الحدثان .

و قبل تنميق هذه السطور و تزيين هذا المسطور ، درج منهم ثلاثة

الى جوار الله تعالى ، وقضوا نحبهم ، وهم من الغلمان الاتراك : قتلغشاه واستنمور ، ومن السود مفتاح .

ولما شرط المولى الاعظم الواقف ، زيد قدره ! بان من يتوفى منهم ولم يكن له ولد ، فنصيبه يرجع الى شركائه ، ولم يكن للدارجين المذكورين النقر الثلاث ولد ، لم يذكر اسميهم . والان من يختص ٥ بهذا الوقف والتصدق ، ثلثة وخمسون نفرا ، كما ياتى ذكرهم بعد هذا .

و بيانه انه وقف المولى الاعظم الواقف المتصدق ، عز نصره ! على العتقاء الاتى ذكرهم ، و على عتيق والده المولى الاعظم السابق ذكره :

جميع الف سهم و ثمانمائة سهم من اصل ستة عشر الف سهم و

سبعمائة و سبعين سهما ، هى اصل سهام قناة سعد آباد ، من قنى حومة ١٠ بلدة يزد ، الواقعة فى خلال قناة تفت و نصيرى . و كل سهم عبارة عن جرة واحدة ، والجرة عبارة عن مقدار معلوم لا يختلف ولا يتفاوت .

وجميع اربعمائة سهم و خمسين سهما ، من جملة ستة عشر الف سهم

و ستمائة و اربعين سهما ، هى اصل سهام قناتى ابر و مباركة ، من قنى

بلدة يزد ، و يعرف كل سهم منها بجرة واحدة ، و هما قناتان مستغنيتان ١٥ عن التحديد والتوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة .

و اضاف الى ذلك مبلغ اربعمائة دينار و خمسة دنانير من العين

الرايجة الطلغمية ، مما هو المجرى باسمه المولى الواقف عز نصره !

المثبت فى المؤامرة على سبيل الادار من متوجهات بلدة يزد ، عن انتقال

ورثة المرحوم جمال الدين و اقد ، ضاعف الله جلال رتبته ! ان المبلغ ٢٠

المشار اليه حق لمن يستحق هذه الموقوفات ، و عين لهم استيفائها .

ثم عين لهم من محصولات موقوفات ابواب الخير الواقعة فى صحراء

بلدة یزد، من البقعة السماء بدارالسادة الشمسية ، كما مر ذكره ، كل سنة مبلغ ثلاثة الاف من ، من الغلة مناصفة . و كل من عبارة عن اربعمائة درهم .

و ایضاً عین لهم من محصولات اوقاف الخانقاه المبنية فی قرية عقدا ، كل سنة مبلغ ثلاثة الاف من من الغلة مناصفة ، ۵

و قرر جميع ذلك للجماعة الاتية ذكرهم من الغلمان المغول والأتراك والجواری والخدام الهنديين والحبشيين والزنجيين والفحوك و اما الغلمان المغول والأتراك فهم ، عشرون نفرا : مبار كشاه و مغولباه و بوقا و قتلغشا و طعاى و خسرو شاه سيور غاتمش فيلغخواجه و ارغون و طعمشاه و طشتمور و قرا بوقا و منكلى بوقا و سحر و ابهار و اسبوقا و تمور بوقا و شيخ محمود بن مبار كشاه . ۱۰

و اما الجواری المغوليات والتركيات فهن تسعة عشر نفرا : تكين منكوحة مبار كشاه و قلتغ ملك منكوحة مغول تا و تفتنى منكوحة جوهر و جيجك منكوحة بوقا و قتلغچه منكوحة قتلغشاه و اينجومنكوحة خسرو شاه و ابش منكوحة طغاي و طغان و بلغان و قيصاي و ارغون و اولجاي و بلغي و دولدى و سولح قتلغ بنت بوقا و ترکان بنت مغولتاي و قتلغ بنت خسرو شاه و قازان . ۱۵

و اما الخدام الهنديون والحبشيون فستة انفر بهذا التفصيل: جوهر و نجاح الميبدى و سرور الحلانى و صواب و ريحان و كافور و اما الغلمان السود فهم ثمانية بهذا التفصيل: ريحان و بشير و مبارك و قبول و بلال و فرخ و قنبر و صالح . ۲۰

ولما كان بعض الموقوفات مختصا ببعضهم لزم تعيين النصب والاستحقاق

لكل صنف :

اما وقفه على مغولتاي عتيق والده و على ستة انقر من عتقائه
و هم فخر الدين مبار كشاء و طغاي و خسرو شاهي و قتلغ ملك منكوحه
مغلتي و تقتي التي كانت زوجة قتلغشاه المتولي ، والان منكوحه
جوهر ، ثم على اولادهم و اولاد اولادهم بطنا بعد بطن و قرنا بعد قرن
للدكر مثل حظ الانثيين :

فجميع الف سهم من اصل ستة عشر الف سهم و سبعمائة و سبعين
سهما ، هي اصل سهام قناة سعداباد المذكورة من قبل ، وهذا الوقف وقف
الترتيب ، لا وقف التشريك .

فان مات احد من الموقوف عليه ، و اجاب داعي الله ؛ فان [كان] ١٠
له ولد او سبط ، فنصيبه نصيب اولاده و اسباطه بالترتيب . فان لم يكن
له اولاد و اسباط ؛ فيضاف حاصل الوقف الى مصالح الرباط الذي بناه
المولى الاعظم الواقف ، زيد قدره ؛ في قرية عقدا ، و على مصالح الخانقاه
المبنية من انشائه ، في هذه القرية ايضاً ، كما ينطق به كتاب الوقفية
على حده . و لمتوليها تين البقعتين ان يجعلها داخله تحت متصرفاته ، ١٥
ويضيف منافعها الى محصول مو[قوفات] البقعتين . و اذا خربنا والعياذ
بالله ! بحيث لم يكن اعادتهما ؛ فتلك الحصة يكون موقوفا على ابناء
السبيل ، وفقراء المسلمين ، الى ان يرث الله الارض و من عليها و هو
خير الوارثين .

و ايضاً وقف على سيورغاتميش و جيچك منكوحه طغاي جميع ٢٠
ثلثمائة سهم من اصل سهام قناة سعداباد المذكور قبل كميته نسلا بعد
نسل و عقبا بعد عقب ذكورا و اناثا ، ايضاً للدكر مثل حظ الانثيين ،

بالترتيب لا بالتشريك .

فان [اجاب] احد منهما داعى الحق ، و يكون له ولد و سبط ؛
فنصيبه يصل اليه على السابقة من القاعدة . وان لم يكن له فرع ، فيضاف
نصيبه الى نصيب شركائه ، و بعده الى اولاده واسباطه كما مر . وان انقطع
نسبهم ، و ان لم يبق لهم من الاولاد والاسباط من يستحق لذلك ؛ فيضاف
الحصة الى موقوفات المدرسة والخانقاه المنسوبة بانشاء الواقف . مد
ظله ! بظاهر بلدة يزد براس سكة بهروك ، يصرف بموجب ما شرط فى
موقوفاتها ، و يوصل الى مستحقيها .

و ان انهضمت المدرسة والخانقاه ، و ان لم يمكن اعادتهما ،
او اعادة احديهما ، فيكون موقوفة على ابناء السبيل والغرياء المسلمين
ما دامت السماء والارض .

وايضاً وقف المولى الاعظم الواقف المتصدق ، زيد قدره على ستة
انقر من العتقاء، السود وهم: ريحان وبشير ومبارك وقبول وبلال وفرخ،
جميع مأتى سهم من اصل سهام مياه قناة سعد آباد المذكورة اما ما ،
سهامها ونحلها وموقعها ، ما يضاف اليها ويضم بها . ثم على اولادهم ثم على
اولاد اولادهم ما تعاقبوا وتناسلوا عقباً بعد عقب ونسلاً بعد نسل ايضاً ،
لذلك مثل حظ الانثيين ، وقف الترتيب لاقف التشريك .

فان توفى احد منهم و يكون له ولد ؛ فنصيبه لولده . وان لم يكن
له ولد من صلبه ، فلاسباطه و احفاده . وان لم يكن له اسباط و احفاد ،
فنصيبه يرجع الى شركائه الموقوف عليهم من العتقاء الستة المذكورة
مع اولادهم وان سفلوا . وان انقطع نسبهم ولم يبق منهم ، فيكون نصف
الموقوف عليهم داخلاً فيما وقفه على المجبوين الجوهر و نجاح

و سرور ، وسيأتى ذكرهم . والنصف الآخر يضاف الى ماوقفه على سيورغاتمش وجيجك ، كما ذكر اسمهما سابقاً . و ان انقطع نسلهما ولم يبق من يرثهما ؛ فيضاف محصول هذه الحصة الى موقوفات المدرسة والخانقاه المبنيين بظاهر يزد ، على راس سكه بهروك ، اللتين هما من انشائه ، عز نصره ! ووجه المصرف كما ذكر فى الوقفية .

ايضاً وقف على الجوهر ونجاح وسرور المجبوين جميع ثلثمائة سهم من اصل سهام قناة سعد آباد المذكورة مع توابعها ولو احقها ، و شرط تصرفهم فيها التساوى بلامزية احد . فان مات احد منهم ؛ فلا يتصرف مجبوب آخر من الشركاء فى حصته ، بل يضاف نصيبه الى حصة العتقاء الستة السود المذكورين من قبيل . وان انقطع نسل الستة المذكورين ؛ فيكون منافعها مضافة الى حاصل المدرسة والخانقاه المذكورين مرارا ، حسبما شرحنا اولاً .

وايضاً وقف على ستة انقر من العتقاء المذكورين وهم : قتغلاشاه منكوحة فيلغچه وارغون و فيلغخواجه وطغلاشاه الا تراك واينجو منكوحة خسرو شاه :

جميع اربعمائة سهم وخمسين سهماً من اصل سهام قناتى ابر و مباركه المذكورتين من قبل . ويعرف كل سهم منهما ببجرة واحدة ، ثم على اولادهم ثم على اولاد اولادهم ماتعاقبوا وتناسلوا عقباً بعد عقب ونسلاً بعد نسل ، للذكر مثل حظ الانثيين .

وان انقطع نسلهم ولم يبق لهم اولاد ولا اسباط ؛ فيضاف منافع تلك الحصة الى محصول المدرسة والخانقاه المذكورتين المبنيين بظاهر بلدة يزد . والمتولى يصرفها بموجب شروط الواقف .

وايضاً وقف على الثلثة وعشرين نفراً ، اما الغلمان الا تراك
فتسعة : بشتمور ومنكلى بوقا وقرابوقا وسنجرو بهادر واستبوقا وتمور و
قتلغبوقا وتمور بوقا . واما الجوارى المغوليات ، فايضاتسع : فهن تكين
منكوحه مبار كشاء ، وابش منكوحه طغاي ولمغان وقيقناى ارغون و
اولجاي وتلغى ودولندى؛ واما الخدام الهندو فثلثة : وهم مفتاح وريحان ۵
وصواب ؛ واما الغلمان السود فاثنتان : وهما صالح وقنبر؛ مبلغ اربعمائة
دينار وخمسة دنانير من العين الرايجه المنعوتة ، بما هو المقرروا المجرى
من متوجها تيزد، على سبيل الادرار، باسم المولى الاعظم الواقف المتصدق
المشار اليه ، اعز الله انصاره ! وقفاً عرفياً ، وجعل استيفاءه مخصوصاً بهم،
۱۰ وحقاً من حقوقهم ، على تعاقب الايام والليالى ، على اولادهم ثم على
اولاد اولادهم ذكورا واناثا ، الذ كر مثل حظ الانثيين .

و بعد انقطاع نسلهم او انقطاع نسل بعضهم يكون حق استيفاء
الكل او البعض ، لمتولى المدرسة والخانقاه الشمسية كما ياتى شرحه
و بيانه ، و عليه ان يصرف بمصالح البقعتين .

ثم عين للعتقاء المذكورين و وقف عليهم السهام المعينة المذكورة من ۱۵
قنواة سعد آباد و ابرو مباركة ، و هم ثلثون نفراً سوى الجماعة الذى خص
بهم الادرار ، اولهم تشتمور و آخر هم قنبر ، ثم اولادهم وعلى اولاد اولادهم ،
لذ كر مثل حظ الانثيين ، من محاصيل دار السيادة الشمسية ، كل سنة
مبلغ ثلثمائة دينار من العين الرايجه ، و من الغلة مبلغ ثلثة الاف من
۲۰ من النوعين المذكورين بالمناصفة .

و شرط انه مهما توفي احد المذكورين ، ليسلم نصيبه الى ولده ،
ذ كر ا كان اوائشى . و ان لم يكن له ولد؛ فيضاف نصيبه الى نصيب شركائه

فی الوقفية والاستحقاق بان كان عددهم اكثر من خمسة انفر . و ان كان عددهم خمسة او اقل؛ فيصرف نصيبهم اليهم، و يضاف الباقي الى مصالح البقعة و يحظ من المبلغ المقرر المقدر

- و شرط ان استيفاء الادرار يختص بالموقوف عليهم ثم باولادهم ،
 ٥ و ليس لهم ولاية التفويض للاستيفاء الى الغير ، والقرار في حق الغير، او
 الاخذ قبل السنة بالتقدمة ، و ليس لهم ولاية الاخذ والحوالة الا ما لهم
 في سنة واحدة

- و شرط ان العتقاء الموقوف عليهم الموجودين الان ، والذين
 سيوجدون بعد من اولادهم واحفادهم، يتصفون بالعفة والصلاح والسداد
 ١٠ والرشاد ، و يجتنبون من شرب الخمر و ، جميع المسكرات . فمن باشر
 شيئاً من هذه المسكرات والمنهيات يبطل استحقاقه من التصرف، فيسقط
 اسمه من اسامي المستحقين ، و يقسم نصيبه على الباقيين الموصوفين بالصلاح
 والسداد . فان عاد الى ما كان عليه من السداد والعفة، وثبت توبته ، و
 يستمر على ذلك ستة اشهر ليحرب على ذلك ، كما قال الله تعالى ! سننظر
 ١٥ اصدقت ام كان من الكاذبين ، فبعد ظهور صدقه و ثباته على تلك الملكة
 الحميدة ؛ ينخرط في سلك المستحقين ، و يعاد عليه ما كان نصيبه من
 اوقاف العتقاء بشرط الواقف . وان انتفى هذا الشرط في مجموعهم؛ فيصرف
 الحاصل الموقوف عليهم الى مصالح المدرسة والخانقاه المبنيين بظاهر
 بلدة يزد ، من انشاء المولى الواقف زيد قدده ! ولا يكون لهم وظائف
 ٢٠ من البقاع المذكور ، بل يصرف في مصالح تلك البقاع و ترميمها .

هذه نهايات الوقفيات الصادرات عن المولى الاعظم الواقف، اعلى الله!
 مجملات و مفصلات مبينات و معينات بجميع ما سبق ذكره و شرحه ، و

ودكر حده وبين وصفه من العقارات والاشقاق والاراضى والمياه والمزارع
وحصص القنوات والحوانيت والاملاك والادارات والمعاش على الهيئة
المنسوقة، بما يتبع كل واحد منها من الحدود والحقوق والطرق والمرافق
واللواحق والمضافات والابنية والاشجار والحيطان والبنيان والبساتين
والدور والمجاز، وكافة الملحقات على البقاع المبنية قبل ذلك والجهات
المفصلة امامه

وقف و تصدق وقفاً صحيحاً شرعياً و تصدقاً صريحاً سمعياً مرعياً،
مشمولين على الشرايط الدينية والاركان المليية، مرعين للمبتداء والوسط
والمنتهى، مصونين عن النقص، محصونين عن الزيف والدفع، لا يغير بهما
خلل ولا يحوم حولهما ذلك، مقصور عنهما ايدى الملاك، مصروفاً عنها
ضروب الاستحلال، قائمين اصولهما دائمين على شروطهما، صارفين على
سبيلهما، الى ان يرث الله الارض و من عليها، و هو خير الوارثين .

و من الشروط المعبرة التى عليها نص الواقف المشار اليه، رفع الله
قدره واعز نصره ! انه لا يوجر الموقوفات المتعددة المذكورة مراراً
تعلق بابواب الخير و ساير بقاع البر فى البلاد المذكورة، و مما وقفه
على العتقاء المذكورين، و غير ذلك، من اصحاب الجاه والمتغلبين وارباب
المناصب والمتسلطين قطعاً بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب، بل
بوجر ممن يقدر المتولى على استيفاء حقوق الاجارة و ريوع الوقفية منه.
و على هذا التقدير ايضاً لا يوجر الموقوفات المشار اليها اكثر من سنة
واحدة، ولا تشرع فى العقد الثانى من الاجارة الا بعد انقضاء العقد
الاول بالتام .

و شرط ايضاً ادام الله ظلال جلاله ! ان يبذل المتولى لهذا الامر جهده

اولا فى تحصيل الارتفاعات و استزادة الغلات ، واستنماء الريوع
والمحصولات، ويقدم ثانيا على المصالح والمصارف عمارة رقبات الموقوفات
والبقاع الموقوف عليها، ويصرف عليها ، بحسب الحاجة والغبطة .

و شرط ثالثا ان يقدم العتقاء فى امور تلك الموقوفات و اعمالها

- على غيرهم ، بشرط استحقاقهم لهذه الامور ، و اهليتهم لتلك الاعمال . و
ان توصل احد من الطلبة او الحفاظ ، ومن ينخرط فى سلك المرتزقة فى
الاثبات فى تلك البقاع لمتغلب اودى شوكه من حكام الانام، و ارباب الجاه
مدى الايام ، او شفقة فى ذلك؛ فلا يحل للمتولى اثباته ، بل عليه منعه و
اخراجة . فان اثبات الطلبة منوط باستصواب المدرس ، ولا يكون لغيره
فى ذلك مدخل بوجه من وجوه المداخل . والله تعالى يديم ايام دولة
الواقف ، و صرف عن جنبه فنون الصوارف ، و اصل (؟) على جلايب
منحه الوافرة ومنحه الزاخرة! وهوولى الخيرات، ومولى الحسنات فى الدنيا
والاخرة .

و شرط الواقف زاد الله قدره ! فى جميع الموقوفات المذكورة ان

- يصرف حاصلها ، بعد خراب البقاع المعدودة ، و الياس عن الاعادة ، الى
الفقراء والمساكين ، الى ان يرث الله الارض ومن عليها ، وهو خير الوارثين .
و هذه خلاصة اوامره و شروطها و دقايقها [و] فذلكة سامها و
وثقها (؟) . والاعتماد والتعويل فى امور التولية والاشراف و سائر المناصب
على هذا التفصيل المبين ، حسبما بينها و تقررها و عن مسالى الاتفاق (؟)
تحررها مفصلة بالتحقيق .

٢٠

و اما التولية الجامعة ، والحكومة العامة ، والنظر فى جميع

الموقوفات والوقفيات الصادرة عن جنبه العالى ، بحذا فيرها و رسومها

و خصوصها و عمومها ؛ فمنوطة بنظره ، و مربوطة بعالی رایه و فکره ، مادامت الدنيا و اهلها مشرقة بشريف حياته ، لازالت هكذا ! له الحكم و الامر و النهی و الابرام و النقص ، كما هو موجب الدين القويم و مقتضى الشرع المستقیم . فان اجاب بعد طول حیوته داعی الحق ؛ فتلك المناصب يكون لاولاده الذکور دون الاناث ، الذین سیولدون ، ثم لابناء ابنائه ما توالدوا و تناسلوا ، بطنا بعد بطن و عقباً بعد عقب ، الى ان يرث الله الارض و من علیها ، و هو خیر الوارثین . بشرط ان يكون الاولاد بمحض الذکور يقدم البطن الا على علی الاسفل ، و الاعف الا صلح الارشد علی غیره ، حسبما نص علیه .

و حیثئذ يكون النظارة لبنته الخاتون المعظمة سليمة قرة عين المصطفى و المرتضى ، زبدة مخدرات الايام ، خلاصة الشهور و الاعوام ، صفوة الدين ، ارسلان نسب خاتون ، خلدھا الله تعالى فی خدر العصمة و الجلالة ، و زینها بشرف النبوة و الرسالة ! [مقدمة علی] البنات اللواتی سیولدن للمولى الاعظم عز نصره و مد [عمره] !

و النظارة مشتركة بینهن فی تلك الحالة ، بشرط انهن من صلبه و ظهره ، قوى الله ظهره ، و انفذ امره !

ثم بعد اولاده الذکور المدلیة بمحض ابنائه ، يكون التولية مشتركة بین بنیه المذكورة الموجودة آنفا ، و بین بناته ان تعددن ، و بین بنات ابنائه ، و بین اخته الاعیانية ، الخاتون المعظمة المبجلة المفخمة نتیجة الشرف و الكرامة ، سلیلة النبوة و الامامة ، و رفیعة الدين ، فاطمة خاتون ، دامت رفعتہ ! و بین الجماعة الاتی ذکرهم مفصلاً . كل واحدة مخصوصة بجهة معينة لمصلحة من مصالح الخیرات ، شركة معدلة بقسطه

لا مزية لاحديهن على الاخرى ولا رجحان .

- والنظارة حالمئذ يكون لسيد فاطمي جليل القدر ، من اولاد جد
الواقف ، سلطان نقباء زمانه ، اعظم سادات اوانه ، قوام الملة والحق
والدين محمد ، قدس الله روحه ! المدلى بمحض ابنائه دون الاناث ، بشرط
صلاحه و عفته و عقله و كفايته و تدبيره و رعايته ، الذي سيعينه الواقف
و اذا آل امر التولية الى البنت الموجودة ، دامت عصمتها ! والبنات
ان تعددن ولاختمه المسماة ، دامت رفعتها ! بشرط ان يكون النيابة والوكالة
والتولية من جهتهن ، مفوضة الى المولى الاعظم المرتضى الاعلم ، خلاصة
العترة الطالبية ، زبدة الاسوة المطلمية ، ذى المناقب والمناصب ، افتخار
العظماء الاشراف ، جمال الملة والدين ، الحسن بن المولى المرتضى
الاعظم المغفور ، المجتبى الافخم المبرور ، افضل سادات زمانه واكمل
نقباء اوانه ، ناصر الملة والدين على بن الحسن الحسينى اليزدى مولدا ،
والبخارى محتدا ونجارا ، دام معظما ! ليقوم بالنيابة العامة من جهتهن ،
اذا انتهت اليهن . فيتصرف فى الموقوفات حسب الغبطة التامة ، بموجب
شروط المولى الاعظم الواقف المشار اليه . يديم ايام الله دولته ! مع كل واحد
من شركاء الجماعة ، الذين سياى اسم كل واحد منهم فى منصبه ورتبته .
و على النائب ان يرعى شروط الواقف ، و يتصرف فيها بموجب
الغبطة التامة ، كما هو المعهود من فرد (؟) امانته . وليس للمنوب ولا ية عزله
اذا هو منصوب من جهة الواقف ، منصوص من قبله . فيتصرف النائب
فيها ، و يتبع شروط الواقف ، و يتقادلاوامره و نواصحه المنصوصة فى
الوثائق الوقفية ، دون اوامر المنوبات . و يلزمه متابعة احكامه ، دون
احكامهن المخالفة لشروطه .

و قد حان لنا ان نذكر الجماعة العلماء العظماء والسادات الكرام والائمة القادة الفخام ، والصدور الفضلاء ، بجهاتهم و مراسمهم .

اما في الخانقاه والرباط بقرية عقدا؛ فالتولية فيهما وفي موقوفاتهما،

بعد ما زال الامر، الى البنت والبنات والاخت ، مشتركة بينهما وبين

المولى الاعظم علامة علماء الامم ، مقتدى الانام ، قدوة افاضل الايام ،

شهاب الملة والدين ، شيخ شيوخ الاسلام والمسلمين ، افضل المتأخرين،

راس جريدة المحققين ، على بن المولى السعيد العلامة الشهيد ، جمال-

الدين قاضي مسعود ، دامت ميامن ايامه! والشيخ الاعظم المتوحد المتفرد

معيد الطاعة(?) ، خلف اعظم المشايخ، تاج الملة والدين ، محمود شاه بن

الشيخ الرباني، والنحرير الصمداني، تقى الدين دارا ليزدى، رحم السلف

و ابقى الخلف ! فهؤلاء المخدرات و المذكور اسمه قبل، مشتركون في

توليتهما . والنائب المولى المعظم والمرضى الاعظم جمال الملة والدين

الحسن المذكور ، يتصرف في موقوفاتهما بحسب النيابة من جهتهن ،

كما بيناها . و ان مات واحد من الامامين الاعظمين ، فالتالى يقوم

بمنصب نفسه ، و الى واحد من التصرف و المدخل ، فالباقي مستبد

بالتصرف مع شركائه . و ان ماتا ورحيا(?) ، فخليفة السعيد تقى الدين

دارا رحمه الله تعالى يكون قائما مقامهما ، بشرط عفقه و صلاحه و ر شده

و سدا ده .

و اما في اوقاف المدرسة والخانقاه و دارالسيادة و سائر البقاع

المتصلة بعض ذلك ببعض ، المنتسبة الى المولى الاعظم الواقف المشار اليه

باصناف البر والنعم ، الموفق من عند الله بما فعل ، و هو الذى فعل ما

فعل ، جعل الله ايامه و لياليه مطايا الى آماله و امانيه ! التى بناها و

٥

١٠

١٥

٢٠

- انشأها بصحراء بلدة يزبدظاها؛ فالتولية فيها بعد المولى الاعظم الواقف،
تطول حيوته ! و بعد ابنائه و ابناء ابنائه ، كما مر ، يكون بين البنات
الموجودة والبنات ان تعددن ، والاخذ المذكورات ، و بين مولانا الشيخ
الامام الفاضل الكامل ، ملك الائمة عفيف الملة والدين ، محمد بن الشيخ
الامام الحافظ الرباني ، قدوة المقربين ناصح الخلائق اجمعين ، تقى الدين ٥
محمد بن ابي بكر بن يعقوب ، دامت بر كته ! و بين مولانا الصدر الامام
المعظم ، ملك الائمة والصدور والعلماء ، جمال الملة والدين محمود بن
الصدر السعيد ، الحاج شمس الدين محمد شاه الاردستاني ، دامت معاليه !
و كل واحد منهما مستبد ومستقل في التصرف فيها بموجب شروط الواقف ،
مد الله ظلاله ! فان غاب منهما واحد ، واعرض عن التصرف بسبب من الاسباب ، ١٠
فالآخر الحاضر يتصرف فيها مع شركائه . و ان كان المفوض قد شرع فيها
اولا وغاب بسبب من الاسباب ، فيضيف نائبا من جهته في مدة غيبته ليقوم
بما هو وظيفته . ويتصرف النائب مع الشركاء المنصوص عليهم في الاوقاف
و ان اجاب احدهما داعي الحق ، فالباقي في منزلة العافي التصرف . و
ان توفتا و تجرعا كاس المنية ، فواحد من اولاد جد الواقف المرتضى ١٥
الاعظم السعيد قوام الملة والدين محمد ، طاب ثراه ! المذكور مرارا ،
الذي ينتسب اليه بمحض الذكورة ويكون موصوفا بنعوت الديانة والامانة
مشهورا بالعقل والفطنة ؛ يكون شريكا مع المتوليات من الاصول والفروع
المذكورين و يطلع على متصرفاتهن .
- و اما في موقوفات الرباط المعروف بنهگبند ، و اذا انتهى ٢٠
استحقاق التولية الى البنات والبنات ان تعددن والاخذ ، فالتولية مشتركة
بينهن ، و بين الصدر الامام ملك القضاة والائمة فخر الدين احمد بن سراج ،

دام فضله ! ليقوم هو مع النائب المشار اليه ، بمصالح العمارة و عمارة الرقبات ، وسائر مايحتاج اليه امر الموقوفات ، بموجب الشروط المنصوصة ، ليصرفان منافعها في الوجوه المعينة في كتاب الوقفية ، و هو شريكهن مادام في حيوته . وبعده يكون لاولاده الذكور المتصفين بصفات التولية من الصلاح والسادات والدين بشعار الشرع المحمدي . وان لم يكن له ولد او كان ولم يكن موصوفا بالصفات المذكورة ، فالشركة منوطة برأى الشيخ المشار اليه ينصبه منوبا ، و هو يكون منعوتا بالعقل والديانة ، مترديا برداء التقوى والصيانة ، منعوتا بنعوت اهل الكمال .

واما في الموقوفات التي وقفها على العتقاء المذكورين في كتاب الوقفية المحررة لهذه الحجة ، فالتولية فيها مفوضة الى الامير فخر الدين مباركشاه ، و سيف الدين مغلتاي ، ليقوما بهذه المصلحة ، من الاخذ والاعطاء ، و استيفاء محصولاتها ، و كفاية اموالها ، و استزادة غلاتها ، وسائر متمماتها ومكملاتها ، مما هو من وظائف المتولين ، حسبما نص الواقف عليه في كتابه ، و تقسيمها على اربابه . و كذا في استيفاء ما عين الواقف المولى الاعظم ، لازال مصر عمره عامرا ، وعمر خصمه قاصرا !
للعتقاء المذكورين في غير هذه الحجة ، و رتبها لهم من سائر خيراته ، بقيت مدى الايام ! فهما متوليان حاكمان لهذا الامر .

والنظارة في هذه الجهة المشروحة لبوقا ، وهو واحد من عتقائه . فان توفي احد المتولين المذكورين فالآخر الباقي ، و بوقا الناظر يقومان بالتولية . وبوقا الناظر يترقى من النظارة الى التولية ، والحالة هذه فالنظارة مفوضة الى قتلغشاه ، وهو ايضا واحد [من] عتقائه . فهؤلاء العتقاء المذكورون هم المتصرفون لهذه الجهات .

و شرط الواقف، عز نصره ! ان محصولات اوقاف هذه الجهة ، من ريع الاملاك والضيايع ، و حاصل الادارات الموقوفة عليها ، المجراة في الدفاتر الديوانية ، تعالى اسمه ! يكون في ايدي هذين المتولين المسميين فيه ، يستوفيان هذه الاموال ، و يصرفانها في المصارف التي عينها المولى الواقف ، زيد قدره ! على مستحقيها بشروطه و رسومه .

و شرط المقر الواقف ، اعز الله انصاره ! ان محصولات اوقاف هذه الجهة ، من ريع الاملاك ، والحاصل للادارات ، الموقوفة عليها المجراة في الدفاتر المذكور ، يجمعها المتوليان و الناظر ، كل سنة في خزانة ابواب الخير ، التي بناها في صحراء بلدة يزد ، السابقة ذكرها في الفصل السابق ، و يقسمونها على مستحقيها ، بموجب نصه ، و شرط في كتابه ١٠ بلا زيادة و نقصان كل سنة مرتين .

و الشرط في هذه الجهة و في استحقاق العتقاء الموقوف عليهم من المتولين و الناظر وسائر العتقاء ، ان يجتنبوا من المنهيات في الشرع و يحترزوا عما حرم الله تعالى من شرب الخمر و النبيذ وسائر المسكرات . فمن ارتكب كبيرة من هذه المخمرات . فقد باء بغضب من الله تعالى ، و بطل ١٥ استحقاقه من الوقفية ، و لا يعطى مما عينه الواقف شيئاً . و ان ارتكبه المتولى و الناظر فانهم ايضاً معزولون من منصبهم ، بسبب ارتكاب هذه الجريمة . فان تاب و رجع الى الله سبحانه و تعالى و آب الى الحالة الاولى من الصلاح و السداد ، فقد رجع استحقاقه ، و يعود ولايته و حقه .

و ليس لواحد من اولاد الواقف ، عز نصره ! و اولاد اولادهم ٢٠ سوى الذكور من اولاده المدين بمحض [الذكور] ، فان لهم الامر و النهي مطلقاً ، و لا قاربه ، و لا للنظارة المنصوبين للجهات ، و لا للمتولين

والمتولیات ، ان يتعرضوا لهذه الجهة ، او يداخلوا فيه ، ويزاحمو ارباب هذه الجهة ، و المتولين والناظرين و ساير الموقوف عليهم ، و يعارضوهم و يطالبوهم بالحسابات والرفع ، و غير ذلك من انواع الاعتراض فى المؤاخذات .

نعم قدر تب المولى الاعظم الواقف ، زيد قدره ! القاضى الامام العالم الفاضل ، ملك الائمة المتورعين ، قوام الملة والدين ، مسعود بن محمود بن ابي جعفر الجهار ديهى ، دامت فضائله ! ليكون مشرفا فى هذه الجهة ، يقوم مع المتولين والناظر بمصالح هذه الوقفية .

و ان مات واحد من المتولين المذكورين ، فالقاضى الامام الكبير قوام الدين مسعود . فالمتولى من كان من الموقوف عليهم المذكورين فى كتابه ، موصوفاً بصفة الديانة ، منعوتاً بنعت العدالة والامانة ، و سائر الشرايط لهذه الجهة المذكورة فى كتابه .

و اما فى وقف الخانقاه التى انشاها فى بلدة ابرقوه ، و قد وقف عليها املا كامعينة حسبما دل عليه كتابه ، فالتولية فيها بعد الواقف ، قبلت حسناته ! و ابناه المذكورين ، كما مر مشتركة بين البنت الموجودة ، والاخت ، و بين المولى المرتضى الاعظم ، ملك ملوك القضاة والحكام ، مبین الحلال والحرام ، افتخار العترة الطاهرة ، صدر الملة والدين مجتبى ابن المولى المرتضى الاعظم السعيد ، قوام الملة والدين المهنى الحسينى ، يديم الله ظله ! ليقوم هو بنفسه ، والنائب المذكور من جهة البنت والاخت ، و هو السيد المولى المعظم ، المرتضى الاعظم ، جمال الملة والدين الحسن المذكور ، دامت معاليه ! بمصالح اوقافه ، بموجب الشروط المنصوصة فى كتاب الوقفية .

واما في وقف دارالحديث التي انشأها في مدينة كازرون ، التي هي من متممات خيراته ومكملات مبراته ، تقبل الله الكريم منه حسناته ! فالتولية مفوضة الى الشيخ الامام الاعظم ، المقتدى الرباني الصمداني ، شيخ الاسلام ، عمدة السالكين ، قدرة العارفين ، بقية اكابر السلف ، امين الملة والدين على الكازروني ، اعاد الله بر كته ! ليقوم بمصالحها بموجب الشروط المعينة في كتاب الوقفية المنصوصة ، من جهة المولى الاعظم الواقف ، عز نصره ! وبعده الى اخيه شيخ الاسلام المعظم ، قدوة مشائخ الاسلام ، شمس الملة والدين محمد . وبعد هما الى شيخ وخليفة يكون في البلدة المذكورة ، مشاراً اليه بالتقدم والشيخوخة ، على راس التربة المقدسة للشيخ الاعظم ، سلطان مشايخ الاسلام ، قطب الاوتاد ، ١٠ سر الله بين العباد ، مظهر الايات السبحانية ، ابي اسحق ابراهيم بن شهریار الكازروني ، قدس الله روحه العزيز ! ويكون متصدياً لامور البقعة و مرجعاً اليه .

ولما انتهت التولية في الاوقاف العامة التي انشأها في مدينة يزد الى البنت والاخت وجماعة السادات فالنظاره في الجميع منوطة ١٥ برأى المولى المعظم المرتضى الاعظم ، اقضى القضاة والحكام ، صدر- الملة والدين مجتبی ، دام ظله ! بشركة سيد جليل فاطمی من اولاد جدالواقف ، المولى المرتضى الاعظم السعيد ، قوام الملة والدين محمد ، الذى سيعينه المولى الواقف ، بمحض ذكور اولاده ، بشرط كونه منعوتا بنعوت العقل والديانة والرشد والتدبير . ٢٠

وعلى هذا التقدير منصب الاشراف مفوض الى المولى المعظم ، المقتدى الاعظم الاعدل الاعلم ، ملك ملوك القضاة والحكام ، مفخر ايران ،

شرف الملة والدين على بن مولانا صاحب الاعظم ، ملك ملوك الوزراء كهف الوري، انسب اعظم الزمان ، ضياء الملة والدين الحسين بن الرضى ، يديم الله معاليهما ! والسيد المولى المعظم جمال الملة والدين الحسن النائب المذكور فيه بالمشاركة والمناصفة .

و ان لم يبق واحد من اولاد المولى الاعظم الواقف ، قوى الله ظهره بوجودهم ! من المذكور والاناث ، فالتولية مشتركة بين اخته الخاتون السبجلة ، المولاة المفخمة المذكورة ، زيدت رفعتها ! ان كانت باقية ، و بين ذكور اولاد بنت الواقف ، و اولاد اولادها و الارشد فالارشد ، والاورع فالاورع ، وحيثئذ يفوض نيابتهم الى النائب المذكور ، الى المولى السيد المعظم جمال الملة والدين ، الحسن ، بلا مساهمة ومشاركة .

وهو يقوم بنيابة الاخت والاولاد الموصوفين فى تلك الدرجة ، ويتصرف فى الموقوفات كلها ، بشر كه السادات والصدور ، السابق ذكرهم . و كل واحد مذكور فى منصبه و رتبته ، وليس لواحد ولاية عزله . فان ماتت الاخت ، يطول حيوتها و بقائها ! فالتولية فى الجميع لذكور اولاد الاناث المدلين باثاث (?) اولاده وبناته بدرجة او اكثر وان سفلت ، بشرط كونهم منعوتين بنعوت الكمال ، موصوفين بصفات الديانة و سداد الاحوال ، بشركة المولى الاعظم ، اقضى القضاة والحكام ، شرف الملة والدين والمولى المعظم جمال الملة الحسن النائب المذكور ، وبشركة الجماعة المذكورين فى واحدة من البقاع .

و النظارة على هذا التقدير منوطة بنظر المولى الامام المعظم ، ملك الائمة ، غفيف الدين محمد ، ومولانا الامام الاكرم جمال الدين محمود ، المذكورين ، فى صورة لا ينتهى التولية اليها ، وسيد فاطمى

جليل القدر من اولاد جدالواقف ، المولى الاعظم ، قوام الملة والدين محمد ، طاب ثراه ! المدلى بمحض الذكور ، دون الاناث ، المتصف بصفات الامجاد ، من الديانة والعقل والرشاد .

وان لم يكن ذكور بنات الواقف احد ، او كان ولم يتصف بالصفات
المعتبرة المنصوصة المبينة بكرات ، بل موصوفا بنقائضها ، والاخت
المذكورة لم يكن باقية ؛ فالتولية لاناث اولاد اولاد الواقف ، بشركة
المولى المعظم شرف الملة والدين على ، والمولى المعظم جمال الملة
و الدين الحسن النائب ، والسيد جمال الدين الحسن يصير مستقلا .

وان لم يبق من هذه الاصناف احد ، العياذ بالله ! والى الانقراض ،
اوبقى ولم يصلح لهذا الامر لاسرافه وتبذيره ، وعدم تدبيره ؛ فالتولية
العامة والحكومة المطلقة فى الاوقاف والموقوفات على اختلاف اصنافها ،
مفوضة براى شيخ مقدم متعين مشاراليه فى بلدة يزد ، حميت عن الافات
والعاهات ! ويكون هو اعظم مشايخ الاسلام فى البلدة موصوفا بالعصمة
والديانة ، منعوتا بالعفاف والامانة ، متبرءاً عن الاسراف والتبذير ، فائقا
بالراى والتدبير ، ويتفق اهل الحل والعقد فى البلدة بتقدمه و صلاحه
لهذه القضية الصمعاء (؟) والداهية الدهياء . فهذا الشيخ يتصرف فيها بشركة
واحد ، اى واحد من المنتمين الى المولى الاعظم الواقف ، مدالله ظلال
جلاله ! اى انتماء ، من الذكور والاناث ، متصفا بالصفات المسرودة ،
منعوتا بالنعوت المعقودة .

وعلى تقرير عدم وجود هذا المسمى الواقف (!) ، يكون بشركة
من انتسب الى جده المرتضى الاعظم السعيد ، قوام الملة والدين محمد ،
طاب ثراه ! سواكان انتسابه من الذكور والاناث ، بشرط اتصافه بالصفة

المعتبره للمتولين المذكورين .

وان اجمع في البلدة المذكورة جماعة من الكبار ، واتصفوا
بالصفات التي سردناها وتلوناها ، فهؤلاء المشايخ شركاء في التولية ،
والنظر فيها ، متصرفون فيها على سبيل الاجتماع والاتفاق ، تصرفايرتضيه
الرب ، سبحانه وتعالى !

هذا بيان التولية بالنسبة الى الموقوفات على البقاع والجهات
التي اخترعها و استحدثها المولى الاعظم الواقف ، عز نصره !

و اما تولية الصنف الاول من الموقوفات المسلمة على البقاع ،

التي استحدثها المولى الاعظم السعيد المولى الوالى الواقف ، قدس الله

روحه العزيز ! فرضه الى متولى المدرسة الركنية و ، له الامر والنهي

والحكومة المطلقة فيها استقلالا واستبدادا . وعين المولى الاعظم الواقف

المشاراليه ، زاد الله اقداره ! لمن هو مباشر لامر التولية ، عشر الحاصل .

و للمناظر والمشرف نصف العشر ، ونصيب المتوليات والنائب سوى نصيب

الشركاء الائمة ، كان منقسما بالاثلاث : الثلثان للمتوليات البنت

والبنات على تقدير تعدد هن ، والاخت بالسوية ؛ والثلث الباقي للنائب

لمولى المعظم المرتضى الاعظم ، جمال الملة والدين ، الحسن المذكور ،

و بعد هذا كله ، شرط المولى الاعظم الواقف ، قبلت حسناته ،

وزاد في معارج الجلال درجاته ! ان القضاة والولاة في بلدة يزد و

ونواحيها ، على اختلاف طبقاتهم لا يدخلون في هذه الوقفيات ، لا

بالتولية ، ولا باشراف ، ولا بوجه من وجوه الحكومة ، و مداخل القضاة

و مراسم الولاة ، اللهم الا [ان] كان القاضى الحاكم من المنصوص عليهم ،

فان له الولاية حسبما نص فيه وعليه ، لامن جهة الحكومة . والشغل

٥

١٠

١٥

٢٠

العارض لا يبطل حقه الذى نص عليه الواقف .

و فى الجملة حرم على القضاة و الحكام عموماً ، و حكام الوقف خصوصاً ، و غيرهم ممن كان له تصرف او مدخل فى الاوقاف العامة ، و لا يطالبون المتولين و الابناء المتصرفين المذكورين ، بالحساب و الرفع و المصارف و المداخل .

٥

فمن سعى فى ابطال هذا الوقف ، الامر العظيم ، و الخطب الجسيم ، او غير شرطاً من شروطه ، او حرّف حرفاً من حروفه ، او بدّل رسماً من رسومه ، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين ، لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ، فماربحت تجارتهم و ما كانوا مهتدين ، و جعلهم من الاخسرين اعمالاً ، الذين ضل سعيهم فى الحياة الدنيا ، و هم يحسبون انهم يحسنون صنعا ، و يجي يوم القيمة على رؤس الاشهاد مكتوب بين عينيه : آيس من رحمة الله تعالى . و اجر المولى الاعظم الواقف المشار اليه ، كثر الله اجوره ، و قرن بالصلاح اموره ! على الذى لا يصيح اجر المحسنين .

و لما اتفق تحرير هذا الكتاب المبارك ، الدال على الموقوفات

المخصصة بالجهات المعنية ، على الوجه المشروح قبل ، و قد وقف ١٥ المولى الاعظم الواقف ، اعز الله بيمن دولته الدين و الدنيا ! املا كما آخر ، يشترك فيها اولاد الواقف و اقاربه و العتقاء و الجهات التى سقصلها بعد ذلك ؛ و جب علينا التعريض لبيان تلك الموقوفات و مصارفها و مستحقّيها . فنقول جميع ما وقف على الاولاد و الاقارب ، و على العتقاء ، و الجهات

المفصلة عقيباً ، من الاملاك الثابتة فى ملكية المخدم المولى الاعظم ٢٠ الاعدل الواقف ، اعلى الله شأنه ! حالة الوقف ، المستقرة فى قيد حقيقته ، المعراة عن شايبة ملكية الغير و حقيقته ، و هو :

جميع الباغ الكبير الواقع في صحراء بلدة يزد ، في موضع يدعى بدسكرة تفت و نصیری ، من الدساكر المعروفة بين ملاكها و املاكها ، في سكة معروفة بباغ موفق ، و ذلك مشهور بباغ ساباط کیا ، بسطه اربعة اجربة و اربعة اقفرة و خمسة اكف ، بمساحة بلدة يزد . و الجريب عبارة عن فنجان ، و الفنجان معبر عن عشرة اقفرة . و هذا الباغ كان قبل ذلك ثلث باغات : يقال لواحد ساباط کیا ، والاخر ساباط اتابکی ، والثالث ساباط محیی الدینی . فامر المملك ، اعز الله نصره ! برفع الجدران عن بينها ، فصار باغا كبيرا ، وبهذا الاسم مستغن عن الحد ، لغاية الشهرة و الوصف ، لغاية المعرفة .

و جميع الباغ الاخر الواقع في صحراء البلدة المشار اليها في الدسكرة المذكورة هذه ، في موضع [يقال] لها باب محمده ، و ذاك متعارف بباغ رشیدی ، بسطه جريبان اثنان و ثلثة اقفرة ، بمساحة املاك البلدة ، محدود الى الطريق ، و الى باغ موقوف على خانقاه المرحوم بهاء الدين محمد كرد ، و المسيل ، و بحد باغ بيدعلي الرازی ، و الوادی ، و بحد باغ بيد الحسن بن محمد العلاف ، و بحد الطريق و المدخل .

و جميع الباغ و الواقع ايضاً في الدسكرة المذكورة في باب المحمده ، المشهورة بباغ ابو علي و ملكا ، بسطه جريبان اثنان و ثلثة اكف و نصف كف ، ينتهي حدوده الاربعة الى باغ لعلي الرازی ، و الى باغ لمحمد بن الحسن فيروز ، و الى باغ لمحمد بن ابي بكر بن عمر ، و الى باغ سراسی .

و جميع الباغين المتصلين احدهما بالآخر ، فالاول مسمى بباغ صاين ، و ذلك مشجر و براح ، والثاني معروف بباغ ساسا ، و ذاك براح ،

بسطها جريبان اثنان وسبعة اقفرة واربعة اكف وثلاثة وعشرون فشيزا،
مع الحجرة والبناء الساقط والدرب الواقع بباغ صاين . فحدّ الباغ الاول
ينتهى الى باغ لمحمد بن محمد بن محمود و باغ صاين ، والى الطريق،
والى باغ لجلال الدين محمد شاه جلال، والى الخواجه صدرالدين اصيل
و الشريك .

٥

و جميع الباغ الواقع ايضاً فى صحرائها فى الدسكرة المشهورة
المعروف بباغ بزرگان مطرب، بسطه جريبان اثنان وثلاثة اقفرة واربعة
اكف ، بالمساحة المبينة، المحدود الى باغ لمحمد بن عادل بوقا، و باغ
لعلى الدلال، والى باغ لمحمود الميبدى، والى باغ لعبدالحليم المعارى،
والى الشارع المدعو بساباط الذى جرى ذكره .

١٠

و جميع الباغ الواقع فى صحرائها فى دسكرة تفت و نصيرى ،
بموضع يعزى سر كوچه باغ موفق، ومشجر ومكروم معروف بباغ حبيب
رئيس الدينى ، مع الدرب و الابنية الواقعتين فيها ، بسطه سبعة اقفرة و
سبعة و اربعين فشيزاً ، بالمساحة المعينة ، حدوده ينتهى الى باغ بيد
المولى الاعظم الواقف ، عز نصره ! من الجانبين ، والى باغ مس، والى
باغ بيد عليشاه الدامغانى .

١٥

و جميع الباغ الاخر الواقع فى تلك الصحراء فى الدسكرة
المذكورة ، فى سكة گورستان ، بقرب سر كوچه بهروك ، بحد باغ
للمولى الاعظم الواقف ، زيد قدره ! و بحد باغ للشيخ عبدالغفار البارابى،
و بحد باغ لشمس الدين ابى بكر شاه بن محمد بن عبدالقادر البزاز ،
و المدخل من الشارع ، بسطه قفيزان اثنان ، وخمسة اكف و ثلاثة و
خمسون فشيزا ، المشهور بباغ سيد ابى طاهر .

٢٠

و جميع الباغ الواقع فى الصحراء المذكورة ايضاً فى الدسكرة المعينة فى باب المحمدة المشهور بباغ رز ، بحد الحاج محمود بن محمد بن الحسن و شركائه ، و بحد باغ لمحمد بن ابى بكر الابرندي ابادى و شركائه ، و بحد الطريق والشارع من الجانبين ، بسطه احد عشر فيمانا و خمسة اقفزة . ٥

و جميع الباغ الواقع فى صحرائها فى الدسكرة المعينة ، الساقط فى سكة يقرى ببهرؤك الساح كله ، و هو المفرز من الباغ الكبير المشهور بظهير شاهى ، و ذاك معروف بحدود الى باغ للمولى الاعظم الواقف من الجانبين ، والى المفرز منه ، والى باغ لعلى الخويد كى و شريكه ، بسطه اربعة اقفزة و كفان اثنان ، بمساحة املاك البلدة . ١٠

و جميع السباغ الواقع فى صحراء البلدة المذكور فى موضع متعارف بدسكرة تفت و نصيرى ، فى موضع يدعى بسكة باغ موفق ، و ذاك مشهور بباغ على عمروك ، و حدود ينتهى الى باغ للمولى الاعظم الواقف مد ظله ! منا لجانبين ، والى الشارع و المدخل ، بسطه خمسة اقفزة و كفان و عشرة افشرة . ١٥

و جميع الباغ الواقع فى الدسكرة المذكورة المشهور بباغ هندل بحد الطريق ، و بحد باغ وقفى ، و بحد باغ لمولانا المعظم جمال الملة و الدين محمد بن اللطيف ، و بحد باغ للمصاحب المعظم عمدة الوزراء مجد الدولة و الدين الحسين ، لازال معظما ! بسطه جريب واحد و اربعة اقفزة و ثلثة اكف . ٢٠

و جميع الباغ الاخر الواقع فى صحراء البلدة فى الدسكرة المعينة المسطورة ، وذلك مشهور بباغ محمد بن على بن محمود ، منتبهة

حدوده الى الطريق من الجانبين ، والى الطاحونة المشهورة بترساى و
 ظهرها ، وبسطه ثمانية اقفة و كف واحد ، بمساحة البلدة المذكورة .
 و جميع الباغ الواقع فى الصحراء المذكورة من الدسكرة
 المعينة ، و ذلك متعارف بباغ كافى ، محدد الى بستان الحاجى العصار ،
 والى بستان لمولانا جمال الدين بن اللطيف ، والى بستان لمحمود بن
 الحاجى ، و الطريق ، و بسطه سبعة اقفة و خمسة اكف ، بمساحة
 البلدة .

و جميع سهم واحد شائع فى تسعة اسهم ، هى اصل سهام المياه
 الجبلية ، التى يقال لها باصطلاح ارباب يزد مذوار ، فمنبعها صحراء
 قسبة مهريجرد ، و مظهرها و مصب مائها الى اراضى دسكرة مهريادين ،
 ١٠ من حومة البلدة المشار اليها .

و جميع الخان الواقع فى المصلى العتيق ، الساقط جنب المسجد
 الجامع ، الذى بناه خارج البلدة المولى الاعظم صاحب المرتضى الاعلى
 العلم السعيد ، بانى الخيرات و المبرات فى زمانه ، ركن الملة و الحق
 و الدين محمد ، والد الواقف المخدم المولى الاعظم ، زاد الله تعالى
 ١٥ قدره ! و هو متعارف باستحداث المولى الواقف .

و جميع الحانوت الواقع باب الخان المذكور المعروف بخباز-
 خانه ، و بذلك الاسم قد استغنى عن التحديد و التوصيف للاشتهار التام .
 و جميع الباغ ، المشجر الاخر الواقع فى صحراء البلدة ، فى موضع
 منسوب بدسكرة دهاباد من دساكر الحومة ، و ذلك مشهور بحوض خانه
 ٢٠ غياثى ، مع الحجرة و البناء المتصل به ، بحد باغ لسعد بن محمد [بن] الحسين ،
 و بحد باغ لشرف الدين رشيد با حرب و شريكه ، و بحد الطريق و المدخل

اليه ، بسطه ستة اقفزة و اربعة اكف و اربعة و خمسون فشير ، بمساحة البلدة المذكورة مرادا .

و جميع الربع و الثمن الكامل من القناة المسماة بقناة تاجاباد فراشاه ، وهي مستغنية بين ارباب البلدة وملاكها عن التعريف والتوصيف .
و جميع السدس و الطسوج من القناة المسماة بقناة نوتقت .

و جميع نصف وسدس قناة يقال لها محمود آباد شاهي ، وهما قناتان من قنوات حومة البلدة ، منبعهما قرية تفت و فراشاه ، و يجريان مع القنوات المشهورة بتفت و نصيرى .

و جميع النصف الشايع من القناة المذكور بقناة كوچه عباسي ، منبعها حوالى قرية ابرند آباد ، و يجرى ماؤها الى دسكرة تفت و نصيرى .

و جميع مأتى سهم شايعة فى جماعة اثني عشر الف سهم و سبعمائة سهم و اربعين سهم ، هي اصل سهام قناة مرياباد ، ومثل ذلك من قناة سمن .
و جميع مأتى سهم و اثنين و سبعين سهم ، شايعة فى جملة ستة عشر الف سهم و خمسمائة سهم و عشرة اسهم ، هي اصل سهام قناة با دين الجديدة .

و جميع مائة سهم و ستة و اربعين سهم ، فى جملة اربعة عشر الف سهم و اربعين سهم ، هي اصل سهام قناة يعقوبى من قنوات حومة البلدة .
و جميع الف سهم و اربعمائة سهم شائعين فى جملة اربعة عشر الف سهم و اربعين سهم ، هي اصل سهام قناة الخليلي . و تلك القناة ايضا من قنى حومة البلدة المذكورة .

و جميع ثمانية سهم و خمسة وعشرين سهم من جملة ستة عشر الف سهم و تسعمائة سهم و ستة ثمانين سهم و ثلثي سهم ، هي اصل سهام قناة

فراشان من اعمال قهستان يزد .

و جميع الباغ فى دسكرة ماء القناة الجديدة من حومة البلدة ،
و هو باغ مشهور بباغ جلال ، مع البناء و الدار ، محدود الى باغ موقوف
على جامع شهرستان ، و الى الطريق ، و باغ لمحمد بن ابى سعد النداف ،
و باغ لبهاء الدين القلانسي ، و الى دار لحاجى سعيد الخباز . و بسطه ستة ٥
اقفة و كف واحد و خمسين فشيذا بمساحة البلدة .

و جميع الباع الواقع فى صحراء البلدة فى الدسكرة المعروفة
بيعقوبى ، و ذلك مشهور بباغ احمدك ، فى موضع پاى طاق ، بسطه جريب
واحد و ثمانية اقفة ، بالمساحة المذكورة ، المحدود الى الطريق
[و] الشارع ، و الى باغ للشيخ محمد اللواف ، و الى باغ الحاج ابى بكر ١٠
و الطريق .

و جميع الباغ الواقع فى صحراء البلدة فى دسكرة معروفة بكنشوية ،
المشهور بباغ پهلوان همدانى ، و حدوده منتبهة الى الصحراء من اربع
جوانب ، بسطه ثلاثة اقفة و خمسة اكف .

و جميع الخان و الباغچه المتصل احدهما بالآخر الواقعتين خارج ١٥
البلدة ، بقرب الدرب المدعو بقطريان ، فى موضع يدعى بدرخان سكه ،
حدودهما ينتهى الى الطريق ، و الى حانوت ، و باغ بيد محمد بن على
حسان من الجانيين ، و الى الطريق الذى منه المدخل .

و جميع الحانوت الواقع فى خارج البلدة فى موضع مسمى سرريك ،
و هو مشهور بحانوت صاحب المغفور تاج الدين محمود بن الكمال ، ٢٠
بحد حانوت لعلى فاخته ، و بحانوت الوقف ، و الطريق العام و الشارع
منه و المدخل .

و جميع الحانوت الواقع فى داخل البلدة ، فى وسط الدربين
المدعوين مهريجرد ، الساقط قرب دارالشفاء الصحبى ، بحد الطريق
والمدخل ، و بحد دارلمحفوظ رودتاب ، و بحدانوت لجمال الدين انربه .
و جميع الحانوت الواقع فى داخل بلدة فى راس سكة معروفة
كودسه ، بحدالنهر المدعو بزارج ، و ذلك من مستحدثات الصحاب
السعيد تاج الدين محمود بن الكمال .

و جميع الحانوت الواقع فى درب منسوب بقطريان المذكور
قبله ، خارج البلدة بحد الشارع والمدخل ، و بحد الطريق والمسجد ،
و بحدانوت لعلى بن انوشروان . فتلك الحوانيت بواسطة الانتساب الى
الصاحب المغفور تاج الدين محمود بن الكمال مستغنية عن المبالغة
فى الوصف .

و جميع اربعة حوانيت متصلات فى خارج البلدة ، فى موضع مسمى
سرريك ، حدودهما منتبهة الى مستراح نظام الدين عبدالقادر ابن
عليشاه البزاز ، والى الخان المدعو بكمال كاشى ، والى الطريق والمدخل
من الجانبين .

و جميع السوق الواقع فى خارج درب مهريجرد من دروب البلدة ،
مشهور ببازار مولانا الاعظم مجد الملة والدين ابى المكارم الرضى . و ذلك
مشمتمل على ثمانية عشر حانوتا ، وقد استغنى بهذا الانتساب عن نهايات
الاصاف .

و جميع الثلث الشايخ فى الطاحونة الدائرة بماء قنواة تفت و
نصيرى ، المشهور بطاحونة دولت آباد ، مع ما يضاف اليها من الحباد
والابنية وبميت الرحي وآلاتها الخشبية والحديدية .

وجميع الباغ في صحراء قرية ابرند آباد من قرى رستاق يزد ،
في موضع يدعى بسوك ، المعروف بباغ بهاء الدين الركنابادی ، بحدباغ
لسعد بن ابي طاهر ، و باغ لورثة محمد بن عمر عمويه ، و بباغ لسعيد
الابرقوهي ، و بكشخوانات بدرآباد .

و جميع النصف الشايح من الباغ الواقع في القرية المذكورة ٥
في موضع يبق نو ، بسط النصف المذكور تسعة اققرة ، المحدود الى
باغ الحسين بن المحسر ، و الى باغ لابي طاهر ابرقوهي ، و الى كشخوانات
بدرآباد ، و الى باغ لمحمود النجار .

و جميع ماتي سهم وعشرين سهماً ونصف و سدس سهم من جملة
عشر آلاف سهم ، هي اصل سهام قناتا قرية يقال لها بندرآباد ، و هي قرية ١٠
من قرى رستاق يزد ، و يعرف كل منها بجرة واحدة مستزادية .

و جميع المزرعة المشهور بشمسabad ، الواقعة في قرية بفرويه
من قرى ميبد من ناحية بلدة يزد ، فتلك من مستحدثات المولى
الاعظم الاعدل ، خلد الله عصره ! و بهذه الاسماء مستغنية عن الحدود و النعوت
و المبالغة في توصيفها و تعريفها . ١٥

و جميع ماتي سهم و سبعين سهماً من جملة سبعة آلاف سهم و ثلثة
وعشرين سهماً ، هي سهام قنوات قرية فهرج ، و هي قرية من قرى
ناحية مهرجرد من اعمال البلدة مراراً ، و يعرف كل سهم منها بطشت
شربى .

و جميع الاملاك و الحصص المنسوبة الى المولى المخدوم الاعظم ٢٠
الاعدل الواقف ، خلد الله ظلال جلاله ! في هذه القرية المسماة بفهرج
المذكورة قبله .

فمنها جميع الباغ المشهور ببستان زاغان ، بحد باغ لورثة المولى المرتضى الاعظم السعيد جمال الملة والدين ، محمد بن الغياث الحسينى . طاب ثراه ! وبباغ صاحب الاعلى ملك الوزراء كمال الملة والدين ابى المعالى ، دام معظما ! و بحد الاصطبل والخانقاه ، و بحد بستان لمحمد بن ... والطريق . ۵

ومنها جميع الباغ الواقع فيها المدعو بونصر ، وما يعرف مجموع ذلك بچهار صفه غياثى ، الساقطى محلة صالحان ، بحد الطريق والنهر الميضاة من الجانبين ، و بحد باغ بيد المولى الاعظم الواقف اعز الله نصره ! والخانقاه ، و بحد دار و باغ بايدى ورثة المرتضى السعيد جلال الدين محمد بن الغياث الحسينى ، و بحد الطريق . ۱۰

ومنها جميع الباغ الواقع ايضاً فى القرية المذكورة المشهور بباغ گرمابه ، فى سكة مسماة بروز نهان ، بحد الطريق ، و بحد النهر الميضاة ، و بحد باغ بيد الواقف ، عظم الله قدره ! والشارع .

ومنها جميع الباغ الواقع فى موضع يدعى باغ هرون مشهور بباغ خراسان، بحد النهر، و باغ لورثة محمود بن احمد و شر كائه ، و بحد باغ لورثة محمود بن الحسن دلك و شر كائه ، و بحد باغ سرنان و بحد الطريق، بسطه ستة عشر قفيز او كف واحد . ۱۵

ومنها جميع الباغ الواقع فى صحرائها ، وهو ساذج فى موضع بردوك، معروف بباغ محمود كافى، بحد النهر الميضاة والطريق ، و بحد باغ بيد محمود بن محمد بن احمد ، و بحد باغ بايدى ورثة الصدر شمس عبد الصمد بن المحب ، والطريق والمدخل . ۲۰

ومنها جميع الباغ الواقع فى صحراء القرية ، فى موضع يدعى

تغار، وهو مشجر محدود الى الطريق والنهر، والى باغ على بن مردود،
والصحراء والى الطريق .

ومنها جميع الباغ الواقع فى صحرائها المعروف بباغ سهربر،
بجد الطريق و النهر الميضاة، و بجد باغ الخواجه كافور الشمسى
الموردينى، و بجد باغ المولى الاعظم الواقف، عز نصره ! و الطريق .
و منها جميع الفروند الواقع فى صحرائها فى موضع سرريك
مدعو بناسورى، بجد باغ بيد محمد بن محفوظ والنهر الميضاة، و
بجد ارض للمرتضى السعيد جلال الدين محمد بن الغياث، و بباغ بيد
ابى عبدالله بن ابى الحسن بن ابى سعد، والطريق الذى منه المدخل .

و منها جميع المفردة الواقعة فى صحرائها بموضع تدعى
دهوك، بجد الشارع، و بباغ محمود بن محمد بنجير، و بجد ارض
موقوفة على الرباط، و الطريق، و منه المدخل .

و منها جميع الارض التى قد وقعت فى صحرائها مدعوة ايضا
سرريك و حفرة سليمانى، بجد النهر الميضاة و الطريق، و بارض بيد
مسعود بن محمود المقدم، و بارض الصدر الرئيس شمس الدين محمد كيا،
و بارض ورثة المرتضى المغفور جلال الدين محمد بن الغياث، والطريق
والمدخل .

ومنها جميع الارض الواقعة فى صحرائها بموضع يدعى حوسلوک
بجد النهر الميضاة والطريق .

ومنها جميع الباغ الساذج الواقع فى صحرائها ايضا فى موضع يدعى
کوچه بهلوک، و ذلك معرف بباغ محمد على، بجد [الطريق] العام
من الجانبين . و بجد باغ بايدى ورثة الصدر الماضى مهنـب الدين

محمد النوقی تعریفاً ، و بباغ معروف بباغ توت سیاه ، والطريق الذى منه المدخل و اليه .

و منها جميع الباغ الواقع فى تلك الصحراء ايضاً فى ذلك الموضع ، و هو براح سازج بحد الطريق العام و النهر الميضاة ، و باغ معروف بالوقف ، و بباغ بيد العميد المحترم نجم الدين محمود بن محمد ، و بباغ لورثة جمال الدين الحسين الرصد ، والطريق والمدخل .

و منها جميع [الباغ] الواقع فى اصحرائها و هو سازج بموضع سسان ، بقرب الباغ الجديد ، جميع الارض الواقع فى صحرائها بموضع يدعى كوجه ، بحد الطريق و النهر الميضاة ، و بنستان الشيخ محمد بن احمد الفهرجى ، و بحد باغ ، والطريق و منه المدخل . ۱۰

و منها جميع الباغ الواقع كذى فى صحرائها ، بموضع يدعى بسر كوجه ، بحد الطريق و النهر الميضاة ، و بنستان الشيخ محمد الفهرجى ، و بباغ لمحمد بن ابى بكر و ك ، و بارض لمحمد بن احمد بن حاجى ، و بالنهر الميضاة ، والطريق ، و منه المدخل .

و منها جميع الارض الواقعة فى صحرائها ، بموضع يدعى ابرقوه ، بحد النهر الميضاة ، و بارض محمد بن سعد بن المقدم الغورى ، و بارض المهتر شهاب الدين محمد بن عبد الكريم الطشتى و الطريق و النهر الميضاة و المدخل . ۱۵

و منها جميع الارض الواقعة فى صحرائها ، بموضع يدعى ابرقوه ، بحد النهر الميضاة ، و بارض محمد بن سعد الغورى يدعى ابن ديه ، المعروفة بباغ مرزبان ، بحد ارض ورثة محمد بن سعد بن مقدم ، و بكشخوان يدعى بر حرد اباد ، و بحد ارض معروفة بواز ظهبرى ، و بحد ۲۰

[ارض] بيدابش تكين الظهير شاهي ، و ارض بيد علي بن محمود الفهرجي ،
و بارض ورثة عفيف الدين المريابادي ، و ارض بايدى ورثة المرتضى
السعيد علاء الدين بن عز الدين العلوى ، و بارض محمود بن سعد ، و
الطريق و المدخل

و منها جميع الخان الواقع فيها ، بموضع يدعى سر كوچه
خشكباد ، بحد الطريق ، و دار ورثة عمر ابن اسحق ، و بباغ ورثة
المولى السعيد جلال الدين حيدر بن المولى السعيد فخر الدين عبد الباقي
الجليل ، و باغ لسيد شرف الاوجي .

و منها جميع الارض الواقعة ايضا فى صحراء ، بموضع يدعى
دوييد ، بسطها ثلاثة اجربة ، بحد كشيخوان المعروف و جرد اباد ، و بحد
الصحراء ، و بحد الوادى و النهر .

و منها جميع الباغ الواقع ايضا فى صحرائها ، بموضع اصل ناون
و جميع الباغ الواقع فى صحراء القرية المشهور بباغ قاضى مع
البناء المتصل به ، بحد باغ لمحمد بن موسى المقيم بتفت ، و بحد الشارع
المدعو بين ملاكها براسويه ، و بحد باغ اعلى بن محمود التفتى ، و
بحد الطريق

و جميع ثمان قطعات ارض واقعة فيها :

واحدة منها معرفة بارض كفروك ، بحد باغ مدعو بقاضى ، و بحد
ارض وقفية للمسجد ، و بحد باغ لعلى بن ابى شجاع ، و بحد النهر العام .
و ثانيها مدعوة بارض حوهلوك ، و بحد ارض لمولانا مجد الدينى ،
و بحد ارضه ، و بحد الطريق و المدخل منه .

و ثالثها مشهورة بارض پشت باغ ابى جعفر ، بحد النهر ، و ارض

الامير فخرالدين المامحي ، و بحد الطريق و النهر .

و رابعها بارض سلوك، بحدارض للامير كمال الدين الهادي والطريق.

و خامسها بارض كشيخوان بحد ارض الخواجه كمال الدينى .

و سادسها موت خان بحد ...

و سابعها معروفة بارض ديه محدودة الى

و ثامنها مسماء بارض پشت سوك حدودها منتهية الى

و جميع ستة اسهم من اصل ستة وثلثين سهما هي اصل سهام القرية المدعوة نهفته من قرى قهستان يزد ، مع توابعها و لواحقها من الباغات و الدور و البساتين و حصص القنوات و العيون و غير ذلك .

و جميع خمسة اسهم من جملة اربعة عشر سهما من اصل سهام ۱۰

المزرعة ، المدعو بچناروك ، الواقعة فى جوار مزرعة نهفته ، و هي من اعمال قهستان يزد ، و بهذه التسمية مستغنية عن التحديد و التوصيف .

و جميع احد عشر سهما من اصل اثني عشر سهما ، هي سهام جميع المزرعتين المحفورة احدهما بحفرة بالا ، والاخرى بحفرة زير ، من مزارع قرية تورانيشت ، و المزارع المذكورة مستغنية عن التحديد ۱۵ و التوصيف لشهرتها بتلك الناحية ، بتوابعها و مضافاتها و لواحقها .

و جميع اثني عشر سهما من جملة اربعة و عشرين سهما ، هي اصل سهام مزرعة فتح آباد الواقعة بقرب مدينة ميبد من نواحى يزد ، مع النصف الشايع من القناة المسماء بفتح آباد ، منبعها بين قريتي چهارديه ، و يقال لها ايضا خسرو پريز ، و قرية حملان ، و هي مستغنية ۲۰ عن الحد و الرسم و الوصف .

و جميع ثمانية عشرين سهما من جملة اثني و ثلثين سهما ، هي

اصل سهام مزرعة در دشت من مزارع توران پشت، من اعمال قهستان البلدة .
و جميع اربعة اسهم من جملة ستة اسهم هي اصل سهام مزرعة
نوره من مزارع توران پشت المسماة اعلاه .

و جميع المزرعة المشهورة بمزرعة شمسabad من مزارع قرية
خرانق من قرى بلدة يزد .

و جميع المزرعة المشهورة المتعارفه بمزرعة شمسabad من مزارع
قرية بنا محروسة من قرى قهستان البلدة .

و جميع ثلاثة اسهم و نصف سهم من جملة اثني عشر سهما هي اصل
سهام المزرعة المدعوة بشهاباد ، من مزارع قرية نصرabad من اعمال
قهستان المذكورة امامه .

و جميع المزرعة التي استحدثها المخدوم المولى الاعظم الاعدل
للاواقف ، مدالله عصره ! في قرية طيننج من قرى قهستان يزد ، المشهورة
بمزرعة شمسabad طيننج

و جميع النصف التام الشايخ في جملة المزرعة الواقعة في قهستان
يزد، من مزارع قرية سانيج، المدعوة بمزرعة سرحاني، في موضع درسعر،
و يجرى ماؤها في خلال مياه تفت ونصيرى الى دسكرة تفت ونصيرى .
و جميع الحصص الواقعة في قرية فراشاه من قرى قهستان يزد،
المنسوبة الى المولى الاعظم الاواقف ، عز نصره !

فمنها جميع اربعمائة سهم واثنين وعشرين سهما من اصل ستة الاف
سهم وسبعمائة سهم وستين سهما ، هي اصل سهام قناة القرية المذكورة .
ومنها جميع الباغ الواقع في صحراء القرية المذكورة المشهور
بباغ احل .

- و منها جميع الباغ الواقع فى صحرائها المسمى بباغ بن
 و منها جميع الباغ الواقع فيها المعروف بباغ پشت جوى .
 و منها جميع الباغ الواقع فيها المنسوبه بباغ غيران .
 و منها جميع الباغ الواقع فيها المشهور بباغ بوراه .
 و منها جميع الباغ الواقع فيها المعروف بباغ بن چنار . ۵
- و جميع الحصص المنسوبة الى المولى الاعظم الواقف ، عظم الله شأنه !
 الواقعة فى قرية مجومرد ، وهى واحده من قرى رستاق يزد ، المشتملة:
 على جميع باغ مشجر معروف بباغ شرف الدين دامكى ، بحد باغ
 لمحمد بن محمود بن ابى سعد ، و باغ موقوف على رباط مجومرد ، و
 بحد باغ للامام عز الدين يوسف بن المولى المعظم عماد الدين مسعود ، ۱۰
 و بحد النهر الميضاة ، و بحد الطريق و المدخل اليه .
- و على جميع باغ الواقع فى صحرائها ، مشهور بباغ ظهير شاهى ، و
 حدوده ينتهى الى طريق و بيق قنائة مجومرد ، و الى الصحراء و الرمل
 من جانبيين ، و الى بيق القنائة المذكورة .
- و على جميع الباغ الواقع فى صحرائها فى موضع کنار بيق ، بحد ۱۵
 ارض لورثة جمال الدين الحسين ، و بحد بستان بيد كمال الدين محمود
 شاه بن محمد بن ابى المعز ، و بحد الطريق .
- و على جميع باغ واقع فيها فى موضع تختة ابى سعدى ، بحد النهر ،
 و بحد ارض لكمال الدين محمود بن بن الحاجى و بحدى الطريق ،
 و بسطه قفيزان اثنان و كف واحد و فشيز واحد . ۲۰
- و [على] جميع قطعة ارض واقعة فى موضع تختة اردكان ، بحدى
 الطريق ، و بحد ارض الاردكانين ، و بحد الطريق ، و بسطه خمسة اقفة

و اربعة ا كف .

وعلى جميع باغ معروف باغ دىوسى، وبسطه ققيز واحد وثلاثة ا كف،
بحد باغ لورثة شمس الدين محمد بن ابى المعز ، و بحد النهر ، و ارض
موقوفة، و بحد باغ المولى الاعظم الواقف ، مد الله ظلال جلاله ! و بحد باغ
لورثة ابى سعد بن محمد بن احمد .

وعلى جميع باغ واقع فى صحرائها، فى موضع بالابحد الرمل من ثلث
جوانب ، بحد بيق القناة العتيقة والنهر الميضاة .

وعلى جميع الباغ الواقع فى صحرائها ، فى موضع بالابحد البيق ،
و بحد باغ بيد على بن محمد بن احمد ، و بحد باغ الشيخ محمود
شاه بن محمد بن محمد ، و بحد ارض بيد شمس الدين محمد بن جلال
الدين الحسن ، و الطريق والمدخل اليه .

و جميع باغ واقع فى موضع اهر ك ، بسطه ثلثة اقفة و ثلثة
ا كف ، بحد باغ بيد محمد بن احمد بن الرئيسى ، و بحد باغ لمحمد بن
الحاج ابى بكر ولا سعد بن محمد بكر وك ، والطريق والمدخل .

و جميع الحصص المنسوبة الى المولى المخدم الاعظم الاعدل
الواقف ، لازل قدر جلاله رفيعاً ! الواقعة فى قريه اشكد من قري رستاق
بلدة يزد ، وهى مشتملة .

على جميع ستين سهما شاي عافى اصل ثلثة الاف سهم ... هى اصل السهام
النهرية من القرية المذكورة المسماة قتاه حقدن ، ويعرف كل سهم بجرة
واحد فهرى .

وعلى جميع احد وخمسين سهما ونصف وربع سهم ، من جملة تسعة
الاف سهم ... هى اصل سهام القناة المذكورة ، و يعرف كل سهم منها

بجرة واحدة مستزادى .

وعلى جميع باغ كبير مشهور متعارف بانشاء المخدم الواقف اعز الله انصاره ! فى موضع غير انوك ، و بسطه ثلثة اجربة و اربعة اقفة و ثلثة اكف ، و منتهى حدوده جادة بلدة يزد ، و الى الطريق والمدخل اليه ، و الى باغ لعلى بن ابى بكر ، و باغ لمحمود الطحان ، و الى باغ لعلى عثمانوك .

و جميع الباغ الواقع فيها المشهور بباغ محمد بن محمود بن اسفيدوك ، و بحد باغ لعلى بن احمد ، و بحد باغ عمرانوك المذكور ، و باغ شرف الدين المطهر .

و جميع الباغ الواقع فيها المشهور بباغ ايوان ملكى ، بحد . . . ۱۰
و جميع الباغ الواقع المعروف بباغ شهدارى ، بحد باغ ايوان ملكى ، و بحد . . . بسطه ثلثة اقفة و خمسة اكف .

و جميع الباغ الواقع خلف الخان الذى استحدثه المولى الاعظم الواقف ، مد الله ايام دولته ! المشهور بباغ شمس الدينى ، بحد . . . ۱۵

و جميع الباغ الواقع فى صحرائها المشهور بباغ نو ، المعروف باستحداث الصدر السعيد المغفور تاج الدين محمود بن الكمال ، رحمه الله بحد الطريق ، والمدخل ، و بحد الطريق ، و بحد باغ لمحمد بن مسعود ، [و] بحد باغ لمحمد بن يوسف بن محمد ، و بحد باغ للمولى الواقف ، مد الله تعالى ايام دولته ! و بسطه جريب واحد ، و تسعة اقفة بمساحة بلدة

يزد ، محدودة الى . . . باجمع ما يضاف الى الجمل المذكورة ، و الاملاك ۲۰
المسطورة من القنى و الباغات و المزارع و الاراضى و البساتين و المحوطات و الطواحين ، و غير ذلك من الدور و المساكن و البقاع و الاماكن و

و البروج و الحصور و العیون و الاشجار و الابار و الانهار و البیادر
و القناطر و الغیاض و الغدران و الحیاض و المراعی و الحصار و الابنية
و الاقصية ،

و قفأً صحیاً شرعياً مؤبداً علی بنته و فلذة كبده المولاة المعظمة
المعصومة ، ملكة الملكات الطاهرات من اولاد المصطفی ، علیه افضل
الصلوات و اكمل التحیات ! عصمة الدنیا و الدین ، رفیعة الاسلام
و المرسلین ، ارسلان نسب خاتون ، ادام الله میامن عصمتها !

و علی من سیولد من المخدم المولی الاعظم الواقف عز نصره
ذكر اكان اوانشی ، ثم علی اولادهم و اولاد اولادهم ، بالترتیب بطنا بعد بطن
و نسلا بعد نسل ، ما توالدوا و تناسلوا ،

و علی حلیلته المولاة الالرفیعة السیدة العالمة المعصومة الحسنية
النسبية ، بضعة صنادید الموالی ، صفوة المعصومات من ذوی المناصب
و المعالی ، معزة الدین حميدة الاسلام و المسلمین ، فاطمة خاتون ، بنت
المولی المرتضی الاعظم السعید مولى ملوك النقباء و القضاة فی زمانه ،
رکن الملة و الدین محمد بن المولی السعید المرتضی الحمید ، قوام الملة
و الدین المهنی الحسینی ، ادام رفعتها !

و علی اقاربه و اولاد اخته و اولاد عمته الاتی اسمیهم الشریفة
و انسابهم الرفیعة ،

و علی عتقائه الاتراك الذین یأتی اسمهم عقیبه ،

و علی واحد من عتقاء والده ، طاب ثراه !

و علی البقاع التی اخترع المولی الواقف ماهیاتها ، و ادخل من
خارج فضاء صحراء العدم الی حیز الوجود ، و هی المدرسة ، و الخانقاه ،

و بیت الادویه، و دارالسیادة، و سائر ابواب البر الواقعة کلها فی خارج
بلدة یزد، فی موضع یقالها سر کوچه بهرک، و الرباطات الخمس
الموقوفة علی المسلمین عامة :

اولها واقعة فی قرية ابر نداداد، و هی قد سقطت بفرسخین من بلدة،
و ثانیها واقعة فی قرية مجو مرد و هی ساقطة فی اربع فراسخ،
و ثالثها فی قرية عقدافى تسعة عشر فرسخاً .

و رابعها سقطت فی واد غیر ذی زرع یقالها نه گنبد، و هی واقعة
فی تسعة و عشرين فرسخین مدينتی یزد و کاشان.
و خامسها فی قرية نیستانه من قرى مدينة نائین،

و علی الحرمین الشریفین المقدسین: حرم الله، تعالی ! مكة المشرفة،
شرفها الله تعالی ! و حرم رسوله النبى الخاتم محمد بن عبد الله ابى القاسم،
صلی الله علیه وسلم ! الطيبة المطیبة المدينة المعظمة، علی ان یكون بینهم
علی عشرين سهما بالتفصیل الذی یتى بعده، علی ان ما یحصل من
محاصلها و منافعها و مستقالاتها و ادخالها و اجرائها، لتكون ذلک
علی عشرين سهما، یدفع منها خمسة عشر سهما الی اولادهم العظام،
کثرهم الله تعالی ! ان اجتمع الذکر مع الانثی . و یكون ثلثة عشر سهما
للابن، ان کان واحداً او اکثر منه، و الباقی و هو سهران: اثنان للبنات المعطفة
المذكورة، دامت رفعتها ! ان كانت متوحدة، و الافهولها مع غیرها
من البنات الصلیبة .

و ان توفى کل واحدة من البنات، و للمخدوم المولى الاعظم الاعدل،
عز نصره ! ابن او ابن ابن و ان سفل؛ فحصتها بالتمام یعود الی الابن المذكور،
ثم الی الابن المفروض . و لیس لاولاد البنات فیها حق بوجه من الوجوه

ونوع من الانواع ، ولا مدخل لهم بسبب من الاسباب اصلا ورأساً .

فان لم يكن له ابن او واحد من نسل ذكور اولاده ؛ يدفع الى اولاد البنت نصف نصيب مورثها ، ذكر اكان او انثى ، ماتوا الدوا وتناسلوا ، بطناً بعد بطن والنصف الباقي يكون موقوفا على البقاع و الاربطة المذكورة عند انقطاع نسلها ، تعود حصتها الى بقاع الخير و ابواب البر المذكورة ٥ الواقعة في بلدة يزد ونائين ونواحيها ، حسبما شرحناها اعلاه .

و بعد انهدامها ، و العياذ بالله ! فيدفع الى الفقراء والمساكين العلويين وغيرهم . و يدفع منها سهم واحد الى حليلته المولاة المعظمة الرفيعة العالمة المطهرة المعصومة ، معزة الدين عصمة الاسلام ، فاطمة خاتون المسماة اعلاها ، مادامت خالية عن الزوج بعد استقرار الزوج ١٠ القدسي المولى المخدم الاعظم الى و كره الاصلى ، اطال الله بقاء دولته ! فان صارت ذات زوج ، فليس لها في ذلك حق بوجهما ، ولا نصيب منها اصلا .

و اذا توفت ومضت الى رحمة الله ، فليس لاولادها و اقاربها القريبة و البعيدة عن حصتهما حق في ذلك كذلك ، بوجه من الوجوه و سبب ١٥ من الاسباب ، و تعود حصتها الى مصالح بقاع الخير و ابواب البر المومى اليها امانة و بعد خراب تلك البقاع والا ما كن المذكورة و الياس عن اعادتها ، فالى الفقراء و المساكين العلويين وغيرهم عامة ، ويدفع منها سهم واحد الى اقاربه المذكورة : النصف التام الى اولاد اخی المولى المعظم الواقف ، زاد الله قدره ! وهما المولاتان المعظمتان الحسينيتان النسبستان ٢٠ الرفيعتان المعصومتان الملكتان الطاهرتان من اولاد الرسول ، القدوتان المعصومتان من احفاد المرتضى والبتول : ام اعظم القضاة و الحكام ،

خدیجة العهد والایام ، رفیعة الدنيا والدين ، فاطمه خاتون ، واسیة الوقت و مریم الزمان حميدة الدنيا والدين ، تناسان خاتون ، ابنتی المولی الاعظم السعيد ، قاضی قضات الاسلام ، صاحب الصدقات واضع الخیرات ، ركن الحق والدين محمد الحسینی ، دامت رفعتها ! الذکور والاناث علی السوۃ من غیر ترجیح و مزیة ، بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل .

و النصف الباقي الى اولاد عمیه المولی المرتضى الاعظم المعصوم زين العابدين الثانی ، ولی الله الوالی ، ملك ملوك النقباء ، ذی المعالی و المناقب قطب الملة والدين ، محیی مراسم آبائه الطاهرين علی ، و المولی المرتضى الاعظم المغفور ، و المجتبی الاعظم المبرور ، عز الملة والدين شرفشاه ، ابنی المولی الاعظم السعيد والوالی الحمید ، نقیب النقباء فی زمانه ، قطب اولیاء الله فی اوانه ، قوام الحق والدين محمد بن النظام الحسینی ، ادام الله ظلال الباقرین و طیب مراقدا الماضین ، ذکورا و اناثا ، بالترتیب ، و یكون البطن الاعلی مقدماً علی الاسفل .

و ان انقرض نسل کل واحد من المذکورین من اولاد اختیه و عمیه ، تعود حصّة من انقطع نسله الى مصالح البقاع المذکورة ،

و انقرض نسلهم جميعاً یعود السهم المذکور بتمامه الى البقاع المحدودة و ابواب البر المحدودة ، التي مرّت ذرّها مراراً . و بعد خرابها کلها و الیاس عن اعادتها ، فالی الفقراء و المساکین العلویین و غیرهم . و یدفع من السهام العشرین المدار علیها نصف سهم واحد الى عتقاء المخدوم المولی الاعظم الاحکم الاعدل ، عظم الله قدره ! الاثرک ، دون الخوادم و الهندیین ، و واحدة من عتقاء المولی الاعظم ، و هم الامیر سیف الدین مغلتای بن عبدالله ، و هو من عتقاء والده وحده ، و الا میر فخر الدین

مبارك شاه بن عبدالله ، و بعاى ، وقتلغشاه ، وسيورغاتمش ، و خسرو شاه ،
وارغون ، و طعاى ، وقتلغخواجه ، و طغانشاه . الغلمان ، وقتلغملك منكوحه
مغلناى ، و بقتنى التى كانت منكوحه قتلغشاه ، الذى قدتوفى قبل ذلك
وكان من عتقائه ، و اينجوهوى منكوحه طعاى ، وقتلغجه وهى منكوحه
قتلغشاه ، و اينجو وهى منكوحه خسرو شاه الخوارى . و بعدهم الى ٥
اولادهم و اولاد اولادهم بالترتيب ، ماتوا الدوا و تناسلوا .

فان انقرض نسل واحد منهم ، فيعود نصيبه و نصيب كلهم
عند انقطاع نسلهم جميعا الى مصالح البقاع التى مرّ ذكرها مراراً .

فان خربت البقاع و سائر ابواب البر المذكورة ، بحيث لا يمكن

اعادتها ، فالى عامة الفقراء و المساكين العلويين و غيرهم . ١٠

و يدفع منها نصف سهم واحد اخر من السهام العشرين الى مصالح

الحرمين الشريفين : حرم مكة المعظمة ، و حرم مدينة المشرفة ،
شرفهما الله تعالى ! و سدنتهما .

و يدفع منها سهران اثنان الى مصالح المدرسة ، و الخانقاه ، و بيت

الاودوية ، و دارالكتب ، و دارالسيادة ، التى قد قعت فى خارج بلدة يزد ١٥

فى راس سكة بهروك ، و الى لاربطة الخمسة الواقعة متفرقة فى ولايتها
المفصلة اعلاها .

وان انهدمت البقاع المذكورة و الاماكن المسطورة ، بحيث لا يمكن

اعادتها ؛ فيعود ما كان حصتها الى الفقراء و المساكين العلويين و غيرهم ،

المقيمين فى بلدة يزد و ولاياتها ، [الى] ان يرث الله الارض و من عليها ٢٠
وهو خير الوارثين .

و شرط الموالى الواقف ، اعلى الله [اياه] ! فى الوقفية هذه شروطا

مجملة و مفصلة :

فالاولى ان يبذل المتولى لامر هذه الوقفية مجهوده فى توفير منافعها و منالها ، و تكثير المحصولات والارتقاعات ، و مايؤل الى زيادة محاصيلها و ادخالها ، فيبدأ كل سنة مما يحصل من الموقوفات فى عماراتها الموجبة لابقاء الاصول ، و انماء الادخال ، من غير اسراف و تبذير ، بل يظهر آثار الكفاية والتدبير ،

وان لا يوجر سائر الموقوفات او بعضها بدون اجرة المثل ، ولا تباشر كذلك عقدا الاجارة الطويلة اصلا .

ولا يسرع فى عقد عقيب عقد ، لان اهمال هذه الوقفية بينهم . بل يوضع كل موضع على عشرين سهما شائعا ، حتى يتصرف كل واحد على حسب نصيبه و استحقيقه ، ولا يخصص الارتقاع عليهم قبل ادراكه .

ولا يعقد مع المتغلبين والمستاجرين ذوى الشوكة و التغلب من : حاكم البلدة ، وقاضيا ، ونقيب السادة ، وغيرهم .

ولا يعسر مع الموقوف عليهم على ما كان حصتهم من الارتقاع تقدمة وسلم . وان باعوا لم يصح بيعهم ، ولم يلتفت الى اقاربهم .

والثانية هكذا : شرط المولى الاعظم الاعدل الواقف ، خلد الله ايام دولته ! فى العتقاء الاتراك المذكورين ، و موقوفاتهم ، انهم ان اتصفوا بصفة السداد والعفاف ، ولا ارتكبوا شرب الخمر وسائر انواع المسكرات ابدا ، و ان كان له ابن او ابن ابن و ان سفل ، لزم عليهم ملازمتهم ، يواظب احد منهم بهذا الشرط . و [لو] لم يطاوع ذاك الامر والنهى ، فنصيبه يعود الى مصالح البقاع ، حتى الانابة الى التوبة و المواظبة على الملازمة .

و من شرايطه ان يكون نصيب كل واحد من الامير فخر الدين مبار كشاه بن عبدالله ، والحره الموقرة المكرمة المسماة بقتنى ، ماداما فى قيد الحيوه ، من الحصه التى يتعلق بالاتراك ، ضعف نصيب واحد منهم ، والباقى بينهم من الذكور والاناث ، على السواء . وبعد وفاتهما ، ارتفعت المزية بينهم بحيث يكون اولادهما معهم و مع اولادهم شركاء ، ٥ بالاترجيح و لاتييز . و اصولهم مع فروعهم و والدهم مع مولودهم فكذلك .

و شرط هكذى المولى الواقف ، اعلى الله شاناه ! فى الحصه التى يتعلق بالحرمين الشريفين ، شرفهما الله تعالى ! بان يدفع المتولى لهذا الامر مايحصل منها ، و يكون حصتهما ونصيبهما فى كل سنة ، الى نفس ١٠ امين متدين متوجهة الى زيارة بيت الله الحرام ، و تربة النبى الهاشمى ، عليه السلام ، من يزد او ابرقوه ، حتى يسلمها من غير مزية على السواء الى حاكم ام القرى مكة المشرفة و اميرها ، و امير الطيبة المعظمة و اليها و لايدفعه الى و كلاء اميرالحرمين الشريفين المتفرقين بالبلاد ، ولاعمر بافتحاهم(?) بالوصول ، ولابمعنى عقود اجاراتهم بالفروع والاصول ، ١٥ بل ياخذ المتوجه بافتحه (?) بوصول حقهما مشابهه ، و بوصولهما الى المتولى .

و هكذا شرط المخدم الواقف ، ادام الله ظلال جلاله ! فى الحصه التى تتعلق ببقاع الخير و ابواب البر المخصوصة ، فى الخوانق و المدارس والرباطات و دارالسيادة و بيت الاوية و دارالكتب ، ان يبتدأ ٢٠ المتولى لهذا الامر محصولاتها و ريعوها و منافعها ، الى عمارة البقاع ، ثم الى وظيفة المجاورين المواظبين على الوظائف المخصوصة بهم ، ثم

الى مصالح الضيف و الاطعام . و ما فضل عن ذلك يصرف الى مصالح
سائر البقاع ، الكائنة في بلدة يزد و نائين و نواحها ، حسبما مضى ذكره ،
و كما شرح في كتاب الوقفية ، و يراجع اليه البته ، و يتبع شرائطه ،
وقفاً شرعياً و شرطاً دينياً و صدقة جارية و عطية سارية مؤبدة مخلدة
دائمة نيله (؟) ، مشحونة بالشبوت و الخلود ، مقرونة بالدوام و الابد الى
يوم الموعود ، متصلة بالايجاب و القبول الشرعيين ، متفصلة عن الرد و
الرجوع المخالفين ، خالية عن النقص و الاضمحلال ، خاوية عن النقص
و الاخلال ، بحيثية لا يقع عليها شائبة التملك و الابتياح و الاتهاب و
الارتهان و التملك و غيرها من النواقض و المبطلات . بل قائمة على
اصولها ، محفوظة على شروطها ، مضبوطة على سبيلها ، الى ان يرث الله
الارض و من عليها و هو خير الوارثين .

و كذلك وقف المخدوم المولى الاعظم الواقف ، اعز الله انصار دولته!
على اولاده و اولاد اولاده ، على ما انفصله بعد ، املا كها .

فمنها جميع المزرعة التامة الكامله المدعوة بمزرعة درازه من
مزارع قرية تورانيشت من قرى بلدة يزد .

و جميع احد عشر سهماً من اصل اثني عشر سهماً من سهام
المزرتين المشهورة احديهما بمزرعة بوره ، والاخرى بمزرعة بيشوك ،
من مزارع قريه تورانيشت المذكورة . و المزارع المذكورة مستغنية
عن التحديد و التوصيف لشهرتها بتلك الناحية ، بتوابعها و مضافاتها و
لواحقها ، على بنته الخاتون المعظمة المشار اليها ، دامت رفعتها ! و على
من سيولد من اولاده ذكوراً او اناثاً ، ثم على اولادهم و اولاد اولادهم
بطناً بعد بطن ، يقدم البطن الاعلى على الاسفل ، بلامزية للذكر على -

الانثى، ما توالدوا وتناسلوا. وان انقطع، والعياذ بالله! نسله وعقبه فعلى المدرسة التى بناها والد المولى الاعظم الواقف المرتضى الاعظم السعيد ركن الحق والدين، طيب الله ثراه! داخل بلدة يزد بمحلة باب و سادة، ثم على الفقراء و المساكين .

و وقف و تصدق من اخلاص نيته و صدق طويته جميع املاك (۱) ۵
معمورة .

و جميع الدار الكبيرة المروقة المنقشة التى لم يخلق مثلها فى البلاد، و الحجرة المتصلة، و الباغية الواقعة خلفها، موضعها داخل بلدة يزد فى محلة باب ريانان، التى استحدثها و امر ببنائها و عماراتها المولى المخدم الواقف، مد عصره ! وهى لانتسابها الى بناءه و اعرابها ۱۰ الى انشائه مستغنية عن التحديد و التوصيف .

و جميع الحمام الواقع بجانب الدار المذكورة المعروفة ايضا ببناء الواقف، لازل بانيا لمبانى مسنده الخيرات !
و جميع النصف التام الشائع من القناة التى استنبطها و استحدثها فى ناحية رستاق يزد المشهور بقناة خير اباد، وهى لانتسابها الى استنباطه ۱۵ مستغنية عن التحديد .

و جميع الثلثين الشائعين من القناة المسماة باميرى، التى منبعها بحدود قرية اردكان، و الباغات المتصلة بها .
و جميع الباغ الواقع بموضع كرد اباد، المشهور بباغ اران، المعروف بانشاء الواقف و غرسه، الواقع بدسكرة تفت و نصيرى ايضا، ۲۰ معروف بباغ ، المحدود بباغ كان لوالد الواقف المولى المرتضى

الاعظم الاقدم ركن الحق و الدين ، قدس الله روحه ! و بالطريق من
ثلاثة حدود .

و جميع الباغ الواقع بدسكرة تفت و نصیری ایضا ، معروف بباغ
امیری ، محدود بباغ حساس ، و بباغ للمصاحب المعظم شمس الدين محمد
بن علی الخواری ، و بباغ لمحمد شاه الطبال ، و بباغ لکمال الدين .
و بسطه خمسة اقفة و کفان و ثلث و اربعون فشیزا .

و جميع الباغ الواقع بدسكرة تفت و نصیری ، المشهور بباغ
کلاه دوزی ، المحدود بباغ لمحمد شاه بن بیرق ، و بباغ لمحمد بن
جنکر العصار ، و الطريق ، و بباغ لنجیب ، و بباغ يعرف بروجان ،
وقفه الواقف ، و بباغ کان ملکا لجنابه ، و الان وقفه . و بسط ذلك
الباغ ستة اقفة و دست واحد و اربعون فشیزا .

و جميع الباغ المعروف بدرونی ، مع مضافاته من القصر المبنى
فيه ، والبيوت و سایر التوابع الواقع بدسكرة مادھوک ، و بسط هذا
الباغ ثلث فیمان و قفیزان و دستان و اثنان و عشرون فشیزا ، بمساحة
بلدة یزد . و هی معروفة مصطلح علیها عند اربابها و معارفها ، المحدودة
بباغ لجلال السیرجانی ، و بالطريق من الجانبین ، و بباغ لمحمود
الکوسج ، و بباغ لابراهیم المهریجردي ، و بباغ لمحمد الفخار ، و
بباغ لسید شاه العلوی ، و بالطريق ، و الیه المدخل .

و جميع الباغ المعروف بباغ خويدانه ، الواقع [فی] ماء قنائة بادیين
الجديدة ، من قنواة بلدة یزد ، المحدود بباغ لمحمود المجموردي ، و
بباغ خوندانه ، و بباغ يعرف بدارکان لاحمد بن موسی ، و الیوم لمغلتای
بن عبدالله التركی ، و بالطريق . و بسط هذا الباغ ستة اقفة و ثلاثة

اكف و عشرون فشيذا .

و جميع الباغ الذى بسطه قفيزان اثنان و خمسة و اربعون فشيذا ، بمساحة بلدة يزد ، والمعروف بباغ مصلحى ، الواقع بدسكرة قناة نو المذكور ، المحدود بالطريق من الجانبين ، و بدار كان لاحمد بن موسى والان لمغلتاى بن عبدالله التركى ، و بباغ الحاج مظفر كرداور . ۵

و جيع الباغ الذى بسطه خمسة اقفزة و خمس دستوت (۴) و خمسون فشيذا ، بمساحة البلدة المعروف بباغ مهدى ، الواقع بدسكرة كثنويه من حومة يزد ، المحدود بباغ السيد مبار كشاه ، و بالنهر الميضاة ، و بالطريق ، و بباغ للامير عمر بن بليان ، و بباغ لبهاء الدين نصر الله ، و بباغ لمحمد بن اسعد بن سلطان ، و بالطريق ، و اليه المدخل . ۱۰

و جميع الباغ المعروف بباغ علوى الواقع بدسكرة كثنويه من حومة يزد ، بسطه ستة اقفزة و دست واحد و عشرون فشيذا ، بمساحة البلدة ، المحدود بباغ للشيخ بهاء الدين ، و بالطريق ،

و جميع الاملاك المنسوبة بالواقف المولى الاعظم ، عظم الله قدره ! بقرية مدوير اباد من رستاق بلدة يزد ، المنتقل اليه بعضها من جمال الدولة و بعضها من غيره ، من الباغات و الاراضى و الدور و البيوت و غيرها . و لانتسابها الى ملكيته غنيّة عن التحديد . ۱۵

و جميع الباغ المعروف بباغ بلوك الواقع بدسكرة تفت و نصيرى بكوچه الباغ المعروف لموفق المحدود بباغ

و جميع الاملاك الواقعة بمهرى جرد ، وهى قصبة من قصبات بلدة يزد ، و تلك جميع خمسة و عشرين سهماً ، المعروف كل سهم بفيمان واحد و ستة اقفزة و نصف دست ، من اصل الف سهم . . . التى هى اصل ۲۰

سهام اربع قنوات معروفة بقناة مشترك، الواقعة بقصبة مهریجرده و كل فیمان عبادة عن عشرة اقفزة .

الباقات الواقعة بمهریجرده ایضاً وهی:

جميع الباغ المعروف بغلنك، الذي بسطه اربعة اقفزة و ثلثون فشیزا، الواقع بموضع يدعى نرسان، مع الخان المتصل به. وهما على الاتصال محدودان بباغ لمحمد بن محمود الفهرجی، و بباغ للصدر الامام المعظم معین الملة والدين جمال الاسلام الیزدی، دامت فضائله! و بباغ للمولی الواقف، عز نصره! و بالطریق .

و جميع النصف التام من الطاحونة المسماة بشرف شاهي، الواقعة بقرية مهریجرده، المستغنية عن التحديد .

و جميع الباغ المعروف بخوانین، الذي بسطه ستة اقفزة و اربعین فشیزا. مع البيوت والحجرات والزرب(?) والمضافات، المحدود بالطریق، و بباغ لمقدم بن علی بن مقدم، و بالطریق من الجانبین، والمدخل . و جميع الباغ المعروف بغلنك ایضا الواقعة بباب دمه، الذي بسطه ثلاثة اقفزة ... و بباغ للصدر الامام ... (۱)

و جميع الاراضی و الباقات المنسوبة الى المولی الواقف، عز نصره! و بقرية خورمیز المذكورة . و لانتسابه بها مستغنية عن التحديد. و جميع خمسة و ثمانین جرة من اصل ستة عشر الف جرة، و سبعمائة و سبعین جرة، هی اصل جرات قناة دها باد مع نصیبها من قناة یزد اباد الواقعتین بحومة بلدة یزد،

۱- در این جا نزدیک به هفت سطر از نسخه ای که از روی آن استنساخ شده بود از پایین صفحه بیرون رفته و وصالی شده و آنسوی صفحه نیز نزدیک به نیم سطر از بالای صفحه بیرون رفته و وصالی شده بود .

و جميع مياه القنوات الاربع الجارية مياهها بين قرية فراشاه و
تفت ، وسط قنوات تفت و نصيرى ، الى دسكرة تفت و نصيرى .

منها السدس التام و الشعيرتان اثنتان من اصل قناة تاجاباد
فراشاه ، سوى ماوقفه الواقف المذكور ، عز نصره ! قبل هذا الخانقاه
و المدرسة اللتين انشاهما بظاهر بلدة يزد .

٥

و منها طسوج واحد من اصل قناة نو تفت ، سوى ما وقفه الواقف
قبل هذ الزمان على المدرسة و الخانقاه المذكورتين المنسوبتين الى
انشائه بظاهر بلدة يزد .

و منها الثمن التام و نصف شعيرة واحدة من اصل قناة محمود اباد .

١٠ و منها نصف السدس التام الشائع من اصل قناة يعرف بكارين
كوچه عباسان ، ما وقفه الواقف قبل هذا .

و جميع الباغ الجديد الذى انشاه الواقف عز نصره ! باراضى
قرية فيروز اباد اشكدز ، مساحة خمس و ثمانات (؟) و ثمانية اقفزة و ثلثة
دستوت ، المحدود بباغ يعرف بورثة المرحوم شرف الدين مظفر بن
تاج الدين ، و بباغ انگين ، و بباغ كان لوالد الواقف ، ابقى الله الخلف ١٥
و رحم السلف ! و بالطريق .

و جميع الاملاك المعروفة بالمولى الواقف ، مد عصره ! المنسوبة
اليه فى قرية ابرند اباد من قرى بلدة يزد .

منها جميع الباغ الجديد المشجر المكروم ، بسطه اربعة اقفزة
و ثلثة دستوت ، المحدود بباغ لمحمد بن عمر النجار ، و بالطريق ، و ٢٠
اليه المدخل ، و بارض موقوفة

و منها جميع الباغ المدعو بباغ خان ، الواقع بموضع چاه كرك ،

بسطة فيمان واحد و قفيزان اثنان ، المحدود بالخان ، و بكشخوان
سحباباد ، من الجانبين ، و بارض موقوفة

ومنها جميع الباغ المدعو بباغ لاسعد بن محمود ، و بباغ ابى بكر
الخراسانى ، و بباغ لفخر الدين القاضى ، و بباغ لاسعد بن ابى بكر
الابرقوهى ، و بكشخوان بدر اباد ، و بباغ لمحمود بن محمد ، و
بالطريق .

و جميع الاملاك المنسوبة بالمولى الواقف ، عز نصره ! الواقعة
فى قرية مجومرد ، من قرى بلدة يزد .

منها جميع الباغ المدعو بخلف خان ، الذى انشأ الواقف ، بسطه
اربعة اجربة و قفيز واحد و ثلثة اكف ، المحدود باشر خان البايح
الخان الموقوف ، و بالطريق و بالنهر الميضاة ، بحدين اثنين ، و بباغ
شهاب الدين قاسم الطرارى .

و منها جميع الباغ المدعو بخلف خان ايضاً ، بسطه ثلاثة اقفة و
دست واحد ، المحدود بباغ المبدو بذكره قبل هذا ، و بباغ يعرف
بوالد الواقف المرتضى الاعظم السعيد ، قدس الله روحه ! بجادة بلده يزد ،
و بالخان الموقوف المذكور .

بتوابع جميع ماسردناه و حددناه ومضافاتها ولواحقها ومتملكاتها ،
من الاراضى والابنية والاقصبة و مجارى المياه والقنوات و آلات البيوت
والحجرات والخانات ، و ساير ما دخل تحت ملكيته بالاسر والاجمع .

على بنته المخلوقة بين ترائبه وصلبه ، الخاتون المفخمة المبجلة
المكرمة المنعمة ، نتيجة الاشراف زبدة آل عبد مناف ، خلاصه السيدات
و الملكات ، قرة عين الزمان ، ارسلان نسب خاتون ، ابقاها الله فى ظل

بقاء مولاهو و مولى المسلمين ، و ادامها فى خدر العصمة و الشرف بابائه الطاهرين ! وعلى من سيولد له من الاولاد ، سواء كان ذكراً او انثى .
فان كان ذكراً فيكون المحصول من تلك الموقوفات بين البنات المذكورة على ستة اسهم : خمسة اسهم للابن ، و سهم واحد للبنات المذكورة و ان كان معها بنت اخرى او اكثر ، فهن شركاء فى السهم المذكور .
من غير مزية و رجحان . ثم على اولاد اولاده الذكور والاناث ماتوا الدوا و تناسلوا .

فان كان الولد من الابن سوا كان ذكراً او انثى ، فله خمسة اسهم من الستة المذكورة .

و ان كان من هذا البنت او البنات التى سيولدن منه ، فيكون ١٠ الحاصل مقسوما بينهم : اللذ كر مثل حظ الانثيين ،
و يكون هذا الترتيب مرعيا بينهم الى انقضاء النسل و العقب ،
ابقى الله نسله ، و ادام على كافة المسلمين ظله !

تم على ابواب الخير التى امر بنيانها فى صحراء بلدة يزد بموضع راس سكة بهروك ، المتصل بعضها ببعض ، المشتملة على المدرسة و ١٥ الخانقاه و دارالسيادة وغيرها .

ثم بعد خرابها و اليأس عن اعادتها ، على الفقراء و المساكين ،
الى ان يرث الله الارض و من عليها و هو خير الوارثين .

و شرطها هنا ايضا ان لا يقسم الاملاك الموقوفة المفصلة المشروحة ،

السابق ذكرها بين ارباب استحقاقها ، بلى يبقى دائماً على الاشاعة ، و ٢٠ ان لا يوجر تلك الاملاك اكثر من ثلاث سنين ، و لا تجدد عليها عقد اجارة قبل انقضاء العقد الاول ، و لا يوجرها من المتغلبين قطعاً و اصلاً .

و شرط شرطاً متصلاً بالانشاء ، ان التولية منوطة في امور تلك
الموقوفات بعالي رايه ، لازال عالياً ! ثم يرى بابنائه ثم بابناء ابنائه
ما توالدوا و تناسلوا ، ثم بنيابة البنت المذكورة ، واللواتي سيولدن ،
ثم بذكر اولاد بناته الاقرب فالاقرب ، ثم من هو مباشر الامر التولية
لابواب الخير المذكورة بنص الوقف ، وفقاً صحيحاً و صدقة دائمة .

[ازين جا از نسخه‌ای که از روی آن استنساخ شده در پايين صفحه
نزدیک هشت سطر بیرون رفته و وصالی شده و در این جا کتاب وقفنامه
به پایان میرسد ، و اینک سجلاتی را که در آغاز و انجام کتاب نوشته شده بود
می بینیم . در پشت نخستین صفحه کتاب که برخی از سطور آن محو شده
این عبارتها نوشته شده بود :]

بسم الله الرحمن الرحيم حمداً لمن وفق عباده ، و هداهم الى
مناهج السعادة الابدية ، و صلواة تامة كاملة الابد واصف منتهاها ،
على النبی المؤید بالمعجزات الظاهرة ، و البیّنات الواضحة الجليلة ، و
على آله وصحبه و عترته السنية بمرای لما اقيم بين یدی الحجة
الناطقة ، بصحة ما نسب للواقفين المتوالدين ، اعلى الله درجتهم في
الجنان ، و خصهما با الطاف الرحمن ، و طهر بالسان (؟) العادل
بنور الاشهاد ، للمجد ابن بحر بری من بیت فضائل مولاه ، احکمت
قواعد ما سرح في ... واشتمل عليه السجل بالامضاء الشرعی و الاشهاد
المرضى ، حرره اسمعيل بن يحيى بن اسمعيل في محرم سنة ست و
ثلثين و بسلطانية حامد او مصليا .

هو . وصح عندي ، وصح لدى الحكم الصادر عن قاضي بغدادی ،
عمرها الله تعالى ! محمد بن عمر الفضلي ، دامت معاليه ! بصحة

المشروحة في الحجة هذه ، وذلك بشهادة شاهدين معدلين ، اثبتا خطهما على ظهر مكتبوب القاضى الحاكم نظام البخارى و امير (؟) محمود الابرقوى ، فنقذت حكمه وقضاه ، و ابرمت تنفيذه ، و امضاه . و اجريت الوقفية على شرائط ، عينها المولىان الواقفان تقبل (؟) الله منهما ! و على ضوابط بنياها ، حسب المحرر فى الوثيقة ، و اشهدت على ذلك ٥ العدول و الثقة . و الله المستعان . حرره جمال الخوزى فى ثالث [شهر] النبى ، صلعم ! شعبان ، عز تيمنه ! لسنة خمس و ثلثين و سبعمائة ، خلافة عن الحضرة العلية المولوية الاعظمية قاضى قضاة الممالكية العضدية الركنية ، زيدت رفعة و جلالا !

١٠ الله لاسواه . بعد حمد الله الملك الغفور ، و الصلوة على محمد رسوله شفيع يوم النشور ، صح اويصح عندي بالاشهاد العادل الصادر عن حضرة مولاي و مخدومي و مقتدائي و والدى ، مولا ائمة المسلمين ، مد الله ظله الى يوم الدين ! مضمون هذه الوثيقة الشرعية المشتملة على الوقفية ، لازالت آثارها باقية الى يوم الحساب ، جارية على نهج الحق و الصواب ! فنقذت مقتضاه ، و اشهدت بمواده ، حرره العبد الضعيف ١٥ احمد بن اسمعيل [بن] يحيى فى ذى الحجة حجة تسع و ثلثين و سبعمائة ، حامدا و مصليا .

الله ولى النعمة نحمد الله على ما اسبل علينا من جلايب كرمه و شآبيب نعمه ، و نشكره على ما افادنا من كلماته التامة و شكرا يملا حاصره المحمود ، و يليق بالحامد دون المحمود ، و نصلى على ٢٠ نبيه و حبيبه محمد ، اشرف من انتسب بالادم ، و على آله الاطهار ، و صحابته الاخيار .

اما بعد فهذه الحجة مشتملة على انواع الخيرات و المبرات ،
 الصادرة عن لمولين الاعظمين الحاكمين العادلين المرتضين المعظمين
 الواقفين المشار اليهما ، اعنى الوالد و الولد ، رحم الله السلف ، و
 ابقى الخلف الى قيام الساعة وساعة القيام ! وقد ثبت جميع ذلك عندى ،
 و تحقق لدى فصلا فصلا ، بشروطها المعينة ، و نصوصها المعتبرة ، بما
 هو طريق ثبوته شرعاً : اما اعتراف الوالد بمدينة السلام الى بغداد ،
 حين توجهه للمكة المعظمة ، زادها الله تعظيماً ! و اما اعتراف الواقف
 اعز الله انصاره ، فبصدوره عنه بمحضر ، هى بفصيح نطقه ، بجميع
 ما نسب اليه فى هذه الوقفية . و اى بصحتها و مشروعيتها ، ملزماً
 اياهما مسئولاً . كتبه محمد بن عمر بن محمد الفضلى ، فى الثامن
 و العش من شهر الله الاطيب رجب ، سنة ثلاث [ث] و ثلثين [آنچه
 در پشت نخستين برگ نسخه اصل بود دراينجا بپايان ميرسد واينك آنچه
 در پايان وقفنامه آمده است مى بينيم :]

بعدما كنت شاهدا على المولى المخدم الاعظم ، صاحب الخيرات
 و منشى المبرات ، الواصل الى غفران الله تعالى ، ركن الحق والدين ،
 طاب مثواه ! المعزو واليه ، طى هذه الوثيقة ، شرفنى المولى المخدم
 الاعظم المطاع ، والصاحب الاعدل الاكرم واجب الاتباع ، ناظم مصالح
 المؤمنين ، كفيل مناجح المسلمين ، سليل امير المؤمنين ، سلطان القضاة
 والولاة والنقباء و الوزراء ، كهف لورى ، شمس الحق والدين ، اعز الله
 انصاره ، و ضاعف اقتداره ! بالاختيار عما صدر عن جنابه العالى ، حسبما
 شرح و تبين فى هذه الحجة الشرعية الوقفية . حرره العبد محمود بن
 الحاج محمد شاه بن محمود بن الحسين الاردستاني ، حامداً لله و مصلياً

على نبيّه ، و مسلما على آله و صحبه .

اقر الواقف على ... الذى هو المخدم الاعظم ، المرتضى
الاعدل الاقدم ، ناظم خليفة العجم مستند ارباب السيف و القلم ،
مقتدى اهل البر و النعم ، سلطان قضاة العرب والعجم ، مدبر الممالك
منجى ع من المهالك ، اعانه الله على ايجاد ما فى قوته من انواع
الخير ، الى الفعل . شرفنى بالاشهاد بما نسب الى بنفسه النقيسة
محمد بن احمد ليحاهى (?) .

كذا قول العبد الضعيف المحتاج الى رحمة الله محمد بن ابى بكر
بن ابراهيم بن يعقوب ، وهذا خطه ، حرره بيمنه حامدا .

كذا قول العبد الضعيف محمد بن جمال الخوارى بخطه حامدا . ١٠
شهد على الواقف المحرر و حده المخدمان الاعظمان الاعدلان
الواققان المسميان فى طى كتاب الو [قفية] المباركة ، اعز الله انصارهما !
مما اضيف و اسند اليهما فيه . اشهد الى الضعيف النحيف الحاج
مسعود بن محمود بن بچهارديه يزد بخطه المخدم المولى
الاعظم صاحب الاعدل الاعلم الاحسب الانسب الافضل الاكرم الواقف ١٥
المشار اليه يأتيا ... انصاره بما هو مسند الى حضرته العلية فى مطاوى
هذه الحجة .

اشهدلى ، وانا العبد جمال الاسلام بن مسعود ... بن جمال الاسلام

حرره ...

الدولى المخدم الاعظم صاحب الاعلى الاعدل الاعلم الواقف المتصدق ٢٠
الاكرم المشار اليه ناسا ، اعز الله انصاره ، و ضاعف كل يوم جلاله ! بما
هو مسند الى جنابه العلية فى مطاوى هذه الحجة .

اشهدلی و انا الراجی الی عفو الله تعالی و غفرانه ، عبدالحی بن عبد اللطیف بن عبدالمجید بن احمد الکتب التبریزی ، احسن الله عواقب اموره ! وهذا خطی فی مؤرخه ، حامدا ومصليا ومسلما ، المولی الاعظم والمخدوم المفخم المنجد المکرم ، سلطان سلاطین النقباء والقضاة والوزراء ، کھف اعظم الوری ، ملاز افاضل الاوان ، المخصوص بعناية الرحمن ، ۵ شمس الملة و الحق و الدین محمد ، ضاعف الله جلاله ، وحرس من عین الکمال کما [له]! مما عزی الی حضرته العلیة ، لازالت من العلا بمزید! فی مطاوی هذه الحجة. و حرره هذا اقل عبیدالله و... عبد الله بن محمود بن محمد الشیرازی ، شهدا بذلك فی! ... المخدومان الاعظامان الواقفان تقبل الله منه حسناتهما! اشهد الی ، وانا العبد الضعیف علی [من] ۱۰ محمد بن الغیاث الحسینی ، شهد بذلك فی محرم سنة [ست و] ثلثین و سبعمائة . الله علی اشهاد محمد بن عمر الفضلی قاضی قضاة بغداد ، حسبما کتب بخطه ، و ضمن مکتوبی هذا یشهدا ...

و كذلك ... العبد الضعیف المد ... البخاری حامداً لله تعالی . ۱۵ اشهد لی المولی الحاکم الموقع علی صدر الرسالة ، ... مد الله ظله! بما نطق به بخطه بحلة (?) حرره العبد الضعیف محمد بن مسعود الشیرازی بخطه .. شهد بذلك فی التاریخ ... (۱) اعلاه الله تعالی اياه ! بذلك حرره بخطه فی تاریخه حامدا مصليا .

شهد الاشهاد العالی المولوی الاعظمی ، الموشح به علی صدر وجه الکتاب ، اعلى الله تعالی اياه ! بذلك روزبهان بن محفوظ بن محمد ، و ۲۰ کتب بخطه فی تاریخ منصف محرم الحرام سنة ست و ثلاثین و سبعمائة

حامدا و مصليا .

شهد عبدالله بن محمد بن عبد الكريم على الاشهاد العالى المولى
الاعظمى الاعلى القاضى العلمى المجدى ، اعلاه الله تعالى اياه ! بذلك
فى محرم سنة ست و ثلثين و سبعمائة حامدا و مصليا .

و كذلك اشهدنى ، ادام الله جلاله و قدره ! بالمستفاد من سجله
العالى المكتوب بخطه المبارك ، و انا العبد الضعيف نظام بن سعيد بن
عمر البخارى ، و ذا خطه فى محرم سنة ست و ثلثين و سبعمائة .

الله حسبى ان اولى ما نستفتح به الكلام و احرى ما نستنجح به
المرام ، حمد الله الملك العلام ، الفاض على اساليب النعام . ثم الصلوة
على نبيه المقدم ، المبعوث الى كافة الانام ، محمد المصطفى و عترته
و صحبه عليهم السلام .

و اما بعد فان السعيد من ادخر لعقباه ، و اعرض عن زخارف
دنياه ، و شمر ذيله فى اكتساب المثوبات و ارتفاع الدرجات ، كما ذات
(؟) المولى الاعظم المشار اليه واقفا ، الحاكم المطاع المذكور ، متصدقا
عاطفا ، شيد الله اطناب ايامه بالخلود ، و ابقى ايام دولته الى يوم الموعود! ١٥
و لما شرفنى باشهاده العالى على جميع ما عزى اليه فى هذه المطاوى
بنفسه بالاصغاء و الامضاء ، واقعت (؟) اثر ما اجرى من امر الوقفية
بالاجراء ، حاكما بصحة مقتضاها ، قاضيا بتنفيذ مؤداها ، مراعيها فى ذلك
كله ما اوجب الشرع رعايته ، ملتزماً عند سؤوال من يستحق بطلب
اجابته ، ثم احكمت قواعد ما فى الكتاب من مطالعه الى مقاطعه ، حتى ٢٠
ثبوت الملكية السابقة يوم التسبيل باوضح حجة و ابين دليل بالاشهاد
الشرعى عليه بالخلافة العلية المولوية الاعظمية الشمسية ، اعلاها الله

تعالی ! حرره المهنی بن الحسین المهنی الحسینی ، فی صفر سنة ثلث
وسبعمائة حامدا لربه و مصليا على نبيه و وليه

الله الاعلی . الحمد لله الذی وفق عباده لما یحب و یرضی من الخیرات
و الطاعات ، و الهمهم اذخار اصناف الصدقات و المبرات . و الصلوة على
نبيه النبیه محمد صاحب المعجزات الباهرات ، و على آله و صحبه ذوی
العبادات و اولی المکرمات .

و بعد فقد ثبت عندی و تحقق لدى ما هو مودع فی تضاعیف هذا
الکتاب الشرعی ، و مضمّر فی مضامین ذا الخطاب المرعی ، ثبوتا خلیا
عما تناقضه و ینافیہ ، و تحقیقا جلیا من قوادمه الی خوافیہ ، اعنی
الوقفیة المشروعة المشروحة . و اقرار المولی المخدم الاعظم
الواقف ، الذی اغتنم الخمس قبل الخمس ، و ادرك عصره قبل غروب
الشمس ، مطیع الخالق و مطاع الخلائق فی زمانه ، و کان لسان الحال
یقول هذا المقال فی شأنه :

امر العدالة امر جمّة (؟) الولد لكن بمثلک لم یجبل و لم یلد
انار الله برهانه و تقبل احسانه ، کما رفع فی المنزلین قدره و شأنه !
بما هو منسوب الیه فیہ بشهادة الشاهدین المرقومین اسمهما برقمی ،
دام فضلهما ! و انی عقیب رعاية [القواعد] الشرعیة ، و اثر حماية الضوابط
المرعیة رتبت علیه موجب الشرع الشریف ، و احکمت فیہ مقتضى الدین
الحنیف ، و مکنت المتصرفی (؟) و الاشتغال و السعی فی علمهم ، حسبما
عین و شرط الواقف المتصدق ، تغمدہ الله بغفرانه و اسکنه بحبوحه
جنانه ! حاکما بصحة ذلك من البداية الی النهایة . شهد علیه العلماء
الراسخون ، و الفقهاء الحاضرون ، زاد الله لهم العز و التمکین ! بانسابه

العلیة المولیة الاعظمية الشمسية المعینة الشریفة زیدت اعتلاء
حرره ... محمد بن محمد بن محمود بن ابی العباس ابوالکرم فی شوال
سنة ثمان و اربعین و سبعمائه .

انتهی کتاب وقف نامه

کتبه العبد غلامعلی المدعو برئیس ابن محمد حسن یزدی ،
عفی الله عنه ! فی محرم سنه ست و ستین و ثلاثمائه بعد الالف من الهجرة
النبویة بالشهور القمریة .

بر حسب تقاضای حضرت مستطاب اجل آقای میرزا سید علی
محمد الوزیری الموسوی العریضی الیزدی ، دام افضاله العالی ! تحریر
شد . کتبه العبد غلامعلی رئیس یزدی .

قابلت هذا الكتاب و سجلاتها مع النسخة العتیقة قراءة و سماعا
حرره سید علی محمد وزیری .

فهرستهای اعلام

توضیح : چون نسخه وقفنامه نسخه جدید نویس و مغلوط بود باهمه سعی ودقتی که آقای دانش پژوه در تصحیح کتاب میذول داشت اصلاح آن بصورت دلخواه میسر نشد . مخصوصاً در اعلام اشخاص و اماکن مشکلات و مبهمات بسیار وجود داشت و هنوز هم دارد که با بدست آمدن نسخه صحیح یا مأخذ معتبر دیگر امکان اصلاح حاصل خواهد آمد . این موارد را با علامت سؤال در فهرست مجزا کرده ام و چون بسیاری از اعلام امکنه این متن در تاریخ یزد تألیف جعفری و جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی نیز هست به دو مأخذ مذکور برای تنظیم این فهرست مراجعه شد .

ایرج افشار

فهرست اشخاص و اقوام

الف

ابی طاهر ابرقوهی : ۱۷۷
 ابی عبدالله بن ابی الحسن بن ابی سعد : ۱۷۹
 اتراک (الترکیات) : ۷۱ ، ۱۱۷ ، ۱۳۷ ،
 ۱۴۸ ، ۱۵۰ (سه بار) ، ۱۵۴
 احمد بن اسمعیل بن یحیی : ۲۰۳
 احمد الاصفهانی : ۹۸
 احمد بالو (؟) : ۴۵ (دوبار)
 احمد شتریان : ۴۶
 احمد العلوی : ۴۶
 احمد بن عبدالله : ۹۹
 احمد بن قوام الدین : ۹۸
 احمد بن محمد بابا : ۴۵
 احمد بن محمد بن عبدالله : ۹۸
 احمد بن محمد بردو (۱) : ۹۵
 احمد بن محمد الخوزی : ۹۸
 احمد بن موسی : ۱۹۶ ، ۱۹۷
 احمد بن یوسف بن ابی بکر : ۱۳۲
 ارسلان نسب خاتون : ۷۰ ، ۷۴ ، ۱۲۲ ،
 ۱۵۸ ، ۱۸۷ ، ۲۰۰
 ارغون : ۲۴ ، ۷۱ ، ۱۵۰ (دوبار) ، ۱۵۳ ، ۱۹۱
 ازبک : ۷۱
 استبوقا اسوقا ، (؟) : ۱۵۰ ، ۱۵۴
 استنمور (؟) : ۱۴۹
 اسعد بن ابی بکر ابرقوهی : ۲۰۰
 اسعد بن محمد بکروک (؟) : ۱۸۵
 اسعد بن محمود : ۲۰۰
 اسفهلار فخرالدین مبارز : ۴۰
 اسکندر بن دارا [خواجه -] : ۸۸ (دوبار)
 اسمعیل بن یحیی بن اسمعیل : ۲۰۲
 اسمعیل اليهودی : ۱۶
 اصیل الدین بن شرف الدین اصیل [خواجه -] :
 ۱۶
 امین الدین علی الکازرونی : ۱۶۵

ابراهیم : ۹۲
 ابراهیم بن ابی الحسن : ۹۲
 ابراهیم بن ابی الخیر الکازرونی العصار :
 ۱۰۰
 ابراهیم بن بحیر (؟) : ۹۳
 ابراهیم بن الحسن الهفتی : ۹۱
 ابراهیم بن محمد بن الحسین الاصفهانی :
 ۸۸ ، ۹۱
 ابراهیم المهریجرودی : ۱۹۶
 ایش : ۱۵۴ ، ۱۵۰
 ایش تکیں الظهیر شاهی : ۱۸۱
 ابویحیی : ۱۰۰
 ابی اسحق ابراهیم بن شهریار الکازرونی :
 ۱۴۶ ، ۱۶۵
 ابی بکر [الحاج -] : ۱۷۵
 ابی بکر بن الحسین الخوزی ، ۸۶ ، ۸۸ (دو
 بار) : ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۳ ، ۹۸ ، ۹۹
 ابی بکر خراسانی : ۲۰۰
 ابی بکر الخوزی = ابی بکر بن الحسین
 ابی بکر بن علی بن شادی : ۸۷
 ابی بکر بن عمر بن دادا : ۹۸ (دوبار)
 ابی بکر بن محمد الاردکانی : ۱۳۲
 ابی بکر بن محمد سکمانان (؟) : ۹۴
 ابی بکر بن محمد کسک (؟) : ۹۰
 ابی بکر بن مهاکان (؟) : ۹۷
 ابی جعفر بهران : ۱۲۹
 ابی جعفر = ظهیرالدین
 ابی الحسن ابرقوهی : ۱۶
 ابی سعد بن محمد بن احمد : ۱۸۵
 ابی سعید القصاب : ۴۰
 ابی طاهر [سید -] : ۱۷۱
 ابی طاهر بن محمد بابایه [عزالدین -] : ۴۵

۱۴۱، ۱۴۵
 تاج‌الدین محمود بن تقی‌الدین دادا الیزدی:
 ۱۶۰
 تاج‌الدین محمود بن الکمال: ۱۲۸، ۱۷۵،
 ۱۷۶ (دوبار)، ۱۸۶
 ترکان (بنت مغولتای): ۷۱، ۱۵۰
 تفتنی (؟): ۱۵۱، ۱۹۱
 تقی‌الدین احمد: ۵، ۳۳
 تقی‌الدین دادا [الشیخ-]: ۱۳۲، ۱۶۰
 تکین بنت مبارکشاه: ۷۱، ۱۵۰، ۱۵۴
 تلغی (= بلغی) (؟): ۱۵۴
 تمور: ۱۵۴
 تمور بوقا: ۱۵۰، ۱۵۴
 مناسان (؟) خاتون: ۴۸، ۵۷، ۷۴، ۱۹۰

ح

جعفر: ۷۷
 جلال‌الدین حیدر بن فخرالدین عبدالباقی:
 ۱۸۱
 جلال‌السیر جانی: ۱۹۶
 جلال‌الدین محمد بن الفیث الحسینی: ۱۷۸،
 ۱۷۹ (دوبار)، ۲۰۶
 جلال‌الدین محمد شاه جلال: ۱۷۱
 جمال بن مسعود بن جمال: ۲۰۵
 جمال‌الدین = شرفشاه بن عربشاه
 جمال‌الدین: ۱۴۹
 جمال‌الدین [خواجه -]: ۱۷
 جمال‌الدین ابن الفضل: ۷۶
 جمال‌الدین انزبه (؟): ۱۷۶
 جمال‌الدین حسن بن ناصر‌الدین علی البخاری
 الحسینی الیزدی: ۱۵۹، ۱۶۰،
 ۱۶۴، ۱۶۶ (سه‌بار)، ۱۶۷ (دوبار)،
 ۱۶۸، ۱۹۸
 جمال‌الدین الحسین: ۱۸۰، ۱۸۴
 جمال‌الدین حسین‌الکائن: ۱۱۱، ۱۱۲
 جمال‌الدین الخوارى: ۱۷، ۱۰۰
 جمال‌الدین الخوزی: ۲۰۳

امین‌الدین محمد بن محفوظ: ۶۵ (دوبار)،
 ۱۷۹
 اولجای: ۷۱ (دوبار)، ۱۵۰، ۱۵۴
 ایل‌بوقا: ۷۱
 اینجو: ۷۱، ۱۵۰، ۱۵۳

ب

بابیجر (؟): ۷۱
 بایندو: ۷۱ (دوبار)
 بشیر: ۱۵۰، ۱۵۲
 بشت‌مور (؟): ۱۵۴
 بغای (؟): ۱۹۱
 بقی‌مور [امیر-]: ۴۱
 بک‌تمور: ۲۳
 بک‌تمون (؟): ۷۱
 بکر = محمد بن الحسن
 بالال: ۱۵۰، ۱۵۲
 بلغی (= تلغی) (؟): ۱۵۰
 بوقا: ۱۵۰ (سه بار)
 بهاء‌الدین ابی‌بکر بن شاپور: ۷۸
 بهاء‌الدین رکن‌آبادی: ۱۷۷
 بهاء‌الدین صاحب‌الدیوان [خواجه-]: ۱۳۵
 بهاء‌الدین علی: ۷۷
 بهاء‌الدین القلانسی: ۱۷۵
 بهاء‌الدین قوام: ۹۷
 بهاء‌الدین محمد کرد: ۱۷۰
 بهاء‌الدین محمد‌المبارز: ۱۲۳
 بهاء‌الدین نصرالله: ۱۹۷
 بهادر: ۱۵۰، ۱۵۴
 بیبی: ۷۱

ت

تاج‌الدین [سید-]: ۷۸
 تاج‌الدین الحافظ: ۱۶
 تاج‌الدین عبدالعزیز: ۷۷
 تاج‌الدین العصار: ۱۶
 تاج‌الدین محمد بن ابراهیم بن محمد المحتسب:

خ

خسرو شاه الخوارى: ۱۵۰ (سه بار)، ۱۵۱،
۱۵۳، ۱۹۱ (دوبار)

د

دولدى (?): ۱۵۰، ۱۵۴

ر

رئيس الدين ابى العلابن ابى نصر العقيل: ۳۲
رئيس يزدى = غلامعلى

رضى الدين ابى الرضا: ۸۷، ۹۶ (سه بار)

رضى الدينى ابى سعد بن يحيى: ۹۹

ركن الدين محمد بن قوام الدين محمد بن نظام

الحسينى: ۳، ۱۲، ۶۳، ۶۴، ۷۲،

۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۴

روزبهان بن محفوظ بن محمد: ۲۰۶

ريحان: ۱۵۰ (دوبار)، ۱۵۲، ۱۵۴

ز

زيركشاه: ۱۷

الزنجين: ۱۴۸، ۱۵۰

زين الدين سعد بن يحيى [قاضى-]: ۹۸

زين العابدين الثانى = قطب الدين على

س

سابق الدين الياس بن ضياء الدين شيرزاد: ۹۱،

۹۶ (دوبار)، ۹۷ (چهار بار)

سرور الحلانى (?): ۱۵۰، ۱۵۳ (دوبار)

سعد ارويه (?): ۱۵

سعد بن ابى طاهر: ۱۷۷

سعد بن محمد بن اسعد: ۸۷

سعد بن محمد بن الحسين: ۱۷۳

سعد بن محمد بن محمد [بن] احمد: ۱۷

سعدود دار (?): ۴۰

جمال الدين على بن جمال الدين حيدر بن

القاضى محمود: ۶۶ (دوبار)

جمال الدين محمد بن الغياث الحسينى: ۱۷۸

جمال الدين محمد بن اللطيف مجد الدين

الحسينى: ۱۷۲، ۱۷۳

جمال الدين محمود بن شمس الدين محمد

شاه بن الاردستانى المعروف بالنائينى):

۲۹، ۱۶۱، ۱۶۶

جمال الدين محمود بن الصدر: ۸۱

جوهر: ۱۵۰ (دوبار)، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳

جيجك: ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳

ح

حاجى بن على بن قاسم: ۱۶۱

حاجى بن محمود ارويه (?): ۱۷

حاجى العصار: ۱۶، ۱۷۳

حاجى مير: ۷۷

الحبشيين (الحبشيون): ۱۴۸، ۱۵۰ (دو

بار)

حبيب رئيس الدينى: ۱۷۱

الحسن بن احمد: ۶۶

حسن الحسينى: ۷۶ (دوبار)، ۷۷

حسن بن على بن كافى: ۷۷

الحسن بن محمد العلاف: ۱۷۰

حسن بن نور الدين محمد بن شاپور: ۹۰

الحسين بن شينكاره: ۹۴

حسين بن على (ع): ۱۱، ۱۱۵

حسين فخار: ۳۴

حسين لشك: ۴۶

الحسين بن المحضر (?): ۱۷۷

حسين بن محمد: ۹۳

حسين بن محمد بن الحسن: ۹۰

حسين بن محمد بن الحسن الخوزى: ۸۷

حسين بن مهاكان (?): ۸۹

حسين نجار: ۹۳

الحو (?): بن الحسين: ۶۵

سعدالدین بن سعد بن محمود بن عبید: ۸۷،
۳۰، ۳۷، ۴۸، ۵۳، ۵۶، ۵۷ (دوبار)،
۶۳، ۸۰، ۸۵، ۱۶۵، ۲۰۴، ۲۵۶

شمس الدین محمد بن ابی المعز: ۱۸۵
شمس الدین محمد بن جلال الدین الحسن:
۱۸۵

شمس الدین محمد بن سعد الدین ابی سعد
الطاوسی: ۱۴۲

شمس الدین محمد بن علی الخواری: ۱۹۶
شمس الدین محمد شاه بن محمد الاردستانی
المعروف بالنائینی: ۸۱
شمس الدین محمد کیا [صدر الرئيس -]:
۱۷۹

شهاب الدین اخي: ۴۵
شهاب الدین علی [خواجه -]: ۷۷
شهاب الدین علی بن جمال الدین قاضی مسعود:
۱۶۰

شهاب الدین قاسم الطرازی: ۲۰۰
شهاب الدین محمد بن عبدالکریم الطشتی
(شاید: طبسی): ۱۸۰
شیخ الکبیر = طاوس الحرمین
شیخ المرشد = ابواسحق ابراهیم

ص

صالح: ۱۵۴، ۱۵۰
صدرالدین اصیل: ۱۷۱
صدر الدین مجتبی بن قوام الدین المهنی
الحسینی: ۱۶۴، ۱۶۵
صدرالدین محمد: ۲۹، ۸۱
صدرالدین هارون [سید -]: ۷۶
صدرالرئيس = شمس الدین محمد کیا
صدر شمس = عبدالصمد بن المحجب (؟)
صواب: ۱۵۴، ۱۵۰

ض

ضیاء الدین الحسن بن شرف الدین علی بن رضی:
۳۱
ضیاء الدین شیرزاد: ۹۰

سعدالدین بن سعد بن محمود بن عبید: ۸۷،
۹۱

سعدالدین بن شمس الدین: ۸۸ (دوبار)
سعیدالابر قوهی: ۱۷۷
سعیدالخیز [حاجی-]: ۱۷۵
سنجر (سحر؟): ۷۱، ۱۵۰، ۱۵۴
سود فرخ(؟): ۷۱
سودی (؟): ۷۱ (دوبار)
سید شاه علوی: ۱۹۶
سیف الدین محمد بیرام: ۹۲، ۹۳، ۹۴ (سه بار)،
۹۵

سیف الدین = مغلتای بن عبدالله عتیق
سیف الدینی منکی: ۷۱ (سه بار)، ۷۴ (دو
بار)
سیور غاتمش: ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳،
۱۹۱

سولج (؟) قتلغ: ۱۵۰
ساس (؟): ۷۱

ش

الشافعی [الامام-]: ۱۰۶
شاهان: ۶۱
شرف الاوجی [سید-]: ۱۸۱
شرف الدین امیر حسین: ۱۵، ۱۷
شرف الدین خضر: ۳۴
شرف الدین دامکی: ۱۸۴
شرف الدین رشید: ۱۷۳
شرف الدین علی بن ضیاء الدین حسین بن الرضی
الیزدی: ۱۷، ۵۴، ۷۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷
شرف الدین المطهر: ۱۸۶
شرف الدین مظفر بن تاج الدین: ۱۹۹
شرفشاه [عزالدین-]: ۶۷، ۶۸، ۱۹۰
شرفشاه بن عربشاه [جمال الدین-]: ۶۶
شمس الدین ابی بکر شاه بن محمد بن عبد -
القادر البزاز: ۱۷۱
شمس الدین الدامغانی: ۳۵
شمس الدین محمد [ابو عبدالله-]: ۴، ۱۵، ۱۶،

عزالدين [سيد]: ۱۶
عزالدين = ابی طاهر بن محمد بابايه (؟)
عزالدين = شرفشاه
عزالدين محمود شفروه: ۴۰
عزالدين يوسف بن عماد الدين مسعود ،
۱۸۴
عفيف الدين محمد بن تقی الدين محمد بن
ابی بکر بن یعقوب : ۱۶۱ ، ۱۲۱
عفيف الدين محمود : ۱۶۶
عفيف الدين المریابادی : ۱۸۱
علاء الدين بن عزالدین العلوی : ۱۸۱
علاء الدين طبيب الدر می : ۷۶ (دوبار) ،
۷۸
علویین : ۱۱۷
علی بن ابی بکر : ۶۶ ، ۱۸۶
علی بن ابی بکر الأبرقوهی : ۹۷
علی بن ابی شجاع : ۱۸۱
علی بن احمد : ۱۸۶
علی بن اسفندیار : ۶۵
علی بن اسمعیل : ۹۳
علی بن انوشیروان : ۱۷۶
علی الخویدکی : ۱۷۲
علی الخياط : ۷۶
علی الدلال : ۱۷۱
علی الرازی : ۱۷۰ (دوبار)
علی بن سهل الصوفی الاصفهانی [شیخ -]
۷
علی عمروک : ۱۷۲
علی فاخته : ۱۷۵
علی بن قوام : ۹۶ (سه بار)
علی بن محمد بن احمد : ۱۸۵
علی بن محمد بن عبدالرحمن : ۹۴ ، ۹۸ ،
۹۹
علی بن محمد بن علی : ۸۹
علی بن محمد الفهرجی : ۶۵
علی بن محمد الکرمانی : ۹۰ ، ۹۳ (سه بار)
علی محمد وزیري الموسوی العریضی الیزدی

ضیاءالدین منصور بن محمد بن الحسن : ۱۴۵

ط

طاوس الحرمین ، قطب الاولیاء [الشيخ
الکبیر] : ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۴۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ،
۱۴۴
طابشی (؟) : ۷۱
طشتمور (؟) : ۱۵۰
طغان : = طغای
طغانشاه : = طغنشاہ
طغای : ۱۵۰ (دوبار) ، ۱۵۱ (دوبار) ، ۱۵۴ ،
۱۹۱ (دوبار)
طغنشاہ : ۱۵۰ ، ۱۵۳ ، ۱۹۱

ظ

ظہیرالدین ابی جعفر : ۸۹ (دوبار)

ع

عبد الباقي محمد [الشيخ] : ۶۵
عبدالحی بن عبداللطیف بن عبدالمجید بن
احمد الکاتب التبریزی : ۲۰۶
عبدالرحمن [شیخ -] : ۹۳
عبدالرحمن بن ابی الحسن : ۹۰
عبدالرحمن بن الحسن کولول (؟) : ۹۵
عبدالرحمن بن الحسین السهفری (؟) : ۸۶
عبدالرحمن بن زکی : ۹۸
عبدالرحمن بن محمد بسرکی (؟) : ۹۴
عبدالرحمن الشیخ : ۹۵ ، ۹۸
عبدالرحیم المعاری (؟) : ۱۷۱
عبدالصمد بن محمد بن احمد [الحاج -] :
۱۳۳ ، ۱۳۴
عبد الصمد بن المذهب (؟) [صدر شمس -] :
۱۷۸
عبد الغفار البارانی (؟) [شیخ -] : ۱۷۱
عبدالله بن محمد بن عبدالکریم : ۲۰۷
عبدالله بن محمود بن محمد الشیرازی : ۲۰۶

فضل الله بن محمد ابی نصر: ۸۷، ۹۶

فضل الله بن محمد بن ابی النجم: ۹۷

فیروز: ۷۱

فیلغخواجه = ظ، قتلغ خواجه

ق

قازان: ۱۵۰

قاضی بغدادی = محمد بن عمر بن محمد

الفضلی

قبول: ۱۵۰، ۱۵۲

قتلغ: ۱۵۰

قتلغیوقا: ۱۶۵

قتلغچه: ۱۵۰، ۱۵۳

قتلغخواجه: ۱۶۵، ۱۱۵۳، ۱۹۱

قتلغشاه: ۷۱، ۱۴۹، ۱۵۰ (دوبار)، ۱۵۱،

۱۶۲، ۱۹۱ (دوبار)

قتلغ ملک: ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۱

قربوقا: ۱۵۰، ۱۵۴

قطب الاولیاء = طاوس الحرمین

قطب الدین علی (زین العابدین الثانی):

۵۰، ۶۷ (دوبار)، ۶۸، ۱۱۶،

۱۹۰

قطب الدین مرتضی [سید-]: ۱۷

قنبر: ۱۵۰

قوام الدین: ۶۰

قوام الدین امیر اشرف بن شرف الدین امیر

حسین الحسینی: ۷۰

قوام الدین محمد بن رکن الدین محمد قوام-

الدین الحسینی: ۱۱۴، ۱۵۹، ۱۶۱،

۱۶۵، ۱۶۷ (دوبار) ۱۹۰

قوام الدین مسعود بن شاپور: ۸۶ (دوبار)،

۸۸، ۸۹ (دوبار)، ۹۰، ۹۲ (دوبار)،

۹۶ (دوبار) ۹۶ (دوبار)، ۹۷،

۹۹

قوام الدین مسعود بن عقیف الدین محمود-

ابن ابی جعفر الجهاردهی: ۱۰۷،

۱۶۴ (دوبار)

[سید-]: ۲۰۹

علی بن محمود: ۶۵

علی بن محمود التفتی: ۱۸۱

علی بن محمود الفهرجی: ۱۸۱

علی بن مردود (?): ۱۷۹

علی بن یوسف: ۷۶ (دوبار)

علیشاه الدامغانی: ۱۷۱

عماد الدین: ۱۶

عمر بن اسحق: ۱۸۱

عمر بن بلیان (?): ۱۹۷

غ

غلام علی المدعو برئیس ابن محمد حسن

یزدی: ۲۰۹

غیاث الدین حاجیشاه: ۷۸، ۹۰، ۹۲

ف

فاطمه خاتون: ۴۸، ۵۷، ۷۳، ۱۷۸، ۱۵۸،

۱۸۹، ۱۹۰

فاطمین (فاطمیه): ۶۰، ۶۷، ۷۲، ۸۲،

۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸ (دوبار)، ۱۱۸

فخر الدین ابی سعد بن مجد الدین المتطبیب:

۶۶

فخر الدین احمد، ۱۳۴،

فخر الدین احمد بن بن سراج: ۱۶۱

فخر الدین علی بن السید غیاث الدین محمد:

۶۵

فخر الدین القاضی: ۲۰۰

فخر الدین مبارز = اسفهلار

فخر الدین مبارکشاه بن عبد الله: ۷۱،

۷۴ (دوبار)، ۱۰۹، ۱۵۰ (دوبار)،

۱۵۴، ۱۶۲، ۱۹۱، ۱۹۳

فخر الدین البامحی (?): [الامیر-]: ۱۸۲

فخر الدین یحیی بن الشیخ امین الدین:

۶۶

فخر الدین یعقوب بن الحکیم: ۶۶

فرخ: ۱۵۰، ۱۵۲

قیقای (؟) ارغون : ۱۵۴

قمصای (؟ - ظ : قیقای) : ۱۵۰

ک

کافور [خواجه -] : ۷۱ ، ۱۵۰

کافورالشمسی الموردینی [خواجه-] : ۱۷۹

کمال‌الدین ابی المعالی : ۶۶ ، ۱۲۳ ،

۱۷۸

کمال‌الدین محمودبن‌الحاجی : ۱۸۴

کمال‌الدین محمود بن محمدبن‌ابی‌المعز :

۱۹۴

کمال‌الدین‌الهادی [الامیر -] : ۱۸۲

کمال‌الدینی [الخواجه-] : ۱۸۲

ل

لغان (؟) : ۱۵۰

لمغان (؟) : ۱۵۴

م

مبارزالدين محمد : ۱۵

مبارك : ۱۵۰ ، ۱۵۲

مبارکشاه = فخرالدین

مثنال [خواجه -] : ۷۱

مجدالدین ابن‌المکرم الرضی : ۱۷۶

مجدالدین عثمان : ۴۵

مجدالدینی : ۱۸۱

محسن‌بن محمدبن‌ابی‌بکرالغوری : ۴۵

محفوظ رودتاب : ۱۷۶

محمد (ص) : ۱۲ ، ۱۸۸

محمدبن : ۱۷۸

محمدبن‌ابراهیم‌بن‌ابن‌الحسن : ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۵

محمدبن‌ابراهیم‌بن‌منصور : ۸۹

محمدبن‌ابی‌بکر : ۱۸۵

محمدبن‌ابی‌بکر بن ابراهیم‌بن‌يعقوب : ۲۰۵

محمدبن‌ابی‌بکر بن عمر : ۱۷۰

محمدبن‌ابی‌بکر الايرن‌آبادی : ۱۷۲

محمدبن‌ابی‌بکروک (؟) : ۱۸۰

محمدبن‌ابی‌سعد‌النداف : ۱۷۵

محمد‌ابی‌سعيد : ۴۹

محمدبن‌احمدبن‌اسعد : ۹۵

محمدبن‌احمدبن‌حاجی : ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۴ ،

۹۸ ، ۱۸۰

محمدبن‌احمدبن‌الحسن : ۹۰ ، ۹۳ (دوبار)

محمدبن‌احمدبن‌الحسين‌الخوزی : ۸۸

محمدبن‌احمدبن‌الرئيسی : ۱۸۰

محمدبن‌احمدبن‌الفهرجی : ۱۸۰ (سه‌بار)

محمدبن‌احمد‌دادا : ۹۸

محمدبن‌اسعد : ۹۳ .

محمدبن‌اسعدبن‌سلطان : ۱۹۷

محمدبن‌اسماعيل : ۴۵

محمد بكج (؟) : ۱۶

محمدبن‌جمال‌الخواری : ۲۵۵

محمدبن‌جنکر(؟)‌العصار : ۱۹۶

محمدبن‌الحسن‌کر : ۹۸

محمدبن‌خوجوه (؟) : ۴۵

محمدبن‌الحسن‌فیروز : ۱۷۵

محمدبن‌الحسن‌الکرماني : ۸۷ ، ۹۸

محمدبن‌الحسين‌علی : ۹۳

محمدبن‌الحسين‌الکرماني : ۸۶ ، ۹۵

محمدخواجه : ۷۶

محمدبن‌سعدبن‌المقدم‌الغوری : ۱۸۰ (سه‌بار)

محمدبن‌سعيد‌الصباغ : ۴۵

محمد شاه‌بن‌بیرق : ۱۹۶

محمد شاه جلال = جلال‌الدین

محمد شاه جوینی : ۷۶

محمد شاه خیاط : ۱۵۶

محمد علی : ۱۷۹

محمدبن‌عادل‌بوقا : ۱۷۱

محمدبن‌عبدالرحمن‌بن‌اسرائیل : ۸۸

محمدبن‌عبدالرحمن‌الشيخ : ۸۷ (دوبار) ،

۹۵ ، ۹۱

محمدبن‌علی : ۱۷۵

محمدبن‌الحاج‌علی : ۱۴۴

محمدبن‌علی‌الخوزی : ۹۳

محمدبن‌عمر بن‌کمامروا (؟) : ۱۶

- محمد شاه الطبال : ۱۹۶
 محمد بن عمر عمویه : ۱۷۷
 محمد بن عمر بن محمد الفضلی قاضی القضاة بغداد (قاضی بغداد) : ۲۵۲ ، ۲۵۴ ، ۲۵۶
 محمد بن عمر النجار : ۱۹۹
 محمد بن الغیث الحسینی = جلال الدین محمد الفخار : ۱۹۶
 محمد بن القاسم [الحاج -] : ۸۷ ، ۸۸ (سه بار) ۸۹ (سه بار) ، ۹۶ ، ۹۸
 محمد بن کما بر وا (؟) : ۱۶
 محمد اللواف [شیخ -] : ۱۷۵
 محمد بن محفوظ = امین الدین محمد بن محمد بن محمود : ۱۷۱
 محمد بن محمد بن محمود بن ابی العباس ابوالکرام : ۲۵۹
 محمد بن محمود بن ابراهیم [بن] منصور : ۸۷
 محمد بن محمود بن ابی سعد : ۱۸۴
 محمد بن محمود بن اسفیدوک (؟) : ۱۸۶
 محمد بن محمود بن منصور : ۹۴
 محمد بن محمود الفهرجی : ۱۹۸
 محمد بن محمود الکشی : ۹۸
 محمد مرزبانی : ۱۰۰
 محمد بن مسعود : ۱۸۶
 محمد بن مسعود الشیرازی : ۲۵۶
 محمد بن موسی : ۱۸۱
 محمد بن یوسف بن محمد : ۱۸۶
 محمد کسک (؟) : ۹۸
 محمود الابرقوهی [امیر -] : ۲۵۳
 محمود بن ابی بکر یوسف : ۹۹
 محمود بن احمد : ۱۷۸
 محمود بابوک : ۴۶
 محمود بن الحاجی : ۱۷۳
 محمود بن الحسن : ۱۷۸
 محمود البخاز : ۱۵
 محمود بن سعد : ۱۸۱
 محمود الطحان : ۱۸۶
 محمود بن علی بن محمود : ۱۷۲
 محمود بن القاسم : ۸۶
 محمود کافی : ۱۷۸
 محمود الکوسج : ۱۹۶
 محمود بن مبارکشاه [شیخ -] : ۱۵۰
 محمود النجار : ۱۷۷
 محمود بن محمد : ۲۵۰
 محمود بن محمد بن احمد : ۱۷۸
 محمود بن محمد بن الحسن [الحاج -] : ۱۷۲
 محمود بن محمد بن محمد [الشیخ -] : ۱۸۵
 محمود بن محمد بنجیر : ۱۷۹
 محمود بن محمد شاه بن محمود بن الحسن الاردستانی : ۲۵۴
 محمود بن محمد الفهرجی : ۶۰
 محمود المیدی : ۱۷۱
 محمود المجومروی : ۱۹۶
 محمود بن یوسف : ۱۳۴
 مسعود بن محمود بن ... [الحاج -] : ۲۰۵
 مسعود بن محمود المقدم : ۱۷۹
 مظفر کرداور (؟) [الحاج -] : ۱۹۷
 مغولناه (؟) : ۱۵۰
 مغلتان : ۲۴
 مغلتای بن عبدالله التركي : ۱۹۶ ، ۱۹۷
 مغلتای بن عبدالله عتیق [سیف الدین -] : ۷۴ ، ۱۰۹ ، ۱۱۵ ، ۱۵۰ ، ۱۵۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۰ ، ۱۶۲ ، ۱۵۱
 مغول : ۷۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۰ (دوبار) ، المغولیات : ۷۱ ، ۱۵۰ ، ۱۵۴
 مغولین : ۱۱۷
 مفتاح : ۱۵۴
 مفتاح الاتابکی [خواجه -] : ۱۶
 مقدم بن علی : ۶۵
 ملک الخواص غلتای (؟) [امیر -] : ۷۱ (دوبار)
 منصور بن الحسن السکوک : ۹۱

نظام‌الدین عبدالقادر بن علی‌شاه البزاز :

۱۷۶

نظام‌الدین علی رئیس‌ان [الحاج-] : ۱۳۲

و

وزیر الموسوی‌العریضی = عملی محمد

ه

الهندیین (هنود ، الهندیون) : ۱۴۸، ۱۵۰

(دوبار) ، ۱۵۴

ی

یحیی بن علی بن احمد : ۱۶

ینکتکین (ظ : ینلتکین) : ۷۱

یوسف : ۷۱

یوسف [الحاج -] : ۶۶

یوسف بن محمد بن القاسم : ۱۳۴

منصور بن محمود بن عبید : ۹۷

منکلی بوقا : ۱۵۰ ، ۱۵۴

موفق بن قوام‌الدین مسعود بن شاپور : ۹۶

مهدی جراقی (?) : ۷۶ (شاید منسوب

به حراق باشد که در اعلام امکنه از

آن ذکر می‌رود .)

مذهب‌الدین محمد النوقی : ۱۸۰

المهنی (?) بن الحسین المهنی (?) الحسینی :

۲۰۸ میمون : ۷۱

ن

نجاح المیبدی : ۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳

نائینی = شمس‌الدین محمد شاه

نجم‌الدین محمود بن محمد : ۱۸۰

نجیب فیروز آبادی : ۳۴

نظام بن سعید بن عمر البخاری : ۲۰۳ ، ۲۰۷

فهرست جغرافیایی

امذه (۴) [قناة -] : ۱۰۳
 اوقات والساعات [الرصد -] : ۲۷ ، ۱۲
 اهرستان : ۴۹ ، ۸۲ ، ۸۵ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ،
 ۱۲۱ ، ۱۲۲ (دوبار) ، ۱۳۷
 اهرک : ۱۸۵
 اهرکان : ۱۲۵

ب

باب = درد ، = دروازه
 باب الجنبذه : ۱۶ ، ۹۹
 باب خان : ۱۰۰
 باب خانقاه : ۱۰۱ ، ۱۰۳
 باب دار اتابك : ۱۵
 باب دار جمال الدوله : ۱۸ (دوبار)
 باب دمه : ۱۹۸
 باب ريحانية : ۳۵
 باب قطريان : ۶ ، ۱۵ ، ۱۷ (دوبار) ، ۵۹ ،
 ۶۰ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۷۲ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶
 باب كوشك نو : ۶ ، ۳۵ ، ۷۲
 باب محمده ، ۱۷۰ (دوبار) ، ۱۷۲
 باب مسجد الجامع : ۲۰
 باب المصلى ، ۳۴
 باب النوساده : ۵ ، ۱۲ ، ۵۶
 بادين الجديده [قناة -] : ۱۴ ، ۹۴ ، ۱۷۴ ،
 ۱۹۶
 نادبر الجديده (۴) : ۱۴
 بارجين : ۸۵
 بازار خواجه محمود (سوق خواجه محمود) :
 ۴۰ ، ۶ (دوبار)
 بازار مجدالدين ابى المكارم الرضى : ۱۷۶
 (به سوق هم نگاه كنيد)
 باغ ابوعلی : ۱۷۰
 باغ ابى جعفر : ۱۸۱

ت

آسيای مبارکه : ۱۱۹
 آسيای نو : ۱۱۳ ، ۳۶
 آوه : ۱۴۷ ، ۱۰

الف

ابرقوه : ۸۰۷ (دوبار) ، ۹ ، ۳۶ ، ۴۴ ، ۴۵
 چهاربار) ، ۶۰ ، ۷۴ (دوبار) ، ۷۹ ،
 ۱۴۰ (سهبار) ، ۱۴۱ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵
 (سهبار) ، ۱۶۴ ، ۱۸۰ (دوبار) ۱۹۳
 ابرندآباد : ۶ ، ۹ ، ۱۹ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۶۱ ،
 ۱۲۸ (دوبار) ، ۱۳۰ ، ۱۷۴ ، ۱۷۷ ،
 ۱۸۸ ، ۱۹۹
 ابرندآباد [قناة -] : ۱۹
 ابوزيد آباد : ۷
 اتابكيه : ۹۲ (دوبار)
 احمدآباد : ۷۷
 ارحوك (۴) : ۱۳۴
 اردستان : ۷
 اردكان : ۱۱۲ ، ۱۳۲ (دوبار) ، ۱۳۴ ،
 ۱۹۵
 ارزندانان : ۱۰۴
 ارکان : ۱۲۶
 استاشاشاذ (۴) (ظ : استاشاباد) : ۱۱۹
 اسفنجرد : ۶۲ ، ۱۲۴ ، ۱۳۱
 اسفنجرد [قناة -] : ۱۹ ، ۶۲ ، ۱۲۴
 اشكندر : ۱۹۹ ، ۱۸۵
 اشكندر [قناة -] : ۱۸ ، ۶۱ ، ۱۳۱
 اصفهان : ۶ ، ۷ ، ۳۹ ، ۴۰
 اصل ناون (۴) : ۱۸۱
 اعلاه (۴) : ۱۸۳
 افرد باقى (۴) [قناة -] : ۱۳۲
 افرد نامى (۴) : ۱۳۴

- باغ دوسی (؟): ۱۸۵
 باغ درونی: ۱۹۶
 باغ دستوک: ۳۶
 باغ دولاب: ۱۱۱ (دوبار)
 باغ دهوک: ۶۶
 باغ رز: ۱۷۲
 باغ رشیدی: ۱۷۰
 باغ رضی: ۶۵
 باغ روجان: ۱۹۶
 باغ زاهدی: ۱۱۹
 باغ زرگران: ۶۵
 باغ ساباطکیا: ۱۷۰
 باغ سرای نو: ۳۳، ۶۷
 باغ سرنان (؟): ۱۷۸
 باغ سعیدابی بکر: ۷ (دوبار)، ۴۹ (دوبار)
 ۱۰۵
 باغ سلطان: ۱۵۱
 باغ سنقری: ۶۶
 باغ سید ابی طاهر: ۱۷۱
 باغ السید مبارکشاه: ۱۹۷
 باغ الشجاعی: ۴۹
 باغ شرف الدینی: ۴۹، ۱۸۶
 باغ شهداری: ۱۸۶
 باغ صاین: ۱۷۰، ۱۷۱ (دوبار)
 باغ ظهیرشاهی (باغ الکبیر): ۱۱۱، ۱۱۲،
 ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۸۶
 باغ عرانوک (؟): ۱۸۶
 باغ علا: ۳۵
 باغ علوی: ۱۹۷
 باغ غلتک: ۱۹۸ (دوبار)
 باغ غیران: ۱۸۴
 باغ الفخارین: ۳۵
 باغ فروند خاکستری (؟): ۶۶
 باغ قاضی: ۱۸۱ (دوبار)
 باغ کافی: ۱۷۳
 باغ الکبیر = باغ ظهیرشاهی
 باغ کلاه دوزی: ۱۹۶
- باغ احل (؟): ۱۸۳
 باغ احمدک: ۱۷۵
 باغ اران: ۱۹۵
 باغ اسحاقی: ۷۱
 باغ اسفهلاری: ۱۱۹
 باغ امیرسام: ۱۱۹ (دوبار)
 باغ امیری: ۶۶، ۱۹۶
 باغ انگبین: ۱۹۹
 باغ ایوان ملک: ۱۸۶ (دوبار)
 باغ ساسا (؟): ۱۷۰
 باغ سمد (؟): ۱۱۹
 باغ بدرالدینی: ۱۱۹
 باغ بزرگان مطرب: ۱۷۱
 باغ بلوک: ۱۹۷
 تاغ بن: ۱۷۴
 باغ بن چنار: ۱۸۴
 باغ بوراه (؟): ۱۸۴
 باغ بهاءالدین: ۱۹۷
 باغ پشت جوی: ۱۸۴
 باغ پهلوان همدانی: ۱۷۵
 باغ تخته: ۷۱
 باغ بحه الشحور (؟): ۱۸۲
 باغ توت سیاه: ۱۸۰
 باغ الجدید = باغ نو
 باغ جلال: ۱۷۵
 باغ جمال (بستان جمال محمد شاهی): ۷۶،
 ۷۷، ۹۶
 باغ جمال الدوله: ۶۵
 باغ الحاج ابی بکر: ۱۷۵
 باغ حاجی میره: ۷۷
 باغ حساس (؟): ۱۹۶
 باغ خان: ۱۹۹
 باغ خراسان: ۱۷۸
 باغ خلف خان: ۲۰۰ (دوبار)
 باغ خوانین: ۱۹۸
 باغ خویدانه: ۱۹۶ (دوبار)
 باغ دارکان: ۱۹۶، ۱۹۷

بوره (نوره؟) : ۱۸۳ ، ۱۹۴
 بونصر : ۱۷۸
 بهروك = راس سكة بهروك
 بهنام [قناة-] : ۲۰ ، ۱۰۲
 بیق نو : ۱۷۷

ب

پای طاق : ۱۷۵
 پای منار : ۱۷
 پشت باغ : ۱۱۳ (دوبار)
 پشت کاریز کیلان : ۱۰۱
 پشت کوهك : ۹۸ (دوبار)
 (به خلف هم نگاه کنید)
 پنج دست [صحراء-] : ۹۵

ت

تاج آباد : ۴۵ ، ۸۶
 تاج آباد [قناة-] : ۱۷۳ ، ۱۷۴
 تبریز : ۹ ، ۱۴۷ (دوبار)
 تختة ابي سعدی : ۱۸۴
 تختة اردكان : ۱۸۴
 تغار : ۱۷۹

تفت : ۶ ، ۱۳ ، ۱۵ (دوبار) ، ۱۹ ، ۳۲ ، ۳۳
 (دوبار) ، ۳۹ ، ۴۹ (سه بار) ، ۶۲ ، ۷۲ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۹
 (سه بار) ، ۱۴۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۴ (سه بار) ، ۱۷۶ ، ۱۸۱ ، ۱۸۳
 (دوبار) ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۹ ، ۱۹۷

توران پشت : ۸۶ ، ۹۶ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۹۴ (دوبار)
 تهكنبه (؟) مظفر : ۳۴

ج

جامع شهرستان : ۱۷۵
 الجامع العتيق : ۸ ، ۳۲ ، ۱۱۸
 (به مسجد هم نگاه کنید)

باغ گرمابه : ۱۷۸
 باغ محمد علی : ۱۷۹
 باغ مصلحي : ۱۹۷
 باغ صلن (؟) : ۱۱۳
 باغ ملکا : ۱۷۰
 باغ موفق = (سرکوچه باغ موفق ، کوچه باغ)

باغ مهدی : ۱۹۷
 باغ نجیب : ۱۹۶
 باغ نو (= باغ الجديد) : ۲۶ ، ۱۰۰ ، ۱۸۰ ، ۱۸۶

باغ وقف : ۱۸۰
 باغ هرون : ۱۷۸
 باغ همیونی : ۶۵
 باغ هندل : ۱۷۲
 باغ سرارسی (؟) : ۱۷۰
 بالاحصار القدیم : ۷۷

بدر (؟) : ۱۱۳
 بدر آباد : ۱۷۷ ، ۲۰۰ (دوبار)
 بدر آباد [قناة-] : ۱۳۲
 بردوك : ۱۷۸

بستان جمال محمدشاهی = باغ جمال
 بستان الحاجی العصار : ۱۷۳

بستان زاغان : ۱۷۸
 بستان فیلملکی (؟) : ۷۶ (دوبار)

بستان کوشك : ۷۶

بستان مجدالدینی : ۷۵

بستان محمد بن ... : ۱۷۸

بستان المعری (بلعری) (؟) : ۷۶ ، ۷۷

بغداد آباد : ۲۰ ، ۱۰۴

بفرویه : ۱۷۷

البقعة الشمسية : ۱۱۵

بلعری = بستان المعری

بند : ۱۰۱

بندر آباد : ۱۸ ، ۶۲ ، ۱۷۷

بندر آباد [قناة-] : ۱۸ ، ۱۳۱

بودستان : ۷۵

خانه حاجی فیمازا (؟) : ۱۰۵
 خانه محکمہ : ۱۵
 خبازخانه : ۱۷۳
 خراسان : ۱۲۹
 خرائق : ۱۲۹ (دوبار) ، ۱۸۳
 خرائق [خانقاه -] : ۹
 خسرو پرویز (حسروبر) : ۱۸۲، ۱۰۴
 (به چهار دیه نیز نگاه کنید)
 خشکباد [قناة حسکان؟] : ۱۰۲، ۲۰
 خوارزم : ۱۴۸
 خوردان : ۸۰
 خورمیز : ۱۹۸، ۶۴
 خورمیز [قناة -] : ۱۰۰، ۶۲، ۲۰
 خوقند : ۱۳۸
 خویڈک : ۲۱
 خیرآباد : ۱۰۳
 خیرآباد [قناة -] : ۱۹۵

د

دارالادویة (بیت الادویة) : ۴۳، ۳۹، ۶
 ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۸۸، ۸۵، ۴۴
 دارالحدیث : ۶، ۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳،
 ۱۶۵، ۱۴۶
 دارالسلخ : ۱۰۶
 دارالسیادة : ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۰۶، ۴۹، ۸
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۳،
 ۲۰۱، دارالسیاده الشمسیة : ۱۱۴،
 ۱۱۷، ۱۵۰، ۱۵۴
 دارالشفاء : ۶، ۲۷ (دوبار) ، ۲۸، ۳۲
 ۱۷۶
 دارالضیافة النظامیة : ۶۰، ۶۷، ۸۲، ۶۹
 دارالکتب : ۵، ۶، ۳۹، ۸۵، ۱۰۸
 ۱۰۹، ۱۹۱، ۱۹۳
 درب آسیا : ۷۷
 دراعلی : ۷۷ (درب = باب = دروازه)
 درب جدید : ۱۱۹
 درب جوی محمود الخباز : ۱۵

جمال : ۱۰۰

جمال الدولة : ۱۹، ۱۹۷
 الجنبه الكبير : ۸، ۱۳
 جوشقان : ۷۸، ۱۳۹
 جوگند = زبرقند

چ

چاه کرک : ۱۲۸، ۱۹۹
 چناروک : ۱۸۲
 چهار دیه : ۱۰۷، ۱۸۲، ۲۰۵
 چهار دیه [قناة حروبر؟] : ۱۸، ۶۲،
 ۶۴، ۱۲۸، ۱۳۱
 چهار صفة غیائی : ۱۸۸

ح

حال کر(؟) : ۱۴۰
 حامد آباد : ۱۴۰
 حراق : ۶۵
 حمام قاضی : ۱۵
 حملان(؟) : ۱۸۲
 حوض خانه غیائی : ۱۷۳
 حوسلوک(؟) : ۱۷۹
 حوهلوک(؟) : ۱۸۱

خ

خان امیر بقیه مور(؟) : ۴۱
 الخان جدید : ۴۰، ۴۱
 خان الحلاجان [الحلاجین] : ۱۷، ۱۷
 خان رضی : ۱۸
 خان سعد ارویه(؟) : ۱۵
 خان سکه : ۱۱۹
 خان القاضی : ۹۹
 الخان القطبی : ۱۷
 خان کمال کاشی : ۱۷۶
 خانقاه خضر : ۳۴
 خانقاه الرشیدیة : ۱۵، ۱۶، ۱۷
 خانقاه شمسیة : ۹، ۱۱۵، ۱۵۴

درب قطریان = باب
 درب کودر زاد(؟) : ۷۹
 درب کوررای(؟) : ۷
 درب کوشك : ۹۸
 درب کوشك نو = باب کوشك قطریان
 درب مهریجر د : ۵، ۱۵، ۳۲، ۳۳ (دوبار)
 ۳۷، ۱۲۳، ۱۷۶

درجاز(؟) : ۵۰
 درخان سكة : ۱۷۵
 در دشت : ۱۸۳
 در سمر(؟) : ۱۸۳
 درك : ۱۱۳

دروازه بازار : ۶
 دروازه لهجان(؟) : ۹
 دستجردوك : ۸۵

دوبید : ۱۸۱
 دولت آباد [طاحونئ-] : ۱۷۶
 دهاباد : ۱۷۳

دهاباد [قناة-] : ۱۴، ۶۴، ۱۰۲، ۱۹۸
 دهورك : ۳۵، ۱۱۲، ۱۷۹
 دهورك [قناة-] : ۶۱، ۱۱۹، ۱۲۳

ر

رئیساباد : ۱۴۰
 رئیس : ۱۳۳، ۱۳۴
 رئیس زین : ۱۳۳

رأس الرمل = سرریگ
 الرباط الحطری(؟) : ۳۶
 رباط قاضی بندار : ۱۲۴

رباط مجومرد : ۱۸۴

ربع رشیدی : ۹، ۱۴۷

الرحی(؟) : ۷۸ (دوبار)

رستاق : ۱۹ (دوبار) ۲۵، ۳۶، ۱۰۴،
 ۱۱۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۷۷ (دوبار) ،

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۷

رسحان(؟) : ۱۰۴

رسك مد(؟) : ۱۰۱

رسون(؟) : ۱۳۳
 ركناباد : ۱۰۱ (دوبار)
 ركنیه [خانقاه-] : ۴۶۷
 رودول(؟) : ۹۷
 الروضة المرشدية : ۱۴۶

ز

زارج : ۱۲۸
 زارج [قناة-] : ۱۲
 زارج [نهر-] : ۱۷۶
 زبرقند (جوگند) : ۱۰، ۱۳۷، ۱۳۹
 زیر کیهان(؟) : ۹۷

س

ساباط اتابکی : ۱۷۰
 ساباط کیا : ۱۷۴
 ساباط محیی الدینی : ۱۷۰
 سانیه : ۱۸۳

سدجان [قناة-] : ۴۵
 سدجان [نهر-] : ۴۵
 سرآسیا : ۱۰۳

سرابستان : ۳۵

سراسون(؟) : ۱۰۰

سرای اتابکی : ۳۲

سرای جمال الدولة : ۳۲، ۶۵

سرباغ : ۹۵

سرپول : ۶۰

سرحانی(؟) : ۱۸۳

سرریگ (محله رأس الرمل) : ۳۴، ۳۷،

۹۹، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹

سرریگ [خانقاه-] : ۶

سرسنگ : ۴۵

سرکوچه : ۱۸۰

سرکوچه : ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۸۸

سرکوی : ۱۱۳

سرکز(؟) : ۷۷

سرمیان(؟) : ۶۵

طیننج: ۱۹۳ (دوبار)

ع

عراق: ۱۰

عز آباد: ۱۱۲

عز آباد [قناة-]: ۶۳، ۱۳۱

عضد آباد [قناة-]: ۱۱۹

عقدا: ۹، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۵۰

۱۵۱، ۱۶۰، ۱۸۸

عقدا [خانقاه-]: ۹

عیرانوک (؟): ۱۸۶ (دوبار)

ف

فتح آباد: ۱۸۲

فتح آباد [قناة-]: ۴۵، ۱۸۲

فخر آباد: ۴۵

فراشاه [قناة-]: ۱۷۵

فراشاه: ۱۵، ۱۹، ۳۱، ۴۹، ۶۵، ۸۵، ۸۶ (دوبار)، ۱۱۲، ۱۷۴ (دوبار)،

۱۸۳، ۱۹۹ (دوبار)

فرافتر [قناة-]: ۶۳، ۱۰۴

فوائد (؟): ۱۴۰

فهرج: ۲۰ (دوبار)، ۶۲، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۷۷ (دوبار)

فیروز آباد: ۸۵ (دوبار)، ۱۹۹

فیروز آباد [قناة-]: ۱۰۴

ق

القصر المورج (؟): ۵۱

قم: ۱۰، ۱۴۷، ۱۴۸

قناة اب: ۱۴، ۶۱، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۳

قناة امیری: ۱۴، ۱۲۶، ۱۸۵

قناة حوردن (؟) اشکندر: ۱۳۱

قناة حارحا (؟): ۱۳۲

قناة حروریر = (؟) چهاردیة

سریزد [قناة]: ۲۰، ۶۴

سعد آباد: ۷۴، ۱۴۰، ۱۴۹

سعد آباد [قناة-]: ۱۴، ۷۱ (دوبار)، ۷۲، (دوبار)، ۱۰۳، ۱۵۱، (دوبار)،

۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴

سکه بهروک (= بهروک): ۸۲، ۴۹، ۸۲، (دوبار)، ۸۵، ۱۲۱، ۱۲۲ (دوبار)

۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۷۲،

۱۸۸، ۱۹۱، ۲۰۱

سکه روزنهان (؟): ۱۷۸

سکه عقبلان: ۹۹

سلم (؟): ۱۳۳

سوبوک (؟): ۹۰

ال-سور: ۳۴

سورنجان [قناة سوربختان (؟): ۲۰، ۱۰۲،

سورونه (؟): ۱۳۴

سوسوبین (؟): ۱۳۵

سوق الامیر السعید بائلاق (؟): ۴۰

سوق الجدید: ۳۹، ۴۰

سوق خواجه محمود = بازار خواجه محمود

سوق الصرافین: ۱۷

سوق العسکر: ۴۰، ۴۱ (دوبار)

سوق القصابین: ۱۶ (دوبار)

سوق الکبیر: ۸، ۳۲، ۹۹، ۱۱۸، ۱۲۳

(به بازار هم نگاه کنید)

ش

شمساباد: ۱۲۷، ۱۷۷، ۱۸۳ (سه بار)

شمس آباد [قناة-]: ۱۹، ۱۳۱

شوبوک بازار امسان (؟): ۱۱۳

شهاباد: ۱۸۳

ط

طاحونة ترسای: ۱۷۳

طاحونة الجدیدة = آسیای نو

طاحونة شرف شاه: ۱۹۸

طامهر (؟): ۱۱۹

کشنویه [قناة-] ۱۴، ۶۱، ۶۴، ۱۰۲ (دوبار)

۱۰۳، ۱۳۲، ۱۷۵، ۱۹۷

کدساره (؟) : ۹۴

کدوک : ۱۰۱

کراسان : ۱۱۳

کردآباد : ۱۹۵

کرمان : ۶۶

کریمآباد : ۱۴۰

کسان نویندی (؟) : ۱۰۰

کفر : ۱۰۰

کفروک : ۱۸۱

کفرسا (؟) : ۱۰۱

کمغان : ۹۱ (سه بار)

کناروار : ۱۰۱

کله : ۱۷۲، ۷۸

کنارییق : ۱۸۴

کوچه آسیا : ۱۱۱

کوچه باغ موفق : ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۷

کوچه خشکباد : ۱۸۱

کوچه بیلوک (ظ : پهروک) : ۱۷۹

کوچه عباسان : ۱۹۹

کوچه موفق = کوچه باغ

کوچه پهروک = رأس سکه بهروک

(به سکه هم نگاه کنید)

کودمه (؟) : ۱۷۶

کورا روک (؟) : ۱۳۵

کوشک ظهیر شاهی : ۱۱۱

کوشک نو [محلّه] : ۳۸.۳۵

کهنه [قناة-] : ۱۳۱

کیل : ۱۰۰

گ

گرد فرامرز : ۳۶، ۱۹

گلوگاه : ۱۰۱

گور سرخ : ۹۱، ۹۲، (پنج بار) ، ۹۳

(چهاربار)، ۹۵ (سه بار)

قناة حصرن (؟) : ۱۸۵

قناة حس (؟) : ۸۰

قناة خرنز : ۴۷

قناة خلیلی : ۱۴، ۶۰، ۶۴، ۱۲۳،

۱۷۴

قناة رئیس الدینی : ۱۵، ۳۳، ۴۹، ۸۵،

۱۱۲

قناة سفا (؟) : ۸۴

قناة شور : ۱۱۹

قناة شیرین : ۱۳۲، ۱۳۳ (سه بار) ، ۱۳۴

۱۳۵

قناة عتیقه (مجمرد) : ۱۸

قناة کوچه عباسی : ۱۷۴

قناة مبارکه : ۱۴، ۶۱، ۳۱۹، ۱۴۹، ۱۵۳

۱۵۴

قناة محمدیه : ۱۹

قناة مدومه (؟) : ۱۴۰

قناة مشترك ۱۹۸

قناة نوتفت : ۱۷۴، ۱۹۰، ۱۹۹

قناة ورزخان (وررحان) : ۴۷، ۹۲۶

قناة یعقوبی : ۱۳، ۶۰، ۱۲۶، ۱۷۴،

۱۷۵

قناة سادور (؟) : ۱۴۰

قه : ۶۷

قهستان یزد : ۶، ۱۹ (دوبار) ، ۳۱، ۴۹،

۵۰، ۶۲، ۶۵، ۱۳، ۱۷۵، ۱۸۳

(پنج بار)

ک

کارانسرای ایازی : ۱۱۸، ۸

کاروانسری القاضي : ۶

کارین سرباغ : ۹۴

کارین کوچه عباسان : ۱۹۹

کازرون : ۱۴۶، ۸ (دوبار) ، ۱۶۵

کاشان : ۷، ۶ (دوبار) ، ۷۵، ۶۰ (دوبار)

۷۹، ۷۸ (دوبار) ، ۱۲۵، ۱۸۸

کشنویه : ۱۷۵

- مزرعه بوره : ۱۹۴
 مزرعة بیشوک : ۱۹۴
 مزرعة درازه : ۱۹۴
 مسجد الانماطی : ۴۰
 مسجد باغ سرای نو : ۶۹،۶۷،۶۰،۵
 مسجد پدک (پدک؟) : ۳۴
 مسجد پای درخت ، ۳۴،۳۳،۵
 مسجد جامع : ۸۰،۵ (سه بار)، ۱۷،۱۶، ۳۳،
 ۹۳ (دوبار) ، ۹۷،۹۴ ، ۱۰۰ ، ۱۲۳،
 ۱۷۳ ، ۱۴۵
 المسجد الجامع الجديد : ۳۲
 مسجد خضر : ۳۴،۳۳
 مسجد خواجه محمود : ۴۰
 مسجد درسای : ۱۰
 مسجد درب مهریچرد :
 مسجد زبرجان (؟) : ۸۸
 مسجد سرای زیر : ۸۷ (دوبار) ، ۹۹
 مسجد السدید : ۴۱
 مسجد سور : ۶۹،۶۷،۶۰، ۳۴
 مسجد شیخ ابی اسحق ابراهیم بن شهریار
 الکزرونی : ۹
 مسجد شیخ احمد : ۵
 المسجد الفوقانی : ۸
 مسجد قاضی : ۸۶
 مسجد لوح : ۱۴۵، ۱۴۴، ۸
 مسجد مصلى عتيق : ۶۷،۶۰، ۴۳، ۵
 ۶۹
 مسجد المصلی الكبير : ۵
 مسكرتان (مسكوتان؟) : ۱۰۲، ۲۰
 مكر (؟) : ۹۱
 مكرم آباد [قناة-] : ۴۰
 مکه : ۴۱، ۲۹، ۱۱
 ملك آباد : ۱۳۴، ۱۸
 ملك آباد [قناة-] : ۱۳۱
 ملكی : ۱۳۴
 موتک جوی (؟) : ۱۰۱
 موعبداللهی (؟) : ۱۳۴
 مهمدی (؟) : ۱۳۴

ل

- لاچین : ۷۷، ۷۶
 لومکین (؟) [قناة-] ، ۴۵

م

- مادهوک (؟) : ۱۹۶
 مانماوحدسا (؟) : ۱۰۲
 مجدآباد [قناة-] : ۱۵۰، ۹۹
 مجمورد : ۱۲۴، ۶۳، ۳۹، ۳۶، ۱۸، ۹۰، ۶
 (دوبار) ، ۱۸۴، ۱۳۱، ۱۸۸
 محله باب ریانا (؟) : ۱۹۵ (دوبار)
 محله دارالحديث : ۴۰
 محله رأس الرمل = سرریگ
 محله صالحان : ۱۷۸
 محله سادة : ۱۹۵
 محمودآباد [قناة-] : ۱۹۹
 محمودآباد شاهی : ۱۷۴
 مدرسه اناخانیة : ۶۵ (دوبار)
 مد سة الرشیدية : ۱۷
 مدرسه رکنیه : ۱۵، ۱۲، ۶، ۵ (سه بار)،
 ۱۷ (دوبار) ۳۲ (دوبار) ، ۳۷، ۳۳،
 ۳۶، ۳۹ (دو بار) ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱،
 ۵۶ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۷ (دو بار) ، ۶۸،
 ۷۰ ، ۷۲ ، ۷۳ (دو بار) ، ۷۹ ، ۸۲
 (سه بار) ، ۱۶۸
 مدرسه شمس الدین دامغانی : ۳۵
 مدرسه الشمسية : ۱۵۴، ۱۲۴
 مدرسه العصمتية : ۳۹
 المدرسة المحمود شاهية : ۱۷، ۱۲، ۵
 (دوبار) ۵۶
 مدینة : ۴۱، ۲۹، ۱۱
 مذوار : ۱۷۳
 مذویرآباد : ۱۹۷، ۱۰۴، ۱۰۱، ۲۰
 مذویرآباد [قناة-] : ۱۱۲، ۶۱، ۳۲، ۱۸
 ۱۲۸
 مرو : ۱۳
 مریاباد [قناة-] : ۱۷۴، ۱۰۲، ۶۴، ۶۰

۱۳۹ (دوبار)، ۲۷۱، ۱۸۸

نیستان : ۹۹ (دوبار)

نیستانه : ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۸۵، ۹ : ۱۳۹

و

واظهری (؟) : ۱۸۵

وجودآباد (رحردآباد ؟) : ۱۸۱، ۱۸۵

وزدیرك (؟) : ۱۳۳

وقفاپاد : ۳۱

ومرام (؟) : ۸۹

ه

هفتادر : ۱۳۵

همدان : ۷۸

هوحدك (؟) : ۱۳۳

ی

یزد : ۵، ۶، ۷، ۸ (چهار بار)، ۹،

۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۹ (دوبار)، ۲۰،

(دوبار) ۲۹ (دوبار)، ۳۲ (دوبار)،

۳۳، ۴۹، ۵۶، ۵۹، ۶۰ (دوبار)،

۶۴، ۶۵ (دوبار)، ۶۷، (سه بار)،

۷۱، ۷۲ (چهار بار)، ۸۲ (پنج بار)

۸۵ (دوبار)، ۱۰۳، ۱۰۴ (دوبار)،

۱۰۶، (سه بار)، ۱۰۸، ۱۱۱ (سه بار)،

۱۱۲، ۱۱۴ (دوبار)، ۱۱۷، ۱۱۸،

(پنج بار)، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ (دوبار)،

۱۲۲، ۱۲۳ (دوبار)، ۱۲۴، ۱۲۵،

۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰ (دوبار)،

۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹ (دوبار)، ۱۴۹،

(دوبار)، ۱۵۰، ۱۴۲، ۱۵۳ (دوبار)،

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷،

۱۶۸، ۱۷۰ (دوبار)، ۱۷۳، ۱۷۷،

(سه بار)، ۱۸۲، ۱۸۳، (دوبار)، ۱۸۴،

۱۸۴، ۱۸۶ (دوبار)، ۱۸۸ (دوبار)،

۱۹۱، ۱۹۴ (دوبار)، ۱۹۵ (سه بار)

۱۹۶ (دوبار)، ۱۹۷ (چهار بار)،

مهرآباد : ۴۰

مهریادین (= مهریادین)، ۲۰، ۱۰۴، ۱۷۳

مهرروی (؟) : ۱۳۳

مهریچرد : ۲۰ (سه بار)، ۲۱، ۶۲ (دوبار)

۶۴، ۶۵ (دوبار)، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴

(چهار بار)، ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۶،

۱۹۷، ۱۹۸

مهریزد : ۱۰۴

میان دواصطرخ : ۹۶

میان راه : ۱۰۱

میبد : ۸۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳ (دوبار)، ۱۰۴،

۱۳۲ (سه بار)، ۱۷۷، ۱۸۲

میل قم : ۱۰

ن

نائین : ۷، ۹، ۴۶، ۷۹، ۸۵، ۱۲۵، ۱۲۶

(دوبار)، ۱۲۷، ۱۸۸، ۱۹۴،

ناوآخانه علیشاه الخباز : ۹۹

نبدان [صحرا] : ۱۴۵

نبدان [قناة] : ۱۴۵، ۴۵

نرسان (؟) : ۱۹۸

نرسوآباد : ۸۶

نرسوآباد [قناة] : ۱۳، ۶۱، ۶۴، ۱۲۳

ناسوری (؟) : ۱۷۹

نصرآباد : ۱۱۳

نصرتآباد : ۷۷

نصرتآباد سادات : ۱۴۵

نصیری : ۱۳، ۱۵ (دوبار)، ۳۳، ۳۲ (دوبار)

۴۹ (دوبار)، ۷۲، ۸۵، ۸۶ (دوبار)،

۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۱ (دوبار)، ۱۱۲،

۱۱۹ (سه بار)، ۱۴۹، ۱۷۵، ۱۷۱، ۱۷۴

(دوبار)، ۱۷۶، ۱۸۳ (دوبار) ۱۹۵

۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹

نطنز : ۷، ۱۰، ۱۳۸، ۱۳۹ (دوبار)

نهر باغ : ۱۱۳

نهفته (؟) : ۱۸۲

نهنگند : ۹، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸ (دوبار)

نیرابحتر(؟) : ۹۳ ، ۹۴ (دوبار) ، ۹۵

اصلاحات

اینجو جلالی : ۸۶ ، ۸۷ (دوبار) ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۸

اشترخان : ۲۰۰

جامع الخیرات : ۱۱

جرة : ۱۴ ، ۱۹ ، ۲۰ (دوبار) ، ۴۳ ، ۶۴ ، ۸۶ ، ۱۰۳ ، ۱۴۹ ، ۱۸۵ ، ۱۸۶

جریب شربی : ۲۰ ، ۶۲ ، ۶۵ ، ۷۶ ، ۱۰۴

درهم سلطانیة طلمغیة : ۲۲ ، ۳۸ ، ۱۰۷

۱۲۸ ، ۱۴۶ ، ۱۴۹

سیو : ۱۳۱

شبانروز (شبانروز است، نصف شبانروز) :

۴۶ ، ۴۷ ، ۶۳

طسوج : ۴۵ ، ۶۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۳۲

طشت : ۱۹ ، ۲۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۴ ، ۱۰۳

۱۰۵ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۷۷

القفیذ (اقفزة) : ۲۰ ، ۶۲ ، ۶۴ ، ۶۶

۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۸۷

الکریاس بالمالبی سلع(؟) : ۲۵

کشخوان : ۷۳ ، ۹۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۲۰۰

۱۹۸ ، ۱۹۹ (دوبار) ، ۲۰۵

یزدآباد [قناة -] : ۱۴ ، ۶۱ (دوبار) ،

۶۴ ، ۱۰۲ ، ۱۱۹ ، ۱۲۳ ، ۱۹۸

یسوک : ۱۳۴

اسماء غیر قابل قرائت

سا : ۱۸۳

دمم : ۱۴۰

بدروک : ۱۳۳

براسویہ : ۱۸۱

حیفش (؟) : ۴۷

سان : ۹۷

راه نسوانه : ۱۳۳

ریلوک : ۱۳۲

ریدین : ۷۸

سحبایاد : ۲۰۰

ملوک : ۱۷۷

سعبوک : ۱۳۳

سسان : ۱۸۰

عرجمار(؟) : ۹۳

فرره : ۱۲۴



انتشارات فرهنگ ایران زمین

کتابها

۱- فرهنگ لارستانی: تألیف احمد اقتداری،

با مقدمه استاد ابراهیم پورداود . ۱۲۰ ریال

۲- تاریخ کاشان: تألیف عبدالرحیم ضرابی

متخلص به سهیل، بکوشش ایرج افشار.

(چاپ دوم در دست طبع است)

۳- فرهنگ بهدینان (زردشتیان): گردآوری

جمشید سروش سروشیان، بامقدمه ابراهیم پورداود،

بکوشش منوچهر ستوده . ۱۰۰ ریال

۴- فرهنگ کرمانی: گردآوری و تألیف منوچهر

ستوده . ۱۵۰ ریال

۵- دورسالة در آثار علوی - الرسالة السنجریه

فی الکائنات العنصریه، تألیف زین الدین عمر ساوجی.

۲- رساله در آثار علوی تألیف محمد بن مسعود (دو

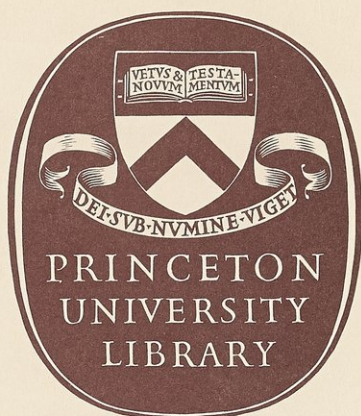
متن فارسی قرن ششم هجری)، بکوشش محمد تقی

دانش پژوه . ۱۰۰ ریال

۷- فرهنگ لغات عامیانه: گردآوری سید

محمد علی جمال زاده، بکوشش محمد جعفر محبوب.

(زیر چاپ)



Princeton University Library



32101 077955084